رستاخیز کارگران

دوشنبه بیست و هفتم بهمن ماه ۱۳۵۴ 7 شماره هفتم بها: ده ریال

زنان همکام
با مردان کارگر،
در راه پیشرفت صنعت کشور

برای رفع خستگی کوکا کولا بنوشید

کوکا کولا

تکزاس

آسایشی که سراسر زمستان
درهمه جا همراه شماست.

تکزاس کاملترین کفشی است که تا کنون پوشیده اید.
کف مخصوص تکزاس از لغزیدن شما بر روی یخ
و برف جلوگیری میکند و مانع نفوذ آب و سرما
به داخل کفش میشود.
در عین حال، تکزاس بسیار زیبا و
راحت است و شمامیتوانید آنرا
در همه جا بپا داشته باشید.

تکزاس را در فروشگاه های کفش بلا ببینید
با زمستان مهربانتر میشوید

COLLECTION OF TAMEREN FOUNDATION

رستاخیز کارگران

نشریه حزب رستاخیز ملت ایران، این نشریه ماهی دوبار منتشر میشود

دوشنبه بیست و هفتم بهمن ماه ۲۵۳۶، شماره هفتم

مدیر مسئول: محمد حسین کردبچه

نشانی: خیابان وصال شیرازی — چهارراه بزرگمهر

تلفن: ۶۶۶۰۴۴ — ۶۶۷۱۵۹ — ۶۰۷۹۹

هیئت تحریریه: ۶۶۳۷۵۵

آنروزکه شاه با کارگران سخن میگفت

سخنان ساده وبی‌پیرایه، درعین‌حال بسیار عمیق وآموزنده‌ای که روزششم بهمن، شاهنشاه خطاب به کارگران بیان فرمودند، یکبار دیگرسنت‌های اصیل (همیشه ماندگار) انقلاب شاه‌وملت را زنده کرد ویکبار دیگر نشان داد که انقلاب ایران به‌ثمر رسیده است...

دربسیاری ازنوشته‌ها وگفته‌ها، سخن ازلزوم به‌ثمررسانیدن انقلاب، واز لزوم مقدمه‌سازی برای رسیدن به تمدن بزرگ بمیان میآید، ولی آنروز، همگان دیدیم که انقلاب شاه‌وملت بدون تعارف به‌ثمر رسیده، که هرچه‌زمان بگذرد بازهم پرثمرتر وباروتر خواهد شد...

آنروز شاهنشاه، یعنی‌رهبر انقلابی که سیزده‌سال پیش اصل «سهیم شدن کارگران درسود کارگاهها وپشتوانه کردن کارخانجات دولتی برای انجام اصلاحات‌ارضی» را درآغاز کارانقلاب پیشنهاد کرده بودند، باشوق‌وشور پدرانه‌گواهی سهام کارگران درکارخانه‌ها را به آنان مرحمت فرمودند و باعبارت ساده‌ولی پرازمفهوم‌عالی فرمودند که: «مراسم امروزمعنی بزرگی دارد...» درهمان‌جمله کوتاه شاهنشاه، معنی امروزمعنی بسیارنهفته بود.

در واقع معنی آن مراسم تاریخی را وهم‌چنین معنی آن عبارت ساده ولی دل‌انگیز شاهنشاه را کارگران میدانند ومی‌فهمند... کارگرانی که نه‌تنها در سود سهام کارگاهها بلکه در خود سهام کارخانه‌ها شریک شده‌اند وعملا نه‌تنهادرساختن قسمتی از ایران، بلکه در بهره‌گیری از تمام ثروت‌ها وامکانات ایران مشارکت یافته‌اند...

شاید‌عنوان شدن «اصل مبارزه همه‌جانبه باهرنوع فساد» درآن مجمع تاریخی هم‌تصادفی نبود... واین بدان معنی است که اکنون که کارگران باشریک‌شدن در سهام کارخانجات، دهقانان بااحراز مالکیت درسرتاسر اراضی‌مملکت، زنان درمشارکت یافتن درکلیه مراحل‌سیاسی‌واجتماعی کشور، جوانان‌وفرزندان کشوربابرخورداری از تمام امکانات مادی ومعنوی برای پرورش یافتن وحتی‌مادران وزنان خانه‌دار وبگفته شاهنشاه «جنین» که باید در درفضای ایران بدنیا بیاید ودرمحیط ایران زیست کند، همه‌وهمه درمقابل یک‌آینده روشن ودرخشان قرارگرفته‌اند، دیگرمورد ندارد که‌در چنین جامعه‌ای فسادولواز هرقبیل که باشد بوجود آید و امکان‌رشد ونمویابد...

درحقیقت آن‌روز که شاهنشاه شاهد به‌ثمررسیدن قسمتی مهم‌از آرزوهای بزرگ‌خویش برای سعادت ملت‌ایران بودند، انگشت برروی این نکته‌گذاشته بودند که دیگر درایران استثمار فرد ازفرد وجود ندارد ودیگر نگرانی از آینده‌کسی را تهدید نمیکند... واین درست تعبیر همان نکته‌ای‌است که‌فرمودند: «این پیروزیها بدان سبب است که مادر این مملکت تابع هیچ ایسم صادراتی یا وارداتی بیگانه نیستیم وماآن کارهائی رادرجهت ارضای‌نیازمندیهای ملت انجام میدهیم که محصول فکرواندیشه خود ایرانی وسازگار باآرزوها وسنت‌ها وتاریخ وطرز تفکر خودما ایرانی‌هاباشد...»

نه‌تنها کارگران ایران، بلکه همهٔ مردم ایران، همه انسانهائی که دراین سرزمین ویادردیگرنقاط جهان ناظروشاهد انقلاب ثمربخش وانسانی ما بوده‌اند، بخوبی میدانند که اگرانقلاب ایران تابع ودنباله روی«ایسم‌های» بیگانه نبوده، بدان جهت است که برای خود فلسفه‌ای دارد که‌اسم «ایسم»نگرفته وتبلور وتجسم واقعیت«نظام‌شاهنشاهی»است...

آری،اگر این به ثمررسیدن‌ها، این شکوفائی‌ها،وآن‌احساسات پرشور و هیجان متقابل شاه‌وملت مظهر واقعیتی بنام نظام‌شاهنشاهی نیست، پس چه‌میتواند باشد؟

نظامی که‌ازیگانگی ویکپارچگی فرماندهی شاهنشاهی واصالت ملت بوجود آمده‌است ووجود خواهدداشت.

«مسابقه دانش صنعتی»

به منظور پیشبرد هدفهای آموزشی ومعرفی کارگران ورزیده، سرویس حرفه و فن مجله «رستاخیز کارگران» از شماره آینده، اقدام به برگزاری یک‌سری مسابقات تخصصی خواهد کرد.

این مسابقات به صورت «پرسش و پاسخ» بوده وتحت عنوان «دانش صنعتی» انجام می‌گیرد.

ترتیب مسابقه به این نحو است که در هر شماره، ۸ سؤال پیرامون دورشته فنی و حرفه‌ای درمجله درج می‌گردد که کارگران علاقمند باید حداکثرتا ۱۵ روزبعد، نامه های خود را پست کنند.

نامه های رسیده، درسرویس حرفه و فن به وسیله افراد این سرویس که همگی در امورصنعتی متخصص و متبحرند بررسی شده، به افرادی که پاسخ درست بدهند، جایزه ارزنده‌ای تعلق می‌گیرد.

در این شماره

این کارگران، مایه استحکام آسمانخراشها رامیسازند

در اینشماره، گزارشگران «رستاخیز کارگران» یکی از کارخانه‌های سیمان رفته‌اند، وضمن تهیه گزارشی ازتاریخ سیمان درایران، با کارگران این واحد عظیم کارگری، به گفتگو نشسته‌اند وحرفهای جالب آنهارا پیرامون زندگی گذشته وحال کارگر درایران دراین گزارش برای‌شما بازگو کرده‌اند.

صفحات ۴تا۸

خودساخته ها

«لانگستون هیوز» یک کارگرساده سیاهپوست بود. او، که در زمان کودکی، محرومیت های زیادی‌را دراجتماع آن روزآمریکا تحمل کرده بود. بانیروی اندیشه و پشتکار توانست به آنچنان پیشرفتی دست یابد، که درشمار بزرگترین شاعران ملی آمریکا درآید.

صفحات ۳۰و۳۱

ساعتی درمیان خانواده کارگر

جلال آهنیان یک کارگرهنرمنداست، که درساعات فراغت‌خود می کوشد دررشته تآتر پیشرفت کند... او، ازکارخود، پیشرفت‌ها، تفریحات، وسرگرمی هایش برای گزارشگر رستاخیز کارگران صحبت کرده است. که بسیار خواندنی است.

صفحات ۷۲و۷۳

نشان همایون، برای کارگران برگزیده

در یک مراسم باشکوه کارگران برگزیده چهارمین دوره مسابقات مهارت‌فنی پس از دریافت نشانهای مرحمتی خود به همراه وزرای دربار شاهنشاهی — کار و امور اجتماعی — تندرستی و رفاه اجتماعی دیده‌می‌شوند. ←

*** ۳۱ تن کارگران برگزیده چهارمین دوره مسابقات مهارت‌فنی نشانهای مرحمتی شاهنشاه آریامهر را دریافت داشتند**

سی ویک تن کارگران برگزیده چهارمین دوره مسابقات مهارت فنی وهمچنین سپاهیان ممتاز سال جاری طی مراسمی درکاخ سعدآباد نشانهای همایون مرحمتی شاهنشاه آریامهر ونیز دیپلم سپاهی ممتاز خود را دریافت‌داشتند.

در این مراسم که‌آقای علم‌وزیر دربار شاهنشاهی ووزرای دادگستری—آموزش و پرورش— علوم‌وآموزش عالی— کشاورزی و منابع‌طبیعی، وتندرستی ورفاه اجتماعی شرکت داشتند، معاون کل وزارت دربار شاهنشاهی طی‌گزارشی نحوه وچگونگی انتخاب سپاهیان ممتاز را تشریح کرد. سپس‌آقای معینی وزیر کارواموراجتماعی طی سخنانی گفت : موجب کمال افتخار وسرافرازی کارگران جوان‌ماهر و متخصص کشوراست که بدریافت مدال همایون مفتخرومباهی میشوند.

وزیر کار آنگاه به‌چگونگی‌مسابقات‌مهارت فنی‌اشاره کرد وگفت : تاکنون چهار دوره از مسابقات مهارت فنی کارگران برگزار شده و قریباً مرحله نهائی پنجمین دوره نیز آغازخواهد شد. آقای معینی افزود : برای کارگران‌جوان که توانسته‌اند درمسابقات مهارت فنی‌داخلی و همچنین خارج ازکشور موفقیت‌های بزرگی کسب کنند، موجب نهایت خرسندی است که در این‌مراسم شرکت‌میکنند و مدالهای مرحمتی شاهنشاه آریامهر را دریافت‌میدارند و مراسمی که‌امروز برگزار میشود در جهت‌تحقق نیات شاهنشاه آریامهر میباشد که همواره برای افزایش سطح مهارت فنی کارگران اوامر مؤکدی صادرمیفرمایند.

وزیر کار اضافه کرد: فرمان همایونی داثر برتشکیل کمیته‌ملی مسابقات مهارت فنی که درسال۱۳۴۹ وبه‌ریاست والاحضرت همایون ولایتعهد نوردیده ملت‌ایران شرفصدوریافت، این عنایت‌ملوکانه امید کارگران راصدچندان کرد وباعث شدتا کارگران باتمام سعی و کوشش خود در جهت افزایش مهارت و تخصص خود بکوشند وبرای افزایش تولید باکیفیت‌بهترازهیچ کوششی‌فروگذارنکنند تا بتوانند سهم کوچکی ازاین همه عنایت‌ومراحم ملوکانه راپاسخ گویند. سپس نماینده کارگران طی سخنانی گفت : به‌نمایندگی ازطرف کارگران ماهر ومتخصصی که امروز باافتخار دریافت الطاف بیکران همایونی مفتخر ومباهی‌شده‌اند، مراتب شاهدوستی و میهن‌پرستی کارگران جوان رااعلام میدارم. حضور ما کارگران جوان دراین‌مکان که‌در پرتوعنایات‌شاهنشاه آریامهر، بسلاح تکنولوژی مجهز شده‌ایم و ابلاغ مراحم رهبر بزرگ انقلاب ایران را فقط وفقط میتوان‌ازثمرات انقلاب شاه‌وملت خواند.

وی افزود: ما کارگران‌جوان هرگز الطاف پدر تاجدار وحامی وپشتیبان طبقه کارگر را فراموش نمیکنیم. اینک تنها استدعای کارگران جوان ماهرومتخصص کشور ماآنستکه مراتب شاهدوستی، جانبازی و فداکاری ما کارگران ایران را به‌شرف عرض مبارك شاهنشاه آریامهر برسانند ویقین داشته باشند که کارگران‌جوان در زیرپرچم‌شکوهمند پدر انقلاب ایران باعزمی راسخ وخلل‌ناپذیر بسوی فردائی باشکوه‌تر وشکوفان‌ترگام برمیدارند.

در پایان این‌مراسم مدالهای همایون کارگران برگزیده چهارمین دوره مسابقات مهارت فنی توسط وزیر کار واموراجتماعی بکارگران ونیز دیپلم سپاهیان ممتاز توسط وزیران آموزش وپرورش-دادگستری—تندرستی ورفاه اجتماعی وکشاورزی ومنابع طبیعی به نمایندگان‌آنان تسلیم شد.

گروهی دیگر ازکارگران برگزیده چهارمین دوره مسابقات مهارت‌فنی در مراسم توزیع نشانها همایون درکاخ سعدآباد.

زنان همچون مردان سهم عمده‌ای در حرکت صنایع کشور بعهده گرفته‌اند و کوشش می کنند آنچه را که وظیفه دارند ادا کنند. و می‌بینیم که خانم سیدمولود سنجابی کارگر رشته الکترونیکی نشان درجه۳ همایون را طی مراسم باشکوهی از دست وزیر کار و امور اجتماعی دریافت می کند.

کارگرانی که در مسابقات مهارت فنی سال گذشته به دریافت مدال همایون مفتخر شده‌اند

محمدرضا اقدام شهسوار	در رشته ورقکاری	نفر اول از هنرستان صنعتی تبریز
عباس نیکنام	در رشته ورقکاری	نفر سوم از ذوب آهن فولاد اصفهان
ابوالقاسم ملکی فر	در رشته سیم کشی ساختمان	نفر اول از کارخانه ایران ناسیونال
سیدمعصوم موسوی	در رشته سیم کشی ساختمان	نفر سوم از کارخانجات صفا براتی شیراز
خانم ستاره علیزاده	در رشته ریسندگی	نفر اول از کارخانجات فروزان تبریز
غلامرضا تاج الدینی	در رشته ریسندگی	نفر دوم از کارخانجات ریسباف اصفهان
اکبر قصابی منشه	در رشته آهنگری	نفر سوم از هنرستان صنعتی تبریز
ابراهیم اسمعیلی	در رشته فلز کاری	نفر اول از کارخانجات صفا براتی شیراز
غلامحسین جزلی عراقی	در رشته فلز کاری	نفر سوم از هنرستان صنعتی اراک
هیبت الله وادی خلیلی	در رشته بافندگی	نفر اول از کارخانجات مقدم
حسین آذرباد	در رشته بافندگی	نفر دوم از کارخانجات مقدم
عبدالرضا بندار	در رشته جوشکاری	نفر سوم از نساجی خسروی مشهد
محمدامین شکاری	در رشته جوشکاری برق	نفر اول از کارخانه قند آبکوه مشهد
علی اصغر عبدلی	در رشته جوشکاری برق	نفر دوم از کارخانجات ماشین سازی اراک
محمدحسین هزاروای	در رشته جوشکاری برق	نفر دوم از کارخانجات ماشین سازی اراک
حسین مصلحی	در رشته جوشکاری گاز	نفر دوم از کارخانه ایران ترانسفو شهرری
محسن بارکی	در رشته جوشکاری گاز	نفر سوم از هنرستان صنعتی شیراز
حسن موسوی	در رشته تعمیر رادیو تلویزیون	نفر دوم از هنرستان صنعتی الکترونیک
خانم سیدمولود سنجابی	در رشته تعمیر رادیو تلویزیون	نفر سوم از کارخانه پلمونه
شفیقه محمود نوسی	در رشته فرز کاری	نفر اول از کارخانه ماشین سازی تبریز
منوچهر وفائی	در رشته فرز کاری	نفر دوم از ذوب آهن آریامهر اصفهان
جلیل خیاط گلکاری	در رشته فرز کاری	نفر سوم از کارخانه ماشین سازی تبریز
محمد مژگان	در رشته تراشکاری	نفر دوم از کارخانه ماشین سازی اراک
محمدعلی نادرفر	در رشته تراشکاری	نفر سوم از کارخانجات ایران ترانسفو تهران
عبدالعلی جنت خواه	در رشته لوله کشی	نفر اول از کارخانه آیدم تبریز
احمد محمدی شاهرخ آبادی	در رشته لوله کشی	نفر سوم از کارخانه سیمان کرمان
یعقوب پلوسیوس	در رشته ریخته گری	نفر سوم از کارخانه ملی تهران
حسین طالبی	در رشته بنائی	نفر دوم از هنرستان صنعتی شماره ۲ اصفهان
محمدحسین آسمانی	در رشته بنائی	نفر سوم از انستیتو تکنولوژی شیراز
ناصر سالم	در رشته مدل سازی	نفر اول از کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان
جلال علوی خارانی	در رشته مدل سازی	نفر دوم از کارخانه ماشین سازی اراک

وزیر تندرستی و رفاه اجتماعی:

تا پایان امسال، یک میلیون و ۸۰۰ هزار کارگر زیر پوشش بیمه های اجتماعی قرار خواهند گرفت

آقای دکتر شجاع الدین شیخ الاسلام‌زاده وزیر تندرستی و رفاه اجتماعی که هفته گذشته باین سمت به پیشگاه شاهنشاه آریامهر معرفی گردید، در یک گفتگوی اختصاصی با نماینده «رستاخیز کارگران» برنامه ها و هدفهای وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی را تشریح کرد.

وزیر تندرستی و رفاه اجتماعی در این گفتگو اظهار داشت:

—طبق اوامر شاهنشاه آریامهر مسؤولیت دو وزارتخانه را که در هم ادغام میشود، بعهده گرفته‌ام در اسرع وقت لایحه قانونی ادغام وزارت بهداری و وزارت رفاه اجتماعی بوزارت تندرستی و رفاه اجتماعی تنظیم و پس از تصویب هیأت دولت به قوه مقننه تقدیم خواهد شد، ولی برای انجام کارهای اولیه و ضروری، مقدمات کار را فراهم میکنیم تا در کوتاه‌ترین فرصت اوامر شاهنشاه آریامهر را اجرا نمائیم.

وی گفت: مهمترین مسأله‌ای که وجود دارد، مسأله منطقه‌ای کردن خدمات خواهد بود و کلیه کارهای اجرائی خدمات را بمراکز استانها و شهرستانها محول میکنیم و در این امر نظارت دقیق و کافی خواهیم کرد. از طرفی وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی بصورت یک وزارتخانه ستادی درمی‌آید و کارها را بصورت عملی و غیرمتمرکز عمل میکند.

وزیر تندرستی و رفاه اجتماعی گفت: در شرفیابی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر، معظم‌له اوامری در مورد انجام خدمات بهداشتی و همچنین اوامری راجع به ایجاد بیمارستان های جدید صادر فرمودند که بلافاصله بمرحله عمل گذارده خواهد شد.

دکتر شیخ الاسلام‌زاده گفت: تا پایان امسال نزدیک به ۶/۵ میلیون نفر زیرپوشش بیمه های اجتماعی قرار خواهند گرفت و تعداد بیمه‌شدگان کارگر به مرز یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر خواهد رسید.

از طرفی درحدود ۲/۵ میلیون نفر از کارمندان دولت و خانواده‌های آنان و بازنشستگان و مستمری بگیران زیرپوشش خدمات درمانی قرار میگیرند.

بیمه حوادث

وزیر رفاه اجتماعی گفت: مساله مهم دیگر بیمه حوادث کارگران ساختمانی است. تعداد کارگران ساختمانی که بطور جمعی و پراکنده در کشور مشغول کارند و با شرایط اقلیمی کشور، هر از چندی جابجا میشوند، در حدود ۸۰۰ هزار نفر است. کلیه این کارگران برطبق قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی بیمه حوادث میباشند.

وی تأکید نمود که کارگران ساختمانی در هر شرایطی که کار میکنند، دارای تأمین اجتماعی هستند. کارگران ساختمانی که بصورت گروهی برای کارفرمایان بخش دولتی یا خصوصی کار میکنند کارفرما مکلف است لیست و حق بیمه آنان را به سازمان تأمین اجتماعی بدهد و کارگران متفرقه ساختمانی که در خدمت معماران یا کارفرمایان کوچک خصوصی هستند، برابر مقررات قبل از اینکه شهردار پروانه ساختمان بدهد، باید کارفرما رسید حق بیمه را به شهرداری ارائه دهد. چنین کارگرانی در صورت حادثه بلافاصله تحت درمان قرار میگیرند و اگر خدای نخواسته حادثه منجر بفوت شود، خانواده او مستمری دریافت میکند.

دکتر شیخ الاسلام‌زاده افزود: مشکل ما درمورد بیمه خانواده کارگران ساختمانی شناسائی افراد تحت تکفل کارگر میباشد که این شناسائی احتیاج به برنامه و زمان دارد، ولی مسلماً این کار را انجام میدهیم.

پوشش تندرستی

دکتر شیخ الاسلام‌زاده گفت: اصل این است که تمام مردم ایران زیرپوشش تندرستی درآیند و ما به تدریج و با توجه به نیروی انسانی موجود، این کار را انجام میدهیم.

وی در مورد کمبود نیروی انسانی گفت: جذب نیروی انسانی و ایرانیان مقیم خارج— تربیت نیروی انسانی داخلی و استخدام نیروی انسانی خارجی برای خدمت در ایران اجتناب ناپذیر است و وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی مسؤولیت این کار را بعهده دارد و باید بهرطریق که میسر است برای اجرای اوامر ملوکانه نیروی انسانی تهیه کند و تندرستی و رفاه ۳۴ میلیون ایرانی را تأمین نماید.

این کارگران

مایه استحکام آسمانخراشها را می سازند...

من و رهبر در اتاق رئیس کارخانه نشسته‌ایم می‌خواهم اطلاعات کوتاهی ازکارخانه بگیرم‌و بعد چند ساعتی را با کارگران صحبت کنم . رئیس کارخانه در پاسخ اولین سؤالم می‌گوید کارخانه سیمان تهران و شمال در ۱۳۳۲ به دست مبارك شاهنشاه‌آریامهر گشایش یافت . وقتی این کلمات ازدهانش خارج می‌شود، می‌بینم به عکسی که درست در مقابل من روی دیوارقراردارد . خیره می‌شود و به عکس نگاه می کنم، عکسی است ازشاهنشاه به هنگام‌گشایش کارخانه، برای دقایقی صحبتهای رئیس کارخانه را نمی‌شنوم . عکس خیلی چیزها را می‌گوید، یک تاریخ است، تاریخ زندگی و خوشبختی یک ملت، تاریخ آغاز یک ابدیت است، ابدیت توانایی و نیرومندی و ابدیت ثروت و زندگی.عکس در سال ۱۳۳۲ گرفته شده است . بیست‌وچهارسال پیش نزدیک به یک ربع‌قرن، سالهای آغاز، آغاز نبرد با اهریمن،با دشمنان،باکسانی که نمی‌خواستند منافع خود را از دست بدهند ولی درمقابل تصمیم ناچار به شکست شدند و از آن روز هر روز شاهد باروری زندگیمان بودیم . حماسه زندگی جدیدایرانی ازاین‌جاآغازمی‌شود ازروزی که شاه این کارخانه وصدها نظیر آن را گشود و با کارگرانش به‌گفتگو نشست تا روزی

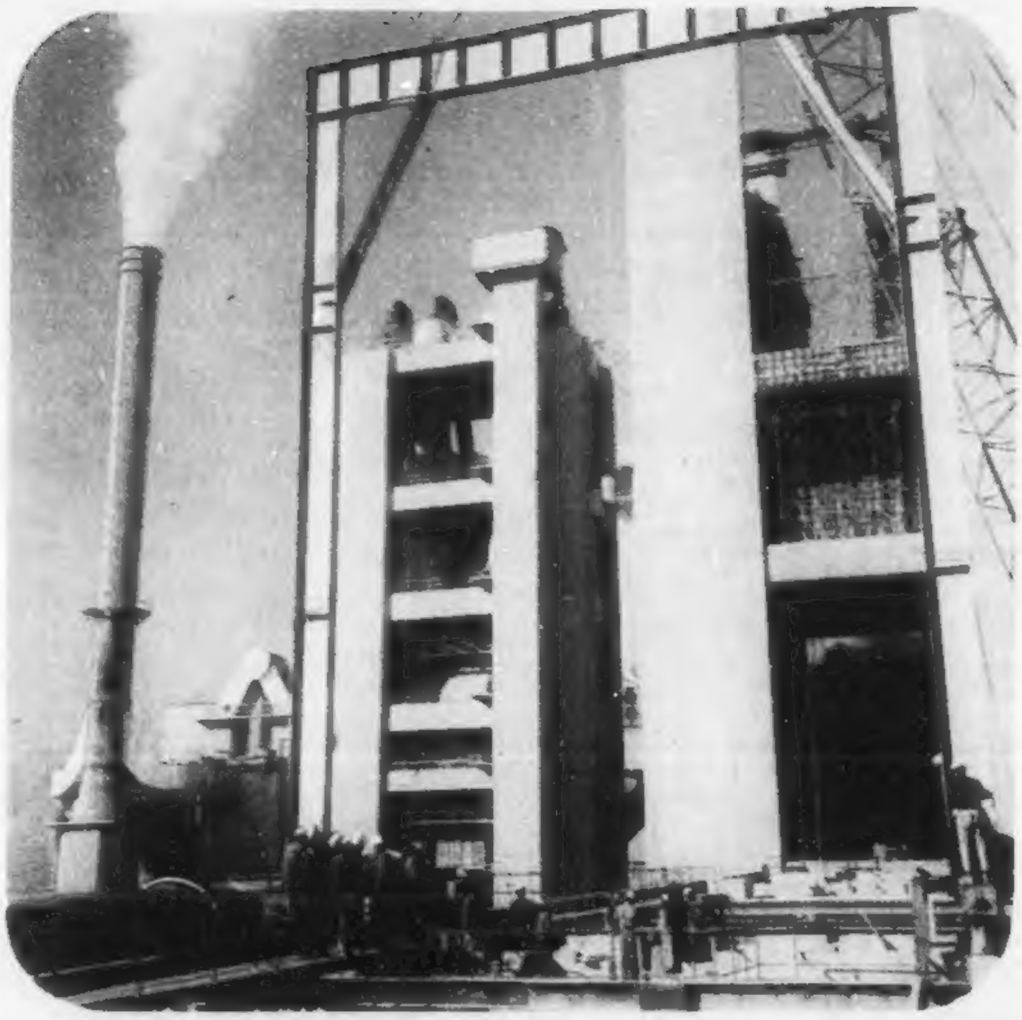

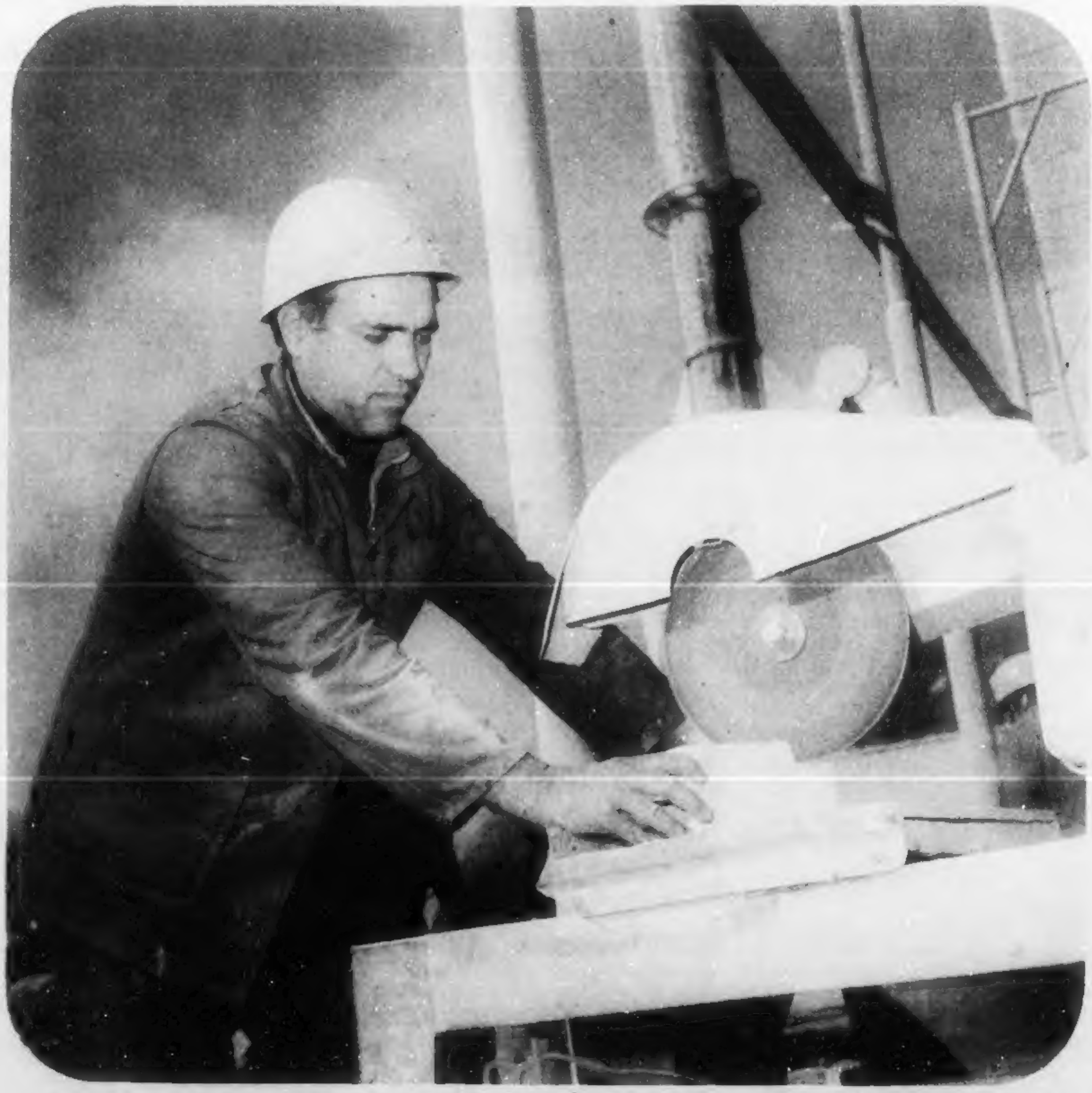

که مادر صنایع ، در اصفهان آغاز بکارکرد. فیلمها و عکسهای مراسم‌گشایش مجتمع عظیم ذوب‌آهن آریامهر خوب یادم هست، در هر دوجا، چه در عکسی که پیش‌رویم بر دیوار است و چه درمراسم‌گشایش ذوب‌آهن، تصمیم در چهره رهبرمان دیده می‌شود، تصمیم برای خوشبختی من، تو، او...

به خود می‌آیم در چنددقیقه‌چندسال را مرور کرده‌ام، نماینده کارگران را می‌بینم که در انتظار است تا کارخانه را نشانمان بدهد . با او می‌رویم . من درفکر این که چه چیزی بنویسم و رهبر درفکرعکس.نماینده کارگران، خدا رحم سلیمان می‌گوید « وقت ناهار است و بیشتر کارگران در رستوران هستند » با او به رستوران می‌رویم و درآنجا دبیرسندیکای کارگران نیز به ما می‌پیوندد . من از زخم معده شکایت می کنم که سردردلش باز می‌شود : « آقا ازوقتی که دبیرسندیکا شدم و کمتر کار می کنم، احساس می کنم که دارم مریض میشم، ما به کارعادت داریم. کاربرای‌ما زندگیست. »

اسمش را می‌پرسم می‌گوید : اکبر ضعیف تن . می‌پرسم چندسالست که در کارخانه‌سیمان کار می کند، می‌گوید از پنجسال پیش که به ایران آمدم. کنجکاو می‌شوم، می‌گویم درخارج چه می کردی ؟ و او داستانش را برایم می‌گوید داستانی واقعی : ای آقا، صحبت خیلی سال پیش است، سالهای تیره، سالهائی که کار نبود و باید بدنبـــال یک لقمه نان از صبح تا شب می‌دویدم و عاقبت هم شکم‌سیر نمیشد، کار نبود، چون کارخانه‌ای نبود که کاری باشد.

کارگران این واحد تولیدی می‌گویند: شبانه‌روز کار می کنیم تا پاسخ عنایات رهبرمان را داده باشیم

اکبر آب‌دهانش را قورت می‌دهد و ادامه می‌دهد: یک روز عاقبت عاصی شدم . به من گفته بودند که در کشورهای جنوب خلیج‌فارس کارگر کم و کار خوب است . با هر بدبختی بود رفتم، دستور غریبه را اجرایی کردم، برایش کارسی کردم، ولی باز به فکر کشورم بودم . از کشورهای کنار خلیج‌فارس به خیلی کشورهای دیگر دنیا رفتم . مثل انگلستان، هلند، آفریقای‌جنوبی و اسرائیل، این قصه ده-پانزده سال تمام ادامه داشت . من که مدتها از مملکتم دور بودم، نمی‌دانستم که در آنجا چه می‌گذرد . ایرانیان را که برای تجارت و یا تفریح می‌آمدند، می‌دیدیم که ازکشورم تعریف می کنند.اوائل باورنمیکردم،ولی‌وقتی که دیدم همه از پیشرفت و ازسالهای انقلاب شاه و ملت با غرور صحبت میکنند ، باورم شد . یک روز به کارفرمایم گفتم خدا حافظ . هرچه اصرار کرد که بمانم ، راضی نشدم و به ایران آمدم . . . .

اکبر خیلی چیزهای دیگر گفت . خیلی چیزهای لذت‌انگیز و غروربخش ، زمانی که او صحبت میکرد با خودم گفتم ، ایکاش که من جای او بودم . درست درلحظه‌ای که بعد از ۲۰ سال‌دوری‌ازکشورم به‌فرودگاه‌مهرآباد‌میرسیدم، زندگی دوباره‌ای می‌یافتم ، همچنانکه او یافته است .

با خدارحم سلیمان صحبت میکنم ، ازاو که نماینده کارگران است‌میپرسم ازوضعتان بگوئید. میگوید:روز به روز بهتر میشود . از بیمه های اجتماعی ، درمان رایگان ، سود ویژه و گسترش مالکیت‌صنعتی‌وو....میگوید.

درسال ۵۳ هر کدام ۹۰ روز سود ویژه گرفته‌ایم . همین باعث میشود که بهتر و بیشتر کار کنیم ، چون خود را در منافع کارخانه سهیم میدانیم ، درسال ۴۳ یک شرکت تعاونی درست کردیم ، شرکت تعاونی مصرف و اعتبار مسکن که تمام ۱۰۳۰ نفر کارگر و کارمند

لطفاً ورق بزنید

کارخانه سهامدارش هستند ، تا به حال ۱۴۴ نفر وام مسکن گرفته‌اند و خانه خریده‌اند و ۵۷۴ نفر دیگر هم با استفاده از وامهای شرکت خانه‌هایشان را نوسازی کرده‌اند.

باز هم ادامه میدهد و حالا با عرضه سهام کارخانه به کارگران ، دیگر همه چیز خواهیم داشت. این کارخانه را سرپا نگهمیداریم ، شبانه روز کار میکنیم تا پاسخ عنایات رهبرمان را داده باشیم.

از او میپرسم ، چند شیفت کار میکنید ، میگوید : سه شیفت کامل ، یعنی کارخانه بیست و چهار ساعته کار میکند و ادامه میدهد ، باز هم کم است . چهار کوره کارخانه در ۲۴ ساعت چهار هزار تن سیمان تولید میکنند که مثل ورق زر برده میشود ، چون چرخهای سازندگی ، احتیاج به سیمان دارند ، جامعه امروز ، احتیاج به ساختمانهای بزرگ و غول‌پیکر دارد و در این هیاهوی سازندگی هرچه سیمان تولید کنیم کم است.

ناهار خوری را ترک میکنیم ، به محوطه کارخانه میرویم ، من از سوئی و رهبر از سوی

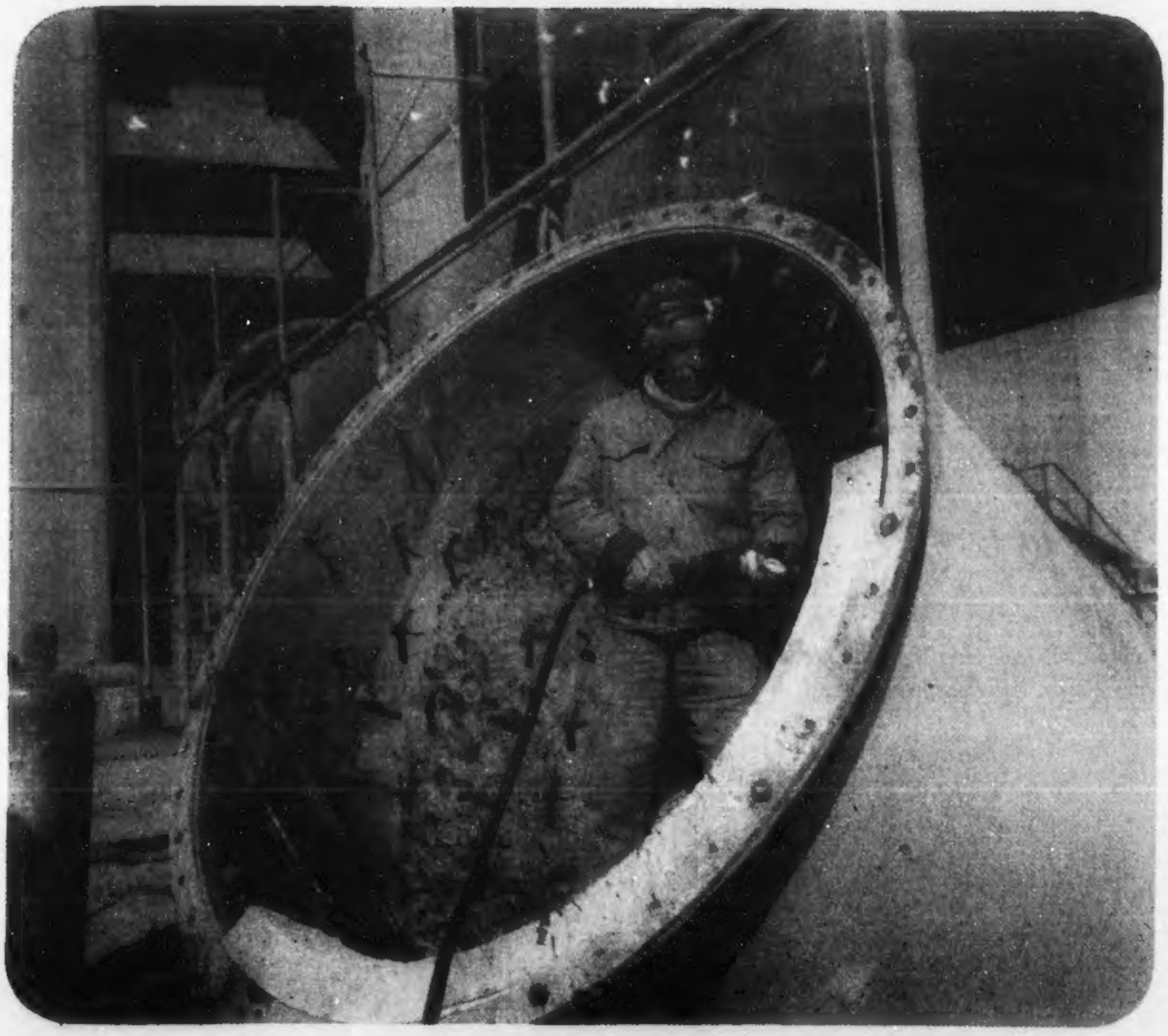

دیگر ، او بمن میگوید : « میخواهم از چهره کارگران عکس بگیرم » لحظه‌ای می اندیشم در چهره آنان چه هست؟ پاسخم را می یابم ، شادی ، نشاط و بالاتر از همه زندگی. با خودم میگویم در گذشته نیز میشد از این چهره‌ها عکس گرفت ، عکسهایی که غم را در خود میهماتی داشت ، به خود می‌آیم به دنبال دیدن کارخانه و گفتگو با کارگران راهی خیابان عریض و طویل کارخانه میشوم ، همه‌جا کار است. ماشینها در رفت و آمد و لحظه‌ای شک میکنم که بتوانم با کارگری به گفتگو بنشینم . در این فکر هستم که به محوطه کوره بزرگ کارخانه میرسم . کارگری به سرعت به دنبال کارش میرود ، صدایش میکنم ، جلو می‌آید ، ولی مضطرب ، ناراحت از این که وقتش را گرفته‌ام ، به او توضیح میدهم که چه قصدی دارم ، با مهربانی حالم را می پرسد و بدون مقدمه میگوید ، تمام مشکلات ما در حال حل شدن است . اینجا زیاد نمی‌توانید چیز بنویسید.»

با این حرفش خیلی چیزها به من گفت . به عنوان یک نویسنده مطبوعات خجالت کشیدم ، چون در گذشته بیشتر روی کمبودها و غمها و خلاصه چیزهای منفی تکیه داشتیم و کمتر از آنچه که به دست آورده‌ایم چیز مینوشتیم. به او حق دادم که درباره‌ام اینطور بیاندیشد.

به هر ترتیب راضیش کردم، به او گفتم از زندگیت بگو. در پاسخ گفت: از کوچکی در این کارخانه کار می کنم، زندگیم فراز و نشیب زیاد داشته است. سه فرزند دارم و حالا راحتم.

باز می پرسم بیشتر بگو. می‌گوید: چه بگویم آقا، تمام چیزهائی را که از خدا می‌خواستم، بدست آوردم. خانه را حتی دارم

که با گرفتن وام از شرکت تعاونی خودمان ساخته‌ام ، سه فرزندم بدون این که دیناری بدهم، در مدرسه درس می‌خوانند و خلاصه شبها که به خانه می‌روم ، واقعاً شادم و از زندگیم راضی.

بعد از این سخنان مثل آدمی که قرار نداشته باشد، از من خداحافظی می کند و به‌سرعت می‌رود. به‌یادم می‌آید که نامش را بپرسم. داد می‌زنم اسمت چیست. همانطور که به‌سرعت، ولی محکم قدم برمی‌دارد، می‌گوید : حبین . می‌ایستم آنقدر نگاهش می کنم تا در پیچ خیابان دیگر نمی‌بینمش، ولی خاطره شیرین صحبت با او در من میماند، خاطره‌ای که در همین کارخانه بارها و بارها تکرار شد. به کوره اصلی کارخانه می‌روم. درآنجا باز رهبر را می‌بینم که عکس می‌گیرد. متصدی کوره کارگری است که از بیست سال پیش در آنجا کار می کند . از زندگیش می‌پرسم، رضایت را در چهره‌اش می‌بینم و دیگر منتظر جوابش نمی‌شوم. می‌پرسم به‌یادت هست که حقوقت از بیست سال پیش تا به‌حال چند برابر شده؟ می‌گوید: «از ده برابر بیشتر، ولی حقوق زیاد مطرح نیست، رفاه مطرح است که داریم.» او هم از بیمه رایگان، تحصیل مجانی فرزندانش، سود سهام و خرید سهام کارخانه سخن می‌گوید و می‌بینم که در همه جا این جملات برایم تکرار شده‌اند. از او مشکلاتش را می‌پرسم. در جوابم می‌گوید مشکلاتی که هست، مثلا پیاز گرانست و گیر نمی‌آید، بازهم به‌خود می‌گویم مشکل کارگران بیست سال پیش چه بود و الان چیست؟ پیاز!

کوره اصلی کارخانه را در حالی ترک می کنم که خیلی چیزها آموخته‌ام، کار، کوشش ، سازندگی و به‌دنبال آن رفاه و آسایش.

حسن خلیلی مسئول خدمات کارخانه به‌اتفاق نماینده کارگران در کنارم هستند. از طرحهای آتی کارخانه صحبت می کنند. یک واحد جدید به‌ظرفیت ۴۰۰۰ تن که یکهزار نفر مشغول برپایی آنند و در سال ۵۷ آماده بهره‌برداری میشود. صحبت را برمی‌گردانم از دیگر چیزهائی که کارگران دارند می‌پرسم. می‌گویم مثلا ورزش. و این سر صحبتشان را بازمی‌کند:

ــ باشگاهی داریم که خود و فرزندانمان در آن تمرین می کنیم، البته طرح ساختمان

بقیه درصفحه ۹۲

پرداخت غرامت دستمزد تحت چه شرایط وضوابطی است؟

از: دکتر حیدرقلی عمرانی — رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی

«بیمه های اجتماعی باید برای عموم روستائیان کشور تعمیم و گسترش یابد. هر دهقان وکشاورزی باید بتواند ازمزایای بیمه های اجتماعی، مثل کارگران بهره‌مند شود. افراد خانواده کشاورزان بوسیله بیمه‌یی که میشوند باید از لحاظ بهداشت و سلامتی مصونیت داشته باشند....»
ازبیانات شاهنشاه آریامهر بمناسبت روز دهقان مهرماه سال ۱۳۴۳

به منظور آگاهی کارگران شریف کشور و سایر بیمه‌شدگان ازمزایای «قانون تأمین اجتماعی» رستاخیز کارگران، هرهفته ضمن گفت‌وگو با آقای حیدرقلی عمرانی معاون تأمین اجتماعی وزارت رفاه اجتماعی و رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، مواد قانون مزبور را مورد تجزیه و تحلیل قرارمی‌دهد وفلسفه وجودی هریک ازمواد را ضمن مقایسه باوضع گذشته و موارد مشابه در قانون بیمه های اجتماعی بازگو می کند. لازم به تذکر است که خوانندگان عزیز می‌توانند نظرات وحتی انتقادات خود را طی نامه برای دفتر مجله ارسال دارند تا با آقای دکتر عمرانی مطرح شود، و پاسخ خود را درهمین صفحه ملاحظه کنند.

حادثه

بنا به تعریف بند ۸ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی «حادثه از لحاظ این قانون اتفاقی است پیش‌بینی نشده که تحت تاثیر عامل یا عوامل خارجی در اثر عمل یا اتفاق ناگهانی رخ میدهد و موجب صدماتی بر جسم یا روان بیمه شده میگردد.»

بمعنی وسیع کلمه میتوان گفت حادثه عبارتست از بروز واقعه‌ای که قبلا حدوث آن پیش‌بینی نمیشده و قصدی جهت بروز آن وجود نداشته است و برای پرهیز از عواقب و عوارض ناشی از آن پیشاپیش تدارک بعمل نیاورده ومقدماتی فراهم نساخته باشند. درواقع شخص حادثه دیده و احتمالا سایر افراد که بنحوی از انحاً با موجبات چنین حادثه‌ای در ارتباط بوده‌اند قبلا حدوث آنرا پیش‌بینی نمیکرده‌اند تا برای جلوگیری از بروز آن خودرا آماده ساخته باشند.

تعریف مذکور و این توضیح مختصر ناظر بر حادثه بمعنی اعم کلمه‌است و در چگونگی حادثه ناشی از کار و حادثه غیرناشی از کار و تمایز این دو حالت بمفهوم آنچه در عرف بیمه های اجتماعی شناخته شده است در این تعریف سخنی درمیان نیست ولی درفصل پنجم قانون در مبحث حوادث و بیماریها (ماده ۶۰) حوادث ناشی از کارراباین شرح توصیف نموده است:

«حوادث ناشی از کار حوادثی است که در حین انجام وظیفه و به سبب آن برای بیمه شده اتفاق میافتد، مقصود از حین انجام وظیفه تمام اوقاتی است که بیمه شده در کارگاه یا مؤسسات وابسته یا ساختمانها و محوطه آن مشغول کارباشد و یا بدستور کارفرما درخارج از محوطه کارگاه عهده دار انجام مأموریتی باشد. اوقات مراجعه به درمانگاه و یا بیمارستان و یا برای معالجات درمانی و توان‌بخشی و اوقات رفت و برگشت بیمه شده از منزل به کارگاه جزء اوقات انجام وظیفه محسوب میگردد مشروط براینکه حادثه در زمان عادی رفت و برگشت به کارگاه اتفاق افتاده باشد. حوادثی که برای بیمه شده حین اقدام برای نجات سایر بیمه‌شدگان و مساعدت به آنان اتفاق میافتد حادثه ناشی از کار محسوب میشود.»

طبق این تعریف قانونی، حادثه ممکنست مستقیماً ناشی از اقدامی باشد که برای انجام کاری صورت میگیرد و یا امکان دارد درنتیجه عملیات مقدماتی باشد که برای انجام کاری صورت می‌پذیرد. مثلا اگر بیمه‌شده‌ای درحین کار بهرعلت ولودراثر غفلت و بی‌توجهی خود در برخورد با ماشین ویا هرنوع وسیله کارآسیب به بیند و یا دراثر عواملی از قبیل انفجار دیگ بخار یا فروریختن دیوار یا سقف محل کار صدمات جسمی و یا جانی به بیند، حادثه وارده بر او از جمله حوادث ناشی از کار قلمداد میشود. گاهی حوادثی نیز بروز میکند که مربوط به عملیات مقدماتی برای انجام کار است و در حقیقت حادثه ای نیست که بمنزله حوادث ضمن کار وحین انجام وظیفه بشمارآید. مثلا ممکنست بیمه شده‌ای در مسیر محل سکونت خود تا محل کار دوچار حادثه شود که در این حالت نیز مانند موردی که در ارتباط با کار حادثه‌ای برای بیمه شده اتفاق می‌افتد و آسیب می‌بیند از حمایتهای مربوط بر خوردار خواهد شد.

بطوریکه ملاحظه میشود ماده ۶۰ قانون تأمین اجتماعی حوادث ناشی از کار را حوادثی میداند که در حین انجام وظیفه‌و به سبب آن برای بیمه شده اتفاق میافتد و در همین ماده مقصود قانونگزار از جمله «حین انجام وظیفه» کاملا توصیف گردیده است، بااینصورت که در تمام اوقاتی که بیمه شده در کارگاه یا مؤسسات وابسته یا ساختمانهای کارگاه یا وابسته بکارگاه و یا محوطه اینگونه ساختمانها مشغول کار باشد ویا بدستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه عهده‌دار انجام مأموریت باشد، چنانچه دچار حادثه شود از لحاظ قانون تأمین اجتماعی چنین حادثه‌ای حادثه ناشی از کار قلمداد میگردد. همچنین ضمن این توصیف قانونی، اوقات مراجعه بیمه شده بدرمانگاه و یا بیمارستان‌و یا برای معالجات درمانی و توانبخشی و اوقات رفت و برگشت بیمه شده از منزل به کارگاه جزء اوقاتی بشمار میرود که شخص در حال انجام وظیفه است، مشروط بر اینکه حادثه در زمان عادی رفت و برگشت به کارگاه اتفاق افتاده باشد چون لازمه ناشی از کار شناختن حوادثی که حین رفت و برگشت به کارگاه برای بیمه شده رخ میدهد اینست که اولا بیمه شده یک مسیر باصطلاح عادی برای رفت و برگشت خود انتخاب کرده باشد و ثانیاً در زمان عادی «رفت و برگشت بکارگاه دچار حادثه شده باشد. مسیرعادی رامعمولا «راهی میدانند که بیمه شده من جمیع جهات برای رفت و برگشت خود مناسب میداند. مثلا، نزدیکترین یابی خطرترین و یا راحت‌ترین طریق رفت وآمد بین محل کار و محل سکونت بیمه شده.

مقصود از زمان عادی رفت و برگشت نیز عبارتست از اوقاتی که بازمان شروع و خاتمه کار دمساز و متناسب باشد. بطورمثال اگر کار بیمه شده معمولا «درساعت هفت‌صبح شروع میشود و در ساعت چهار بعدازظهر خاتمه مییابد و فاصله بین محل کار و محل سکونت نیز در شرایط عادی بیش از یکساعت طول نمیکشد، چنانچه در اوقات بین شش بعدازظهر تا پنج یا شش روز بعد درمسیرعادی کارگاه و محل سکونت بیمه شده، بدون‌اینکه در این ساعات کارفرما کاری به بیمه شدهٔ ارجاع کرده باشد، برای بیمه شده حین‌رفت و برگشت حادثه‌ای اتفاق بیفتد این حادثه در شمار حوادث ناشی از کار شناخته نمیشود. کمااینکه اگر بیمه شده‌ای مسیر عادی رفت و برگشت را رها کند و بمنظور خاصی در راهی جز مسیر عادی کارگاه دوچار حادثه شود علی‌الاصول یک چنین حادثه‌ای را نمیتوان در ارتباط با کار قلمداد کرد و آنرا حادثه ناشی از کارشناخت.

موضوع قابل ملاحظه دیگری که در ماده ۶۰ قانون تامین اجتماعی عنوان شده عبارتست از اینکه اگر حین اقدام برای نجات سایر بیمه شدگان و مساعدت بانها حادثه‌ای برای بیمه شده بروز کند و منجر باسیب دیدن او شود یک چنین حادثه‌ای نیز ناشی از کار شناخته میشود و از کلیه کمکها و مزایائی که برای اینگونه بیمه شدگان در نظر گرفته شده و درآینده مورد بحث خواهد بود برخوردار میگردد.

غرامت دستمزد

زمانی که بیمه شده بعلت بیماری یا دراثر عوارض ناشی ازحادثه بتصدیق پزشک‌معالج یا هر پزشکی که گواهی او مورد قبول وتائید سازمان تأمین اجتماعی است، قادربکارنباشد یا تحت درمانهای توان بخشی قرار گیرد وعملا هم بکار اشتغال نورزد وباین علت از کارفرما مزد یا حقوق دریافت نکنند استحقاق آنرا دارد که از سازمان غرامت دستمزد ایام بیماری دریافت کند. غرامت دستمزد در واقع مقدار پولی است که شخص بیمه شده در زمان‌بیماری و عدم اشتغال بکار درمقابل از دست دادن درآمد خود تحت شرائط وبراساس ضوابطی از سازمان تأمین اجتماعی دریافت میکند واین یکی از کمکهائی است که به جبران درآمد ازدست رفته بیمه شده پرداخت‌میشود تا معیشت او وخانواده تحت تکفل او مختل نشود وامنیت اقتصادی خود وخانواده‌اش متزلزل نگردد.

بند ۹ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی غرامت دستمزد راچنین تعریف‌میکنند:

«غرامت دستمزد بوجوهی اطلاق میشود که در ایام بارداری، بیماری و عدم توانائی موقت اشتغال بکار وعدم دریافت مزد یا حقوق بحکم این قانون بجای مزد یا حقوق به بیمه شده پرداخت میشود.»

بنابر تعریف مذکور در مدت زمانی از بیماری و بارداری که شخص بیمه شده بطور موقت توانائی اشتغال بکار را ندارد و در عین حال در این مدت مزد یا حقوقی هم دریافت نمیکند استحقاق دریافت غرامت را دارد. به بیان دیگر درآنمدت از زمان بارداری وبیماری که شخص به تشخیص پزشک سازمان موقتاً قادربادامه کار نیست، در صورتی استحقاق غرامت دستمزد از سازمان را خواهد داشت که از طرف کارفرمامزد یا حقوق باوپرداخت نشده باشد، خواه اینکه بیمه شده مزد یا حقوق خود را کماکان از کارفرمای خویش دریافت کند یا احیاناً ثابت شود که در اینمدت بیمار بیمه شده درعین اینکه به تشخیص پزشک

بقیه درصفحه ۹۲

نگاه:

منوچهر سعید وزیری

مبارزه با فساد...
فعل لازم یا متعدی!
دوست عزیزم...

آنروزها که زبان شیرین فارسی را درست می‌خواندند و مینوشتند ، آنروزها که هر کسی بخود حق نمیداد دست‌درازی به اصول و قواعد زبان فارسی کرده و آنرا مانند موم یا آدامس بهرشکل و صورتی که خواسته باشد درآورد ، و بالاخره آنروزها که زبان فارسی را از زبان مادران و پدران و آموزگارانی فرا می‌گرفتند که فارسی را گرامی میداشتند ، قواعد و دستورهائی وجود داشت که مجموعاً بآنها می‌گفتند : « دستور زبان فارسی » که اگر هر کسی از آن دستورها در گفتن و نوشتن تجاوز میکرد ، معلوم میشد که بیسواد است ..... و کسی را بگناه درست‌نوشتن ودرست‌گفتن «میرزاقلمدان» و «ملانقطی» نمی‌نامیدند ! !

بلی در آن روزگارها میگفتند : « فعل بر دو گونه است ، لازم و متعدی ».

فعل لازم آن است که انجام آن بدون وجود شخص دیگری بعنوان مفعول هم صورت می‌پذیرد و فعل متعدی حتماً با وجود و در وجود شخص دیگری شکل می‌پذیرد ، و یا تعریفی در این حدود — اگر فراموش نکرده باشم ....

وبعضی فعل‌ها ، هم لازم بودند و هم متعدی.....

این را داشته باشید، تا برویم بر سر مطلب.....

آنروز که رهبر مملکت مبارزه با هرنوع فساد را در جمع تاریخی کارگران عنوان کردند و تأکید فرمودند که « هر ایرانی باید برای از بین بردن فساد آنقدر ایستادگی و مقاومت و مبارزه کند تا ریشه هرنوع فساد کنده شود » یکی از دوستان میگفت « چگونه هر ایرانی خواهد توانست اینکار را انجام دهد ؟ »

دوست دیگری گفت :

اتفاقاً مبارزه با فساد و تباهی ، از آن گونه افعالی است که هم لازم است و هم متعدی ...

فساد چیزی نیست که فقط در وجود دیگران وجود داشته باشد تا برای مبارزه با آن احتیاج بموجود یک طرف مبارزه داشته باشیم ، بلکه بهترین و طبیعی‌ترین (و لااقل ممکن ترین و بی‌خطرترین) نوع مبارزه با فساد ، که واقعاً انجام آن برای فردفرد ایرانی (یعنی فردفرد اعضای هرجامعه چه ایرانی و چه غیر ایرانی) لازم و امکان پذیر است ، مبارزه با فساد و معایب خود شخص است .... یعنی اگر هر کس با فساد و معایب و نقایص خودش مبارزه کند و خود را پاك و منزه سازد، در واقع مبارزه با فساد کلی جامعه، انجام داده است .... مگر نه اینست که این افراد هستند که احیاناً مرتکب گناه و تبهکاری شده و جامعه را آلوده به فساد میسازند؟

پس اگر هرفرد مبارزه با فساد را از خود شروع کند ، مبارزه با فساد را در جامعه بپایان خواهد رسانید .... و یک معنی دیگر این سخن اینست که اگر شخص خود آلوده به فساد نباشد از یک طرف باقدرت و صمیمیت بیشتری با فساد جامعه و یا فساد دیگران مبارزه تواند کرد و از سوی دیگر اصولا معیارها و مقیاس هائی واقعی برای تشخیص فساد و گناه در دست خواهد داشت....

کسی که خودش بفرض قمار میکند ، یا کالاها را گران می‌فروشد ، یا خانه‌های زاید برمصرف شخصی خود را به قیمت عادلانه اجاره نمیدهد و یا مزد خدمتکار خانه را نمی‌پردازد ، و... و... و .... بخیال خود مرتکب فسادی نمیشود و فساد را فقط در رشوه‌خواری ادارات و یا دزدی و سوءاستفاده در معاملات دولتی و مملکتی میداند و خلاصه هر کس فساد و گناه خود را عادی و قابل اغماض میداند ، در حالی که فساد یک جامعه عبارت از مجموعه فسادی است که فرد فرد مردم ممکن است داشته باشند .....

خلاصه اینکه باید مبارزه بافساد بصورت یک فعل (لازم و متعدی) انجام پذیرد، یعنی مبارزه با فساد خویشتن و مبارزه با فساد دیگران....

والبته با تمرین این نوع مبارزه است که آن موج حقیقی مبارزه با فساد بوجود آمده و ریشه هرنوع فساد و پشتیبان فساد را برخواهد کند...

والا رطب خورده منع رطب کی کند ؟

حسین سرفراز

استثنائی ها

این کلام «استثنائی» بسیار زمانها در ذهن من حضورش را تحمیل کرده است و این تحمیلی مطبوع ودلخواه بوده است .«استثنائیها» همیشه جاذب نظر هستند . آنکه نابیناست یک «استثناست» آنکه در دنیای پر سکون وسکوت کری ولالی بسر می‌برد یک «استثناست» وآن که رشد فکری اش پاپای رشد جسمی‌اش عمل نکرده باشد یک «استثناست» و بعکس آنکه با عمر کم هوشی خداداد بسیار دارد ، آنهم یک «استثناست» . وبهر حال جامعه‌ای که در پی سلامت خویش است نمی‌تواند ونباید استثنائیهای خودرا فراموش کند وبه امان خدا بسپارد . یک نابینا ویک انسان کرولال و یا عقب افتاده حق دارند که از تعلیم وتربیت صحیح برخوردار باشند وهمینطورند کودکان تیز هوش که لزوماً باید در بستر آینده‌ای روشن استعدادهای کشف شده شان پرورش پیدا کند و بخدمت خود واجتماع در آیند . اینها از مهمات است وبی‌تفاوت گذشتن از کنار آن گناهی نابخشودنی .خوشبختانه در کشورما مخصوصاً در سالهای اخیر بسرنوشت استثنائیها توجه شده است وآنها زیر حمایت شهبانوی نوع پرور وانسان دوست قرار گرفته‌اند شهبانوی مهربانی که سایه مهر و محبت خودرا بر تمام «استثنائیها »ودیگر افراد این سرزمین اهورائی افکنده‌اند .هم از این رو است که همه نیک میدانیم دیگر هرگز در کشورما ،به استثنائی‌ها ، چه درجهت کمبود و چه در جهت افزایش بر آنچه یک متعادل میتواند داشته باشد ، بی‌تفاوت نمی‌نگرند.

دکتر علی‌الله همدانی

ویژگی های بودجه جدید

دولت در هفته‌ای که گذشت لایحه بودجه ۳۱۰ میلیارد تومانی را که در تاریخ بودجه — نویسی کشور بی‌سابقه بوده است به مجلس شورایملی تقدیم داشت.

بودجه هر کشور سند درآمد و هزینه آن کشور و درعین‌حال آینه تمام‌نمای برنامه های آینده‌اقتصادی و اجتماعی کشور است و از این سند میتوان هم بوضع اقتصادی موجود و هم برنامه های آینده و نیز به سیاست اقتصادی و مالی دولت در یکسال آینده که در جهت گسترش رشته اقتصادی اتخاذ میگردد پی‌برد.

در بودجه هر کشور سیاست هائی که در جهت مبارزه و یا تورم و یا رونق اقتصادی و همچنین تصمیماتی که در زمینه ایجاد اشتغال و یا محدودیت اعتبارات اتخاذ میشود و سرانجام سیاست‌دولت در زمینه توجه به این رشته اقتصادی یا آن در جهت بسط صنعتی شدن کشور و یا توجه به کشاورزی همه و همه آشکار میگردد.

بعبارت‌دیگر از بودجه یک کشور بخوبی میتوان درك کرد که وضع اقتصادی کشور چگونه است و درمقایسه با بودجه سال‌گذشته ، چه برنامه هائی در دست اقدام است و سیاست دولت در زمینه های اقتصادی و اجتماعی برای یک سال آینده چیست. بودجه‌ای که هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران درچند روز پیش به مجلس دوران رستاخیز تقدیم داشت واجد ویژگیهای خاصی است که درعین‌حال که شکوفائی اقتصاد کشور راتامین مینماید ، از جنبه های مربوط به تامین اجتماعی نیز غافل نمانده است. یکی از ویژگیهای بودجه سال‌جاری حفظ رشد ۱۷ درصد اقتصاد کشور و نگاهداشتن آن در سطحی‌است که هنوز هم درمیان کشورهای جهان بی‌سابقه است.

زیرا اگر ملاحظه شود که رشد اقتصاد بسیاری ازکشورهای جهان حتی کشورهای بااقتصاد برنامه‌ای — ازجمله اتحادشوروی و اروپای شرقی —که همواره ارقام نرخ رشد اقتصادی‌شان رقم قابل‌ملاحظه‌ای بین ۹ — ۱۲ درصد را نشان می‌دهد که هیچگاه ازاین رقم‌ها بالاتر نرفته است و نیزبا توجه به‌اینکه نرخ رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته صنعتی همواره بین ۵—۷ درصد میباشد وسرانجام کشورهای عقب‌مانده و درحال‌رشد در افریقا و آسیا رقم رشدی بسیار کمتراز این دارنده میتوان پی‌برد که حفظ رشداقتصادی کشورما درحد ۱۷ درصد رقم بسیارقابـل ملاحظه است.

بودجه کشورما میتواند بودجه‌قابل‌توجهی باشد که از ویژگیهای آن بخصوص جنبه ضد تورمی آنست. ویژگی دیگر بودجه‌ای که از طرف دولت هویدا به مجلس شورای‌ملی تقدیم گردیده است ، توجه به رشد وگسترش بخش صنایع است. تردیدنیست، کشورما که از دوران انقلاب در راه صنعتی‌شدن‌گام برداشته است باید این راه‌را همواره‌ادامه دهد تا بتواند به دروازه‌های تمدن بزرگ نائل آید. تجربه در مورد بسیاری ازکشورهای جهان نشان داده است که تهیه و اجرای برنامه های صنعتی‌شدن که موجب بکارانداختن سرمایه های مادی و انسانی میگردد ، نه‌تنها ازطریق ایجاد اشتغال برای گروههای عظیم نیروی انسانی ، بلکه بولید کالاها و محصولاتی که اقتصاد کشور بدان‌ها نیازمند است امکانات و افـزایش رشد اقتصادی‌را بمیزان‌قابل‌ملاحظه فراهم‌میاورد

ویژگی دیگر برنامه چهارم توجه بیش‌ازپیش به رفاه و تعمیم تامین اجتماعی است. بدون‌شک دراجرای این سیاست دواصل شانزدهم وهفدهم در زمینه تغذیه اطفال تا دوسال و تعمیم بیمه و بهداشت برای همه آحاد مردم درنظرگرفته‌شده است. و منطقی نیز چنین است زیرا هنگامی که اصول انقلاب نشان‌دهنده استراتژی کشور در زمینه های اقتصادی واجتماعی است، بودجه کشـور کـه ازجـملـه ابـزار دست اجرای چنـین استـراتـژی است بـایـد از اصول مذکـور تـبعیت نـمایـد وچنـانکه‌ملاحظه میگردد ، بودجه کشورما درسال ۵۵ به تبعیت از دو اصل مذکور توجه خاصی به جنبه‌های رفاهی و تامین کشورمبذول داشته است.

درمورد بودجه سال ۵۵ سخن بسیار میتوان گفت. آنچه بیان‌کرد یدگوشه‌ای از خطوط‌اساسی بودجه است و ما درشماره‌ای دیگر به جنبه‌های مختلف و ویژگی خاص بودجه سال ۱۳۵۵ با بیان ارقام آن اشاره خواهیم کرد.

دکترمحمدرضاعاملی

نگرشی به فرهنگ ملی

عنصر فرهنگ ملی هم از سرزمین و هم از جمعیت آسیب‌پذیرتر است . سرزمینهائیکه براثر رویدادهای نظامی و سیاسی دستخوش تجزیه‌میشوند ، اگر درعنصر فرهنگ ملی خللی وارد نیابد، بعبارت ساده‌تر اگر ملت تجزیه شده موجودیت خودرا فراموش نکند، دیریا زود کوششهای آن ملت وحدت و یگانگیش را راتأمین خواهد کرد.

عنصر جمعیت نیز چنانکه در بحثهای گذشته دیدیم تنها در صورتی دچار آسیب میشود که قبلا عنصر فرهنگ دچار تزلزل و تجزیه شده باشد.

بعبارت دیگر میتوان گفت اساس استقلال هیچ‌ملتی در جنبه‌های دیگر دچار تزلزل نخواهد شد مگر بطور موقت، ولی تزلزل‌های عمیق هنگامی نصیب ملتها میگردد که قبلا در زمینه فرهنگ ملی تزلزل ایجاد شده باشد .

بهمین دلیل است که یک ملت باید بیش از هرعامل دیگر درحفظ روح ملی خود، یعنی فرهنگ‌ملی کوشش داشته باشد و هیچ جنبه‌ای ازسیاست ملی هرگز مهمتر و ضروری‌تر از سیاست فرهنگی نیست.

سیاست فرهنگی است که نشان میدهد موجودیت واقعی یک ملت و آرمانهای واقعی یک ملت چیست و یک ملت چگونه میتواند خود آن ملت باقی بماند و یک ملت چگونه میتواند در قالب دینامیسم خود سیر کند و آنچه را به نهادهای خود درقوه دارد به فعل آورد.

آنچه تا کنون بعنوان عظیم‌ترین هستی‌ها و سرمایه‌ها نصیب بشر شده است سرمایه‌هائی است که از ترکیب امکانات جزئی فراهم گشته است . دراندیشه فرد هنوز میلیاردها احتمال ترکیب وجود دارد و ازاین رومیتوان گفت آنچه ازعلم و دانش درآینده نصیب بشر خواهد گشت نسبت به آنچه تا کنون یافته است درحکم دریا نسبت به‌قطره خواهد بود.

ولی احتمال عظیم‌تری را که از آن غافل مانده‌ایم آنست که هرفرد بشری درپیکر ملت، درحکم سلولی است و از تعاطی و ترکیب میلیاردها صورترکیب احتمالی درعرصه حیات ملت که هریک ازآنها برسیلیونها صوراحتمالی ترکیب اندیشه فرد متکی است چه نیروی شگرفی درحال پدیدآمدن‌می‌باشد.

هیچ قدرتی و هیچ سرمایه‌ای بااندکی از احتمالات فرهنگی یک ملتقابل مقایسه نیست.

تمدن جهان امروز که زائیده جنبه‌هائی ازبعضی فرهنگهای قدیم است تنها به ارزش‌یابی بعضی ازامکانات ظاهری پرداخته است و بهمین دلیل درجهان امروز همه‌چیز را با پول و میزان سرمایه اندازه‌گیری می‌کنند، حتی ملتها را برحسب میزانی که میتوانند سرمایه‌گذاری کنند درجه‌بندی مینمایند.

ولی واقعیت آنست که عقاید و نظریات علمی جهـان امروز، تنها گوشه کوچک و ناپایداری از امکانات فرهنگ بشری است که بنوبه خود از ترکیب فرهنگهای اصیل ملی پدید میآید و آن زمان که خلاقیت فرهنگی درمیان صدها ملت استقلال یافته جهان کنونی چهره خودرا بنماید دانش‌های امروز در دیدهٔ مردم فردا ازسحر و افسون اعصار قدیم غریب‌تر و بی‌مایه‌تر جلوه میکند، زیرا دانش‌ها تنها برجنبه‌ای از تکامل روح انسانی متکی هستند و تکامل روح انسانی‌تابعی از دگرگونی‌فرهنگها است . ما امروز در چهاردیواری تخیلات و مشاهدات خود، حقیقتی جز دانش‌های امروز را قابل درك نمی‌دانیم ولی با تحول فرهنگها که زمان ما آبستن آنیست و استقلال جوئی ملتهای امروز، نمودی و مقدمه‌ای برآنست، بنیان شناخت انسانی دگرگون میشود و علوم اجتماعی متکی بر اقتصاد،اساس خودرا ازدست خواهدداد.

بشر فردا بسیار قوی و نیرومند خواهد بود زیرا بجای آن که قدرت خودرا درانبوه مخلوقات خود جستجو کند ،قدرت خود را وابسته‌ی نیروئی خواهد ساخت که خالق آفریدگار مخلوقات اقتصادی امروز او می‌باشد و چنین است نگرشی که فرهنگ را برتر از اقتصاد می‌شناسد.

دکترمهدی‌آهی

درایجاد تفاهم بین جوانان واجتماع (۴)

پس نوآوری‌ها و نوسازی‌های اجتماعی نتیجه همان شرکت فعالانه طبقه جوان یک نسل و ابتکار فکری آنها در بین گروههای مختلف جامعه‌ملی و یا جامعه جهانی است که بصورت رقابت احتماعی جلوه می کند و ثمره چنین فعالیت با عرضه کردن فکر بهتر عمل فعالتر، همزیستی بیشتر و همکاری جدی تر، تأمین زندگی مرفه برای نسل خود و آینده می‌باشد، بدون آنکه‌شکاف یاتزلزلی در روابط یا نظام یک‌گروه با گروههای موجود پدیدآید. چون در هرحال یک وجه مشترکی دوراز همه مطالب بین‌طبقه جوان و مربیان آنها وجود دارد. آنهم وجود جامعه است.

جامعه که مرکز اصلی آن خانه می‌باشد نیاز به مشارکت در کاروفکر دارد، عدم توجه به این احساس و امتناع از عرضه تعاون و خودیاری در هرحال موجب آن حواهد شد که نظم و ترتیب لازم در یک‌خانه با آنکه تحت‌نظر یک سرپرست اداره شود، تعادل خود را ازدست دهد.

جامعه‌خانه‌ای است که تمام اعضاء آن با شرایطی و موقعیتی شاید متفاوت از یکدیگر «البته ازنظر بهره وری ازمادیات زندگی» باآنکه درسازندگی آن دارای وظایف و مسئولیت‌های مختلف می‌باشند ولی از نظر حفظ و نگهداری یا دورنگهداشتن جامعه از هرنوع آسیب یا موجباتی که بقاء آنرا مواجه باخطر نماید، دارای مسئولیت مشترك می‌باشند. این مسئولیت‌نه تنها متوجه گروه جوان یک‌جامعه ملی است، بلکه سایر گروهها نیز به نوبه خود ومربیان در هر طبقه باسمت که باشند، همچنین اداره کنندگان امورعمومی هم بهمان نسبت، مانند سایرین در سلامت نگهداشتن محیط زیست و فراهم نمودن تسهیلات وامکانات، ایجاد تفاهم، هم‌آهنگی افکار پراکنده، تنظیم وحدت نظرات ویالاخره در برقراری تعادل مبانی و اساس وجود یک جامعه ملی دارای مسئولیت و وظایف خاص می‌باشند. خصوصاً اینکه اجرای این وظایف از جمله انتظارات و خواسته‌های طبقه‌جوان بوده تا آن حد که جوابگوی تمایلات و استنباط و احساس این طبقه از پدیده‌های اجتماعی باشد.

با آنکه مسئولین اجتماع تحت هرعنوان و دارای هرنوع وظایفی که باشند در ظاهر مسؤول اولیه شناخته می‌شوند. ولی نباید فراموش نمود که اداره امورعمومی یک جامعه ملی‌که آنراسیاست نام نهاده‌اندعاری ازمشکلات و پیچیدگیها، و موانع، تشکیلاتی، مالی، آموزشی وغیره‌نیست. آماده کردن حداقل عوامل زیست برای اعضاء یک خانه، تابع شرایط و امکانات بوده که همیشه به‌آسانی و با آرامش فکری وخود بخود میسر نخواهد بود. بالاخص اگرسلیقه‌ها، تمایلات، برخوردها در بین اعضاء یک‌خانه یا خانواده متفاوت یامتضاد باشد، نمی‌توان انتظار داشت که یک زندگی ایده‌آل تأمین گردد.

لذا شناسائی و با آگاهی اعضاء یا گروههای تشکیل دهنده یک جامعه از عوامل تولیدی اعم ازمادی‌یا معنوی، فکری یا اخلاقی، عملی یا تئوری وپدیده‌های اجتماعی بطور خاص و رابط بین این عوامل بعنوان یک کل، امری‌است ضروری، و هر فرد عضو جامعه ملزم می‌باشد که زندگی خود را درچهارچوب این شناسائی برنامه‌ریزی یا پی‌ریزی نموده و کمبود و یا نواقص آنرا با چاره جوئی از طریق معاونت بادیگران، بردباری در اطاله زمان، و فعالیت‌فکری‌وعملی جبران نماید.

طبقه جوان یا نسل جوان در هر دوره که بعلت اقتضای سنین ، یا کمیت و کیفیت آموزشی و آموختنی‌ها و به دلیل فکر جوان و نونهال، دور از واقعیت‌ها و دگرگونیهای زندگی‌روزانه اجتماع قراردارد ویا اینکه درنتیجه اشتغال در دوره‌های آموزشی اولیه و برنامه‌های متنوع آن فرصت یا آمادگی لازم و کافی جهت جهات—بامی‌زندگی‌بست نیاورده است ممکن است بر مبنای‌منطق‌و استدلال‌خودازپدیده‌های‌اجتماعی که کفایت نتیجه گیری از آن مورد تردید است تحت تأثیر احساسات و فکر زودرس خود قرار گیرد وآنطوریکه شایسته امر است‌قادر به تجزیه وتحلیل صحیح نباشد.

«واین حقیقتی است که‌قبول آن‌ضرورت‌دارد ولی اگر بمرور زمان وبه نسبت پیشرفت تفکر خود و با همراهی و مساعدت هریک از طبقات مربی و مسؤول جامعه درصدد آن برآید که برمیزان آگاهی وشناسائی خود نسبت به موقعیت جامعه بیفزاید ، این امکان وجود دارد که از طریق آشنائی ازحقایق، گفتنی‌ها و پدیده‌ها، ازتخیلات وواهیات فکر خود کاسته وجامعه را آنطوریکه باشرایط خود جلوه‌می کند بپذیرد.

غذاوانسان

دکترعباس روح بخش

زندگی نو مفاهیم نوینی بهمراه داردو مفاهیم تازه دراجتماعات انسانی اعم ازجوانو یا کهنسال راه همیشگی تولد ،گسترش‌ومرگ را می‌پویند . یکی از مفاهیم کهن ولی پیوسته تازه مسئله غذاو انسان است اگر روزگاری غذا یکی از انگیزه‌های تکاپوی انسان بود امروز نیز در کنار انگیزه‌های بسیار زندگی وتلاش همچنان‌مسئله تغذیه‌موضوع گسترده‌ای است که ذهن آدمی را بخود مشغول میدارد .در جهان امروز که مفاهیم کهن بازسازی میشوند وانگیزه‌های تلاش وتکاپو ازنوازدیدگاههای تازه مورد بررسی قرار می‌گیرند .مسئله تغذیه‌از سه نظر ویا توجه به سه اصل مورد تعریف قرار گرفته است.

نخست — غذا بعنوان مولد نیروی کارو تأمین کننده توان انسان برای اقدام به تولیدو ادامه حیات که دراین فصل کیفیت و کفایت مواد غذائی وچگونگی تولید وحفظ وتوزیع آن وافزون بر کیفیت غذائی وبهداشتی مواد ضروری برای ادامه حیات جامعه وافزایش توان کارافراد مطرح می‌گردد واین خود مبحثی‌است درخور گفتگوی بسیار.

دوم — غذا بعنوان عامل پرورش نسل آینده وافزایش نیروی بدنی وذهنی کود کانو نوزادان که دراین مبحث مطالب بسیاراز جمله تغذیه صحیح وسرشار از پروتئین برای نوزادان ونوباوگان مطرح می‌گردد وتنظیم

سوم — غذا بعنوان یک عامل سیاسی و وسیله‌ای برای پایداری ملتها در برابر هجوم‌های استعماری که بگونه استعمار اقتصادی‌و بهره کشی از نیروی کار وسرمایه‌های طبیعی جوامع عقب مانده ودرحال رشد بروز می کنند. کشورهای توسعه یافته صنعتی با برخورداری‌از تکنولوژی پیشرفته تولید کنندگان طراز اول مواد غذائی هستند واندیشه استفاده از مواد غذائی برای به زانو در آوردن ملتهای در حال رشد که زمزمه آن درماههای اخیر شنیده‌میشود غذا را بعنوان یک حربه سیاسی درخدمت استعمار ویک وسیله دفاعی برای‌ملل مبارز و ضد استعمار معرفی می کند ولزوم اتخاذ سیاستهای تولیدی مواد غذائی را بدانگونه که بی نیازی جامعه را تضمین نماید آشکار می‌سازد.

تاریخچه مختصری درباره:

«کار» از گذشته دور تا

نوشته: دکترمهین زمانی جامعه‌شناس

درعرصه پهناورجهان بهرسو که می‌نگریم افراد بشر را سرگرم کار و فعالیت می‌بینیم. انسانها گروه گروه و یا بصورت انفرادی در واحدهای گسترده و عظیم و یا در کارگاههای کوچک به‌سازندگی و آفرینش مشغولند که نام تولید بر کار آنها میگذاریم، تولید برای رفع نیازهای بشر، خواه نیازهای واقعی باشد و یا کاذب.

چگونگی انجام کار و آنچه تولید میشود. بسیار متنوع است، آنچه در واحدهای کار بچشم میخورد گوناگون و رنگارنگ است. نیروهای انسانی بصور مختلف بکار گمارده شده‌اند، نحوه زندگی آنان نیز متفاوت است و همچنین است تمایلات و خواسته ها و امتیازات آنان. باین ترتیب ما با اجتماعی خاص روبرو هستیم که گروه عظیمی از انسانها را در خود جا داده است انسانهایی که اهمیت فوق‌العاده دارند، زیرا که مسائل مربوط به‌نیروهای مؤثر در تولید از بعضی جهات یکی از محورهای اصلی تحولات زمان است.

مطالعه چنین اجتماعاتی امروزه توجه بسیاری از جامعه شناسان و روانشناسان را بخود جلب کرده است وسعی برآنستکه با شناخت زوایای چنین جوامعی ویژگیهای آنرا دریابند و در صورت لزوم در مواقع حساس در رفع مشکلات و مطرح ساختن پیشنهادات اصلاحی قدم مؤثری بردارند.

اما باید دید آیا از دیرباز واحدهای کار چنین شبکه گسترده و پیچیده‌ای را شامل بوده است؟ آیا بشر از آغاز زندگی اجتماعی خود بکار می‌پرداخته است؟ کار در گذشته چه شرایطی داشته و چه سیر تحولی را تا به‌امروز گذرانده است؟ آیا در طول تاریخ زندگی بشر مردم طرز تفکر یکسانی در مورد کار و کارگر داشته‌اند؟ آنچه مسلم است اینستکه در دنیای باستان طی قرون متمادی نظریه افراد بشر در مورد کار و کارگر غیر از عقیده امروزی مردم جهان بوده است.

از هنگامیکه انسان اولیه برای رفع نیازهای طبیعی و غریزی خود مانند گرسنگی و تشنگی به‌تلاش پرداخته، در واقع کار کردن‌را آغاز کرد و رفته رفته همراه تشکیل اجتماعات کوچک اصل تقسیم کار نیز انجام گردید. تقسیم کار تنوع مشاغل را به‌دنبال داشت بطوریکه کمی بعد در تقسیم‌بندی طبقاتی به‌نیروهای کاربرمی‌خوریم.

اما باید دانست با آنکه پیوسته اجتماع به‌حاصل کار کارگر نیاز داشته، ولی متاسفانه اختلاف طبقاتی شدید، او و روستائی و پیشه‌ور را در طبقات پائین‌اجتماع جای میدادند. در روم و یونان قدیم و همچنین در ایران باستان طبقه اشراف و فلاسفه و جنگجویان خود را برتر از کسانی میدانستند که کار میکردند و سرنیروی بازوان خود را تقدیم آنان میداشتند.

در نظام کاستی هندوان (کاست عبارت یک قشر اجتماعی بسته می‌باشد) نیز می‌بینیم که کارگران و پیشه‌وران و کشاورزان در موقعیتی پائین‌تر از روحانیون و جنگجویان قرار دارند.

البته طی قرون وسطی که چنین طرز تفکری وجود داشت، روحانیون سعی داشتند به‌کار جنبه اخلاقی و تهذیب روح بدهند. در نتیجه می‌بینیم که بسیاری از کشیشان و راهبه‌ها انجام هرنوع کار بدنی را وسیله‌ای برای به‌بند کشیدن خواهشهای نفسانی تلقی میکردند و حتی گاه جنبه ریاضت به‌آن میدادند. در ایران نیز عده‌ای از عرفا و صوفیان تن به‌انواع کارها میدادند وباخدمت به خلق خود را به خداوند نزدیک می‌دیدند. گرچه درمقابل این گروه، گروه دیگری هم وجودداشتند که طرفدار بطالت وبیکاری بودند وانجام هرنوع کاری را مانع عبادت ونزدیکی به‌خداوندمی‌دانستند.

پس از دوره‌ای طولانی که کارگر از حقوق اجتماعی مناسب بی‌بهره بود، کم کم به دورانی نزدیک‌می‌شویم که‌آغازگر تحولات در زمینه‌های مختلف است وبیش‌از همه موقعیت کار و کارگر را زیرو رو نموده است. عصررنسانس باانقلاب مذهبی وعلمی در اروپا. در قرن شانزدهم میلادی پروتستان مذهب‌ها در اروپا برای کار اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شدند تاآنجا که ثروت مکتسب ازکار رانشانه رحمت وعطیه الهی تلقی کردند و کارگر وپیشه‌ور رفته‌رفته مقام و منزلتی یافت که حتی‌ارزنده‌تر از اصیل زادگان شمرده میشد. «توماس‌مور» درکتابش به نام اوتوپی utopia برای کاردستی وجسمانی ارزشی فوق‌العاده قائل میشود، تاآنجا که میگوید: قضات وحکام بلندمرتبه باید در روز «ساعت کاردستی انجام دهند. درقرن هیجدهم به فیزیوکراتها برمی‌خوریم که برای کشاورزی وکشاورز اهمیت فوق‌العاده قائل می‌شدند وسپس بتدریج سایرفلاسفه و دانشمندان وارد بحث درمورد کار وارزش کارگر شدند، تاآنجا که «سن‌سیمون» فیلسوف و جامعه‌شناس معروف فرانسوی می‌گوید: «کارگر مولد است ونظامی وحقوقدان غیرمولد» و آنها را هم درطبقه بالای اجتماع جای میدهد، بعکس ارسطو که کار جسمی را مخصوص طبقه پائین جامعه میدانست.

زنانی که کارمیکنند ومسایل مربوط به آنها

از: دکترحسن احدی

معمولا بین دوجنس زن ومرد، زن را ضعیف‌تر دانسته‌اند. اما باید دید ازچه نظرجنس زن را ضعیف دانسته‌اند. آیا زنانی را که کار میکنند و کارشان مورد بهره برداری است یا زنانیکه غیرفعال هستند وآنها ازحقوق اصلی بشری یعنی قانون کارمحروم شده‌اند؟

زنانی که در کارگاه کارمیکنند. زنان خانه دار. آیا این دو نقش رامیتوان باهممقایسه کرد؟

۱ — زنان‌چرا در کارگاهها کارمیکنند؟

پیشرفت فوق‌العاده صنایع که مدیون بکار بردن پیشرفتهای علمی از قرن نوزدهم به‌بعد است، مارا مجبور کرده است که بطور اساسی شرایط وفرضیه هائی را که درباره کارزنان داشتیم تغییر دهیم. عامل این دو تغییر دوچیز بوده است. ازیکطرف کشف استعداد های جدید زنان، ازطرف دیگر روش های جدید کار. امکان داده‌است که بوسیله تکنیک جدید محصولاتی بدست آوریم که تنها بقدرت بدنی احتیاج ندارد واجازه داده است که زنان خارج ازخانه خودشان کار کنند. بدین جهت همان اندازه که کارهای حرفه‌ای امروزه‌نیاز کمتری بقدرت بدنی دارد، بهمان‌نسبت احتیاج بیشتری به کیفیت کاردارد، مانند: مهارت، دقت — مواظبت وغیره ...... که ازاین لحاظ ازنظر روانی زنان با مردان برابرند. یک مثال بسیارساده کارگاههای الکترونیک است که آنها احتیاج بکارگر دستی دارند که بخصوص ماهر وظریف کار ودقیق باشد. (این کارگاهها اغلب دختران جوانی را که یک دوره کوتاهی نیز دیده باشند باستخدام خود درمیاورند). بنابراین اقتصاد جدید امروزه احتیاج به نیروی کارزنان دارد.

باین جهت است که کارگاه ها زنان را بعنوان کارگر های خوبی برای استخدام دانسته وآنها راقادربانجام کارهای ظریف فنی میدانند.

امروزه گرچه مزد زنان ومردان بهم نزدیک میشود، معهذا کارگاهها نمی‌توانند از استخدام زنان چشم پوشی کنند. برای اینکه بدون وجود زنان در کارگاهها قسمت های اداری ومنشیگری نخواهد چرخید.

تعداد درصد زنانیکه کارمیکنند باتوجه بکل جمعیت فعال.

ناحیه	درصد
سراسردنیا	۳۳
آفریقا	۳۰
امریکای شمالی	۳۳
امریکای لاتین	۲۰
آسیا	۳۰
اروپای غربی	۳۳
اروپای شرقی	۴۲
اقیانوسیه	۲۵
روسیه	۴۸
سویس	۶۰

درصد زنان کارگر درقسمت های مختلفه

ناحیه	کارهای‌ابتدائی	کارخانه‌ای	کارهای بافندگی ونساجی
سال ۱۹۶۱، آلمان فدرال	۲۰	۳۴	۴۶
سال ۱۹۶۱، بلژیک	۵	۲۹	۶۶
سال ۱۹۶۲، فرانسه	۱۹	۲۸	۵۳
سال ۱۹۶۱، ایتالیا	۳۵	۳۱	۳۴
سال ۱۹۶۰، دانمارك	۱۹	۲۵	۵۶
سال ۱۹۶۰، نروژ	۲۲	۱۹	۵۹
سال ۱۹۶۱، اتریش	۳۰	۲۷	۴۳

بامروز

خـــلاصه همه تحولات جامعه تحت تأثیر مسائل مادی واقتصادی است که کمیت و کیفیت کار وزندگی کارگر نیزدر آن سهم بسزا دارد.

بهرحال باتحولاتی که دراروپای صنعتی صورت گرفت گروهی از دانشمندان وفلاسفه، ارزش اقتصادی کارو کارگر را برای اجتماع خود توجه کردندواز طرفی انقلاب صنعتی انگلیس در قرن نوزدهم که باعث دگرگونی همه شئون زندگی گردید، موجب آگاهی ذهن عموم وتغییراتی در واحدهای کارشد. همراه این تغییرات، تحولاتی درجنبه های رفاهی زندگی کارگر وتغییر قوانین کارودریافت امتیازات انسانی بیشتر بنفع آنها نیز بظهور رسید تاآنجا که امروز کار بعنوان یک پدیده بسیار مهم اجتماعی مورد بحث وگفتگو است و کارگر بعنوان انسانی شریف که بایدار کلیه امتیازات اجتماعی بهره‌مند باشد، مورد توجه می‌باشد.

خوشبختانه کشورما نیزهمراه ایـــن دگرگونیهای جهانی گام برداشته بخصوص در سالهای اخیر بااقدامات فوق العاده ثمربخشی رفع تبعیض از این طبقه مهم ومؤثر بعمل آمده وتردیدی نیست که برای جامعه‌ای که بسوی صنعتی شدن گام برمیدارد، توجه به‌مسائل کارو کارگری اجتناب ناپذیر است.

سال ۱۹۵۱ ایرلند ۸۰ ۲۵ ۷۶

نسبت زنان کارگر درقسمت‌های مختلف

ناحیه	کارهای ابتدائی	کارخانه‌ای	کارهای بافندگی و نساجی
آلمان فدرال	۵۴	۲۵	۴۶
بلژیک	۱۷	۱۸	۳۹
فرانسه	۳۳	۲۳	۴۶
ایتالیا	۲۹	۲۰	۳۸
دانمارک	۲۵	۲۱	۵۰
نروژ	۲۲	۱۲	۳۳
سوئد	۱۷	۱۷	۴۸
اطریش	۵۳	۲۷	—
ایرلند	۱۱	۲۶	

بالاخره باتوجه بتمام زنانی که فعالیت حرفه‌ای غیراز کارهای کشاورزی دارندتقریباً در نروژ وهلند وسوئد از هرچهار زن فعال یک زن در کارخانه ها کارمی کند. این نسبت در بلژیک و فرانسه $\frac{۱}{۴}$ ودر اطریش وآلمان فدرال $\frac{۲}{۱۰}$ است در ایتالیا نزدیک به $\frac{۱}{۴}$ زنان فعال در کارخانه ها کارمیکنند. این نشان میدهد بدون شک ایتالیا تنها کشوری است که زنان بیشتر در کارهای بافندگی ومنسوجات کارمیکنند.

چه زنانی کارمیکنند؟..

این کافی نیست که بدانیم چند درصد از زنان کارمیکنند، باید همچنین موقعیت زنان فعال وبالاخره تمام مشکلاتی که دراجتماع بوسیله کار کردن زنان بوجود میاید شناخته شود. تقریباً تا سال ۱۹۵۰، درتمام کشورهای اروپائی وآسیائی فقط زنان مجرد بیوه وطلاق گرفته کارمیکردند حدود ۵ سال است که دو عامل عرضه کار زنان را تغییر داده‌است از یکطرف مجموع ازدواج ها درتمام کشورها بالا رفته و ازطرف دیگر ازدواج ها درسنین پائین‌تری صورت می‌گیرد.(۱) نتیجه اینست که اگرچه تعداد (درصد) زنان فعال تقریباً ثابت است، اما درصد زنان ازدواج کرده فعال بیشتر میشود. یعنی امروزه تقریباً کار بیشتر زنان متاهل نسبت به اکثریت افزایش یافته است. پس ما بامسائل مختلفی روبرو خواهیم بود، مسائل و مشکلات زنان متاهل ومتاهل بچه دار ومشکلاتی که دختران درمحل کاردارند.

به چه عللی زنان متاهل کارمیکنند؟

درباره زنان متاهل جهان که سعی دارند کارهای خارج ازخانه داشته باشند، میتوان دو نوع انگیزه پیدا کرد. این دو نوع انگیزه تقریباً دربیشتر موارد با هم تلفیق میشوند.

۱ــ ابتدا زنانی که شوهران آنها پول کافی بدست نمیآورند. اما بصورت دیگر شوهر بحد کافی برای یک زندگی عادی حقوق میگیرد، اما آنها خرجهای اضافی دارند. بالاخره زنانی که شوهران آنها مدت مدیدی نمیتوانند حقوق بگیرند. هم چنین زنانی هستند که باید سالهای زیادی کار کنند اگرچه تا زمان پیری نباشد. و دسته دیگر که بعد ازمدتی برای همیشه به خانه برمیگردند. ازبین خانواده هائیکه پدرقادر به دریافت وجهی نیست ازقبیل: خانواده های معلولین از کارافتاده وزندانیان.

درمورد دیگر که درآمد شوهر کاملا ازبین رفته است ولی این حالت درسویس وایران وجود ندارد فقط در کشورهائی است که درآنها جنگ بوده است. اما بنظرمیرسد که بیشتر عامل کارکردن زنان کمبود درآمد مردان است.

ولی حداقل درآمد یک فرد چقدرباید باشد. درمقابل این دوامکان زنان درچه موقعیتی قرارمیگیرند؟ زندگی ساده ولی آرام که درخانه باقی بمانند ویا اینکه درخارج ازخانه کار کنند تا بصورت مرفه زندگی کنند. برای جواب دادن باین سئوال شاید ما مجبور باشیم مطالعه در روی فرد فرد خانواده ها انجام دهیم. بسیاری ازخانواده ها که ازدواج کرده‌اند میدانند که آنها حتی نمیتوانند کارهائی بطورنیمه وقت انجام دهند.

دربیشتر فامیلها شوهر درآمد کافی برای یک زندگی ساده وراحت دارد. اما نه برای مخارج اضافی.

(خانواده هایی هستند که حقوق شوهر بیهوده مصرف میشود.) در زوریخ از هزار خانواده که سئوال شده است ده زن اعلام کرده‌اند که علت کار کردن آنها بخاطر مخارج شوهرشان برای الکل یا قمارمیباشد. مخصوصاً این انگیزه‌ای بوده است برای مادرانیکه بصورت نیمه وقت کارمیکنند.

بعکس بیشتر زنان کاررا بمنظور بهبود بخشیدن بوضع زندگیشان دوست دارند انجام دهند. گرچه دستمزد آنها تأثیری دروضع خانواده نمیکند، ولی بآنها یک زندگی دلبخواه می‌بخشد. برای اینکه بتوانند اغلب ازدستمزد خود برای خرید اشیاء لوکس ویا گردش‌هایشان استفاده نمایند. دسته‌ای از زنان برای این کارمیکنند که درمقابل شوهران خود استقلال مادی داشته باشند. برای دسته دیگر این درآمد اختصاصی بآنها امکان میدهد که اشیاء کوچک دلخواه خود را خودشان بخرند. برای دسته دیگر عایدی نوعی مباهات است که بتوانند بخانواده خود کمک کنند. برای بیشتر این گروه دستمزد آنها نوعی ارزش اجتماعی برایشان بوجود میآورد.

درباره پیراهن و پیراهن دوزان بدانیم:

پیراهن دوزی در واقع یکی از حرفه های ظریف و هنرمندانه ایست که درسالهای اخیر با جدا شدن از حرفه خیاطی، رونق تازه‌ای گرفته است.

در حال حاضر ۹۴ باب کارگاه تولید پیراهن و ۹۶۹ واحد پیراهن دوزی در تهران به تولید انواع پیراهن اشتغال دارند.

تعداد پیراهن‌دوزان تهران حدود ۶۰۰۰ نفر است

هم اکنون سالانه حدود ۵ میلیون پیراهن در تهران تولید و به فروش می‌رسد.

انواع پیراهن هائی که در ایران تولیدمیشود

پیراهن‌دوزان ایرانی به ویژه تهرانی تولیدات خود را در ۳ سری روستائی، کارگری، کارمندی و مد روز به مردم عرضه می کنند، و باید دانست، که البته کارگر پیراهن‌دوز اینگونه تقسیم‌بندی میکند، اما استفاده از این نوع پیراهن ها، طبقه مشخصی ندارد، هر کدام از این ۳ سری بار بـــه انواع دیگری تقسیم می‌شود. بهای ارزان‌ترین این پیراهن ها طبق قیمت‌گذاری مرکز بررسی قیمت‌ها ۹۰ ریال و گران‌ترین آن ۱۴۵۰ ریال است.

پیراهن های روستائی

این گونه پیراهن ها معمولا گشادتر از معمولی دوخته می‌شود و راحتی و امکان تحرک فردی که آنرا می‌پوشد بیش از هرچیز مورد نظر است. نوع پارچه پیراهن های روستائی هم طوریست که در مقابل تأثیر پذیری از آب و هوای مرطوب یا آفتاب قدرت مقاومت زیادتری را دارد. پارچه اینگونه پیراهن ها معمولا از الیاف مصنوعی است.

پیراهن های کارگری

این گونه پیراهن ها، چه ازنظر نوع پارچه و چه از جهت کیفیت دوخت، تناسب کاملی با محیط کارخانه‌ها دارد. یقه پیراهن های کارگری معمولا کوتاه‌تر از انواع دیگر، دوخته می‌شود و پارچه آن هم از نوع پارچه پیراهن ـ های روستائی یعنی الیاف مصنوعیست.

پیراهن کارمندی

کارگران پیراهن دوزی گویند

بانصب برچسب های خارجی برروی پیراهن های ایرانی، هنرما، به حساب خارجی ها گذاشته میشود

کارگران پیراهن‌دوز که شناخت کاملی برطرز تفکر هر کدام از گروههای اجتماع دارند، سعی می کنند هرگونه تولید خود را با خواسته ـ های آن گروه تطبیق دهند، کـه همین امر نمونه‌ای از مهارت و هوشیاری این کارگران است. در تولـیـد پیراهن هـای مخصوص کارمندان بیش از هرچیز شکل و اندازه یقه و نوع پارچه مورد نظر است. یقه های این نوع پیراهن ها معمولا بلند است و طوریست که براحتی امکان استفاده از کراوات امکان پذیر شده است.

پیراهن مد روز

نوع پارچه این گونه پیراهن ها و همچنین کیفیت دوخت آن همیشه طبق آخرین مدهای جهانی درنظر گرفته می‌شود.

پارچه‌ای که برای این نوع پیراهن ها به کار میرود، از جنس ابریشم است و معمولا با روش «کرستی» و کمر باریک دوخته میشود به نحوی که کاملا بدن را قالب گیری می کند.

این نوع پیراهن ها در واقع گران‌ترین نوع پیراهنی است که در ایران تولید می‌شود.

نوع رنگها

بد نیست بدانید رنگ‌های پیراهن‌ها با کیفیت گروهی که آن را می‌پوشند، تغییر میکند. پیراهن روستائی و کارگری بیشتر از رنگهای تیره انتخاب میشود، درحالیکه رنگ پیراهن‌های کارمندی و مد روز معمولا روشن است، ولی بطور کلی رنگ‌های آبی آسمانی صورتی و سبز پسته‌ای بیش از انواع دیگر مورد استقبال قرارمیگیرد.

تداخل صنفی مشکل اصلی کارگران پیراهن دوز

یکی ازموارد لغو پروانه کسب واحدهای متخلف که در قانون نظام صنفی به‌آن اشاره شده است، اشتغال به‌شغل یا مشاغل دیگری در محل کسب، غیر از آنچه در پروانه قید گردیده می‌باشد. اجراشدن این قانون ویژه به‌وسیله بسیاری از اصناف بزرگترین مشکل را برای صنف پیراهن دوزان فراهم آورده است.

طبق این قانون، تولید و فروش پیراهن فقط برعهده صنف پیراهن دوز گذاشته شده است درحالیکه عده‌ای از اعضای این صنف معتقدند بسیاری از خرازی فروشان، دراک استورها و مغازه‌های دیگر به‌فروش پیراهن‌های گوناگون می‌پردازند و همین مسئله باعث از بین رفتن کنترل اتحادیه صنف پیراهن فروشان بر چگونگی عرضه پیراهن و جلوگیری از بالا رفتن قیمت‌ها و تقلب در تولید پیراهن شده است. مثلا چندی پیش تعدادی پیراهن و کراوات با برچسب خارجی در چند مغازه به‌دست آمد. این پیراهن‌ها نمونه‌ای از پیراهن‌هائی است که به‌عنوان جنس خارجی با چند برابر قیمت به مردم فروخته میشود.

درحالیکه از ۳۰ سال قبل وارد کردن پیراهن دوخت کشورهای خارجی به‌ایران ممنوع شده است.

استقبال مردم از این نوع پیراهن‌ها باعث شده است تاگروهی ازافراد غیرصنفی درمغازه‌های

واقع درطبقه دوم ساختمان‌ها به‌تولید پیراهن بپردازند و با چسباندن مارك خارجی، آن را در اختیار خرازی فروشان، دراک استورها ومغازه‌هائی که کار اصلی آنها فروش پیراهن نیست، بگذارند. این مغازه‌ها با توجه به‌اینکه عضو صنف پیراهن فروش نیستند و اتحادیه پیراهن فروشان نمی‌تواند برکار آنها نظارتی داشته باشد، این نوع پیراهن‌های ظاهراً خارجی را با چند برابر قیمت به‌مردم عرضه می‌کنند.

علی رضا مخملیان، رئیس اتحادیه صنف پیراهن فروشان دراین مورد میگوید:

— من پیش ازشروع مبارزه با گران فروشی، ضمن یکی از جلسات صنفی موارد مهم و علل گران فروشی پیراهن را تشریح کردم. مهمترین چیزی که در این جلسه به‌آن اشاره نمودم، همان موضوع تداخل صنفی بود. مثلا تمام اجناسی را که خرازی فروشان می‌توانند عرضه کنند در برنامه صنفی آنها نام برده شده است و از پیراهن دراین برنامه نامی دیده نمی‌شود. درحالیکه امروزاکثرخرازی فروشان و بوتیک‌ها انواع پیراهن را از پیراهن دوزان غیر مجاز می‌خرند و با زدن برچسب‌های خارجی برآن به‌چند برابرقیمت عرضه می‌کنند.

علیرضا مخملیان در ادامه حرفهایش میگوید: زمانیکه مبارزه باگرانفروشی شروع شد، ما به مقامات اتاق اصناف ومرکزبررسی قیمت ها اطلاع دادیم که در گرانفروشی پیراهن بهیچ وجه افراد صنف پیراهن فروش دخالتی ندارند و این امر نتیجه سودجوئی افراد غیر صنفی می‌باشد. گذشته از این موضوع را

به‌مرکز بررسی قیمت‌ها، ستاد مبارزه با گران فروشی حزب رستاخیز و همچنین وزارت بازرگانی هم اطلاع داده ومنتظریم،

ولی هنوز بعد از گذشت چند ماه، تداخل صنفی که بزرگترین ضرر مادی و معنوی را برای ما به بار میاورد، هنوز کاملا ازبین نرفته است.

بوتیک‌ها عامل مهم دیگر گرانفروشی

حسین محمدی یکی از کارگران صنف پیراهن دوز کیفیت کار بوتیک‌ها را یکی از مهمترین عوامل گرانی پیراهن و درنتیجه از بین رفتن ارزش کار کارگران پیراهن دوزمی‌داند. او میگوید: من به جرأت میگویم پیراهن هایی که در بوتیک به عنوان پیراهن خارجی حتی تا ۶۰۰ تومان به فروش می‌رسد، همان پیراهن‌هائیست که ما حداکثر با ۴۵ تومان به مردم می‌فروشیم. منتها بوتیک‌ها با استفاده ازهمان برچسب‌های خارجی و نهادن نام فرنگی‌های بر سر درمغازه‌های خود، سوء استفاده می‌کنند، درحالیکه دود این کارآنها به چشم ما میرود و مردم پیراهن دوزان را دراین مورد مقصر میدانند اینست که من کنترل قیمت اجناس بوتیک‌ها و جلوگیری ازاین عمل آنها را بهترین راه مبارزه با گرانی پوشاك به ویژه پیراهن میدانم.

برچسب‌های خارجی چگونه تولیدمی‌شود؟

این گونه برچسب‌ها که استفاده ازآنها تا این اندازه ناراحتی پیراهن فروشان و کارگران پیراهن دوزرافراهم کرده است، بوسیله چندمغازه که کاراصلی آنها یراق دوزی، منگوله بافی و بافتن طناب‌های رنگین زینتی است، تهیه میشود

هرچند تولید مارك های خارجی مجاز نیست اما این مغازه‌ها با توجه به کیفیت شغلی خود و به عنوان نوعی زینت این برچسب‌ها را تولید می‌کنند، درحالیکه این کاربرای آنها درآمدی به مراتب زیادتراز کارمعمولیشان دارد.

در این مغازه‌ها معروفترین مارك‌های پوشاك خارجی تولید و به پیراهن دوزان غیرمجاز فروخته میشود. علی‌اکبری کارگر دیگرپیراهن‌دوز میگوید: پیراهن دوزان غیرمجاز نه مالیات می‌دهند، نه به هیچگونه مقرراتی توجه دارند، درحالیکه درآمدآنها بمراتب ازما بیشتراست.

غیرازمشکل تداخل صنفی که درواقع اولین و بزرگترین دشواری موجود در برابر پیراهن دوزان و پیراهن فروشان است، بعضی درگیریهای دیگری هم برای آنها وجود دارد.

رحیم رضائی اختلاف سلیقه مردم را یکی از موارد عدم تفاهم کارگران پیراهن دوز با مشتریان می‌داند. او میگوید: در گذشته که مردم کمتر به مد پایبند بودند، کارها راحت‌تر انجام می‌شد، اما اکنون بیشتر مشتریان ما پیروی ازمد را برای خود نوعی تفاخر می‌دانند. هرچندما هم سعی می‌کنیم تاحدممکن خواسته‌های آنها را دراین مورد برآورده کنیم، اما بسیاری ازمشتریان ما هستند که بعد ازتحویل گرفتن پیراهن تا چند روز مرتبا به ما مراجعه می‌کند ومثلا ازیقه

پیراهن ایراد می‌گیرند. ماهم باخوشروئی این نقص را برطرف می‌کنیم. باز چند روز دیگر برمیگردندوازطرز دوخت آستین آن گله می‌کنند.

مرتضی ممدوح، پیراهن‌دوز میگوید: عرضه پیراهن های ایرانی به‌عنوان جنس‌خارجی درواقع پایمال کردن هنرواستعداد ما کارگران پیراهن‌دوز است ومن‌قبل از هرکس مردم را در این‌مورد مقصر می‌دانم، چون آنها هستند که جنس خارجی را برتولیدات ماترجیح می‌دهند. حال اگر واقعاً این نوع جنس ها خارجی بود ماگله‌ای نداشتیم، ولی‌موضوع اصلی این‌جاست که هنروزحمت ما به حساب خارجی‌هاگذاشته می‌شود وقدرما در این‌میان ناشناخته می‌ماند.

***

ماگله‌های کارگران پیراهن دوز را بامقامات اتاق اصناف درمیان‌گذاشتیم. یکی‌ازمقامات این اتاق در این‌باره‌گفت: اطاق اصناف با کشف پیراهن های دارای برچسب تقلبی‌مبارزه بزرگی را برضد این گونه‌خلافکاری‌ها آغاز کرده استواکنون اقداماتی در جریان است که بزودی جلوهرگونه تقلب را خواهدگرفت.

منتهی خود افراد صنف پیراهن‌دوز هم باید در این مورد همکاری بیشتری داشته باشند، چون بهرحال ما برای حفظ‌منافع آنها اقدام کرده‌ایم.

این زن کارگر می‌گوید :

زنان
همگام با مردان کارگر، در راه پیشرفت صن

میگویند

زنان با توجه به‌اینکه در برابر ناملایمات، سپر مقاومی بنام عاطفه مادری دارند، خود را درگیر کشمکش های رنج‌آور زندگی نمی کنند و از این رو صبورتر و بردبارتر از مردانند و هرگز بخاطر یک مسئله کوچک از کوره در نمیروند، فریاد نمی کشند، زمین و زمان را بهم نمی‌ریزند و خون خود و اطرافیانشان را کثیف نمی کنند.

همچنین زنها، بخاطر برخورداری از دقت، ظرافت، سلیقه و ذوق زنانه، در کارها تحمل و صبر و دقت بیشتری دارند و طبعاً کار، از زیر دست آنها ظریف و تمیز و مستحکم درمی‌آید.

با توجه به‌این نکات، آیا مدیران واحدهای صنعتی و تولیدی حق دارند که در بکار گماردن کارگران، زنها را هم به‌چشم مردان به‌بینند؟

گزارشگران رستاخیز کارگران چه میگویند؟

اما ...زن کارگر ایرانی، این موجود ظریف و مقاوم که فردای ایران صنعتی را با دست های ترد و ظریف خود پی‌ریزی می کند، مسائلی هم دارد که باید طرح شود و با نارسائی‌هائی‌هم روبروست‌که‌باید آن را شکافت ودرپی‌چاره‌اش برآمد.

برای آن که این نکات نیز، از نزدیک و با نگاهی دقیق‌تر و موشکافانه‌تر بررسی شود، مجله رستاخیز کارگران، اعضای گروه گزارشگران خود را به کارگاهها و کارخانه های تولیدی و صنعتی فرستاده است، تا چهره به‌چهرهٔ زن کارگر ایرانی بایستند و حرفهای او را، بی‌هیچ واسطه‌یی، از زبان خودش‌بشنوند.

* * *

یکی از اعضاء گروه گزارشگران نوشته است:

سروصدای دستگاه های عظیم وماشین های غول پیکر،زیر سقف کارخانه پیچیده است و کارگرها چنان به کار خود مشغولند که متوجه ورود ما نمی‌شوند.

نخستین کسی که در این میان، نگاه من و عکاس گروه را بسوی خود می کشد، دختری با جثه‌یی ظریف است که پشت دستگاهی عظیم نشسته است و کار آن را کنترل می کند. تازه وقتی به‌نیم قدمی‌اش میرسم متوجه من میشود.

—سلام، خسته نباشی!

ریزوظریف‌می‌خندد:

—نه، خسته نیستم، در کارم غرق شده‌ام.

اسمش فاطمه محمودی است، بیست و دو سال دارد. ازدواج نکرده و از یک سال پیش در این کارخانه مشغول کار شده است. وقتی می‌پرسم با این دستگاه عظیم که ظاهراً بنظر میرسد چند مرد هم از عهدهٔ اداره کردنش بر نمی‌آیند چه تولید می کند، به‌سادگی، چنان که گویی از یک کلدوزی‌ساده حرف میزند، میگوید:

— این دستگاه پمپ کولر تولید می کند. این به‌تنهایی چیزی نیست، ولی وقتی با یک گشت زنجیره‌یی از قسمت های مختلف کارخانه عبور می کند و به‌بازار میرسد، همان دستگاهی میشود که در تابستان‌های گرم، خانهٔ شما رامثل ییلاق، خنک‌ومطبوع می کند.

به‌این زیبایی و شیرینی حرف زدن در مورد کار روزانه‌یی که بخاطر یکنواخت بودنش ظاهراً باید خسته کننده باشد و گاه فریاد بسیاری ازمردها را به‌آسمان می‌برد— براستی فقط از یک زن ساخته است: زنی که حتی بماشین های غول پیکر کارخانه، بامهروعطوفت وچشم مهرآمیزنگاه‌می کند.

با اینهمه وقتی از او می‌پرسم که «آیا یک زن می‌تواند هم به کارهای خانه برسد هم در خارج از خانه فعالیت داشته باشد؟» شانه بالا می‌اندازد ومیگوید:

— این بستگی به‌نوع زندگی خانوادگی آدمی دارد. مسئله خانوادهٔ پدری مطرح نیست. باید دید زن، پس از ازدواج، درخانه شوهرش چه وضعی دارد. بعضی شوهر-ها موافق کار خارج از خانه همسرشان هستند و بعضی دیگر با این مسأله مخالفت دارند. ولی خود من، با آن که به کارخارج ازخانه علاقه دارم، چون تربیت خانوادگیم طوری بوده که عاشق خانه و زندگی بارآمده‌ام، شخصاً ترجیح میدهم پس ازازدواج، تمام وقتم را صرف کار-های خانه‌داری و رسیدگی به شوهر و بچه هایم بکنم.

... ودرست چند قدم آنطرف‌تر، دخترسبزه رویی با دقت و وسواس مشغول کار است که جواب دیگری درآستین دارد. او «همون جان-خیراتی»، ۲۳ ساله و مجرد است که در این کارخانه با روزی ۲۷۰ ریال دستمزد کارمیکند و وقتی می‌پرسم که آیا پس ازازدواج، بازبه کارش ادامه خواهد داد یا نه، سرش را راست می‌گیرد، صاف توی چشمهایم نگاه می کند و می گوید:

— حتماً! چون کار کردن در بیرون‌خانه به‌من غرورمیدهد!

نمیدانید چه کیفی دارد آدمی فکر کند که از دسترنج او، مردم وطنش استفاده می کنند، لذت می‌برند و به آسایش می‌رسند، و تازه خود او هم از این کار کردن، زندگی خودش را، بدون منت بردن از کسی، به راحتی اداره می کند...

* راستی «همون جان» خانم، تو ازمحیط کارت راضی هستی؟

* خوب... میدانید، مسلماً در هر محیطی ممکنست اشکالاتی هم وجود داشته باشد ولی آنچه برای من مهم است، خود کار کردن است و به خاطر عشق به کار کردن خیلی چیزها را ندیده می‌گیرم. ولی خوب، دلم میخواست واقعاً همه قبول میکردند که یک کارگر زن، با یک کارگرمرد، هیچ تفاوتی ندارد...

پله پله جلو برویم: دختری که قصد دارد پس از ازدواج کار نکند، دختری که پس از ازدواج هم کار کردن رامایهٔ غرورخود می‌داند واکنون زنی که ازدواج کرده، بچه هم دارد، وبازدرهمین کارخانه کارمی کند:

اسمش مریم «فرخنده‌خواه» است. پشت یک ماشین عظیم، با انرژی خاصی کارمیکند. کار دستگاه او، تولید قطعات تجاری است و اولین سؤال من این است:

* بنظر خودت، این کار برای یک زن سنگین نیست و نباید یک مرد آن را انجام دهد؟

* پرغروروزیبا می‌خندد:

عت کشور

* مگر زن با مرد چه فرقی دارد ؟
با همین جواب ساده و قاطع می‌فهمم که او بخوبی خودش را با محیط کارش تطبیق داده و به کارش حسابی عادت کرده است. مگر چند سال است در اینجا کار می کند ؟ خودش می گوید:
* پنج سال است. حالا دیگر برای خودم کلی مهارت پیدا کرده‌ام ، برای همین هست که ماهی دو هزارو ششصد تومان دستمزد می گیرم...
و همینطور سؤال‌ها از من و جواب ها از او ادامه پیدا می کند:

نوشته صفحه بهنام صنعت کشور
می توان دید که عظیم‌ترین
ظریف ترین و حساس ترین وظایف
صنعتی را انجام می دهند.

* بله که ازدواج کرده‌ام... یک بچه هم دارم... وقتی سر کار می‌آیم بچه را به مادرم می‌سپارم... خوب ، البته اگر وضع مالی خیلی خوبی داشتم ترجیح میدادم بیشتر به بچه‌ام برسم ، ولی نه فکر کنید که در آن صورت اصلا کار نمیکردم ها ، نه ، در آن صورت فقط کمتر کار می کردم ، چون بهرحال من عاشق کار هستم... شوهرم ؟ خوب ، معلوم است که با کار کردن زن در خارج از خانه موافق است. دیگر آن دوره گذشته که یک نفر کار کند و چند نفر بخورند... اگر زن شریک زندگی شوهر است ، این شریک بودن که نباید فقط زبانی باشد. من واقعاً خودم را شریک زندگی شوهرم میدانم ، وگرنه او به تنهایی از کجا بیاورد ماهی نهصد تومان اجاره‌خانه بدهد و همهٔ مخارج زندگی را هم تأمین کند؟..
روشن بینی ، آگاهی ، شعور و نیروی درک تحسین انگیز ، ببینید زن کارگر ایرانی ، چطور مسائل زندگی زناشویی و موقع اجتماعی خود را خوب درک کرده است و چطور آن را تجزیه و تحلیل می کند؟..

بچه ها ...

گفتگوی اعضای گروه گزارشگران ما با زنان کارگر همچنان ادامه دارد. در همان کارخانه :
« ایران » ، ۳۳ ساله ، زنی که پشت دستگاه پرس ۳۲ تن ضربه کار می کند ، ازدواج کرده است و یک فرزند دارد. او بخاطر کار بیرون از خانه ، مسأله تنظیم خانواده را هم جدی گرفته است و بهمین دلیل به این زودیها قصد ندارد برای تنها بچه‌اش حتی یک « همبازی » — بهانه بسیاری از زنها برای بچه‌دارشدن ! — بیاورد. اما :
* شوهر شما با کار کردن‌تان موافق است.

ادامه‌دارد

لزوم احداث

میزگرد رستاخیز کارگران با حضور نمایندگان کارگران کارفرما، وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت رفاه اجتماعی

خواسته ها و مسائل کارگران صنایع پارس مینو در میزگرد رستاخیز کارگران مطرح شد

احداث زمین ورزشی در کنار کارخانه ها اهمیت فراوانی دارد

این هفته با دوستان کارگر در کارخانه صنایع پارس مینو و نمایندگان کارفرما ، وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تأمین خدمات درمانی، جلسه‌ای داشتیم که پیرامون مسائل کار و کارگری به گفتگو نشستیم. در این میزگرد که نمایندگان کارگران و اعضاء هیات مدیره سندیکای کارگران صنایع پارس مینو درخواست تشکیل آنرا کرده بودند ، ابتدا رستاخیز کارگران ضمن تشکر از شرکت‌کنندگان طی سخنان کوتاهی هدف از این گردهم‌آئی را تشریح کرد و یادآور شد در چند میزگردی که ما تشکیل داده‌ایم ، به این نتیجه رسیده‌ایم که با بحث و بررسیهای اصولی میتوان مسائل را شناسائی کرد و برای آنها به چاره‌اندیشی پرداخت و امیدواریم در جلسه امروز نیز به این هدف سازنده دست یابیم.

شرکت کنندگان در این میزگرد عبارتند از:

۱ — ماشاءالله عباس نژاد — دبیر سندیکای کارگران صنایع پارس مینو.

۲ — فریدون لطافت کار- نماینده کارگران.

۳ — عین الله قلی نسب - نماینده کارگران.

۴ — ناصر اصحابی - رئیس هیات مدیره سندیکا.

۵ — عزت‌الله شریفی- خزانه دار سندیکا.

۶ — بهمن عارفی- نماینده کارفرما.

۷ — دکتر ابوالفضل رحمانی — نماینده سازمان تامین خدمات درمانی.

۸ — حبیب‌الله حسامی- نماینده وزارت کار و اموراجتماعی.

***

رستاخیز کارگران در ابتدا از کارگران خواست تا مسائل و مشکلات خود را مطرح سازند تا نماینده کارفرما و مسئولان دولتی در این زمینه ها پاسخ گویند.

زمین ورزش در کنار کارگاه

عباس نژاد:

«در کارخانه‌ایکه ما کار می کنیم حدود ۲ هزار کارگر جوان کار می کنند که با علاقه‌مندی و صمیمیت در تلاشند تا به سهم خود چرخهای صنعت کشور را هرچه سریعتر به گردش درآورند و ما کارگران با برخورداری از مواهب انقلاب شاه و ملت اکنون از یک زندگی راحت و خیال آسوده برخوردارینم، زیرا با سهیم شدن در سود کارخانه و شریک شدن در سهام آن، نه تنها زندگی ما از هر جهت تغییر و بهبود یافته، بلکه می توانیم آینده‌ای روشن را در برابر خود مجسم کنیم، که این امر نظر ما را بطور کلی تأمین کرده است، اما مسائل و مشکلات کوچکی وجود دارد که لازم میدانیم در این جلسه که نمایندگان کارفرما و نمایندگان وزارت خانه‌های کار و رفاه در آن شرکت دارند مطرح کنیم. ایجاد سالن ورزشی و زمینهای ورزشی یکی از خواستهائی است که از چندی پیش کارگران بطور جدی خواستار احداث آنند و همانطوریکه در ابتدای سخنم اشاره کردم، کارگران کارخانه مینو اکثراً جوان هستند و علاقه زیادی به ورزش دارند و همین علاقه سبب شده که تیم دختران والیبال کارخانه در شرایطی که امکانات کافی هم نداشتند، امسال در سراسر کشور بمقام قهرمانی برسند. با توجه باین امر است که ما نیاز به احداث زمینهای ورزشی را احساس میکنیم و اطمینان داریم اگر در این مورد توجه بیشتر بشود، برادران کارگر ما امکان آنرا خواهند یافت که استعدادهای خود را به‌آزمایش بگذارند تا همانند سایر کارگران که در رشته‌های مختلف ورزشی به تیم های ملی ایران پیوسته‌اند، اینها نیز چنین افتخاری کسب کنند.»

بهمن عارلی:

«خوشبختانه با حسن نیتی که بین کارگران ما و کارفرما وجود دارد در مورد پیشنهادات کارگران تا آنجا که در امکانات کارفرما باشد، تسهیلات لازم را فراهم کرده‌ایم، اما مسئله‌ای که ما باآن مواجهیم این است که اگر ما بخواهیم برای ورزشدوستان کارگر تأسیساتی ایجاد کنیم با مسئله گرفتن پروانه ساختمان روبرو میشویم و تا کنون موفق به‌انجام این کار نشده‌ایم و من از اینجا بعنوان نماینده کارفرما بشما اطمینان میدهم اگر این مسئله حل بشود ما در اولین فرصت برای ساختن تأسیسات ورزشی ورزشگاه اقدام خواهیم کرد.»

فریدون لطافت کار:

«درمانگاههای بیمه وضع چندان مطلوبی ندارند و هنگامیکه کارگران ما بعنوان مریض مراجعه می کنند، اغلب به‌آنها توجه لازمی که می‌بایست بشود، نمی‌شود، درضمن بعضی اوقات اتفاق افتاده است که ما برای بستری کردن کارگران به‌بیمارستانهای سرچشمه حصارک شهیاد، و دیگر بیمارستانهای بیمه مراجعه کرده‌ایم، وی ما را که نماینده کارگران هستیم راه‌نداده‌اند.»

*با طرح این مشکل، رستاخیز کارگران از آقای دکتر ابوالفضل رحمانی نماینده سازمان تأمین خدمات درمانی خواستار شد که اگر نظری دارند برای روشن شدن کارگران بیان کنند.

دکتر رحمانی:

«همانطوریکه میدانید سازمان خدمات درمانی از تاریخ ۵۳/۵/۱۰ کار درمان کارگران بیمه شده را تحویل گرفته است و در این مدت کم توانسته است با کوشش بسیار تا آنجائی که در حد امکانات موجود است، بوضع بیمه شدگان رسیدگی لازم را بکند.»

* در اینجا یکی از کارگران توضیح داد، «دکترهای درمانگاهها و بیمارستانهای ما دو نوع معاینه میکنند، یعنی اگر همان دکتر ما را بعنوان مریض غریبه معاینه کند، طبابت آن با مریضی که بیمه است فرق میکند و من فکر میکنم دلیل آن این است که از وضع بیمه قبلی ناراضی بوده‌اند.

نماینده سازمان تأمین خدمات درمانی در جواب این اظهارات گفت «بنظر من پزشکی که بین یک مریض و مریض دیگر (حالا در هر شرایطی که باشند) فرق بگذارد پزشک نیست، بلکه یک سوداگر است و اگر این امر ثابت شود نه تنها سازمان ما بلکه نظام پزشکی در این مورد اقدام و پزشک خاطی را تنبیه میکند.»

عزت‌الله شریفی — نماینده کارگران:

«حالا که این مسئله مطرح شد، خوبست به وضع داروخانه‌ها نیز اشاره‌ای بشود. خودمن چندین بار برای دریافت دارو به داروخانه مراجعه کرده‌ام، ولی چون به دریافت دارو نشدم. فکر میکنم باین علت بوده است که از کارت بیمه استفاده میکنم.»

آقای دکتر رحمانی:

«متأسفانه بعضی‌ها چنین کار غیرانسانی را میکنند، ولی سازمان خدمات درمانی با فعالیت هرچه بیشتر از این اقدامات غیرانسانی جلوگیری میکند و هم‌اکنون ما با ۷ داروخانه که چنین وضعی داشتند، قطع رابطه کرده‌ایم. و شما اگر چنین عملی را مشاهده کردید، سازمان را درجریان بگذارید، مسلم بدانید که کارافراد خاطی پیگیری خواهد شد واز همکاری باآنها صرفنظر خواهیم کرد.»

امحابی:

«... اکنون که از اول مهرماه مقرر شده است کارگران دفترچه بیمه دریافت کنند تاکنون کارگران کارخانه ما نتوانسته‌اند دفترچه بگیرند و از مزایای آن استفاده کنند.»

در پاسخ این سؤال دکتر رحمانی با اشاره به تعداد زیاد دفترچه‌ها گفت: «شما قبول کنید که صدور دفترچه برای ۵ میلیون کارگر و خانواده آنها کار آسانی نیست که بشود در ظرف یکی دو ماه این کار را انجام داد. دیگر اینکه ما باید اول کادر پزشکی وتأسیسات درمانگاهها را تکمیل کنیم که اگر ما بکارگران دفترچه دادیم، آنها با کمبود پزشک مواجه نشوند.»

نماینده سازمان تأمین خدمات درمانی در ضمن یادآور شد تا کنون ۸۰ هزار نفر از کارگران دفترچه دریافت کرده‌اند وبرای بقیه نیز مقدمات کار فراهم شده است.

***

پس از بحث وبررسی مسائل درمانی گزارشگر رستاخیز کارگران اظهار داشت مثل اینکه دوطرف (کارگران ونماینده سازمان تأمین خدمات درمانی) به مشکلات و تنگناهای موجود آشنا شدند وهمانطوریکه اطلاع یافتیم برای رفع این مشکلات اقداماتی در دست اجراست، پس به مطلب دیگری میپردازیم. دراین هنگام حسن‌الله قلی‌نسب نماینده کارگران به مسئله مسکن و کمبود آن اشاره کرد وگفت اگر کارفرما با دستگاههای دیگر در این مورد اقدامی بکنند، یکی از اساسی‌ترین مسئله‌ها حل خواهد شد. رستاخیز کارگران در این جا از نماینده کارفرما خواست که در این خصوص اگر توضیحی دارد بیان کند وآقای بهمن عارلی نماینده کارفرما به تفصیل درمورد اهمیت مسکن کارگران درزندگی آنها سخن گفت ویادآور شد که لازم است در این جلسه که خوشبختانه نماینده وزارت کار هم حضور دارد، این مسئله مطرح شود واین مشکل کارگران و شاید مشکل ما حل شود. همانطوریکه خود کارگران شاهدند، کارفرما در نزدیکی کارخانه ۶ هزار متر مربع زمین تهیه کرده است که برای کارگران ساختمان بنا کند واکنون قریب دوسال است بطور مرتب با مقامات مسؤول در این قسمت درتماسیم که بما اجازه ساختمان بدهند، ولی متأسفانه پس از چند بار مراجعه چه بطور حضوری وچه بطور رسمی ومکاتبه تا کنون موفق نشده‌ایم واگر این کار عملی بشود، هم بنفع کارگران است، هم به نفع کارفرما ومن فکر میکنم از طرفی هم به‌نفع دستگاههای خدمات شهری باشد، چرا که اگر کارگران ما در نزدیکی کارخانه مسکن داشته باشند، دیگر احتیاجی نیست که روزانه ۱۰ دستگاه اتوبوس و اتومبیل های کارخانه در شهر تهران مشغول بردن و آوردن کارگران باشند. درضمن من اینجا اطمینان می‌دهم که اگر به ما اجازه ساختمان بدهند، کارفرما خودش وام بدون بهره به کارگران خواهد داد تا صاحب مسکن بشوند.»

رستاخیز کارگران در اینجا سؤال کرد مگر کارگران شرکت خانه مسکن ندارند؟ کارگران در جواب گفتند: «تا کنون نداشته‌ایم، ولی مقدمات تشکیل آن فراهم شده است.»

در پاسخ درخواست کارگران و نماینده کارفرما که هر دو برای صاحب مسکن شدن کارگران کارخانه تلاش می کنند، آقای حسامی مدیر کل روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی و نماینده این وزارتخانه در این جلسه اظهار داشت: «من این درخواست شما را که با این همه حسن نیت کارفرما موجب بهبود زندگی کارگران است، پیگیری خواهم کرد و امیدوارم که این کار خیر هرچه زودتر انجام شود.»

سپس کارگران و نماینده کارفرما اظهار داشتند کارگران ما، درمواقعی که بیکار هستند استراحتگاه ندارند و در این خصوص هم چندین بار مراجعه کرده‌ایم که اجازه ساختمان یک آسایشگاه را به ما بدهند ولی تا کنون این کار هم عملی نشده است.

آقای حسامی در جواب این درخواست گفت: در این مورد هم مذاکره خواهم کرد وامیدواریم این کار نیز عملی بشود.

در پایان این جلسه «رستاخیز کارگران» از فروش سهام و خریدن آن توسط کارگران کارخانه مینو سؤال کرد که در جواب گفته شد کارگران مینو از اولین کارگرانی بودند که سهام کارخانه خود را خریداری کردند تا از مزایای آن استفاده کنند.

پس از این بحث وگفتگو رستاخیز کارگران یک بار دیگر از شرکت کنندگان در جلسه تشکر کرد و اظهار امیدواری کرد که نماینده وزارت کار و همچنین سازمان خدمات درمانی به مسائلی که در این میزگرد مطرح شد اهمیت بدهند و در اجرای آن موفق شوند.

ظرف و فن

زیرنظر: گوئل کهن

سیستم سوخت رسانی موتورهای دیزلی

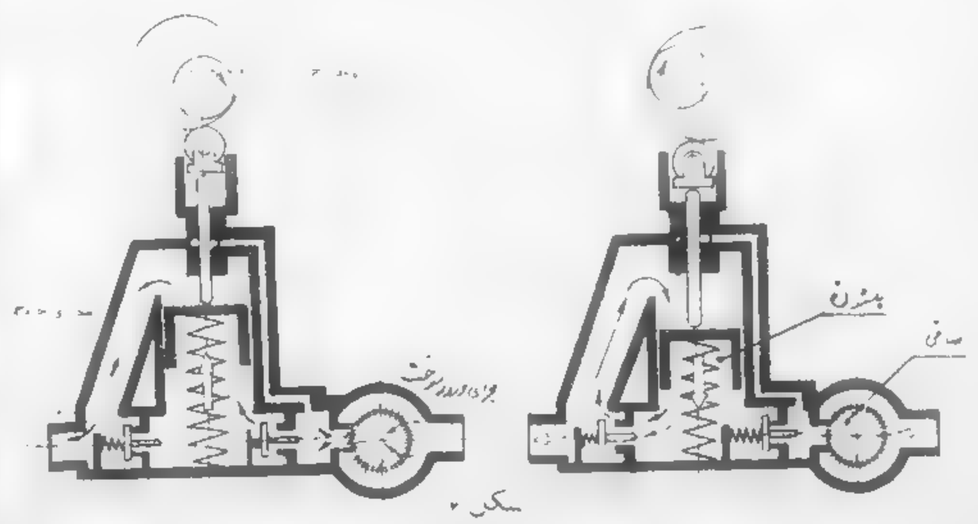

شکل ۲

دستگاه فیلتر و کنترل کننده ورود هوا

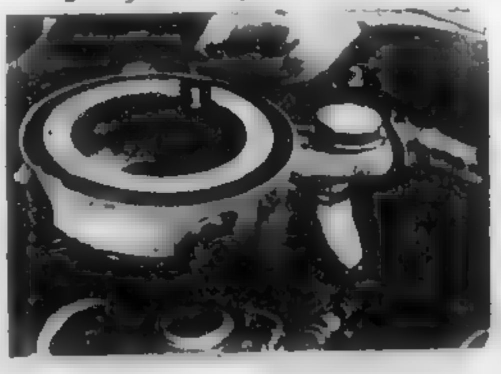

سوخت و دستگاه سوحت رسانی یکی از مهمترین مسایل مکانیسین‌های اتومبیل است که باید این مسأله بطور دقیق مورد بررسی قرارگیرد:

سیستم سوحت رسانی در اتوسیل دو وظیفه اساسی به عهده دارد:

۱ — انبار کردن سوخت مایع در محفظه مخصوص.

۲ — مخلوط کردن سوخت با هوا و فرستادن آن بدرون سیلندرهای موتور.

البته همچنانکه در پیش گفته شد، دستگاه سوحت رسانی موتورهای بنزینی با سیستم سوخت رسانی موتورهای دیزلی متفاوت است. چرا که در گروه اول «کاربوراتور» و در گروه دوم «انژکتور» وظیفه اصلی را به عهده دارند.

اجزای سیستم سوخت رسانی موتورهای دیزلی

موتورهای دیزلی با دستگاه انژکتور تامین سوخت می کنند که از بخشهای زیر تشکیل شده است:

۱ — باک یا مخزن سوخت موتور.
۲ — پمپ تغذیه (تلمبه).
۳ — فیلتر یا صافی.
۴ — پمپ اصلی تزریق.
۵ — سوخت پاشها (انژکتورها).

۱ — باک یا مخزن سوخت

برای انبار و ذخیره کردن سوخت، از محفظه‌ای به نام «باک» استفاده می‌شود که اغلب در انتهای اتومبیل قرار دارد. این محفظه بوسیله تسمه‌های ویژه به بدنه اتومبیل وصل می‌شود و دارای دو لوله ورودی و خروجی

***باید فشار باک با فشار هوا (اتمسفر) برابر باشد**

***«صافی ها» یکی از عوامل تداوم کار موتور و تناسب سوخت بشما رمیروند.**

سوخت است.

از آنجا که امکان وجود مواد و گرد و غبار ناخالص در سوخت سبب اختلال در کار موتور می‌شود. سر راه لوله خروجی از باک، یک صافی قرار داده‌اند.

همچنین برای جلوگیری از ناهماهنگی حاصل از فشار زیاد در باک، یک سوراخ هواکش بر روی آن در نظر گرفته شده، تا فشار درون باک با فشار اتمسفر مساوی باشد.

۲ — پمپ تغذیه (تلمبه)

برای اینکه سوخت بتواند از داخل باک به محل پمپ اصلی و در نتیجه محل احتراق در موتور برسد، از یک پمپ استفاده می‌شود. این تلمبه در بیشتر موارد از نوع پیستونی ساخته می‌شود. (شکل ۲ را ببینید). همچنانکه در شکل ۲ ملاحظه می کنید، در این گونه پمپ‌ها، دسته پیستون از پیستون جداست و تنها به پشت آن تکیه دارد. بوسیله گردش دایره خارج از مرکز، سوخت از پمپ خارج می‌شود.

ویژگیهای دستگاه انژکتوری

نکته مهم، حساسیت زیاد اینگونه سیستمهای سوخت رسانی در اتومبیل است که تعداد تزریق سوخت، ناچیز است و به عنوان نمونه می‌توان گفت، حجم سوخت تزریق شده در هر سیلندر در دور زیاد برابر $\frac{1}{...}$ حجم جابجایی (حجم مفید) پیستون موتور است!

«زمان تزریق»، متناسب با دور موتور

این جک با استفاده از گازهای لوله «اگزوز» بکار می افتد!

این جک جدید فقط از یک کیسه لاستیکی و یک لوله تشکیل شده است.

برای استفاده از جک لاستیکی، ابتدا باید لوله «جک» را به اگزوز اتومبیل وصل وسپس موتور را روشن کرد. پس از این که موتور روشن شد، کیسه ظرف تنها ۳۰ ثانیه از گازهای اگزوز پر می‌شود.

با استفاده از این دستگاه بسیار مفید، می‌توان چرخ معیوب اتومبیل را به آسانی و در مدت بسیار کم عوض کرد.

این طرح جالب را مهندسان ژاپنی ابداع کرده‌اند.

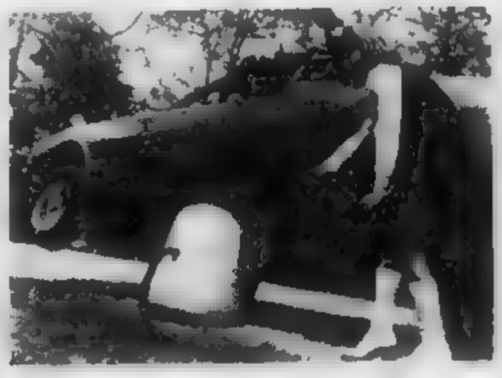

است و معمولا اگر سرعت موتور ۳۰۰۰ دور در دقیقه باشد، مدت تزریق (با توجه به یکسری محاسبات جالب) برابر ... ثانیه می‌شود.

« فشار سوخت » در لوله‌ها و در دستگاه انژکتور متفاوت است بطوریکه در انژکتور به چنـــد برابر می‌رسد. تنظیم و تناسب چنین فشارهائی، مشکل و شایسته توجه است.

۳ — فیلتر یا صافی

یکی از مهمترین مراحل تنظیم سوخت، مرحله امتزاج بنزین یا گازوئیل با هواست که باید دقیق و حساب شده باشد. چرا که اگر مقداری گرد و غبار یا مواد ناخالص دیگری به همراه « هوا » وارد محفظه شود در کاربوراتور، اختلال نسبی ایجاد کرده، بازدهی را کاهش می‌دهد.

معمولا نسبت سوخت به هوا ((یک بـــه — ۱۵)) است. بطور کلی، صافیهای مورد استفاده در اتومبیلها به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف — صافی خشک

در این گونه صافیها از یک پوسته سلولزی استفاده می‌شود که درفاصله زمانهای گوناگون قابل تعویض است. چگونگی کار این صافی به این ترتیب است که هوا پس از گذشتن از درون ورقه سلولزی گرد و غبار خود را به جای می‌گذارد و برای امتزاج با سوخت مناسب می‌باشد.

لایه‌های سلولزی مزبور را می‌توان پس از حدود ده هزار کیلومتر راه‌پیمائی اتومبیل تمیز کرد.

ب — صافی روغن گرم (حمام)

تفاوت این صافی با صافی خشک، در وجود روغن است که در اینجا هوا پس از گذشتن از آن همراه روغن به پشم فلزی موجود در محفظه برخورد کرده، گرد و غبار با روغن دوباره به مخزن برمی‌گردد.

صافی حمام روغن بسیار حساس بوده و قادر است گرد و غبارهای موجود در هوا را بخوبی جذب کند.

ج — صافی پشم فلزی با روغن

در این گونه صافی‌ها، یک رشته پشم فلزی روغن اندود، بصورت استوانه‌ای وجود دارد که هوا را از خود عبور داده، پس از جذب گرد و غبار آن توسط روغن موجود در پشم، برای امتزاج آماده می‌سازد.

روش های گوناگون جوشکاری

روشهای گوناگون جوشکاری «۲»

جوش کوره قدیمی ترین روش جوشکاری است جوش دادن مواد پلاستیکی چگونه گسترش یافته است

درشماره پیش روشهای گوناگون جوشکاری را شرح دادیم و در بارهٔ جوشکاری بوسیله فشار طریقه های جوش بوسیله مقاوت الکتریکی نیز سخن گفتیم. در این شماره دنباله جوشکاری با روش فشاری را می خوانید:

۲ — جوش کوره: این نوع جوشکاری، قدیمی‌ترین روش جوشکاری است که ابتدا دو قطعه فلز مورد نظر را در کوره مخصوص تا حرارت معینی گرم می کنند (برای فولاد ۱۳۰۰ درجهٔ سانتیگراد) وسپس دو قطعه فلز گرم شده را روی هم قرار داده و بوسیله ضربات چکش و یا فشار پرس بهم می‌فشارند تا عمل اتصال صورت گیرد. این شیوه به علت معایبی که دارد درحال حاضر چندان متداول نیست و نقائص آن را می توان اینطور خلاصه کرد:

چون درحین گرم کردن قشری از اکسید، روی فلز را می پوشاند، در نتیجه عمل جوش مشکل میشود.

کندی کار جوشکاری و از سوی دیگر محل جوش باید بحجم بزرگتری از قطعه فلز باشد تا پس از پایان جوشکاری، قطعهٔ بدست آمده به ضخامت اولیه درآید.

از آنجا که قطعه های بزرگ و سنگین را حتماً گرم کردن و حمل و نقل به کوره مشکل است این روش تنها برای قطعه های کوچک صنعتی مورد توجه است.

۳ — جوش بوسیله جریان القائی: در این روش از خاصیت شدت جریان و فرکانس زیاد استفاده می‌شود.

چگونگی عمل بدین ترتیب است که از میز آهنی که بصورت لوله است و روی آن سیم پیچی شده و جریان برق با شدت زیاد و همچنین فرکانس زیاد عبور می دهد و در نتیجه در دو سر لوله یک حوزه مغناطیسی شدیدی ایجاد می‌شود و هرگاه قطعه فلزی در این حوزه مغناطیسی قرار گیرد، جریان در آن القاء می‌شود و چون فلز هادی دارای مقاومت داخلی است گرم می‌شود. در این روش شدت جریان و سرعت کار بگونه‌ای تنظیم می‌شود که حرارت ایجاد شده و به نسبت درجه مطلوب جهت جوشکاری باشد و در نتیجه سرعت جوشکاری از این روش به نسبت بیشتر از طریقه های دیگر است و چون نیازی به جوش

دادن در زیر محل جوش قدری برآمده می‌شود بتوان آنرا با سنگ زدن (ساییدن) و یا رنده کردن، پرس کرد و هم سطح با قطعه دیگر کرد.

۴ — جوش سرد: این نوع جوشکاری، بدون گرما و تنها به وسیله فشار زیاد انجام میگیرد نحوه عمل بدین ترتیب است که دو قطعه فلز مورد نظر را زیر پرسهای مخصوص بافت با فشار زیاد به هم می‌فشارند تا به یکدیگر وصل شوند.

۵ — جوش مواد پلاستیکی: از این جوش برای وصل کردن قطعه های پلاستیکی نیز میتوان استفاده کرد. البته این روش تنها برای مواد پلاستیکی از دسته (شبکه‌ای) که حلال ندارند بکار برده میشود و پلاستیکهائی را که از این گروه نیستند بوسیله حلالهای شیمیائی به هم وصل می کنند که خیلی سریع و ارزان تمام میشود. جوش مواد پلاستیکی نیز از چند روش صورت می‌پذیرد: جوش دادن بوسیله هوای گرم، در این روش از هوای گرم استفاده میشود. بدین ترتیب که دو قطعه کار را کنار هم قرار می دهند و پس از آن بوسیله دستگاهی که از دهانه آن هوای گرم «۳۰۰ - ۲۰۰» درجه با فشار بیرون میآید قطعه ها را گرم می کنند تا محل جوش ذوب شده و درهم مخلوط شود و سپس برای پر کردن حفره ایجاد شده برابر جوش از میله‌ای از جنس همان پلاستیک استفاده می کنند.

جوش دادن بوسیله فشار» — این روش دومین طریقه جوش دادن قطعه های پلاستیکی است و در آن از صفحه های گرم شده بوسیله جریان برق به عنوان فشار مخصوص استفاده می‌شود. بدین ترتیب که صفحه گرم شده را در محل جوش می گذارند تا پلاستیک در آن محل ذوب شد و سپس بوسیله همان صفحه دو قطعه را بهم می‌فشارند تا عمل جوش انجام گیرد.

جوش بوسیله اصطکاک: در این روش، یکی از دو قطعه کار را به دستگاهی که میتواند آن را به دور محور مشترک خود بگرداند، می‌بندند و دیگری را نیز در همان محور ثابت نگه می‌دارند و بهم نزدیک می کنند. در نتیجه محل اصطکاک دو قطعه کار گرم شده، به حالت مذاب درمی‌آید و پس از آن دستگاه را از گردش باز می‌دارند و دو قطعه کار را به هم می‌فشارند تا عمل جوش انجام پذیرد.

به کاری جوشکاری فراوان از طریق سر مورد توجه قرار گرفته و عمومیت یافته است.

در اینجا روشهای گوناگون جوشکاری بوسیله فشار به پایان می‌رسد و در شماره‌های آینده، روشهای دیگر جوشکاری بوسیله ذوب کردن را مورد بحث قرار می‌دهیم.

چگونه از چکه کردن شیرهای آب جلوگیری کنیم؟

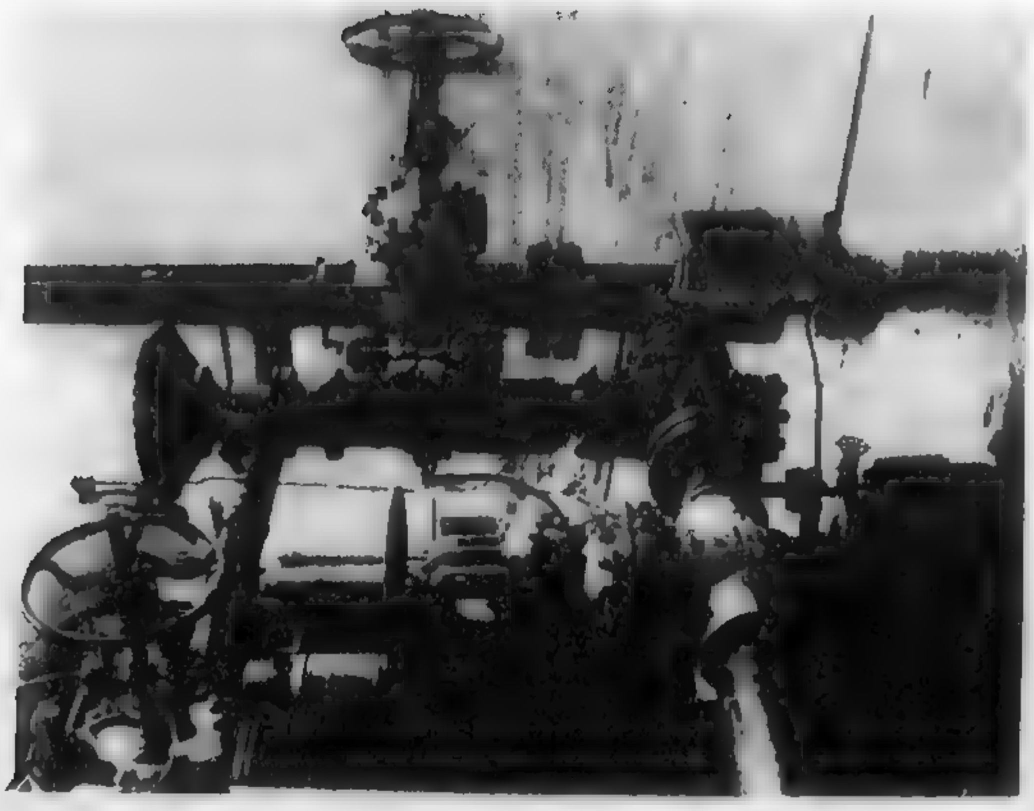

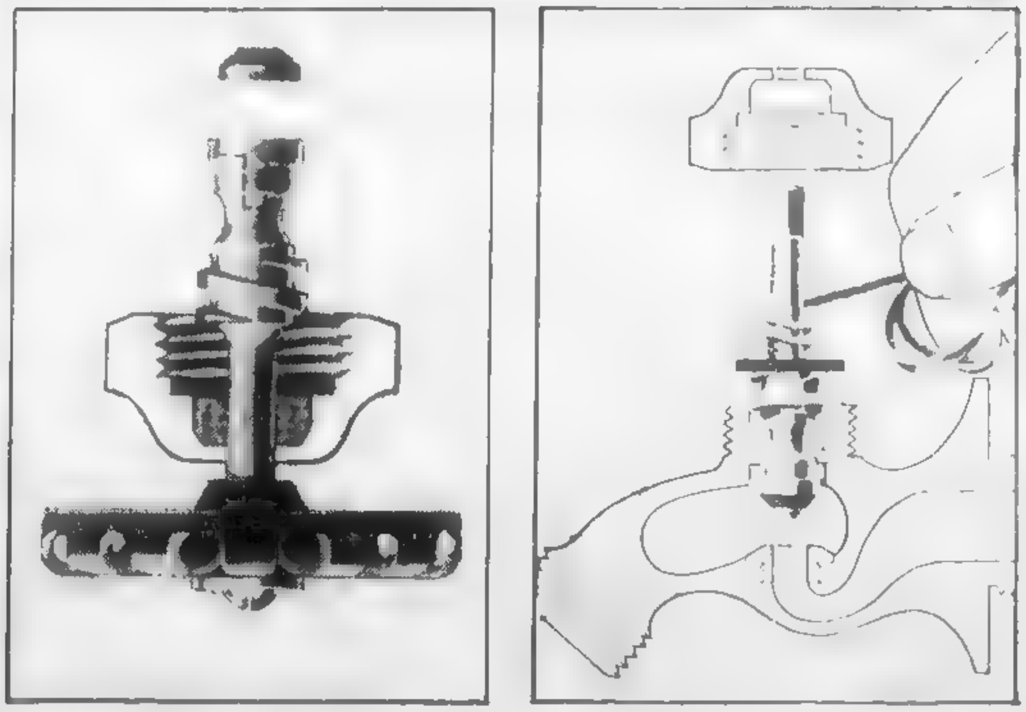

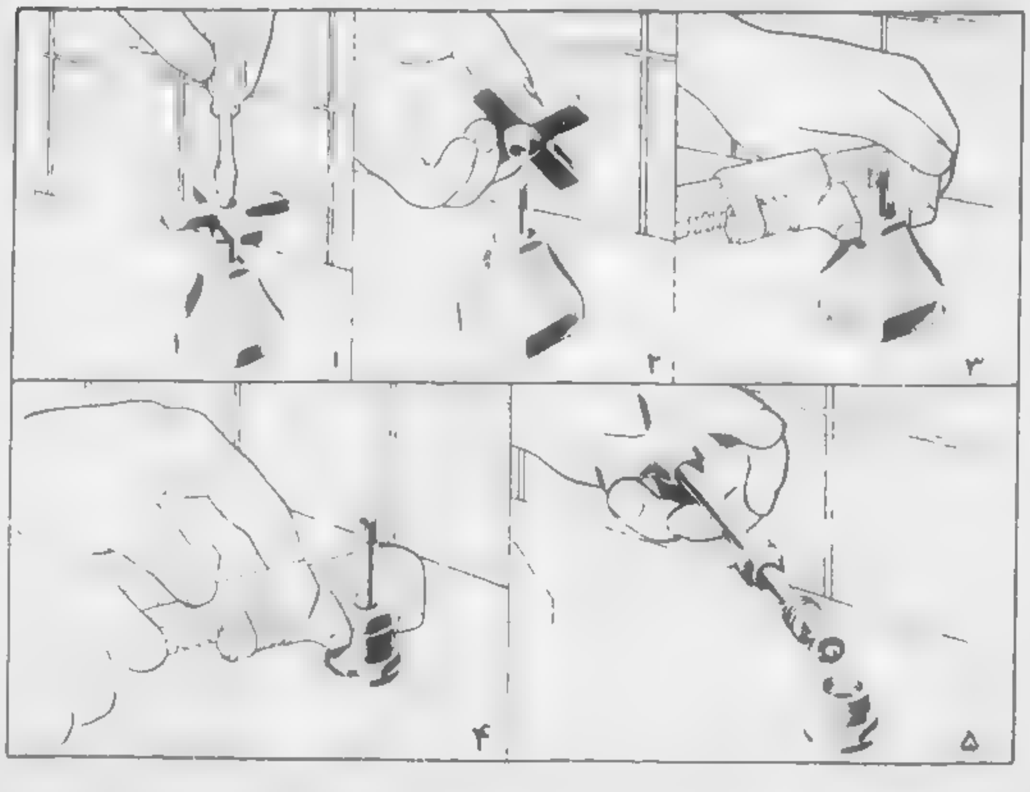

د مرحله تعمیر

مراحل مختلف کار و ساختمان شیر کاملا در شکلها تشریح شده‌اند:

چکه کردن و صداهای ناموزون شیرهای دستشویی و حمام یکی از مشکلات خانواده‌ها و کارگاههای صنعتی است. حال‌آنکه با آشنایی مختصری می‌توان به تعمیر آن ها پرداخت. وقتی یکی از شیرهای خانه شما خراب می‌شود و چکه می کند مشکلات عمده‌ای بوجود می‌آید که ناهنجاری صدای آن، خراب شدن ظرفشوئی (در صورتیکه شیر در آشپزخانه باشد) از آن جمله‌اند معمولا این معایب مربوط به شیر آشپزخانه ها است و نتیجه هدر رفتن پول ممکن است چراکه اگر ثانیه‌ای یک قطره آب چکه کند در سال ۵۰۰ گالن آب هدر خواهد رفت.

معمولا برای تعویض یک واشر را عوض کنید و اگر بخواهید برای اینکار لوله کش خبر کنید حدود ۲۰ تومان هزینه خواهد داشت

روش کار

قبل ازانکه کار را شروع کنید فلکه اصلی آب را ببندید و مطمئن شوید که اگرشیر را کاملا باز کنید آب جریان نخواهد داشت سپس سر شیر را بردارید این کار در شیرهای مختلف بطور متفاوتی انجام می‌شود. سر بعضی شیرها به محور آن پیچ می‌شوند و برخی دیگر فقط با فشار در آن محکم می‌شوند و این دونوع را براحتی می‌توانید تشخیص دهید و درحالت اول با یک آچار پیچ گوشتی سرشیر را باز کنید و درحالت دوم با یک ضربه به زیر شیر سرآن باز می‌شود. پس از این کار با یک آچار لوله‌گیر مهره‌روی بدنه شیر را باز کنید و بدنه محافظ را بردارید در این زمان قسمت بدنه اصلی شیر جلوچشم شما خواهد بود که پس از باز کردن مهره آن سرشیر را روی محور قرار مبدهید و محور را بالا می کشید (با پیچیدن شیر در جهت باز کردن) و می‌توانید واشر مسدود کننده را باز کنید و آنرا عوض کنید. پس از این قسمت شیر را مثل حالت اول ببندید و درمحل پیچ آخری قدری کنف بپیچید و سپس در شیر را ببندید پس از اینکه مطمئن شدید شیر رادرست بسته‌اید فلکه را باز کنید و کارخود را امتحان کنید. اگر شیرباز هم چکه کند عیب از محفظه اصلی آن یا محور شیر است که در این صورت باید آنها را به فروشگاه ببرید و نظیر آنها را بخرید.

روش تازه‌ای درمقابله با گاز معادن با کتریهای بلعنده‌متان

محققان کالج مهندسی معدن مسکو، شیوهٔ تازه‌یی برای مبارزه با گاز متان در معادن زغال سنگ ابتکار کرده‌اند.

دانشمندان باکتری هایی را کشف کرده‌اند که میتوانند متان را «ببلعند» و آن را متلاشی کنند. نتیجه این متلاشی شدن، گاز کربنیک و آب خواهد بود.

«عملیات صنعتی – شیمیائی»

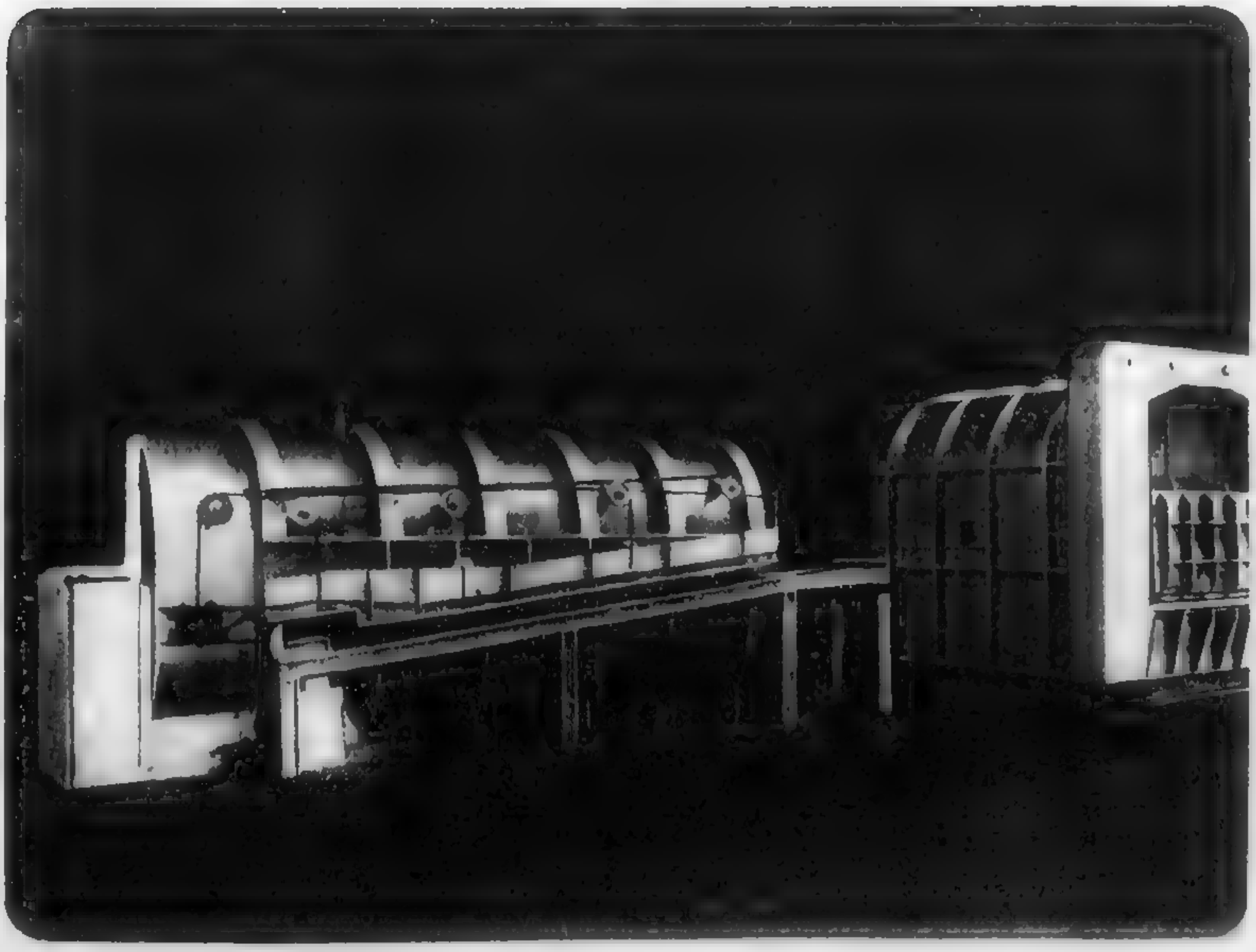

* در هزار تن مس آندی ۲۳ کیلو طلا و ۱۵۰۰ کیلو نقره وجود دارد.

* سیستم اتصال کاتدها و آندها به دو صورت ساخته می‌شود.

در صنایع دوب‌فلزات و ابزارسازی، در اکثر موارد برای تهیه فلز خالص از تصفیه الکترولیزی استفاده می‌شود.

اهمیت این کار زمانی آشکار میشود که از صنعت سیم و کابل‌سازی و مقدار و نوع مس خالصی را که باید تهیه شود دنبال کنیم. چرا که در کارخانه‌های تولید سیمهای برق اساسی‌ترین مرحله عملیات، بدست آوردن مس خالص و مرغوب است که در ضمن کاربردهای الکتریکی سیم مربوط بازدهی جریان الکتریکی محسوب میشود.

تصفیه الکترولیزی چگونه بوجود آمد

در سال ۱۸۰۰ میلادی دروایک شانک، دریافت که مس فلزی میتواند از محلول مس بوسیله جریان پیل‌ولتا جدا شود. پس از تدوین قوانین فارادی در ۱۸۳۰ «جلوبی» در سال ۱۸۳۵ کاربردهای عملی آنرا شرح داد. با تاسیس دستگاههای مولد جریان ثابت امکان تصفیه مس و تهیه مس خالص برای مصارف صنایع الکتریکی بیشتر شد و نیاز فراوان صنعت‌الکتریک به مس خالص، پیشرفت و توسعه تصفیه الکترولیزی مس را موجب گردید. درسال ۱۹۲۰ تصفیه مس و عوامل مختلفی را که در این پروسس اثر میگذارند مورد توجه قرار گرفت و تاثیر فلزات مختلف، فلز از دست‌رفته و مقاومت محفظه ها با دانسیته جریان تاثیر درجه حرارت، خوردگی‌مس در الکترولیت، مصرف‌انرژی، بازدهی جریان، اثر ناخالصی های الکترولیت و آندو تاثیر هر یک از این عوامل را در طرح دستگاههای تصفیه در کتاب (تصفیه مس) مورد بحث قرار گرفت. پس از آن قواعد تئوری پیشرفته نظیر کینتیک الکترودها و دریافت‌های تجربی باعث تکامل این طرح گردید.

* مراحل تصفیه

تصفیه الکترولیزی علاوه بر مس، درمورد سایر فلزات نظیرنقره – طلا – نیکل – کبالت، قلع و غیره مورد استفاده دارد. در تصفیه الکترولیزی مس تنها تهیه مس برای صنعت الکتریک مورد نظر نیست بلکه استخراج فلزات قیمتی که با درصد خیلی کم درمس آندی وجود دارد دنبال می‌شود. برای مثال در ۱۰۰۰ تن مس آندی حدود ۲۳ کیلوگرم طلا و ۱۵۰۰ کیلوگرم نقره وجود دارد. همچنین نیکل- ارسنیک – آنتیموان – سلینم، تلوریم رامیتوان از لجن حاصل در الکترولیت استخراج کرد. در تصفیه الکترولیزی فلز ناخالص را بجای آند (قطب مثبت) درمحلولی از نمک همان‌فلز واسید قرار داده و کاتد ورقه نازکی از فلزخالص و یا فلز دیگری انتخاب میشود. براثر عبور جریان الکتریسیته از محلول، فلزناخالص درآند حل شده و فلز خالص در کاتد رسوب میکند. ناخالص‌ها بسته بخواص آنها رفتار مختلفی دارند.

گروه فلزاتی که در الکترولیت حل نمیشوند و بهمان صورت‌فلزی در لجن‌آند قرار میگیرند طلا – پلاتین – نقره و سلینیم است.

۱ – فلزاتی که در الکترولیت حل میشوند ولی ترکیباتی نامحلول تولید میکنند و بصورت رسوب درلجن قرار میگیرند، عبارتند از: سرب-قلع – بیسموت.

۲ – فلزاتی که در الکترولیت حل شده و میتوانند در کاتد رسوب کنند، نیکل و ارسنیک است.

۳ – فلزاتی که در الکترولیت حل‌شده ولی در کاتد رسوب نمیکنند آهن و روی‌است.

مس تصفیه شده در کوره معدهای که به مس آندی موسوم است دارای درجه خلوص ۹۹ - ۹۸ درصد است که با تصفیه الکترولیزی از این مس، مس بسیار خالصی با درجه خلوص ۹۹۹ ۹۹ درصد بدست می‌آید. الکترولیت شامل سولفات مس واسید سولفوریک با غلظت مشخص بوده، آند مس ناخالص و کاتد ورقه نازك مس خالص است، در تصفیه الکترولیزی، آندها بایستی حل شوند تا مس در الکترولیت حل شده و فلز خالص در کاتد رسوب کند. ولی در تهیه فلزات با

روش الکترولیز از آندهای حل نشونده مانند الیاژ سرب، کربن، فولادآلیاژی و غیره استفاده میشود. کاتد کمی کوچکتر و نازك تر از آند است واز جنس فلزاصلی یافلزی که رسوب بآسانی از روی آن تراشیده شود است مثل کاتد های آلومینیومی و فولادی و غیره ضخامت آندها ۵ سانتیمتر، پهنای آنها ۹۰—۷۰ سانتی‌متر و درازی آنها ۱۰۰ — ۷۰ سانتی‌متر است. ضخامت کاتد در ابتدای عمل که به ورقه «مادر» موسوم است ۵/۰—۱ میلیمتراست. زمان حل‌شدن آند بسته به روش تصفیه از ۳۶ — ۲۴ روز است.

باید دانست هر فلز در ولتاژ معینی در کاتد مینشیند لذا چنانچه چگالی جریان و در نتیجه ولتاژ را از حد معمول بالاتر ببریم اگر چه سرعت نشستن مس و راندمان بالا میرود ولی ناخالصی‌های بیشتری نیز در کاتد رسوب میکند. دانسیته جریان زیاد باعث ازدیاد مصرف انرژی الکتریکی شده و نیز مقداری از فلزات قیمتی از بین میرود.

نتیجه اینکه جریان را نمیتوان به هر میزان افزایش داد بلکه دارای حد معینی است درجه حرارت نیز از عوامل مهمی است که در سرعت نشستن مس تأثیر دارد.

با بالابردن درجه حرارت میتوان بیک حد دلخواه رسید. چنانچه درجه حرارت بالاتر رود عوامل دیگری نظیر افزایش مقاومت اهمی الکترولیت و مقاومت کاتد و آند و تبخیر آب الکترولیت که باعث افزایش غلظت اسید وحل شدن فلز می شود، دخالت می کنند.

* آثار فیزیکی

این عوامل بازدهی عمل را پائین می‌آورند و پتانسیل محفظه بالا میرود. بنابراین تغییرات درجه حرارت نیز محدود است درجه حرارت مطلوب در تصفیه الکترولیزی مس بین ۸۰ — ۵۰ درجه سانتیگراد است.

درحین تصفیه الکترولیزی فلزی که رسوب میکند عموماً در نقاط نوك تیز کاتد و در رأس ناهمواریهای کاتد بیشتر رسوب کرده باعث بوجود آمدن غنچه های کریستالی در سطح کاتد میشود و در پایان کاتدی ناهموار بدست می‌آید. برای جلوگیری از این عمل به الکترولیت مقدار بسیار کمی چسب بصورت ژلاتین یا صمغ اضافه میکنند. این ماده اگرچه باعث یکنواخت نشستن مس میشود ولی پولاریزاسیون را زیاد میکند افزایش پولاریزاسیون بر اثر ژلاتین در کاتد بمراتب بیشتر است. بدینجهت در صنعت به الکترولیت به ازای هرمتر مکعب محلول یک گرم ژلاتین اضافه میکنند. این مقدار کم تأثیر چندانی بر روی پتانسیل پلاریزاسیون نمیگذارد.

برای بالابردن راندمان جریان امروزه از روش جدیدی استفاده می کنند که برگشت متناوب جریان است بدین ترتیب که در هر ۲۰۰ ثانیه، ۱۰ ثانیه جهت جریان را عوض می کنند این عمل پلاریزاسیون را بمقدار زیادی کاهش داده و راندمان جریان را بالا میبرد و نیز نشستن مس در کاتد بهتر صورت میگیرد.

* دستگاهها و سیستمهای تصفیه

سیستم اتصال کاتد و آندها یا بصورت موازی یا بصورت سری و یا ترکیبی از ایندو است

در سیستم مختلط (مولتیپل) هر کدام از آندو کاتدها بیک ریل جریان برق وصل میشوند در این سیستم که در بیشتر جاها مورد استفاده قرار میگیرد آندو کاتد بطور موازی در یک محفظه مرتب شده‌اند.

در سیستم سری که بوسیله « هایدن شناخته شد فقط دو الکترود ابتدائی و انتهائی به جریان برق متصل‌اند. بقیه الکترودها بتعداد ۱۵۰ — ۱۰۰ عدد درمحفظه بدون اتصال قرار دارند و هدایت کننده‌های میانی بشمار میروند که یکطرف آنها کاتد وطرف دیگر آنها آند قرار دارد و درطرف کاتدی فلز خالص جدا میشود.

هردو سیستم مزایا و معایبی دارند ولی سیستم مولتیپل بعلت سهولت بیشتر در عمل و نیز بعلت اینکه کاتدهای اولیه درسیستم سری بایستی با دقت وصاف و نیز ساخته شوند بیشتر مورد استفاده قرار میگیرد. در هر حمام حدود ۳۵ آند وجود دارد و چندین حمام بصورت سری بهم متصل میشوند و نسبت بیکدیگر شیب معینی برای جریان یافتن الکترولیت دارند.

— ارقام زیر نمونه خوبی است برای یک نوع عملیات تصفیه صنعتی:

درجه حرارت الکترولیت	۵۸—۵۰	درجه سانتیگراد
چگالی جریان	۲۱۰—۱۶۰	مترمربع/آمپر
غلظت یون مس	۴۰—۲۷	لیتر/گرم
غلظت اسید	۲۲۰—۱۷۰	لیتر/گرم
فاصله آندها	۱۰۹—۹۵	میلیمتر
انرژی مصرفی	۳۰۰—۲۰۰	تن مس / کیلووات‌ساعت
تعداد آندهای هرحمام	۴۴—۲۷	واحد

از: کب—جوان

در اینجا هیچ کارگری بیسواد نیست

از: شهرزاد

اشاره:

[illegible] شرکت سهامی [illegible] چیت تهران [illegible] یکی از واحدهای تولیدی و صنعتی قدیمی ایران در عصر [illegible] پهلوی [illegible].

[illegible] واحد صنعتی در سال ۱۳۱۰ [illegible] [illegible] و [illegible] شد.

[illegible] مهندس متخصص خصوصاً کارگران کار آزموده و ماهر وجود داشت. به اتکاء خلاقیت و دوراندیشی سردار بزرگ تاریخ ایران که پیوسته آرزوی صنعتی شدن کشور را داشتند بدون هراس از هرگونه مشکل و موانع، واحدهای صنعتی یکی پس از دیگری تأسیس شد.

درآنحال باوجود کوششهای پیگیری که درراه انجام این واحد صنعتی چیت تهران بعمل آمد، کار بهره‌برداری مقدماتی آن تا سال ۱۳۲۹ بطول انجامید.

گرچه بظاهر کندی پیشرفت کار، زائیده ضعف کادر متخصص بود، اما در واقع میتوان عامل اساسی رکود کارها را مولود آثار شوم جنگ جهانی دوم دانست. بهره‌برداری اساسی از این واحد بزرگ تولیدی از سال ۱۳۳۲ شروع شد و بموازات پیشرفت کارخانه، آموزش کارگران در امر مهارت و نیز توسعه ماشین — آلات — با سودجستن از همکاری مهندسان و متخصصین خارجی طبق قراردادهای بسته شده بین سازمان برنامه از سوی ایران و کارخانه یونایتد مرچنت » آمریکائی از سال ۱۳۳۶ به مدت ده سال. باعث شد که سرپرستی کارخانجات « چیت تهران » به تنی چند از مهندسین آمریکائی واگذار شود.

بعد از انقضای مدت قرار داد، از سال ۱۳۴۶ به موازات دگرگونیهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران، مدیریت این کارخانه بدست مهندسان و متخصصین ایرانی سپرده شد.

گرچه تا سال ۱۳۵۱ هیچ گونه بازسازی و نوسازی در شئون کارخانه « چیت تهران بعمل نیامد. و بعبارت دیگر کارخانه با همان ماشین آلات اولیه بکار ادامه داد، اما از سال ۱۳۵۱ نوسازی همه جانبه‌ای در سطح وسیع و گسترده‌ای در کارخانه شروع گردید و هنوزهم این نوسازی پیگیری می‌شود.

در کارخانجات « چیت تهران جمعه ۲۳۴ نفر در کادر اداری از قبیل کارگزینی، امور مالی و غیره مشغولند. از این تعداد ۲۲ نفر مهندس و متخصص در رشته‌های نساجی و ماشین آلات می‌باشند.

نعداد کارگران این واحد بزرگ صنعتی از مرز دو هزار میگذرد... که اکثر قریب به اتفاق آنرا نیروی انسانی مردان تشکیل میدهد.

اسنادي

[illegible] آنکه به گفت‌وشنود با مدیرعامل چیت تهران بپردازیم... بهتر است با او بیشتر [illegible].

مهندس فضل‌الله‌مقدادی » در روز سوم اسفند سال ۱۲۹۹ در تهران متولد شده.. دوره ابتدائی را در مدرسه سیروس » و متوسطه را در دارالفنون و تحصیلات عالی را در دانشگاه تهران — دانشکده فنی — به پایان رسانده است.

سمتهای « مهندس فضل‌الله‌مقدادی » از آغاز شروع بکار در دستگاههای دولتی عبارتند: از رئیس کارخانجات کشاورزی و [illegible] رئیس کارخانجات لونی بافی شاهی و نساجی شماره ۲ شاهی [illegible]

[illegible]

مهندس « فضل‌الله‌مقدادی » برای مطالعه و [illegible] در رشته های نساجی و صنایع وابسته به اکثر کشورهای غربی مسافرت [illegible] دیگر سفرهای وی، مسافرت به [illegible]

[illegible]

چنانچه میدانید، مجله رستاخیز کارگران در هر شماره صفحاتی را به گفتگو شنود با کارفرمایان، درباره فعالیتها و اقداماتی که در زمینه تأمین رفاه بیشتر کارگران، در مسائلی چون مسکن — دستمزد — بیمه — بهداشت و خلاصه هرآنچه که در زمینه‌ی تأمین خدمات رفاهی کارگران میشود، اختصاص داده‌است. در این شماره گفتگوشنود ما با مدیرعامل شرکت تعاونی چیت تهران » صورت گرفته است.

* مهندس مقدادی »: خواهش میکنم، با اجازه میخوام چند کلمه‌ای در بارۀ مجله رستاخیز کارگران » البته خیلی مختصر صحبت کنم و پس از آن به‌سئوال شما پاسخ دهم.

رستاخیز کارگران : [illegible]

* « مهندس مقدادی » بنظر من مجله « رستاخیز کارگران » با انتشار همین یکی دو شماره نه تنها در مجامع کارگری توانسته است جائی درخوراهمیت برای خود باز کند، بلکه در سطوح گسترده‌تر نقش یک نشریه فرهنگی و آموزشی را نیز بعهده گرفته که این خود بینهایت ارزشمند و قابل تقدیر است. از اینرو به تمام دست اندر کاران این نشریه وزین تبریک میگویم.

*** رستاخیز کارگران : منهم از این بابت از جانب یکایک همکارانم شما تشکر میکنم. چنانچه در بالا اشاره شد، درآغاز این گفت‌و— شنود سخن را از شرکت تعاونی « چیت تهران » آغاز میکنیم ... بخوبی آگاه هستید که این شرکتها چه نقش اساسی و مهمی را در رفاه اقتصادی خانواده کارگران بعهده دارند. می‌خواهیم بدانیم مسئولین کارخانجات «چیت تهران» در این باره چه اقداماتی انجام داده‌اند؟**

* «مهندس مقدادی» : «چیت تهران در واقع اولین کارخانه صنعتی و تولیدی ایران است که اقدام به تأسیس شرکت تعاونی مصرف نمود. شرکت تعاونی [illegible] در بین کارخانجات ایران [illegible] را دارد. از این گذشته، بطور نمونه بایستی بگویم که شرکت تعاونی مصرف کارگران و کارمندان این کارخانه در ماه گذشته بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان فروش داشت. دیگر این که در جهت هر چه بیشتر رفاه کارگران مسئولین امر برنامه‌ای تنظیم کرده‌اند تا کارگران ماهانه ۲۵ متر و در پایان سال یعنی شب عید نوروز ۵۰ متر از محصولات کارخانه را با ۲۵٪ تخفیف خریداری کنند.

*** رستاخیز کارگران: وضع استخدامی کارگران این واحد چگونه و بچه صورت است. آیا کارگر روز مزد یا فصلی هم دارید، یا تماماً دائم هستند؟**

* «مهندس مقدادی»: کلیه کارکنان شاغل در این واحد از کارگر و کارمند گرفته تا مهندس از نظر استخدامی شامل قانون کار و قوانین استخدامی کشور هستند و از تمام مزایای آن استفاده می کنند...

*** رستاخیز کارگران : بطور کلی میدانیم که درمان و بهداشت چه تأثیر شگرفی در نیروی فعاله کارگران دارد... گرچه زبانزد خاص و عام است که فکر سالم در بدن سالم است و کاملا صحیح است، و بقول یکی از اقتصاد دانان بزرگ غرب که میگوید: «بازده بیشتر تولید از بدن سالمتر» بفرمائید در مورد بهداشت و درمان کارگران چه اقداماتی بعمل آمده وچه برنامه هائی دردست اجرا دارید..**

* «مهندس مقدادی» : جمله‌ی بسیار جالبی آوردید. در [illegible] [illegible] که چنین است. وقتی بدنی سالم بود، فکر سالم می‌آفریند، فکر سالم و بدن سالم درهر زمینه بازده سالمتر دارد.

و اما در مورد بهداشت و درمان، کارخانجات «چیت تهران» دارای یک درمانگاه مجهز است که البته اقداماتی در سطح کمکهای اولیه می کند، زیرا تمام کارگران ما از مزایای بیمه های اجتماعی و درمانی برخوردارند.

دیگر این که در کارخانه یک آمبولانس همیشه آماده داریم. گرچه این آمبولانس وسائل مربوط به‌آن برای مخارجی همراه دارد، ولی اگر درسال هم نه سده فقط برای یکبار، خدای نکرده یکی از کارگران ما دچار سانحه یا ناراحتی شود و در اثر بودن همین وسیله جانش نجات یابد، برای مسئولین امر شادمانی بسیاری را همراه میاورد. از این گذشته هر روز یک شیشه شیر مجانی بکارگران میدهیم و برای نگهداری شیر و دیگر مایحتاج بهداشتی و غذائی کارگران سردخانه‌ی بزرگی احداث کرده‌ایم.

هفت نفر در دانشگاه اصفهان مشغول تحصیلند و گروهی در اروپا دوره تخصصی می بینند

این هفته به اولین کارخانه صنعتی و تولیدی ایران رفته ایم

یازده بیشتر از بدن سالمتر

۵۲ نفر از کارگران این واحد تولیدی از دانشگاه‌های ایران فارغ التحصیل شده‌اند

یک درمانگاه مجهز در کنار این کارخانه آماده کمکهای اولیه است

***رستاخیز کارگران در زمینه بهداشت محیط کار چه اقداماتی انجام پذیرفته**
چون بهداشت محیط کار مسئله‌ی بزرگی در واحدهای صنعتی و تولیدی بشمار میرود.

* **«مهندس مقدادی»** : مسئولین کارخانه همیشه و در همه حال بهداشت محیط [illegible] **بعنوان مثال** در کارگاههائی که [illegible] وجود [illegible]

و خود کارگاهها را به دستگاههای تهویه مجهز کرده‌ایم. همچنین کارگران این واحد، از کلاههای حفاظتی – عینک [illegible] و ماسکهای لاستیکی و دیگر وسایل حفاظتی، برخوردارند.

* **«رستاخیز کارگران»: در باره مسکن کارگران چه اقداماتی نموده‌اید؟**

* **«مهندس مقدادی»** : این کارخانه [illegible]

واحدهای دیگر تولیدی [illegible] **واحدهای مسکونی** [illegible] ... اما با مسئولین بانک رفاه کارگران [illegible]

[illegible]

* **رستاخیز کارگران» سازمان وسیع و گسترده‌ای چون کارخانجات ... چه گامهائی در راه مبارزه با بیسوادی برداشته است**

* **مهندس مقدادی** : [illegible]

***«رستاخیز کارگران»: آیا نکات دیگری بنظرتان میرسد تا خوانندگان را در جریان بگذاریم؟...**

***«مهندس مقدادی»** : مسئولین کارخانه [illegible] کارگران و کارمندان کارخانه [illegible]

رستاخیز کارگران: متشکریم.

بیماری سیاه‌زخم چگونه بوجود می‌آید

در مرحله ابتدائی بیماری مصرف آنتی بیوك هـا تنها راه درمان است.

سیاه زخم یکی از بیماری های مسری و عفونی است که بیشتر بوسیله حیوانات بانسان سرایت میکند. سیاه زخم در تمام دنیا دیده میشود وفقط در بعضی نقاط شیوع بیشتری دارد وگاه در دامپروری و دامداری بصورت همه گیری بروز میکند و خسارات اقتصادی و تلفات زیادی را موجب میشودوشیوع آن به سه اصل مهم متکی است:

یکی آنکه تلقیح واکسن جهت حیوانات انجام نمیپذیرد و دوم آنکه بعضی افراد ازروی نادانی اقدام به کشتن حیوانات مبتلا میکنند و به همین سبب پشم و پوست وسایر متعلقات این قبیل حیوانات سبب سرایت سیاه زخم بانسان میشود.

*شیوه سرایت

آنچه بیش از دو اصل دیگر اهمیت دارد آنست که تمام افرادی که بطریقی با حیوانات سروکاردارند (چوپان، قصاب— دامپزشک) یا با کسانیکه مستقیماً با موادحیوانی درتماس اند مانند کارکنان صنایع چرمسازی، کارخانه‌های پشم، صنایع استخوان ومو، تهیه کنندگان روشور (در ایران) باید خود را علیه بیماری واکسینه کنند و درصورت لزوم از وسائل حفاظتی ویژه استفاده کنند عامل بیماری که یک نوع میکرب است از راه پوست بویژه پوستی که خراشیده و زخمی شده باشد بانسان سرایت میکند بیماران سیاه زخمی اغلب اوقات بیماری خویش را می‌شناسند ودرموقع مراجعه به پزشک اظهار می‌دارند که دوسه روز پیش جوشی مثلا در ناحیه صورتشان زده وآنرا محل گزش حشره‌ای فکر میکردند ولی مدتی بعد درمرکز جوش نقطه سیاه رنگی هویدا می‌شود و وسعت آن روبه‌افزایش مینهد، اغلب اوقات این جوش فاقد درد وچرکی شدن است وگاهی ضایعه پوستی مشخصی دیده نمی‌شود وبیماران فقط بجهت تورم شدید صورت یا درمحل دیگری که بنحوی بامیکرب در تماس بوده است به پزشک مراجعه میکند واین ورم موحش وبی‌تناسب است که بیمار از درد آن اغلب شکایتی ندارد ودرمحل ضایعه دردی حس نمیکند. ناحیه زخم اغلب با خارش شدید همراه است.

*شیوه‌های درمانی

تب در ۲۴ ساعت اول شروع بیماری بین ۳۸ الی ۳۸/۵ است و هرچه بیمار نسبت به وضع خود هوشیارتر باشد و خود را زودتر به پزشک برساند امید برای درمان زیاد است.با پیدایش آنتی‌بیوتیک ها که ضد میکربها بشمار میروند به بسیاری از بیماریهای عفونی ازجمله سیاه‌زخم بویژه درمراحل ابتدائی امید بیشتری برای بهبودی وجود دارد.

پیشگیری در انسان در درجه اول بستگی به ازبین بردن بیماری درحیوانات ازطریق اصول دامپزشکی دارد چرا که همانطور که اشاره شد منبع اصلی تولید این بیماری درحیوانات است، حیوانات بیمار را باید بدون چیدن پشم و کندن پوست فوراً درعمق زیاد (حداقل ۲ متری) دفن کرد ویا اجساد آنها راسوزاند.

واکسیناسیون حیوانات، با واکسن مخصوص نتایج بسیارمفیدی درپیشگیری مرض در دامها داشته است واین مسئله اهمیت زیادی ازنظراقتصادی دربردارد.

اما کسانیکه بطریقی با حیوانات و با مواد حیوانی مشکوک سروکار دارند باید خود را در مقابل بیماری واکسینه کنند و این واکسن معمولا درحدود یکسال ونیم الی دوسال شخص را درمقابل بیماری مصون میکند و از ابتلا به بیماری جلوگیری میکند و نیز باید تمام اصول وموازین بهداشتی و ضد عفونی درمورد مواد خام حیوانی وفرآورده های آن رعایت شود بدین ترتیب که پشم وموی گوسفندان آلوده در مناطق مشکوک را با حرارت وایجاد فشار زیاد و جوشانیدن ضد عفونی کرد و کارگران دباغ ویا آنهائیکه با پوست و پشم سروکار دارند بهتر است با استفاده ازدستکش لاستیکی انجام وظیفه کنند وبدیهی است که هرچه به اصول بهداشتی بیشتر توجه شود کمک ارزنده‌ای به بهداشت و اوضاع اقتصادی کشورمیشود.

تهوع بهمراه‌سرفه درمرحله اول ازعلائم ویژه بیماری سیاه‌سرفه

سیاه‌سرفه» یکی از شایعترین بیماریهای عفونی دوران کودکی و شیرخوارگی است. گواه این امر بالابودن میزان ابتلاء افراد غیر مصون است. بعبارت دیگر تابحال به ثبوت رسیده است که حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد کودکانی که برضد بیماری واکسینه نشده‌اند و یا قبلا مبتلا به بیماری سیاه‌سرفه نبوده‌اند (افراد غیر مصون) به این بیماری دچار می‌شوند. آنچه از تحقیقات سازمان بهداشت ایران بدست آمده نشان میدهد که درنواحی جنوب کشور همزمان با فرا رسیدن فصل بهار شدت سرایت بیماری به جنوب کشور همزمان با فرا رسیدن فصل بهار شدت سرایت بیماری به حداکثر خود میرسد. درحالیکه این حداکثر شیوع درنواحی شمالی دراواخر زمستان بروز می‌کند. میزان مرگ‌ومیر بیماری «سیاه‌سرفه» درابتدای قرن‌اخیر با کشف داروهای ضد میکربی و استعمال همه‌جانبه واکسن «سیاه‌سرفه» کاهش زیادی پیدا کرده است.

درسال ۱۹۲۰ میزان مرگ‌ومیر این بیماری در ایالات متحده ۱۲/۵ درقبال هر ۱۰۰ هزار نفر و درسال ۱۹۴۰، ۴/۸ نفر در قبال هر ۱۰۰ هزارنفر بوده است پیش از دهه گذشته مرگ‌ومیر این بیماری کمتر از ۱ نفر در قبال هر ۱۰۰ هزار نفر بوده‌است. $\frac{3}{4}$ میزان مرگ‌ومیر در مورد کودکان کمتر از یکسال اتفاق می‌افتد. اکنون با کشف‌واکسن بیماری شیوع قابل ملاحظه‌ای بچشم نمی‌خورد.

*سرفه های قطاری

دورهٔ‌پنهانی سیاه‌سرفه ۷تا ۱۰ روز است. بدین معنی از زمانی که میکرب وارد بدن شخص می‌شود تا بروز اولین نشانه های بیماری ۷ الی ۱۰ روز به‌طول می‌انجامد که دراصطلاح علمی این دوره از بیماری عفونی را ما دورهٔ کمون» می گویند. البته دربیماریهای گوناگون طول این زمان متفاوت است و در بعضی از بیماری‌ها حتی تاشش‌ماه طول می کشد پس‌از این دوره‌سه‌مرحله مشخص دیده‌می‌شود.

مرحله اول— این مرحله یک الی دوهفته طول می کشد درآغاز با علائمش مانندسرماخوردگی یا عفونت خفیف تنفسی آغازمی‌شود. عطسه— ریزش آب ازبینی، تب که درحدود یکدرجه یا کمتر است ازعلائم ابتدائی‌این بیماری است و علائمی مانند برافروختگی چشمها و سرفه هائی شبانه به آن اضافه می‌شود. آنچه این بیماری‌را دراین‌مرحله ازسرماخوردگی متمایزمی کند تنها استفراغ بهنگام سرفه‌است که اهمیت‌زیادی درتشخیص و درنتیجه درمان این بیماری دارد. صورت بیمار در این‌مرحله پف‌آلود ومتورم است.

مرحله‌دوم این‌بیماری وجـود سرفه های قطاری است که تشخیص قطعی سیاه‌سرفه را بدست‌می‌دهد. کودک معمولا آغاز سرفه را درک می کند و به همین‌سبب بازی را ترک می کند و با حالت اضطراب‌آلود به آغوش مادر خود یا به‌گوشه‌ای پناه میبرد قبل‌ازوقوع سرفه حس‌خارش درگلو یا حنجره بوجود میآید. وضع سرفه های قطاری باین‌ترتیب است که پس‌از ده‌تابیست‌سرفه پشت‌سرهم و کوتاه‌بدن کودک کبودشده‌وچهره‌اش متورم می‌شود. سپس بازدم عمیقی (بیرون‌دادن هوای‌تنفسی) که شبیه صدای خروس است دراو بوجود می‌آید و کمی بعد مجدداً سرفه های پشت‌سرهم آغاز می‌شود این‌حالت چندبار تکرار می‌شود تا اینکه خلط سینه خارج‌شود. (در پایان سرفه‌های‌قطاری سرانجام خلط لزج وچسبناکی ازدهان کودک خارج می‌شود و حمله سرفه بپایان می‌رسد.)

لازم به تذکراست که کودکان فقط در یک بیماری خلط بیرون میدهند وآنهم درسیاه‌سرفه است و در سایر بیماری‌های ریوی خلط دیده نمی‌شود بلکه کودک آنرا می‌بلعد. در انتهای سرفه های‌قطاری‌گاهی بهمراه استفراغ است. پس‌ازخاتمه سرفه طفل خسته و فرسوده میشودوعرق‌سردی‌صورت‌وبدنش‌رامی‌پوشاند.

ورم‌چشم و صورت زیادتر می‌شود مدت سرفه های قطاری‌گاهی کوتاه وزمانی طولانی است. حملات سرفه های قطاری از هفته‌سوم بتدریج کم می‌شود.

در بیماری سیاه‌سرفه عادی سرفه قطاری و یا سرفه کهکهانی» روزانه ۲۰ تا ۴۰بار تکرار می‌شود ولی درسیاه‌سرفه های سخت تعداد حملات سرفه ۵۰ تا ۱۰۰بار در روز است که در جریان این حملات ممکن است کودک خفه‌شود.

سیاه‌سرفه روبهمرفته قریب ۵ تا ۸ هفته طول می کشد پس ازاین مرحله دوره نقاهت بیماری که تقریباً دورهٔ طولانی است، آغاز می‌شود بدین معنی که کودک مبتلا تا مدتها رنگ پریده، لاغراست وگاهی تاچندین ماه سرفه های پشت‌سرهم‌می کند.

است

***شیوه های درمان**

درموارد بسیار خفیف نیازی بدرمان دارونی نیست فقط درمان بصورت پرهیز از غذاهای دیر هضم و استفاده از مواد غذائی آبکی و نیز پوشاندن کودک با لباس کافی استولی اگر بیماری بصورت شدید بروز کند و بویژه آنکه در هفته اول تشخیص قطعی سیاسرفه داده شود میتوان بوسیله داروهای ضد میکروبی که توسط پزشک تجویز می‌شود . از شدت بیماری کاست ولی هرگز نمی‌توان سیر آنرا متوقف ساخت . و عاملی که اخیرا از میزان مرگ‌ومیر و عوارض بیماری در کودکان سیاه سرفه‌ای کاسته‌است و تنها همین مسأله است.

***عوارض نامطلوب**

این بیماری که کودک را تاحد زیادی ناتوان و ضعیف می کند امکان ابتلاء به بیماریهای دیگر مانند : سل را آسان می کند و از سوی دیگر شدت سرفه های آن گاهی خطرناک است تاحدی که ممکن است باعث بوجود آمدن عارضه فتق و پاره‌شدن پردهٔگوش و خونریزی از بینی و یا ریه و از ملتحمه چشم شود.

و دراین مرحله پیشگیری و درمان بموقع آن اهمیت بسزائی دارد.

***مبارزه همه‌جانبه**

جدا کردن فوری بیماران از کودکان سالم تا حد زیادی از انتشار بیماری جلوگیری می کند.

مایه کوبی سیاسرفه یکی ازوسائل مناسب پیش‌گیری این بیماری بشمارمی‌آید.

واکسن سیاسرفه بصورت مخلوط با واکسن های کزاز و دیفتری در کشور ما بطوررایگان دراختیارمردم قرارداده‌شده.

این واکسن مخلوط درسه نوبت بافاصله ۱ ۵ روزبه کودکان تزریق می‌شود.

تمام افرادی که در مقابل این بیماری واکسینه می‌شوند متأسفانه دربرابر این بیماری مصون نمی‌شوند و ممکن است به بیماری مبتلا شوند ولی نوع خفیف آن وضمناً تزریق واکسن برای افراد بالاتر از ۶ سال ممنوع است چرا که دراین سن واکسن عوارض نامطلوبی را سبب می‌شود.

زندگینامه «لانگستون هیوز» مرد افسانه‌ای و بزرگترین شاعر سیاهپوست آمریکا که در آغاز یک کارگر ساده بود

مرد افسانه‌ای و بزرگتر

خودساخته‌ها

از کارگری در مزرعه، پادوئی و نظافتگری هتل، تا شاعری ملی در جامعه آمریکا

در شهر ژوپلین که شهر کوچکی از شهرهای میسوری آمریکا است «لانگستون هیوز» بزرگترین شاعر سیاه پوست آمریکائی به تاریخ اول فوریه سال ۱۹۰۲ به دنیا آمد. او هنوز کودك خردسالی بیش نبود که جان‌هیوز پدرش که پیوسته از تبعیضات نژادی رنج می‌کشید و از سپیدپوستان دل پرخونی داشت به دنبال یک بی‌عدالتی شهر را بدون خبر ترك گفت و همسر و فرزندش را بدون سرپرست گذاشت و به این ترتیب همسر جوان او «کاری لانگستون» که از تأمین مادی بی‌بهره بود. برای امرار معاش خود و فرزندش مجبور شد که به جستجوی کار بپردازد اگر چه یافتن کار برای یک زن سیاه پوست به آسانی میسر نبود مخصوصاً که «کاری» مجبور بود بیشتر وقتها پسرش را هم با خود به محل کارش ببرد و به این جهت وضعش مشکلتر میشد. بهرحال سالها با تمامی سختیهائی که داشتند گذشتند و نوبت به زمان تحصیل لانگستون رسید. در آن زمان «کاری» در منطقه شمالی شهر در دفتر یک وکیل ماشین نویسی می کرد و به همین دلیل چون نمی‌توانست پسرش را به مدرسه مخصوص سیاه‌پوستان واقع در محله راه‌آهن شهر ببرد، ناگزیر او را به یکی از مدارس نزدیک محل کارش که مخصوص بچه‌های سپیدپوست بود، برد. در آغاز مدیر مدرسه از نوشتن نام لانگستون کوچک خودداری می کرد ولی «کاری» زن سرسخت و سمجی بود و آنقدر روی درخواست خود پافشاری کرد تا سرانجام نام پسرش را در مدرسه مخصوص سپیدپوستان واقع در خیابان هاریسون به ثبت رساند. لانگستون تنها کودك سیاه‌پوست مدرسه بود و به همین خاطر معلم سپیدپوست کلاس، اول نفرت زیادی به او نشان نمیداد ولی با این حال هرزمان که شاگردان سپیدپوست سنگی به طرف او پرتاب می کردند آنها را در اعمالشان تشویق می کرد و هرگز دست ملاطفتی بر سر آن پسرك غمگین نمی کشید. در آن زمان هنوز صنعت سینما به وجود نیامده بود و تنها سرگرمی مردم رفتن به تاتر و دیدن نمایش‌نامه های مختلف بود. «کاری» نیز به دیدن تاتر علاقه عجیبی داشت و یکی از اولین نمایش‌نامه هائی که لانگستون کوچولو به همراه مادرش تماشا کرد نمایشنامه معروف «کلبه عموتوم» بود که زندگی رقت‌بار سیاهان [illegible] به نحو [illegible]انه‌ای نشان می‌داد و شاید [illegible] همین تاریخ بود که احساسات او ظرافت واقعی خود را پیدا کرد و زندگی سیاهان به صورت شعر مانندش در او جاری شد. «کاری» یکسال بعد پسرش را به خانه مادر پیرش فرستاد تا تحت مراقبت او قرار بگیرد. لانگستون در این زمان فقط هفت سال داشت، و زندگی بدون پدر و مادر برایش صورت وحشتناکی داشت. اما با این همه او در خانه مادر بزرگ هفتاد ساله‌اش «ماری لانگستون» که به نوه‌اش شباهت زیادی داشت احساس خوشبختی می کرد.

«ماری» نیز یکی از معروف‌ترین زنان سیاه پوست بود و به خاطر مبارزاتی که علیه برده فروشی و تبعیض نژادی انجام داده بود در جامعه سیاه‌پوستان احترام فراوانی داشت اگر چه در آن زمان با فقر وفاقه شدیدی دست بگریبان بود، زیرا زنان سیاه‌پوست فقط با استفاده از مشاغلی مانند خدمتکاری و رختشوئی و آشپزی می‌توانستند چرخ زندگی خود را بگردانندو «ماری لانگستون» مغرورتر از آن بود که به خدمتکاری سپیدپوستان تن در دهد و به این جهت زندگیش را از راه کرایه دادن اطاقهای خانه به دانشجویان می‌گذراند و به این ترتیب گاهی از اوقات هم او و نوه کوچکش گرسنه می‌ماندند. اما با تمام این احوال لانگستون کوچک تحصیلش را ادامه می‌داد و گاه با خواندن روزنامه های کهنه که مملو از اخبار وحشت‌انگیز مربوط به سیاه پوستان بود سرش راگرم می کرد. کمتر روزی بود که خانه سیاه‌پوستی را آتش نزده باشند و یا زن و کودك سیاهپوستی به دست سپید پوستان کشته‌نشده باشند. پسرك در دنیای فجیعی به دنیا آمده بود اما مادر بزرگ همواره می کوشید راه مبارزه و مقاومت را به او نشان بدهد. ماری لانگستون می‌خواست همچنان که خود عمری را در راه مبارزه برای احقاق حقوق سیاهپوستان گذرانده بود، نوه‌اش نیز راه او را ادامه بدهد و از پای ننشیند. وقتی ماری لانگستون زندگی را بدرود گفت لانگستون فقط دوازده سال داشت و این اولین باری بود که با مرگ به صورت واقعی آن روبرو می‌شد. بعد از این فاجعه دوستان نزدیک مادر بزرگ که لانگستون آنها را عمه و عمو «رید» صدا می‌زد، او را به خانه خودشان که در کنار رودخانه خارج از شهر قرار داشت، بردند. عمو رید در شهر در یک مغازه لوله کشی کار می کرد و عمه رید هم تمام اوقاتش را به دانه دادن به مرغ و خروسها و چراندن گاوها و خوکها و فروش تخم‌مرغ و شیربه همسایه‌ها می‌گذراند و از این تاریخ بود که لانگستون دوران کارگری را شروع کرد و در مزرعه عمه و عمو «رید» به کار پرداخت. او علاوه بر رسیدگی به امور مزرعه، هیزم شکنی، پادوئی و خرید آن خانه را هم انجام می‌داد و در عین‌حال به مدرسه هم می‌رفت و با همان شوق قبلی به تحصیلاتش ادامه می‌داد. لانگستون پسرك زیرك و فعالی بود و به همین جهت توانست [illegible]فروش آن ناحیه را هم به دست آورد و به زودی با فروش روزنامه «ساتردی ایونینگ پست» پس‌انداز کمی برای خودش دست و پا کند و شوق حاصل از این پس‌انداز شوق کار را هم در او افزون کرد و درنتیجه در صدد برآمد تا دامنه فعالیت‌های کارگریش را وسعت بدهد و کاری به دست بیاورد که‌عایدی بیشتری داشته باشد. و بدینسان بود که به زودی از کار در مزرعه دست کشید و با پادوئی و روزنامه فروشی هم وداع گفت و به سوی دنیای دیگری روی آورد. لانگستون در هتلی که با مدرسه‌اش فاصله زیادی نداشت کاری به دست آورد که علی‌رغم زشتی و سطح پائین آن عایدیش نسبتاً مکفی بود. او هر روز بعد از تعطیل مدرسه برای آنکه مورد تمسخر همشاگردیهایش قرار نگیرد، از در عقب هتل خودش را به آنجا می‌رساند. کتابهایش را در گوشه‌ای می‌گذاشت جارو و سطل نظافت را بر می‌داشت و کارش را که جارو کشی هتل و شستشوی کف اطاق‌ها و توالت‌ها بود آغاز می کرد. این کار برای نوجوانی به حساسیت و ظرافت فکری او بسیار دردناك بود. اما با این همه با بردباری به سرنوشت خود گردن نهاده بود و صبورانه به آن چه برایش مقدر شده بود تسلیم می‌بود. او هرروز نزدیک سه یا چهار ساعت از وقت خود را با این کار می‌گذراند و نزدیک غروب در حالیکه همه جا از نظافت می‌درخشید هتل را ترك می‌گفت.

گاهی مواقع نیز که سالن هتل شلوغ می‌شد مدتی دیگر از وقتش را صرف واکس زدن کفش مشتریهای ثروتمند هتل می کرد. و در آن لحظات همیشه با افکار خود دست بگریبان بود و معمولا از خود می‌پرسید: «چگونه میتوان زندگی را تغییر داد و از چه راهی می‌توان مرد بزرگی شد؟» گاهی هم به پدر و مادرش که هر کدام در شهری دور دست می‌زیستند می‌اندیشید و آرزو می کرد کاش برادری داشت که می‌توانست او را دوست داشته باشد.

لانگستون در هفته پانزده سنت از هتل حقوق میگرفت و با این پول گاهی اوقات به سینما میرفت و در سینماهای جنوب‌شهر که پاتوق کارگران جوان بود فیلم‌های روز را میدید. هنرپیشه محبوب او چارلی چاپلین بود اما یک روز اعلان تازه‌ای بر سر در سینماها زده شد «هیچ سیاهپوستی اجازه ورود به سینما را ندارد.» او با دردی که از اینهمه تبعیض بر دلش نشست بازهم بردباریش را از دست نداد. از آن به بعد دیگر تنها سرگرمیش تماشای مسابقات فوتبال در استادیوم دانشگاه بود. البته چون بیشتر از پانزده سال نداشت و پسرکی بیش نبود کسی به او توجه نشان نمیداد، وگرنه باز این احتمال وجود داشت که او را به جرم سیاهپوستش از آن سرگرمی هم محروم کنند. بدبختانه این تبعیض حتی در کلیساهای شهر نیز جریان داشت و هر گاه که لانگستون در روزهای یکشنبه پنهانی به یکی از کلیساهای سپیدپوستان میخزید وجودش را در گوشه‌ای پنهان میکرد و در حالیکه از خدای سپیدپوستان تصویری در ذهن خود میساخت، از خود میپرسید: «آیا این خدا به انسان‌های سیاه نیز توجهی دارد و آیا او میداند که لانگستون در جمع سپیدپوستان نشسته است و آیا میداند که لانگستون با همه جوانی چه دردهائی را تحمل کرده است؟!».

تازه چندماه از آغاز پانزده سالگی لانگستون گذشته بود که از مادرش پیامی رسید و به دنبال آن مادر که سال پیش به عقد آشپز سیاه‌پوستی درآمده و از او صاحب پسری نیز شده بود به دنبال لانگستون فرستاد. وداع لانگستون با عمه و عمو رید بسیار تلخ و دردناک بود اما به زودی دیدار مادر، ناپدری و برادر کوچک و محیط تازه و جالب لینکلن آن تلخی را از روح حساس پسرك پاك کرد. او حتی به ناپدریش نیز عشق میورزید و از اینکه توانسته بود سرانجام پس از سالها طعم یک محیط خانوادگی را بچشد، احساس خوشبختی میکرد. لانگستون به زودی در دبیرستانی نام‌نویسی کرد و چون مثل همیشه با مشکل بی‌پولی روبرو بود، به زودی در هتلی به‌عنوان آسانسورچی مشغول کار شد و در آسانسور بود که برای اولین بار متوجه استعداد شاعری که از مادر به ارث برده بود شد و نخستین شعر خود را سرود، اگرچه آن شعر لطیف و ساده نه از طرف مادر و نه از طرف هیچ کسی دیگر استقبال نشد. بهرجهت وقتی که لانگستون دوره دبیرستان را به پایان رساند ناپدریش که از شغل آشپزی استعفا داده بود کار تازه‌ای در کلیولند پیدا کرد و به زودی خانواده خود را به آن‌ناحیه کوچ داد و این تاریخ مقارن با آغاز جنگ جهانی اول بود که در نتیجه آغاز همین جنگ اهمیت وجودی سیاهپوستان نیز در آمریکا بیشتر شد، زیرا نیروی انسانی آنان یک‌قسمت از نیروی انسانی اجتماع را تشکیل میداد و بهمین خاطر تبعیض نژادی هم در حال نابودی بود. بدینسان این بار لانگستون خیلی زود در یک کشتی تجاری کاری برای خود یافت. این زمان بهترین موقع مناسب برای پرورش تخیلات او بود دیدار

ین شاعر معروف امریکا

باآسمان گسترده‌ای که بالای دریاگاه ابری وگاه آفتابی بودو چیرگی براسواج دریا هرروز ذهن اورا از تصاویر تازه‌ای پرمیکرد که‌سالها بعد در اشعار او جان گرفتندو انعکاس یافتند. اما لانگستون به زودی ازاین کارهم استعفا داد وبه کار دیگری پرداخت. در آن زمان خانه اجاره‌ای در شهربه‌ندرت یافت میشدو مخصوصاً کمتر کسی‌پیدا میشد که خانه‌خودرا بـــه سیاه‌پوستان اجاره دهد. لانگستون به‌زودی وارد کار معاملات خانه‌و اجاره شدو مدتی‌دراز در این کار بـــاقـــی مـــانـــد . اگـــر بادقت بـــه زندگی ایـــن شاعـــر معروف خیـــره‌شویم‌و زوایای حوادثی را که براو گذشته است بکاویم به‌این حقیقت میرسیم که بیشتر تجربیات او در این دوره از زندگیش به دست آمده است و زندگانی درخشان بعدی او بازتاب زندگانی متغیرآن زمان‌او بوده است . او در قالب‌های مختلف کارگری تجربیات فراوانی به دست آورد وبا این تجربیات بود که روزی توانست تاج افتخاروشهرت را برسربگذارد.

«لانگستون» درپایان‌جنگ‌اول‌جهانی هنگامی که بعد از تحمل سختی‌ها و مرارت‌های فراوان دردانشکده «لینکلن» ثبت‌نام کرد ناگهان خود را باپیامی از پدر فراموش شده‌اش که در مکزیک زندگی میکرد روبرو دید وبعدازمشورت بامادر برای دیدار پدر به مکزیک رفت . اما تصویری که از پدر در ذهن خود داشت به‌اندازه‌ای با تصویر پدر واقعی او متفاوت بود که به یک‌بیماری‌شد یدعصبی گرفتارشد وبعد از مدت کوتاهی دوباره به لینکلن بازگشت. بحران بعدازجنگ مردم را با بیکاری وبی پولی روبرو کرده بود . مادر لانگستون به ناچار در هتلی آشپزی‌میکرد خوداو نیز دریک کارخانه کاری گرفت وبه این ترتیب بود که نواست به تحصیلات دانشگاهی خود ادامه دهد . ازاین زمان نبوغ شعری او در دانشکده درخشید و اشعار او که از گذشته سرچشمه میگرفت و بازمان حال نیز پیوند صمیمانه‌ای داشت به زودی بر سرزبان‌ها جاری شد تا بدان‌جا که مسئله سیاهی پوست او در دانشکده بکلی فراموش شد وعنوان سردبیری مجله دانشگاه به‌او تفویض گردید و سرانجام پسرکی که همیشه به مردان بزرگ می‌اندیشید پس از سالها خود را با رؤیای زنده‌ای روبرو دید . چون از آن تاریخ به‌بعد دیگر دوران شکوفائی او محسوب میشد وبه زودی نه تنها درشعر،بلکه در داستان‌نویسی ونقدپردازی وحتی نمایش‌نامه‌نویسی نیز شهرت فراوانی به دست آورد و درعرض مدتی کوتاه پسرک سیاه‌پوستی که دوران عمرخود را از دوازده سالگی در کارگری گذرانده بود ناگهان تبدیل به هنرمند بزرگی شد که مورد احترام جامعه ادبی بود.

« لانگستون هیوز » که در تاریخ سیاه پوستان امریکا عنوان « مرد افسانه‌ای » را دارد شصت وپنج سال تمام عمر کرد و سراسر عمر خود را در تنهائی گذراند وهرگز ازدواج نکرد ، چراکه به قول خودش با کار وشعر وهنر ازدواج کرده بود . او سال‌های آخر عمرخود را در محله سیاه‌پوستان نیویورک « هارلم » گذراند و هنگامیکه در اوج محبوبیت بسرمیبرد جز جنگیدن‌ومبارزه برای احقاق حقوق‌حقه سیاه‌پوستان ورفع تبعیضات‌نژادی هدف دیگری نداشت واز اینکه‌توانسته بود بانام خود به‌جامعه محروم سیاه‌پوست قدرت وغرور ببخشد احساس شادمانی میکرد . مرگش درتاریخ بیست ودوم ماه مه سال ۱۹۶۷ ، درنیویورک اتفاق افتاد و در تشییع‌جنازه‌اش نه‌تنها هزاران هزارسیاه‌پوست گریستند ، بلکه سپیدپوستان زیادی نیز به عزاداری برای او نشستند.

بزاق سگ مهم ترین عامل انتقال بیماری هاری به انسان است

بیماری هاری چیست؟

هاری چیست؟

هاری مرضی است عفونی که بر اثر گاز گرفتن حیوانات هار از راه بزاق حیوان بانسان انتقال می‌یابد تمام حیوانات پستاندار اهلی و وحشی مانند اسب، سگ، موش صحرایی شغال، خوك، گربه و بخصوص گرگ باین بیماری مبتلا میشوند. هاری بندرت از انسان به انسان (بر اثر گاز گرفتن انسان هار و ترشحات دهان وی) سرایت میکند، این بیماری بخصوص از سگها بانسان منتقل میشود. بزاق سگ آلوده مقدار زیادی از میکروب بیماری را در بردارد و وقتی این میکرب وارد بدن انسان می‌شود به مراکز عصبی میرود و علائم بیماری پدیدار می‌شود.

ویژه‌گیهای سگ هار

سگ هار معمولا غمگین میشود و در گوشه‌ای می‌نشیند. اگر او را تحریك كنند خشمگین شده و بانسان حمله می کند و حتی صاحبش را نیز گاز میگیرد و هر چه در دسترسش باشد پاره میکند و هر چیزی را بیابد میجود. نگاهش غضب‌ناك میشود، بزاق زیاد و کف آلود از دهانش خارج میشود و در عین تشنگی نمی‌تواند آب بخورد زیرا از آب میترسد و بهمین علت به بیماری هاری بیماری، «ترس از آب» نیز میگویند. در این مرحله سگ زوزه میکشد و پس از مدتی مرحله فلج فرا میرسد بیماری بیش از ۲ ، روز طول نمی کشد و سرانجام مرگ فرا میرسد.

هاری در انسان

خطر بیماری هاری در انسان فوق‌العاده زیاد است بطوریکه پس از بروز نشانه‌های بیماری هاری بندرت میتوان شخص هار را از مرگ نجات داد.

علائم بیماری بلافاصلهٔ پس از گاز گرفتن توسط حیوان صورت نمی‌گیرد گاهی تا ۶۰ روز بعد و زمانی حتی تا دو سال طول میکشد تا علائم بیماری ظاهر شود. این زمان بستگی دارد باینکه سگ هار کجای بدن را گاز گرفته باشد اگر فاصله منطقه گزیدگی با مغز زیاد باشد و نیز بوسیله لباس پوشیده باشد این دوره طولانی‌تر میشود.

علائم ابتدائی هاری در انسان با سردرد و بی‌اشتهائی و خشکی گلو شروع میشود. تب و کوفتگی و حالت تهوع نیز به این حالات اضافه میشود به هنگام فرو بردن آب و یا غذا درد شدید در گلو بروز میکند و بیمار را از خوردن غذا و آب بوحشت میاندازد و با وجود تشنگی لب به آب نمیزند. بی‌قراری و افسردگی نیز به این علائم اضافه می‌شود چندی بعد تشنج و انقباض عضلات (گرفتگی عضلات) حلق و حنجره آغاز شده و تنفس مشکل‌تر می‌شود و بیمار از جریان باد وحشت دارد و از نور نیز میترسد اگر بیماری طول بکشد فلج فرا میرسد. گاهی هم فلج از همان ابتدای بیماری وجود دارد. رفته رفته بیمار حالت هاری خود را نشان میدهد، سرش را بدیوار میکوبد، می‌گریزد (درصورتی که فلج نباشد) و گاز میگیرد. گاهی در بستر آرامی میخوابد و پس از پیدایش علائم بیماری هاری بیش از ۴۸ ساعت زنده نمی‌ماند.

***پیشگیری و درمان**

درك امروزی ما از این بیماری چون دیگر بیماریهای عفونی مدیون پاستور دانشمند فرانسوی است. تقریباً میتوان ادعا کرد در سالهای اخیر هیچ نوع درمانی اضافه برآنچه که پاستور بیان داشته اضافه نشده است. با آنچه که از تجربیات پاستور بدست آمده با وجود خطراتیکه این بیماری موحش در بردارد پیشگیری از آن

آیا مسمومیت با «آرسنیک» مزمن است؟

«عناصر سمی را بشناسیم»

دل درد و حالت تهوع بارزترین نشانه های مسمومیت با «آرسنیک» است.

آشنائی با مواد سمی این فایده‌را در بر دارد که علاوه بر شناخت ترکیبات این مواد روش کار کردن با آنهارا بیاموزیم و استفاده از وسائل ایمنی و حفاظتی در برابر آنرا هیچگاه از یاد نبرده و اولین نشانه های مسمومیت‌را در یابیم و تدابیر لازم‌را برای جلوگیری از عوارض آن بکار گیریم . این بدان معنی نیست که ما از هر ماده سمی بهراسیم ، بلکه باید سعی کنیم بادقت و احتیاط کار خودرا بوضع مناسبی انجام دهیم ، بی آنکه کمترین صدمه‌ای سلامت مارا تهدید کند.

***آرسنیک چیست؟**

آرسنیک یکی از مواد سمی است که از زمانهای قدیم مسمومیت با آن شناخته شده است در قرن نوزدهم طبق آماری که در فرانسه منتشر شد ۹۰ درصد مسمومیت های کشنده بر اثر آرسنیک بوده است . از اواسط قرن نوزدهم پیدایش دستگاههای مربوط به اندازه‌گیری و شناسائی آرسنیک جنایتکاران‌را بوحشت انداخت و بدین سبب از تعداد مسمومیت های جنائی کاسته شد.

استفاده جنائی از این سم در تاریخ سابقه زیادی دارد بطوریکه طبق روایات در فرانسه «ملکه بورژیا» و «مادام لافارگ» درمدت هفده سال سی نفررا بوسیله املاح آرسنیک مسموم کرده اند.

اما آنچه آرسنیک را از نظر کار مهم جلوه میدهد مسمومیت با آن در مدت کوتاه نیست بلکه در طی سالهای طولانی و پی در پی کار کردن با املاح آرسنیک در صورت عدم دقت ممکن است یک مسمومیت مزمن حاصل شود .

*** خطرات حرفه‌ای**

برای کارگرانی که دررشته های: استخراج و تصفیه سنگهای آرسنیک‌دار ، ساخت‌ومصرف مواد حشره کش ساخت و مصرف رنگهـا در صنعت شیشه‌سازی ، لاستیک سازی ، صنایع داروئی ، حفاظت چرم و چوب کار می کنند احتمال مسمومیت بوسیله مواد حاوی آرسنیک بیشتر است.

مسموم شدن در اثر جذب این ترکیبات اکثراً در نتیجه تنفس گرد و غبار، دود و بخار آنها است.

***مقررات بهداشتی**

برای جلوگیری از مسمومیت با آرسنیک مقررات بهداشتی زیر باید مراعات شود :

الف — مقررات بهداشتی گروهی — کافی بودن مقدار هوای کارگاه ، مرطوب کردن هوای کارگاه ، تهویه کافی گرد و غبار و بخار ، وجود دستشوئی و دوش باندازه کافی و استفاده از آنها واگر امکان داشته باشد استفاده از دستگاههائی که میزان آرسنیک جذب شده‌را در بدن نشان میدهند این امر سبب می‌شود که کارگران از سلامتی خود مطمئن شوند و اگر میزان آن از حد معینی که نشانه آغاز خطر است گذشت پیش بینی لازم بعمل آید.

ب — بهداشت انفرادی که شامل وسائل حفاظتی از قبیل : لباس کار، دستکش ، ماسک ، مصرف پماد های حفاظتی.

ج — مقررات پزشکی که شامل دو مرحله است اولی قبل از استخدام است که دراین مرحله باید توجه داشت کسانیکه درمعاینه اولیه طی علائمی از بیماریهای عصبی یا ضعف عمومی‌را نشان میدهند یا از کبد و کلیه سالمی برخوردار نیستند و همچنین کسانیکه به‌الکل معتادند نباید در رشته هائی که بیم مسمومیت آرسنیک درآن میرود کار کنند و نیز زنان‌آبستن و شیرده کار کردن با آرسنیک‌را باید کنار گذارند اما مرحله دوم شامل معاینات دوره‌ای پس از استخدام است تا بدینوسیله بتوان از سلامتی کارگران مطمئن شد.

*** نشانه های مسمومیت**

درمسمومیت شغلی آرسنیک علائم بطور ناگهانی بروز نمی کند و گاهی تا سه ماه بعد از مسمومیت علائم بخوبی خودرا نشان نمیدهند. بروز اولیه علائم معمولا در دستگاه گوارش است بدین معنی که فرد مسموم از حالت تهوع

امکان پذیر است. بلافاصله پس از گزش باید زخم را با محلول آب و صابون و الکل شستشو داد. سگ مشکوک را نباید کشت بلکه باید او را ۱۰ روز نگاهداری کرد تا در صورت بروز مرگ پس از ۱۰ روز بر هار بودن سگ مطمئن شد و اقدامات درمانی لازم را بعمل آورد اگر اطمینان حاصل شود که سگ هار بوده بلافاصله اقدام به مایه کوبی و سرم درمانی میکنیم سرم درمانی از پیشرفت میکرب بطرف عصب جلوگیری میکند (سرم واکن بکار رفته انستیتو پاستور ایران بهترین سرمهای دنیا را تهیه میکند) ولی اگر اطمینان نداشته باشیم که سگ هار بوده یا نه باید منتظر بمانیم تا آزمایشات لازم از سگ بعمل آید و نشان دهد سگ هار است یا خیر و پس از ده روز می‌میرد یا خیر؟ و پس از اطمینان اقدام به مایه کوبی کنیم چرا که مایه کوبی عوارضی بدنبال دارد و فقط به هنگام احتیاج باید از آن استفاده کرد. بنابراین هیچگاه از توجه به این مساله نباید غافل شد.

احتیاط های لازم

۱ — برای داشتن سگ باید جواز مخصوص اخذ کرد.

۲ — از بین بردن سگهای ولگرد و بدون صاحب.

۳ — مایه کوبی مجانی سالیانه سگها و صاحب آنها در نقاط آلوده.

۴ — فراهم کردن وسائل تشخیص.

۵ — مهار کردن و پوزبند زدن به سگها تا سه ماه پس از مشاهده بیماری هاری در حیوانات همجوار آنها.

۶ — احداث قرنطینه برای سگها یعنی نگاهداری سگ بمدت ۱۰ روز.

وسوزش و درد معده شکایت می کند. گاهی از اسهال های مکرر رنج میبرد و زمانی از یبوست. و در مواردی نیز دل درد بصورت دل پیچه دیده می‌شود. به همراه علائم گوارش علائم تنفسی نیز اضافه می‌شود. سرفه های مکرر، گرفتگی صدا و گرفتگی بینی از علائم تنفسی است اگر کارگری که با ترکیبات آرسنیک کار می کند این علائم را در خود دید باید فوراً به پزشک مراجعه کند و حتماً وضع خود را با پزشک در میان گذارد.

درمان بموقع سبب می شود که تمام علائم مسمومیت از بین برود اما اگر بر اثر بی دقتی و عدم توجه به وضع عمومی، فرد مسموم به کار کردن با ترکیبات آرسنیک ادامه دهد بعید نیست عوارض خطرناکی بوجود آیند: از جمله ناراحتی های شدید عصبی (حتی فلج) و کم خونی، همچنین ضایعات شدید کلیوی و کبدی.

* نشانه های پوستی

بر اثر مسمومیت روی پوست چین و چروکهائی ظاهر می‌شود و در نواحی فشار (مثل ناحیه‌ای که کمربند بسته می‌شود) این مسئله بیشتر بچشم می‌خورد لکه های تیره بر روی پوست ظاهر می‌شود. اغلب پوست کلفت می‌شود و بر اثر تماس طولانی با آرسنیک (بدون استفاده از وسائل حفاظتی) ممکن است اگزمای پوستی بوجود آید. ریزش مو و ناخن از علائم پوستی است که باید بآن توجه داشت این نشانه ها همچنانکه تذکر داده شد بر اثر عدم توجه در ضمن کار کردن با ترکیبات آرسنیک حاصل می‌شود بهرحال بمحض مشاهده اولین علائم با توجه به اهمیت بیماری باید برای بر طرف کردن مسمومیت هرچه زودتر از پزشک یاری جست.

شکل 1

شکاف‌های لوله‌های گاز مهمترین عوامل انفجار

دخول ۵ درصد از گاز طبیعی به هوا انفجار بوجود می‌آید.

* دستگاه «شکاف یاب» وسیله مطمئنی برای جلوگیری از خطر انفجار لوله‌های گاز است.

متخصصان شرکت حمل و نقل شیرهای مخصوصی برای لوله‌های گاز ساخته‌اند که وقتی فشار گاز در لوله از حد معینی زیادتر شد بطور خود کار بسته میشوند و جریان گاز قطع میشود. فشار گاز وقتی زیاد میشود که در لوله شکافی پیدا شود در نتیجه برای جبران گاز از دست رفته باید گاز بیشتری به لوله فرستاده شود و این امر باعث افزایش فشار می‌شود ولی شرکت های نصب کننده لوله گاز از نصب این شیرها خودداری کردند. آنها معتقد بودند این شیرها خوب کار نمی کنند و نصب آنها نیز گران تمام میشود.

ممکن است نظر این کمپانی‌ها صحیح باشد ولی امید است که در ساختن این گونه وسایل ایمنی پیشرفت بیشتری بدست آید. برای پیدا کردن شکاف های کوچک لوله های گاز و تعمیر آنها اتومبیل های مخصوصی که وسایل لازم در آنها نصب شده هرروز آنها را بازدید می کنند. اگر این شکاف‌ها وقتی که کوچک‌اند پیدا شوند خطر انفجار وجود ندارد زیرا مقادیر کم گاز طبیعی مخصوصاً اگر گاز متان درآن بیشتر باشد از هوا سبک‌تر است بنابراین گاز بالا می‌رود و منفجر نمی‌شود.

برای انفجار باید در هوا بین ۵/۶ تا ۵، درصد گاز طبیعی وجود داشته باشد. اگر این مقدار کمتر یا بیشتر شود انفجار صورت نمی‌گیرد. اگر در موتور اتومبیل هم نسبت بخار بنزین به هوا بین این دو نسبت نباشد بنزین نسوخته و موتور کار نخواهد کرد.

*چگونه به‌شکاف لوله گاز پی ببریم

برای پیدا کردن شکاف لوله‌های گاز، بیشتر شرکت ها از دستگاه تولید کننده شعله نیز استفاده می کنند. دستگاههای جدیدی که برای این‌منظور بتازگی ساخته شده‌اند قادرند ، حجم گاز را در یکمیلیون‌حجم هوا تشخیص دهند.

درقسمت اصلی این دستگاه جریان کمی از گاز هیدروژن بوجود می‌آورند وآنرا زیر یک صفحه جمع می کنند. هوا و احتمالاً گاز طبیعی که همه از ترکیبات هیدروکربن‌اند وقتی به گاز هیدروژن برخورد می کنند یونیزه می‌شوند. یون‌ها ذرات اتمی را باردار می کنند اتمهائی که بارالکتریکی دارند زیریک‌صفحه جمع‌میشود و بطریق الکتریکی درصد مقدار گاز درهوا تعیین می‌شود.

این‌دستگاه روی ماشین های بازدید کننده لوله نصب میشود. حتی افراد نیز می‌توانند این دستگاه را به پشت خود ببندند و درجاهائی که لوله‌گاز قرار دارد آنرا بگردانند تا اگر درجائی گاز به بیرون نشت کرده باشد فوراً تعمیرات انجام‌گیرد. این کار را صاحبخانه‌ها نیز میتوانند انجام‌دهند. وقتی‌گاز طبیعی در زمین نفوذ کند، گاز اکسیژن درون‌خاک را خارج می کند و باکتری‌هائی که‌گیاهان را نابود می کنند رشد می کنند اگر در روی این زمین گیاه یا چمن وجود داشته باشد رفته رفته پژمرده‌میشوند.

*استفاده از ماشینات

روش دیگر پیشگیری از خطر انفجار بازدید مرتب‌لوله های‌گاز توسط شرکت مسئول است روش‌دیگر برای پیدا کردن شکاف لوله های گاز‌گذراندن مایع با فشار زیاد درآن است. اگر دیواره‌های لوله به‌اندازه کافی مقاوم نباشد درتحت‌این‌فشارفوق‌العاده‌زیاد خواهدشکست.

برای پیدا کردن نقاط آسیب‌پذیر لوله های طولانی نفت وگاز از مدتی‌قبل استفاده از دستگاهی بنام «پیگ» معمول شده است. این دستگاه بافشارمایع درطول لوله حرکت می کند و قطر داخلی لوله را مرتب اندازه می‌گیرد و ضخامت لوله را تعیین می کند. و جاهائی که ترک های مونی ویا سوراخ های ریز وجود داشته باشد بآسانی معلوم می‌شود (درشکل ۱ عملیات آزمایش بوسیله دستگاه «پیگ» را نشان‌می‌دهد)

اتحادیه تعاونی نیز باصرف هزینه کم بتواند امور مالی وحسابداری شرکتهای عضو رابطور سالیانه بصورت منظم حسابرسی کرده واز طریق تشکیل کلاس وتدارک دوره‌های آموزشی تدریجاً کارمند مالی وحسابداری ودفترداری برای شرکتهای عضو خود تعلیم داده وتربیت کند.

اتحادیه میتواند کارگران عضو شرکتهای تعاونی وابسته بخود وافراد خانواده آنها رابا جنبه های اخلاقی واجتماعی نهضت تعاونی آشنا ساخته وطی دوره‌های آموزشی ویژه‌ای فرزندان اعضاء شرکتهای تعاونی وابسته بخود را باصول ومقررات نهضت‌تعاونی واقف نمودبو ازهم اکنون نسل آینده گوشه‌ای از جامعه‌مارا بصورت انسانهای تعاونی پرورش دهد.

این اتحادیه‌ها خواهند توانست علیه‌بی تفاوتی بمبارزه برخیزند باین معنی که ازراه خدمات موثر اقتصادی بصورتیکه برای کارگران عضو شرکتهای تعاونی قابل لمس باشد ونیز ازطریق آموزش وپرورش فکری و روحی آنان ایمان واعتقاد طبقه کارگر رابیک همکاری اقتصادی برای برآوردن نیاز مشترک خودشان برانگیزند.

اگر تعداد شش‌هزار نفر کارگران واحدهای صنعتی یک شهرستان در شرکتهای تعاونی مصرف آن شهر عضویت داشته باشند و متوسط افراد وابسته به هرخانواده کارگری این شهر را پنج نفر حساب کنیم، اتحادیه تعاونی مورد نظر میتواند در واقع سی‌هزار نفر ازسکنه شهر را که خود حجم قابل توجهی از جمعیت بوجود می‌آورد، در یک شبکه صحیح توزیع مواد مصرفی که توسط اتحادیه تعاونی پدید خواهد آمد در برگیرداتحادیه تعاونی مفروض میتواند برای مصرف نان، شیرینی شب عید — لباس و پوشاک اعضاء و خانواده آنها مستقیماً اقدام نموده و اجناس مذکور را چه از لحاظ کمی و کیفی به نحوی مطلوب تولیدودردسترس آنان قراردهد.

اتحادیه تعاونی مورد بحث ما به آسانی می‌تواند با تأسیس یک کارخانه نان پزی‌و یا مقدمتاً با تأسیس یک مجتمع خبازی وشیرینی پزی نان مورد مصرفی خانواده‌های عضو را با کیفیت لازم طبخ و در اختیار مصرف کنندگان عضوقراردهد.

اتحادیه تعاونی می‌تواند تدریجاً از راه خرید تعدادی گاو و گوسفند و نگهداری آن به شیوه امروزی پرواربندی دروهله اول شیر، ماست و مواد لبنیاتی و سپس گوشت مصرفی اعضاء را تولید کند. با تأسیس چند واحد جوجه کشی و مرغداری، تخم‌مرغ و گوشت مرغ تولید کندوبه اعضاء خود بفروشد.

از راه خرید یا حداقل اجاره مقداری زمین تره‌بار وسبزیجات ومیوه‌های فصل را درمزارع تعاونی خود رویانیده وآنها را با بهای مناسب میان اعضاء خود توزیع کند.

اتحادیه تعاونی به آسانی میتواند ضمن تأسیس کلاسهای عصرانه وشبانه به اعضاء خود برحسب ذوق — علاقه وآمادگی آنها از مرحله سواد آموزی شروع و ماشین نویسی — میکانیکی — خیاطی — حسابداری ودفترداری- باغداری - منشیگری و سایر حرف سودمند امروزی را بیاموزد وآنها را وادار کند ساعات بیکاری و فراغت خود را صرف آموختن وفرا- گرفتن یک یا چند حرفه نمایند تا پس ازمدتی بتوانند علاوه بر کار مستمر و روزانه خود درآمدهای فرعی برای خود ایجاد کنند وبدین وسیله ازسطح بالاتر زندگی برخوردار شده و جامعه نیز از خدمات باارزش آنها برخوردار شود.

همانطور که گفته شد اتحادیه تعاونی قادر است تدریجاً با ایجاد واحدهای تولیدی اعضاء خود را به عنوان مزد بگیر در این واحدها استخدام کرده و با یک تیر چند هدف مفید را نشانه‌گیری کند.

۱ — نخست اینکه خود را تدریجاً از بعضی کالاهائی که در بخش‌های‌انتفاع فردی تولید می‌شود و با قیمت‌های غیرعادلانه عرضه میشود، بی‌نیازسازد.

۲ — بدینوسیله برای اتحادیه یک منبع پرسود و درآمد که به نفع اعضاء تمام خواهد شد پدیدآورد.

۳ — برای کارگران عضو که غالباً در ساعات فراغت سرگرمی سودمندی نداشته وقت خود را به بیهودگی صرف می کنند هم کار و هم ممر درآمدی ایجادمیکند.

۴ — هرچند بر تعداد اینگونه واحدهای اقتصاد جمعی در کشور افزوده گردد به همان اندازه دموکراسی اقتصادی و اجتماعی تدریجاً به‌شکل کاملاعملی تحقق پذیرفته ودرمجموع جامعه به سوی اقتصاد رفاه پیش خواهد رفت.

تحقق یک چنین آرزوئی مستلزم آنست که شرایط لازم در یک جامعه صنعتی وجود داشته باشد. درگردآوری و پدیدآوردن‌چنین شرایطی پیش ازهمه زمینه فکری مورد نیازاست که باید درمیان کارگران عضو آن جامعه موجود بوده یا تدریجاً به دنبال یک رشته فعالیتهای توجیهی و کارکردن با همان‌مردم بوجود آید.

چنانکه ازپیش هم اشاره رفت یک اتحادیه تعاونی‌خوب وموفق راشرکت‌های‌تعاونی خوب وموفق پدید می‌آورند ولذا پیش از تشکیل وآغاز هر نوع فعالیت — های تعاونی درسطح اتحادیه نخست شرکتهای تعاونی موجود دست به یک سلسله گردگیری و خانه‌تکانی زده، وضع مالی خود را روشن نمایند.

تشکیل اتحادیه تعاونی مصرف توسط تعدادی شرکت تعاونی مصرف که بر امور اداری، مالی، حقوقی و اجتماعی آن هیچ قاعده وقانونی حاکم نبوده و تابع هدف و روش معینی نبوده‌اند کاری است بیهوده زیرا عده‌ای افراد که ازعهده اجرای یک برنامه مشخص ومحدود برنیایند بی‌شک فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی وسیعتری که باید قاعدتاً توسط یک اتحادیه تعاونی طرح‌ریزی و به مرحله اجرا در آید

بقیه درصفحه ۴۰

همچنانکه مجمع عمومی شرکت تعاونی به من اعتماد کرده است من نیز سوگند یاد می کنم بکوشم، تاشایسته چنین اعتمادی باشم.

سوگند یاد می کنم: همه توانائی خود را به کاربندم تا بتوانم به اعضاء شرکت تعاونی خود خدمت کنم. در کارمدیریت شرکت تعاونی راستی و درستی را از یاد نبرم، نفع شرکت تعاونی را بر سود شخصی برتر شمارم، در نگهداری و ازدیاد سرمایه شرکت تعاونی از هیچ کوششی دریغ نورزم.

سوگند یاد می کنم: مشکلات شرکت تعاونی را با دقت و دلسوزی بررسی کنم و برای یافتن راه‌حلهای مناسب تمام نیرو و توانائی خود را به کارگیرم، بکوشم تا قابلیت شرکت تعاونی برای خدمت بیشتر به اعضاء افزونترشود، دراداره امورشرکت تعاونی نظم وترتیب ووقت‌شناسی را ازیاد نبرم و درنشست‌های هیأت مدیره سروقت حاضرشوم، به هنگام تصمیم گرفتن در کارهای مربوط به شرکت تعاونی جزمنافع اعضاءشرکت تحت‌تأثیر نفوذ هیچ چیزو هیچکس قرارنگیرم، به رأی و نظر اکثریت اعضاء احترام گذارم و نکوشم عقیده شخصی خود را به دیگران تحمیل کنم، درباره شرکت تعاونی و اعضاء آن بجز خیروصلاح آنها نیاندیشیده ولب بسخن نگشایم. بکوشم تا نظارت و کنترل اعضاء برامورشرکت تعاونی بیش ازپیش افزایش یابد، برای رشد و گسترش دمکراسی درشرکت تعاونی از هیچ کوششی دریغ نورزم، بکوشم انتخاب اعضاء هیات مدیره و بازرسان شرکت تعاونی درمحیطی کاملا آزاد و با رأی مخفی اعضاء شرکت صورت پذیرد.

سوگند یاد می کنم: از هرفکر نوو پیشنهاد سازنده با چهره‌ای گشاده استقبال نموده و کوشش کنم ازاین راه بر توانائی مادی ومعنوی شرکت تعاونی بیش ازپیش افزوده شود و درشریانهای اقتصادی آن همیشه خونهای تازه‌ای جریان پیدا کند، کوشش کنم تا اعضاء و سهامداران از کارهای مربوط به شرکت تعاونی خود آگاه بوده و جز درموارد لازم هیچ چیز ازدیدگاه آنان پنهان نماند. ازفردگرائی، خودخواهی، تعصب‌های بی‌مورد، لجاجت و یکدنده بودن خود را بدوردارم.

سوگند یاد می کنم: دراداره امورشرکت تعاونی، به هنگام روبروشدن با هر دشواری عقل ومنطق را راهنمای خود قراردهم. درگردهمائیهای هیات مدیره‌جای دیگران حرف نزنم وفرصت ابرازعقیده را ازآنان نگیرم، با اعضاء شرکت تعاونی‌رابطه مستقیم ومستمر برقرارسازم تا بتوانم ازنزدیک با نظرات آنها آشنا شوم. به هنگام روبروشدن با رفتارخشونت‌آمیز اعضاء روش گذشت و نرمش پیشه سازم و به عنوان عضو هیات مدیره شرکت تعاونی هیچ امتیازی برای خود قایل نشوم.

سوگند یاد می کنم: درامورمالی شرکت تعاونی ازهرآلودگی پرهیز کرده، گرد درآمدهای نامشروع نگشته و نیز به عنوان عضو رابط شرکت تعاونی با دیگر مؤسسات مالی و اقتصادی امین شرکت باشم، از دخالت‌های نابجا برکنارمانده و اجرای مفاد و مواد اساسنامه شرکت تعاونی را شعارخود سازم، شرکت تعاونی را مجبورنسازم کسان و بستگان مرا استخدام کند یادرخریدوفروش و داد وستد برای بستگان و نزدیکان من حق تقدم قایل شود. درارتباط‌باسایر اعضاء هیات مدیره، مدیرعامل و کارکنان شرکت تعاونی و نیز اعضاء ساده آن‌درشتی نکنم و به صف افرادی نپیوندم که به زیان شرکت تعاونی دسته‌بندی و توطئه می کنند! شرکت تعاونی را چون مردمک‌چشم خود دوست بدارم و درراه پیشرفت وترقی آن ازجان و دل بکوشم.

نوشته: منوچهر هنرمند

همانطوریکه در اول مطلب نوشتیم، ما ناچاریم دو عامل را در تمام این پدیده‌ها یا صفات مرکب تحت بررسی قرار دهیم. اول وراثت و بعد رشد که خود رشد نیز مستلزم طی زمان کودکی — جوانی و دوره کمال است که در تمام طول این مدت عواملی از قبیل محیط خانواده، اجتماع و تعلیم و تربیت با عوامل ارثی ترکیب میشوند و صفات مرکب را بوجود می‌آورند، که قبلا بصورت سئوال مطرح کردیم البته باید گفت صفات مرکب اگر بخواهد مجزا ازهم یاد آوری شود، شاید از صدها تجاوز کند چند نمونه از آنها را بصورت مثبت و منفی در اینجا طرح کردیم و آخرین آنها که میخواستیم بیان کنیم این است:

چرا بعضی رقیق القلب و بعضی بیرحم هستند؟

حالا موقع آن رسیده است که بعوامل ارثی بپردازیم و ببینیم در ساختمان فکری و عقلی یک فرد توارث چه نقشی داد.

بعقیده من بهتراست این موضوع را از زمان بسته شدن نطفه مورد مطالعه قرار دهیم.

علم زیست شناسی ثابت کرده است که سلولهای تولید مثل، در نوع عالی موجودات زنده مثل انسان از راه نصف شدن رشد میکند، یعنی یک اسپرماتوزوئید که بهتراست اسم آنرا سلول تولید مثل مردانه بگذاریم، اوول بدو قسمت میشود، یعنی ۴۶ کروموزوم باردارد. اوول که همان سلول تولید مثل زنانه است، نیز ۲۳ کروموزم دارد که وقتی بارور میشود یعنی با یک «اسپر» جمع میشوند، جمعاً دارای ۴۶ کروموزم هستند. کروموزم‌ها عامل توارث یعنی ژن‌ها هستند. بنا براین ۲۳ کروموزم پدر نصف عوامل ارثی و ۲۳ کروموزوم مادر نصف دیگر عوامل ارثی را با خود دارند.

وراثت ... همان ارث بردن را در ... نمی ... مورد مطالعه قرار میدهیم ... توسط ... ژنی ... از لحاظ استعداد ... خصوصیات ... از لحاظ وجدان ... شامل یک ... مرکب دارد که مقدار ... آنها ارثی است و مقدار دیگر اکتسابی، یعنی

قابل کسب از خانواده و محیط. عامل انتقال دهنده ارثی را بزبان علمی (ژن) میگویند و این ژنها درمیان کروموزومها هستند که قبلا راجع به آن‌ها صحبت کردیم از جمله گفتیم موقع انعقاد نطفه ژنها که حامل مقداری از صفات پدر و مادر هستند به نطفه جدید منتقل میشوند. کروموزومها شکل ارثی از همه پدر و مادرها به فرزندها انتقال میدهند ولی تاکنون بصورت دقیق معلوم نشده است که این کروموزومها چه ژن‌هائی را ... چه صفت از پدر و مادر به فرزند انتقال میدهند. کروموزومها بعضی شکل عصا هستند ولی مثلا یک حمله‌ای دارند و همچنین مشخص شده که این ژن‌ها که عامل توارث هستند در داخل این کروموزومها یکسان هستند؟ مثلا ... بچه به پدر و مادر و یکی از خویشان بدون شک ارثی است ولی معلوم نیست که آیا همه ۴۶ کروموزوم که قبلا گفته شد دارای این ژنهای شباهی هستند و یا بعضی از آنها دارای این خاصیت می‌باشند؟ به هر جهت باید در نظر داشت که تعداد کروموزومها در سلول جنس های مختلف متفاوت است ولی در هر نوع یکسان است یعنی در سلولهای همه انسانها ۴۶ و در سلولهای همهٔ موشها ۴۰ کروموزوم وجود دارد. تا اینجا معلوم شد که هرچه انسان از پدر و مادر به ارث میبرد بوسیله ذرات ریزی است بنام (ژن) که در داخل کروموزومها وجود دارد. همشکل بودن همه انسانها از لحاظ اعضای بدن ... دو دست و دوپا و دوچشم بطور کلی

شکل ظاهری و ساختمان داخلی بدن انسانها از قبیل قلب، ریه و کلیه وسایر دستگاهها نیز صد درصد مسئله‌ای وراثتی است که وسیلهٔ ژن‌ها از نسل های اولیه انسانها تا کنون ادامه داشته است. باید دانست در انتقال بعضی خصوصیات دیگر مثل هوش نیز ژنهای مختلفی دخالت دارند با اینکه این مسئله هنوز برای علمای زیست شناسی هم پیچیده است ولی در مورد رنگ ظاهری بدن یک فرمول کلی آنهم بوسیله آزمایشهای عملی پیدا کرده‌اند. مثلا اگر یک موش سفید با یک موش خاکستری جفت گیری کند تمام موشهای نسل اول خاکستری خواهند بود. این موشهای خاکستری درعین حال در داخل ژنهای خود خاصیت رنگ سفید را نیز حفظ میکنند باین ترتیب که رنگ سفید را بعنوان صفت دوم خود دارند و بهمین دلیل باید گفت دورگ هستند. حالا اگر همین موشهای دورگ با هم جفت گیری کنند موشهای نسل دوم باین شکل ظاهر میشوند که یک چهارم آنها خاکستری خالص که رنگ سفید را حتی در باطن خود ندارند و یکرنگ هستند و دورگ بحساب نمیآیند و نصف آنها خاکستری میشوند با این تفاوت که رنگ سفید را در داخل ژنهای خود دارند و در حقیقت دورگ بحساب میآیند و یک چهارم باقی مانده سفید یکدست میشوند و رنگ خاکستری را در داخل ژنهای خود ندارند و یکرنگ بوده دورگ بحساب نمیآیند. بنابراین در این نسل سه چهارم موشها دارای رنگ خاکستری و یک چهارم دارای رنگ سفید میباشند. در نسل سوم اولاد موشهائی که سفید خالص بوده‌اند سفید و اولاد

«مدت کار» در قانون کار

— آثار قرارداد کار نسبت به شخص ثالث

قرارداد کار بین کارگر و کارفرما منعقد میگردد و هیچگونه اثری نسبت به شخص ثالث ندارد ولی اگر اشخاص ثالث از اجرای قرارداد کار زیان ببینند میتوانند از طریق مراجع حقوقی تقاضای جبران خسارت کنند. معذالک موردی را میتوان در نظر گرفت که شخص ثالث خواهد توانست از آثار ناشی از قرارداد کار بهرمند گردد و آن خانواده کارگر در مورد مزد کارگر است و بازماندگان کارگر در مورد فوت و یا از کارافتادگی است.

ماده ۳۲ قانون کار این امر را روشن میسازد زیرا چنین مقرر میدارد: «......در مقابل دیون کارگر نمیتوان بیش از یکچهارم مزد اورا توقیف کرد، همچنین کارگر نمیتواند بیش از یکچهارم مزد خودرا در مقابل هرگونه بدهی حواله نماید مگر در مورد بدهی راجع بخرید اجناس ضروری زندگی که از شرکتهای تعاونی خریداری نموده باشد.» این امر نشان دهنده آنست که قانونگزار در اندیشه خانواده کارگر بوده و برآنست از آنها حمایت نماید و مانع از آن شود که درصورتیکه کارگر بدهی زیادی دارد تمامی درآمد وی بابت این بدهی ضبط شود و برای زندگی روزمره خانواده‌اش چیزی باقی نماند.

۶- قرارداد کار و سایر انواع قراردادها

با تعریفی که درمورد قرارداد کار بعمل آمد ممکن است این توهم بوجود آید که قرارداد کار مشابه با سایر عقود مانند بیع، اجاره، شرکت و یا وکالت باشد و یا ممکن است برخی این قرارداد را با انواع قراردادهای دیگر اشتباه کنند، ولی باید خاطر نشان ساخت که بین قرار داد کار و قراردادهای دیگری که از آن نام برده شد گرچه ممکن است از بعضی جهات مشابهت وجود داشته باشد ولی جهات اختلاف آنها بیشتر است.

الف - قرارداد کار و قرارداد خرید و فروش

بموجب ماده ۳۳۸ قانون مدنی، «بیع عبارتست از تملیک عین بعوض معلوم.» یعنی خرید و فروش یک شیئی عبارت از آنست که یک شیئی را در قبال عوض آن که ممکن است پول یا چیز دیگری باشد، مالک گردد. بنابراین در قرارداد خرید و فروش مالکیت شیئی مطرح است و حال آنکه در قرارداد کار هیچگونه مالکیت و یا انتقال مالکیت وجود ندارد. بلکه کارگر نیروی خود را طی مدتی معین در قبال مزدی مشخص در اختیار کارفرما قرار میدهد.

وانگهی در صورت بروز اختلاف در زمینه خرید و فروش دادگاههای حقوقی وجود دارد که به اختلاف رسیدگی می کند و حال آنکه در مورد اختلافات ناشی از کار مراجع حل اختلاف وجود دارد که بکلی با دادگاههای نوع اول متفاوت است.

ب- قرارداد کار و مقاطعه

تشخیص قرارداد کار و قرارداد مقاطعه اندکی مشکل است ولی باید دانست که هنگامی که کارفرمائی کار خود را بشخص مقاطعه کار میدهد، کسی که مقاطعه میگردد در کار خود و هزینه های مربوط بدان کار کاملا مستقل است و حال آنکه کارگری که برای کارفرما کار میکند از چنین استقلالی برخوردار نیست، بلکه تابع دستورات کارفرما یا نمایندگان

موشهائی که صددرصد خاکستری خالص بوده‌اند خاکستری ولی اولاد موشهای دورگ مثل نسل دوم خواهند شد.

صفات مرکب

ساده‌ترین صفت مرکب در کار توارث که از دوعامل تشکیل شده است رنگ بدن انسان است بدین ترتیب که جفت‌گیری یکزوج سیاه وسفید مرکب در تعیین رنگ پوست افراد نسل اول دخالت میکند. فرض میکنیم دراین مورد ۴ ژن در دو جفت دخالت میکنند افراد نسل اول ازاین دوزوج سیاه وسفید، همه دورگ یعنی سیاه چرده هستند و اگر دو نفر از فرزندان نسل اول ازدواج کنند درمیان اولاد آنها یکنفر از ۱۶ نفر سیاه خالص — یک نفر سفید خالص ۴ نفر دارای پوست تیره دورگ - چهار نفر دارای پوست سفید رنگ دورگ وشش نفر دیگر بصورت دورگ میان این دودسته اخیر خواهند بود. بالاخره باید گفت: فرزندان پدرومادر دورگ از نظر رنگ پوست بسته به تعداد فرزندان ولی هم تابع تصادف خواهد بود که سفید پوست ویا تیره پوست بدنیا آیند.

توارث وخصوصیات بدنی

تحقیقات فراوانی درباره اثر ارث در خصوصیات بدنی اولاد بعمل آمده که معلوم شده است، رنگ پوست، استعداد بلندی و کوتاهی قد انسان — چاقی ویا لاغری — درشتی ویا ریزی استخوان‌بندی — شکل وقیافه اعضای حسی بدن وگروه خون تا اندازه بسیار زیادی تحت تأثیر ژن‌ها (عوامل ارثی) قراردارند. رنگ و اندازه وشکل چشمها، اندازه وشکل بینی، اندازه دهان وشکل لبها، دندانها، حساسیت پنج حس بینائی ولامسه وذائقه وشامه وبویائی تاحد زیادی تابع عوامل ارثی هستند.

همانطوریکه گفته شد استعداد بلندی ویا کوتاهی قد نیز یکی ازمسائلی است که فرزنداز پدرومادر ویا هر دو به ارث میبرد. مثلا اگر پدرو مادر هر دو بلند قد باشند بچه‌ها نیز استعداد بلندی قدی را دارند برعکس اگر پدرومادر هردو کوتاه قد باشند بچه‌ها بیشتر استعداد کوتاه قدی خواهند داشت حال اگر یکی ازوالدین بلند قد ودیگری کوتاه‌قد باشد باید دید ژن مربوط به قد پدر مؤثر واقع میشود ویا ژن مربوط به قد مادر. البته تشخیص این کار بعداز رشد فرزندان معلوم خواهد شد. دراین میان نباید عامل فرهنگی را از نظر دور داشت. راه زندگی جامعه علاوه بر آنکه در سایر جنبه‌های رشد جامعه مؤثر است در خصوصیات بدنی افراد نیز تأثیر میکند. تحقیقاتی که درمورد جوانان آمریکائی بعمل آمده، این حقیقت را روشن ساخته که قد متوسط این جوانان از پدران ومادران آنها بلندتر است ودختران آمریکائی زودتر از دختران ممالک دیگر دختر حالت زنانگی میشوند. بچه‌های ژاپنی‌که به سواحل غربی آمریکا مهاجرت کرده‌اند بلند قدتر از بچه‌های ژاپنی همسال خود شده‌اند که در ژاپن پرورش یافته‌اند ولی همین بچه‌های ژاپنی ازبچه‌های همسن آمریکائی خود کوتاه‌قدترمانده‌اند.

طاسی وبیموئی نیز یکی ازعوامل ارثی است بدین ترتیب که پسرها وقتی این صفت رادارا میشوند که ژن مربوط به آن را از پدرومادر دریافت کرده باشند. درحالیکه این صفت‌وقتی در دخترها ظاهر میشود که ژن‌مربوط به آن را از پدرومادر هر دو کسب کرده باشند. وبهمین دلیل طاسی سر ویا کم موئی بیشتر در میان مردان ظاهر میشود تا زنها.

توارث وخصوصیات روانی

آیـــا هوش ارثی است ویا عوامل محیط و تربیت دررشد وپرورش آن تأثیر دارند؟

آنقدر که علمای روانشناسی دربارهٔ ارثی بودن خصوصیات بدنی هم عقیده هستند درباره خصوصیات روانی باهم موافق نیستند بعضی دربارهٔ محیط مبالغه میکنند وبعضی دیگر در مورد تأثیر محیط واثر تربیت زیاده روی‌مینمایند و بعضی دیگر عوامل روانی را تقسیم بندی کرده‌اند مقداری را مربوط به توارث ومقداری دیگر راتحت تأثیر تعلیم وتربیت ومحیط‌میدانند.

واتسون» مؤسس مکتب سلوک ورفتار که قبلا از آن نام بردیم عقیده دارد رشد بچه‌ها مخصوصا ازجنبه روانی کاملا تابع محیط است. درمقابل این نظر افراطی عده دیگری اززیست شناسان وروان شناسان خصوصیات روانی را نتیجه ومحصول عوامل ارثی یعنی همان ژن‌ها میدانند واثر محیط را در رشد هوش وحافظه و عقل کم‌اهمیت میشمارند.

عدهٔ دیگری از دانشمندان قسمتی از خصوصیات روانی مثل هوش، عواطف، طبع یا مزاج اشخاص را زائیده عوامل ارثی میدانند و دیگر خصوصیات روانی مثل عادت‌های اجتماعی، رفتار، اخلاق، طرز برخورد با اشیاء و اشخاص را محصول محیط به شمار می‌آورند. بـه هـر صورت نتیجهٔ آزمـا یشهائی کـه دراین مورد توسط علما انجام گرفته نتوانسته نظریه‌ای را ثابت کند ویا عقیده‌ای را رد کند ولی آنچه ازاین آزمایشها حاصل شده چنین نشان میدهد:

۱ — هوش بچه‌ها طبق قانون معینی با هوش پدرومادر ربط ندارد یعنی ممکن است از پدرومادری بی‌هوش فرزندی سرشار از هوش بوجود آید ویا برعکس از پدرومادری باهوش فرزندی کم هوش پا به عرصه گذارد.

۲ — ممکن است بچه‌هائیکه در بدو تولد کم هوش بنظر میرسند بعد در اثر پرورش در محیط مناسب بحد اعلای هوش برسند ویا برعکس بچه‌هائی که ظاهراً باهوش هستند در نتیجه قرار گرفتن درمحیط های نامناسب بحد اعلای بی هوشی وبی‌شعوری نزول کنند.

۳ — هوش درهمه بچه‌های نوزاد یکسان نیست وبعضی با هوش‌تر وبعضی کم هوش‌ترند.

۴ — انگیزه‌های خاصی قادر است کم هوش ترین بچه‌ها را باهوش وباهوش‌ترین بچه‌ها را کم هوش بار آورد.

نتیجه چنین میشود که اولا عامل هوش در تمام بچه‌ها با نسبت های مختلف ارثی وجود

بقیه درصفحه ۹۰

اوست.

وانگهی مراجع رسیدگی در زمینه ایـن اختلافات نیزمتفاوت است.

ازسوی دیگر مقررات حمایتی را ازقبیل مزد، قطع روابط کار، مدت کار، بیمه و حوادث کار درمورد کارگرپیش بینی گردیده‌است که درقرار-داد مقاطعه و در روابط بین مقاطعه کاروصاحب کاروجود ندارد.

مدت کار

محدودیت مدت کار موضوع حاد کارگران ومجامع کارگری کشورهای مختلف جهان بوده است، زیرا اگر تاریخ کارگری جهان را مورد مطالعه قرار دهیم، می‌بینیم که در گذشته هیچگونه ضابطه‌ای در مورد مدت کار روزانه کارگران وجود نداشته وکارگران از صبح زود تا شامگاه بکار میپرداختند وهیچگونه استراحت وتعطیلی در کاروجود نداشت وبویژه کارگران برای اینکه سود بیشتری بدست آورند، حاضر میشدند بطور نامحدود بکار تن دردهند و کارفرمایان نیز برای استفاده هرچه بیشتر از نیروی کار کارگر، باپرداخت مزدی اضافی سعی میکردند کار بیشتری از کارگر بکشند وهمین طولانی بودن مدت کار روزانه وبدی وضع تغذیه کارگران وشرائط نامناسب محل کار، بیش از پیش موجب فرسودگی کارگران ومرگ زودرس آنان میگردید وهمانطور که بیان شد بدی وضع تغذیه مانع تجدید قوای آنان میشد.

بـر ایـن اساس، ابتداء اندیشمندان و خیراندیشان جامعه بانوشتن کتابها ورسالات متعدد ومبارزات زیاد وکوششهای فراوان درصدد تغییراین وضع برآمدند وبرای اولین بار پزشکی فرانسوی ضمن بررسی یک سری از کارگاههای صنعتی وتولیدی درسال ۱۸۴۰، گزارشی در مورد اطفال وبدی وضع زندگی و شرائط کارآنان تهیه وبدولت داد.

در این گزارش وضع اطفالی که درسنین کودکی، درشرایط بسیار بد وغیر بهداشتی، مـدت زمـان زیـادی بـه کار اشتغال داشتند، اشاره گـردیـده و نتـایـج ایـن وضـع، ازلحـاظ زنـدگی آینده جـامـعه و بویژه اثری که این گونه کارکردن میتواند در وضع سلامت افراد مذکور داشته باشد مورد بررسی قرارگرفته است. تنظیم این گزارش و ارائه آن‌سبب گردید که دولت فرانسه درصدد تهیه وتدوین قانونی در زمینه کار اطفال برآید وبدین منظور در ۲۲ مارس ۱۸۴۱ قانونی در فرانسه به تصویب رسید که بموجب آن مدت کار برای اطفال کمتر از ۱۶ سال بمدت ۱۲ ساعت درروز تعیین گردید.

این قانون وتعیین ۱۲ ساعت کار روزانه درآن زمان، باتوجه به گزارش یاد شده نشان میدهد که شرائط کار در آن زمان تاچه‌حد غیرانسانی بوده‌است.

علاوه برفعالیت خیراندیشان جامعه، مبارزه سازمانهای کارگری نیز نقش بسیار مهمی در بهبود شرائط کار کارگران از جمله تقلیل مدت کار آنان داشته است. چنانکه از سال ۱۸۴۱ که اولین قانون در این زمینه تنظیم گردید، درسایر کشورها نیز قوانین ومقرراتی بمنظور تقلیل مدت کار وبهبود شرائط کار کارگران تنظیم شد.

وقوع جنگ بین‌المللی اول ونقش عظیمی که کارگران در به‌ثمررسانیدن جنگ داشتند، سبب گردیدکه علاوه برقوانین‌وضع‌شده،ازلحاظ بین‌المللی نیز مساله توجه به شرائط کار کارگران اهمیت بیشتری یابد ولذا بهنگام تنظیم میثاق صلح ایجاد سازمانی تحت‌عنوان سازمان بین‌المللی کار مورد توجه قرار گرفت واز همان زمان سازمان مذکور یک رشته مقاوله‌نامه وتوصیه‌نامه بین‌المللی در زمینه مسائل مختلف مربوط بکار تنظیم نموده و برای دولت‌های عضو ارسال داشت تا بدان ملحق گردند ومحتوای آنرا درقوانین خود مندرج سازند.

در ایران، تا سال ۱۳۲۵ قانون و مقرراتی که بتواند میزان و مدت کار روزانه را تعیین نماید وجـود نداشت و تنها فرمان والی سیستان و بلوچستان درحوت ۱۳۰۲ وجود داشت که در آن مقرراتی در زمینه مدت کار کارگران قالی باف وجودداردو ازآن‌پس آئین نامه کارخانجات صنعتی که در ۱۹ مرداد ۱۳۱۵ وضع گردید، هیچگونه حکمی درمورد مدت کار درآن وجود ندارد و تنها در قانون کار سال ۱۳۲۵ بود که برای اولین‌بار مدت کار روزانه ۸ساعت و کار هفتگی به ۴۸ساعت تعیین گردید، و ازآن‌پس نیز قوانین دیگری تنظیم و تدوین گردید و مدت ۸ساعت کار روزانه راتثبیت نمود.

علاوه برنظرات وراهنمائیهای خیراندیشان و فلاسفه و مبارزه سازمانهای کارگری درجهت کاهش مدت کار روزانه، عامل‌دیگری نیز

بقیه درصفحه ۸۹

درقطار اتفاق افتاد

مرد مسن و خوش سر ولباسی دریکی از کوپه های قطار نشسته بود که یک جوان بیست و دوساله وارد همان کوپه شد و روی صندلی روبروی او نشست. قطار که براه افتاد جوان رو کرد به مرد سالمند و پرسید:

—آقا ممکنه بفرمائین ساعتتون چنده؟

مرد سالمند خوش سر وپز با وجود یکه زنجیر طلای ساعت جیبی‌اش از زیر کتش پیدا بود با بی‌اعتنائی سرش را برگرداند بطرف پنجره و انگار که اصلا حرف جوان را نشنیده. جوان یکبار دیگرسئوال را تکرار کرد:

—قربان عرض کردم ساعتتون چنده؟

مرد سالمند یکمرتبه از کوره دررفت و گفت:

—مؤدب باش جوان، وقتی بهت اعتنا نمیکنند، معنی اش اینستکه با من طرف صحبت نشو.

جوان با خوشرویی لبخندی زد و گفت: مثلا اگر طرف صحبت بشی، چی میشه؟

— هیچ چی، چی داره بشه. وقتی تو ازمن پرسیدی ساعت چنده، من بهت گفتم اونوقت تو ازمن میپرسی اسمم چیه و چکاره‌ام. وقتی تو اینو ازمن پرسیدی، منهم مجبورم بپرسم تو کی هستی وچکاره‌ای. بعدش توازم میپرسی شغلم چیه ومنزلم کجاست، و وقتی تو اینو ازم پرسیدی منهم با وجود یکه اصلا دلم نمیخواد بدونم مال کجا هستی و کجا زندگی میکنی، مجبورم خیلی سئوالا از تو بکنم و وقتی من این سئوالارواز تو کردم، تو به سیگار دربیاری و تعارف میکنی بمن، و آنوقت منهم مجبورم پاکت آب نباتم را بگیرم جلوت وآب نباتا مو باهات نصف کنم و آنوقت تو منو دعوت میکنی به بوفه و یک فنجون چائی میذاری جلو من و وقتی من مشغول خوردن چائی شدم، آنوقت تو ازمن دعوت میکنی که پس از رسیدن بمقصد، فردا شب بیام خونه تو و آنوقت منهم مجبورم بگم نه، شما تشریف بیار به خونه ما و آنوقت شما فوری قبول میکنی و پس از رسیدن به مقصد فوری میای به خونه من، و وقتی اومدی به خونه من، آنوقت من مجبورم که تو را به زن خودم معرفی کنم و آنوقت تو شروع میکنی از زن من تملق گفتن و خود تو تو دل اوجا کردن و آنوقت او ازت خوشش میاد و بهت اجازه میده که با دخترم‌بخت من آشنا بشی و با او شروع کنی به راز و نیاز کردن و آنوقت من یکوقت متوجه میشم که همسایه ها منو با لبخند و ایما و اشاره بهمدیگر نشون میدن و من انگشت نمای در و همسایه میشم. یکروز زنم یقه منو میگیره و میگه جونی میخوام با تو درباره دخترمون صحبت کنم و .... من راستش نمیخوام دامادی نصیبم بشه که حتی عرضه خریدن یک ساعت هفتاد و هشتاد تومنی را نداشته باشه که بینده به دستش وازدیگران ساعت بپرسه، حالا فهمیدی؟!

فرستنده عبدالحمید—ن— کارگر راه‌آهن

زیرنظر: شاهرخ تویسرکانی

نوری درتاریکی

در این ستون شما همیشه خاطره هائی‌را میخوانید که ضمن کار و بهنگام برخورد های مشکل فنی و کارگری، درست در لحظات حساس که فکرمیکردید کاری از دستتان ساخته نیست، با یک ابتکار جالب و یا یک پیش آمد و تصادف خوش هنگام، برمشکلات فائق آمده اید. ضمناً بدنیست بدانید که لازم نیست آن خاطره حتماً مربوط به خودتان باشد، بلکه از قول دیگران هم می توانید نقل کنید، البته بشرط اینکه تکراری و سرزبانها نباشد.

وقتی می‌خواهید زنی را به شدت تنبیه کنید کافیست برای او سه کلاه بخرید و او را در اتاقی که در آن آینه‌ای نباشد محبوس کنید.

ساشاگیتری

***

تسخیر قلب زن از تسخیر کشورها هم مشکل‌تر است.

ناپلئون

***

زنها حد وسط ندارند یا از مردها بهترند یا بدتر.

برناردشاو

***

دختر ها نگاه می کنند بدون اینکه به بینند و زنها می‌بینند بدون اینکه نگاه کنند.

آبه بزود

***

من نمی‌توانم لحظه‌ای بدون وجود زن خود و محیط پرآرامشی که او برایم فراهم کرده است کار کنم.

دوسن پیر

آنچه جاویدان است جیست؟ فقط موسیقی و زن. فقط زن و موسیقی.

ژرژساند

زن زیباترین و عزیزترین موجودات است.

کنفوسیوس

***

اگر زن نبود نوابغ جهان را که پرورش میداد؟

ناپلئون

***

هرگز زنها بر مردها برتری نخواهند گرفت. زیرا زنها که زن ندارند تا مایه شوق و ذوق و پیشرفتشان باشد.

سامرسموام

***

زن حقیقتا است که نوع انسان را به فرشتگان اتصال میدهد.

جون جراسی

(فرستنده: حسین رسولی، کارگر کفاش)

فرهاد موحدی نقاش هنرمند

دوستان عزیز کارگر، در این شماره مجله «رستاخیز کارگران» شما را با کارگری آشنا می کنیم که در کنار کار کارخانه و در زمان فراغت با دستهای پرتوانش به خلق آثاری می‌پردازد که نشان‌گر ذوق، هنر، اندیشه، استعداد و احساسات کارگری است که دور از طبیعت خشن و خشک ماشینهای کارخانه‌ای که او در آن کار می کند، درفضائی متضاد با کار اصلیش همراز و هم یار با تخیلات ذهنیش که بی‌شک لطافت و ظرافتی خاص را بهمراه دارد، سرگرم خلق آثاری است که درنوع خود و درشرایط زندگی فرهاد می‌توان گفت که یگانه است. هنگامی که برای گفتگو با فرهاد موحدی به محل کارش درآبکوه (مشهد) رفته بودیم، او را در اتاقی کوچک ولی منظم و زیبا در کنار چند تابلو که با رنگهای شاد و هم‌آهنگ چند منظره ازطبیعت را نشان میداد، ملاقات کردیم.

فرهاد که از دیدار ما شادی از چهره‌اش نمایان بود، با گرمی دست ما را فشرد و ما نیز دست یک کارگر هنرمند را.

راستش، شادی و خوشحالی فرهاد بیش از آنکه مربوط به دیدارما باشد، ارتباط بهسرآغازی در نشان دادن کارهایش داشت و ما نیز خوشحال از اینکه توانسته‌ایم یک کارگر هنرمند را پیدا کنیم که بدور از هرگونه تبلیغ و تشویق به کار خود ادامه میدهد، که این خود رسیدن بیکی از هدفهای رستاخیز کارگران است. ازفرهاد موحدی میپرسم: چکارمی کنید، چند سال دارید و از کی به کار نقاشی پرداخته‌اید؟

با صدائی ملایم می‌گوید: ۲۲ سال دارم و دیپلم نساجی گرفته‌ام. از ۱۵ سالگی به کار نقاشی علاقمند شدم و در این مدت تا کنون به کارم ادامه داده‌ام و چندین تابلو که در طرحهای متفاوت است، ارائه کرده‌ام.

میپرسم: «در کارخانه چکار می کنید؟»

می‌گوید باید به نحوی زندگی را تأمین کرد. من بعد از اینکه دیپلمم را گرفتم، بدنبال کار رفتم وسپس به اینجا آمدم کارخانه (قندآبکوه) و هم اکنون در این کارخانه که یک واحد تولیدی است، کار می کنم.

سپس از هنرش میپرسم: شما در کارنقاشی از چه سبکی پیروی می کنید؟

فرهاد که معلوم است ازسبکها و فرمولهای نقاشی کلاسه شده اطلاع چندانی ندارد، می‌گوید: یک تابلو نقاشی نمایانگر عواطف بشری بمعنای واقعی آن است و من فرمولیسم نیستم، بلکه تنها از عقیده و احساسم الهام میگیرم، دیدنیهای طبیعت بمن کمک‌می کنند، زیبائیها، زشتیها، تلخی ها، شیرینی ها، و تصور می کنم سبکی را که در کارم انتخاب کرده‌ام، نتیجه تفکر یک کارگر است. از طرفی بنظر من نقاشی نوعی خداپرستی است منتها نقاش با فهم خود و با درک خاص خود، پرستش می کند، می‌ستاید، لذت میبرد.

من خود گاهی می‌خواهم سنت‌شکن باشم، البته در تحریم قواعد نمی کوشم، ولی معتقدم نوآوری در هنر نوعی ابداع است و نقطه عطفی برای خلاقیت.

پس از این گفتگو، با فرهاد موحدی خداحافظی می کنم و برایش آرزوی موفقیت می‌نمائیم و فرهاد قول میدهد چند تا از تابلو— هایش را برای مسابقه نقاشی ما به تهران ارسال دارد.

صفحه خودمون

نوشته علیمراد — شورابی (مکانیسین موتورهای زمینی و توربین)

چندسال پیش که حفرچاه عمیق و نصب موتور پمپ بازار داغی پیدا کرده بود، مته ودستگاه حفاری بسیاری خریده بودم و در اطراف خراسان برای دهقانانی که از برکت اصلاحات ارضی بتازگی صاحب زمینی شده بودند، چاه عمیق حفرمیکردم. دراین حرفه جدید، دونفر کارگر ورزیده وفعال هم دستیارمن بودند که یکی از آنها بنام «نجف» بامهارت فنی بی نظیرخود براستی چشم و چراغ من بحساب بیامد. دست برقضا آندفعه یکی از خرده مالکان روستای «اخلومه» که بین قوچان و مشهد واقع است، بامن قرارداد بسته بود که چاهی برای او حفر کنم. بامته ودستگاه به محل موعود رفتیم و پس از یکی دوروز نقشه برداری و انجام کارهای مقدماتی، عملیات حفاری را شروع کردیم. چاه حفرشده تقریباً به نیمه خود رسیده بود که دستگاه مکنده از کار افتاد. مطابق معمول دستیارم «نجف» به داخل چاه رفت، ولی هنوز پنج دقیقه از رفتنش نگذشته بود که گازودم راه او را گرفت. دستیار دیگرم سراسیمه برای نجات نجف بداخل چاه رفت، ولی اوهم بسرنوشت نجف دچار شد. از هول و هراس بکلی دست و پایم راگم کرده بودم و نمیدانستم باید چه کار کنم. اصلا سابقه نداشت که چاه حفاری شده با دستگاه اینطورگازو دم داشته باشد، ولی ازقرارجائیکه ما درآن مشغول حفاری شده بودیم، با یک قنات کور (متروک) قدیمی راه پیدا کرده بودوگازبخار آن قنات را بخود میکشید. از دستپاچگی دیوانه وار بطرف کلبه روستائی مالک زمین، یعنی همان کشاورزی که بامن قرارداد بسته بود براه افتادم. اسم کشاورز براتعلی بود. فریاد زدم «مش براتعلی، بدادم برس که هردو کارگرمن نزدیک است از دستم بروند.» مش براتعلی باخونسردی مشغول چپق کشیدن بودو بعداز آنکه با همان خونسردی به توضیحات و التماس و درخواست دیوانه وارمن گوش داد، پسرجوانش را که چندقدم آنطرفتر مشغول بیل زدن زمین بود، صدازد وگفت: «عباس، بدو، اون کوزه سرکه را بیار.» باگفتن این حرف، انگار آب سردی روی بدن من ریختندو در یک لحظه چنین احساس کردم که پیرمرد حرفم را جدی نگرفته و با تلف کردن وقت، دستی دستی آن دوجوان کارگر را بکام مرگ فرستاده ام. ولی لحظه ای نگذشت که عباس با یک خمره کوچک دوان دوان بسوی ما بازگشت و کشاورز پیربه چابکی یک جوان نیرومند ۲۵ساله، جلو دویدو آن خمره را از دست پسرش قاپیدو بسرعت بطرف چـــاه پیش رفت و بمحض اینکه بالای سرآن چاه رسید، خمره سر که را یکجا بداخل چاه سرازیر کرد. وقتی من و پسر دهقان پیر ببالای چاه رسیدیم، کشاورزپیر قبلا بداخل چاه رفته بودو لحظه ای نگذشت که صدای فاتحانه اش راشنیدیم که فریاد میزد: سرطناب روبیندازین پائین و هروقت گفتم، بکشید بالا!

نشان به آن نشانی که ده دقیقه بعد، هردو کارگرم، درحالیکه چیزی به آخرین رمقشان نمانده بود، از چاه بیرون کشیده شدندو پس از یکسلسله دارو ودرمانی که پیرمرد روستائی بلد بود، هردو از مرگ حتمی نجات یافتند. آنوقت بود که پیرمرد کشاورز نصیحتانه دستی بروی شانه ام کوبیدو با لهجه شیرین خراسانی خود گفت:

«بره، یادت باشه که سر که دخان ودمه چاه را برطرف مو کونه!»

گفتم: راست گفتند که:

«بی پیر، مرو بسوی ظلمات   هرچند سکندر زمانی!»

جواب بی جواب.

در پیاده رو خیابان حواسم رفته بود توی ویترین مغازه ها که ندانسته پای یک عابر [illegible] را لگد کردم. مرد [illegible] با عصبانیت نگاهی به چهره ام انداخت و گفت:

اوهوی... جلوتو نگاه کن آقاهه، مگه کوری....

و قبل از آنکه من فرصت حرف زدن پیدا کنم، خودش در زیر لب زمزمه کنان ادامه داد:

بیخود زور نزن که بمن جواب بدی، چون من گوشهام سنگینه و هیچ چی نمیشنفم....

و راهش را کشید و رفت.

فرستنده: شیرازعلی صبری پور
کارگرسیمانکار

نسیه خور با انصاف

از خیابان رد میشدم، دوستم را دیدم که در داخل فروشگاهی مشغول خرید یک دستگاه تلویزیون بطور نقد و اقساط است و مرتب با فروشنده چانه میزند.

بداخل فروشگاه رفتم و در چانه زدن به او کمک کردم و بالاخره رفیقم با پرداخت دویست سیصد تومان نقد علی الحساب، کلی از مبلغ اصلی تخفیف گرفت و تلویزیون را معامله کرد.

از در فروشگاه که خارج شدیم، به رفیقم گفتم: فلانی، من هم میدانم و تو هم میدانی که تو بقیه پول این بابا را نخواهی پرداخت و با همین دویست سیصد تومان الباقی طلب آن بنده خدا را بالا میکشی. پس چرا بیخود اینقدر با او چانه زدی و وقت تلف کردی؟

دوستم لبخندی زد و گفت: آخر میخواستم آن بنده خدا کمتر ضرر کند!

فرستنده از تهران: ر ـــ ع فروشنده فروشگاه

نشانی سرراست

مامور گشت خیابان چشمش به پسر بچه خردسالی افتاد که جلو مغازه ای ایستاده بود و گریه میکرد. مامور به او نزدیک شد و با مهربانی از او پرسید: چیه بچه جون، چرا گریه میکنی، انگار داری عقب چیزی میگردی؟

پسر بچه همانطور که مثل ابر بهار می گریست، با لحن کودکانه اش جواب داد:

— آره مامانمو گم کردم، شما خانمی را که پسر بچه ای قد من همراش نباشه، ندیدین؟!

فرستنده از رشت. صادق ـــ دشتی کارگرصافکار

غیر از سبیل

مردی در یک رستوران شلوغ نشسته بود که متوجه شد مرد دیگری به او زل زده و چشم از نگاه کردنش برنمیدارد. مرد اولی، ابتدا خود را به آن راه زد و چون دید هنوز هم طرف دست بردار نیست و باز هم چهار چشمی نگاهش میکند، ناراحت شد و با عصبانیت از او پرسید:

— حضرت آقا، برای چه اینطور به من خیره شده اید و بربر نگاهم میکنید؟

مرد دومی با لحنی ملایم جوابداد:

— راستش، برای اینکه جنابعالی شباهت عجیبی با همسر بنده دارید و بغیر از سبیل همه چیزتان عیناً با هم شبیه است!

مرد اولی با اوقات تلخی گفت: ولی من که سبیل ندارم.

مرد دومی آهی کشید و بلافاصله جوابداد:

— شما ندارید، ولی همسر بنده دارد!

فرستنده از سبزوار: فریبا ـــ ج

با اینها، نه!

پدر روحانی پس از مراسم نیایش و موعظه رویش را بطرف حاضران کرد وگفت:

— کدام یک از شما میخواهد به بهشت برود؟

همه حاضران دستشان را بلند کردند، جز یکنفر که همانطور خونسرد درسرجایش ایستاده بود. پدر روحانی تعجب کنان آن یکنفر را مخاطب قرارداد وپرسید:

— ببینم، شما آرزو ندارید که به بهشت بروید؟

مرد با همان خونسردی نگاه اخم آلودی به بقیه حاضران انداخت وجواب داد:

— با این حضراتی که اینجا می بینم، خیر!

فرستنده از اراک. کارگرمکانیک آرشام

ناهار سه ساعته

یک زن ومرد شهرستانی برای اولین بار به تهران آمدند و هنگام ظهر که برای خوردن ناهار بدنبال رستوران و مهمانخانه میگشتند، ناگاه چشم شوهر به تابلو یک چلوکبابی افتاد که نوشته بود: «ناهارکامل ۱۰۰ ریال — ازساعت ۱۲ تا ۳ بعدازظهر از مشتریان محترم پذیرائی میشود.

مرد روستائی با خوشحالی بازوی زنش را گرفت وگفت: سکینه بریم تو، که خدا رسوند، سه ساعت تمام هرچی بخوری، ۱۰ تومن.

فرستنده از اصفهان — کارگرنساجی

درداد گاه

قاضی به متهم گفت: خوب، بگو ببینم چرا اتومبیل مـــردم را دزدیدی؟ متهم «والله چه عرض کنم.. این اتومبیل جلو گورستان پارک شده بود و من خیال کردم صاحبش مرده!»

علی پاک رو — کارگر ماشین شوی

شگرد مدیریت

مدیر کارخانه ما، آدم خوش مشرب و بذله گوئی است. می گویند یک روز یکی از آشنایان بانفوذش به او مراجعه می کند و از او می خواهد که یکی از اقوام بسیار نزدیک ایشان را با حقوق گزاف استخدام کند. مدیر کارخانه درباره آن استخدام، آنهم با حقوق گزاف و به عنوان مهندس، که اصلا با مقتضیات و امکانات کارخانه جور در نمی آمده، دچار رودربایستی میشود و درفکر چاره وجوابگوئی مناسب بوده که دوست متنفذ و توصیه کننده به دنباله سفارشات خود می افزاید:

— «راستی یادم رفت به شما بگویم، این مهندس جوان هفتمین برادرمن است» در این موقع یک مرتبه گل از گل مدیر ما می شکفد و بلافاصله با زرنگی و تعجب ساختگی به دوست متنفذ خود می گوید:

— «عجب! چه نسبت دوری.... من تا حالا خیال می کردم از اقوام نــزدیک شماست.»

فرستنده از اهواز.

محمود رستگارنژاد کمک مهندس برق

آموزش هنر رشته

رپرتاژ از: ش. نبئی

دستش روی پوسته ضرب به مهارت یک ضرب گیر حرفه‌ای بازی می کرد. تسلط انگشت‌ها هنگام ایجاد نواهای متنوع تنها باوری را که در بیننده زنده نمی کرد اینبود که نوازنده یک کارگر باشد، کارگری که از بامدادان تا غروب آفتاب با توان بازوهای خود چرخ صنعت و اقتصاد را می‌چرخاند و آنگاه برای فراگیری یک رشته هنری به مرکز آموزش هنری کارگران میآید و صدای آرام و اوج گیر خویش فضای ساختمان‌را در خود می گیرد. کارگر نوازنده سنی‌را گذرانیده، زن و بچه دارد ولی حال و هوای عشق بزندگی و فراگیری یک نوع موسیقی از نگاهی که با اشتیاق بدست تمبک نواری میاندازد کاملاً آشکار است.

ساختمان شاد

برو بچه های هنرمند و دوستداران هنرهای تأتر و موسیقی ولوله‌ای بپا کرده‌اند. توی هال ساختمان مرکز آموزش هنری کارگران ایستاده‌ایم و از هر اتاق صدائی بگوش میرسد.

— صدای ویلن
— صدای ضرب
— پیانو
- آوارو....

و صدای آدمهای مختلفی که یک پیس تأتری‌را تمرین میکنند و در نقش های گوناگون بازی حسمگیری‌را بوجود میدهند. این کارگران هنرمند به مرکز آموزش هنری کارگران، لقب ساختمان شاد را داده‌اند، چرا که دلتنگی هایشان در اینجا برطرف میشود و بعوض دلتنگیهاشان بیک دلخوشی و فراگیری یک رشته هنری در این ساختمان رسیده می گیرد.

مسابقات

انجام مسابقات مختلف در زمینه هـای هنری و نویسندگی نیز از طرف این مرکز در پیشبرد هدف‌های وزارت کار و امور اجتماعی، از لحاظ شکوفا شدن استعدادهای هنری کارگران بسیار مؤثر بوده است، بعنوان مثال مسابقات نقاشی که اخیراً در سراسر ایران برگزار شد، غرور تازه‌ای به این گروه از هنرمندان کارگر داد و در یک مسابقه جمعی دیگر نیز که در تهران برگزار گردید، دست های پینه بسته آنان با چنان ظرافتی قلم بر بوم و تابلو داشت که بواقع حیرت برمیانگیخت و بالاخره تشویق و سپاسداری مسؤلان امور هنری وزارت فرهنگ و هنر از یکسو و فعالیت مرکز آموزش هنری کارگران برای شناساندن کارگران هنرمند از سوی دیگر، این غرور را بارورتر ساخت.

مسابقه دیگر درمورد مقاله نویسی بود که نشان داد درمیان کارگران چه بسیار آدم های با ذوق و اهل قلم مشغول کار هستند و در این مرکز چگونه در رشته مورد علاقه‌شان به هویت تازه‌ای دست میابند.

کلاس ها

چگونه کلاسها تشکیل شد؟ مرکز این برنامه‌را با همکاری استادان رشته های موسیقی و تأتر و نقاشی امکان پذیر ساخت و بدنبال دعوتی که از کارگران در کارخانه‌ها، کارگاهها و دیگر شعب کارگری بعمل آورد، آن گروه از کارگرانی که علاقه به فعالیت در رشته های هنری داشتند بسوی این مرکز شتافتند و اکنون بسیاری از این کارگران در حرفه موسیقی بدریافت جوایز و نیز پایان نامه نائل آمده‌اند

کلاس تأتر

وجود سالن و استادیوم ورزشی مخصوص کارگران نیز دلگرمی بزرگی برای این طبقه است که برنامه های خاص خودشان‌را در این سالن تماشا می کنند. از طرفی بخاطر امکانات کافی و جای فراوان این تنها کارگران نیستند که از امکانات نمایشی و موسیقی در سالن استفاده می کنند، بلکه خانواده آنها نیز روزهای تعطیل‌را اختصاص به شرکت در یک گرد هم آئی پرشور در این سالن داده‌اند و علاوه بر استفاده از برنامه های هنری، از استادیوم ورزشی نیز نهایت بهره‌را میبرند.

نمایشنامه هائی هم که تا کنون توسط کارگران و برای آنها و خانواده‌شان باجرا در آمده است، در حد خود بسیار موفق بوده است. بطوریکه این نمایشنامه ها از صحنه و سالن به صفحه تلویزیون نیز کشیده شده و تا بحال سه نمایشنامه از تأتر کارگران از تلویزیون پخش شده است و همین موفقیت نشان دهنده ویژه‌گی های هنری کارگران در زمینه تأتر خاص ایرانی است.

وجود بازیگران هنرمندی مثل محمدعلی فرهنگ، جلال آهنیان، علی‌رجب بلوکات، عزت الله زنگنه، کریم خنجری، علی اصغر غفاری و دیگران، تازه از راه رسیده‌ها و تمرین کرده‌ها به هنر تأتر ایرانی بسیار مورد توجه و قابل اهمیت است.

زنان بازیگر

درگفتگوهای قبلی که با بازیگران هنرمند درمرکز آموزش هنری کارگران داشتیم شکوه و گلایه آنها از نبودن بازیگر زن بود، چرا که زنان کارگر بعلت دوری راه و یا گرفتاریهای دیگر نمیتوانستند به کار تأتر روی آورند ولی اکنون این مشکل نیز ازمیان رفته است و سه تن از زنان کارگر بمیان بازیگران مرد آمده‌اند و گرفتاری آنان از نظر کمبود بازیگر زن رفع شده است. وقتی با آنها صحبت میکردیم دو نمایشنامه را در دو گروه تمرین میکردند. یک نمایشنامه مذهبی و یک نمایشنامه معمولی ایرانی.

باید توجه داشت هر کارگر در ماه فقط صد ریال بابت حق عضویت و استفاده از سالن تمرین و کارآموزی هنری میپردازد که با درنظر گرفتن ارزش و اهمیت کار واقعاً ناچیز است. ازسوی دیگر گلایه مسئولین وگردانندگان مرکز آموزش هنری کارگران شنیدنیست. آنها میگویند: بسیاری دیگر از

کلاس های ویلن، پیانو، ضرب و تأتر و نقاشی در شکوفایی استعداد ها بسیار مؤثر بوده است

هنری، باده تومان

مرکز آموزش هنری کارگران و باروری استعداد ها.

کارگران مستعد و هنرمند هستند که میتوانند از موقعیت و امکانات پیشرفته فعلی در مرکز آموزش هنری استفاده کنند ولی معلوم نیست به چه دلیل به خانه خود نمیآیند ......البته علت این امر را باید در عدم آگاهی بسیاری از آنان دانست که امید است با خواندن این مطلب برای اسم نویسی و شرکت در کلاس ها به مرکز آموزش هنری کارگران در خیابان شاه جنب سینما ماژستیک مراجعه کنند.

کلاس ویلن

نکته مهم در کلاس ویلن وجود کارگران جوان وپیراست ، اکثر این نوازندگان ویلن سالهاست در این مرکز به تحصیل مشغولند و تا بحال چندین کتاب را تمام کرده‌اند وشاید پر طرفدارترین رشته موسیقی نزد کارگران، همین رشته باشد که احتیاج به آدم‌های فعال و واقعا دوستدار موسیقی دارد. بسیاری از کارگرانی که در این رشته کارشان تمام شده درآمد دیگری غیر از کار ، کارگری برای خود بدست آورده‌اند واز طریق شرکت در میهمانی‌ها و شرکت در ارکسترهای موسیقی درآمد خوبی برای خود دست وپا کرده‌اند که هیچ لطمه‌ای هم به کار روزانه‌شان وارد نشده است.

کلاس های دیگر

کلاس های دیگر مثل پیانو از طرف جوانان کارگر بسیار مورد استقبال قرار گرفته است ونکته مهم اینکه ، اگر تعداد شرکت کنندگان در کلاس ها افزایش یابد، درگرفتن یک ساختمان بزرگتر وجادارتر نیز اقدام خواهد شد ، آنچه مسلم است از همین ساختمان یعنی مرکز آموزش هنری کارگران، برنامه های سالن واستادیوم در روزهای تعطیل وجشن‌ها تأمین‌میشودو کار دیگر این مرکز گرفتن یک سئانس سینما ویا تآتر است که با بلیط های بسیار ارزان در اختیار کارگران وخانواده آنان قرار می‌گیرد.

آنچه مسلم است اقدامات رفاهی وتهیه امکانات فراوان دربهره‌گیری از استعداد کارگران هنرمند ایرانی نشان دهنده این واقعیت است که قشر کارگر ایرانی درحالیکه چرخ های صنعت واقتصاد ایران را بحرکت در میآورد در پیشبرد هدف‌های دیگری که در مرکز آموزش هنری کارگران جایگزین شده است ، بسیار مؤثر است وبا فراگیری های امروز فردای روشن تری برای نمود استعداد ها و شکفتن توانائی های هنری در پیش است.

رستاخیز کارگران

سخنی پیرامون کار و کاریابی

جویندگان کار چگونه صاحب شغل میشوند؟

تا پایان برنامه پنجم/ ۵۰۰ مرکز کاریابی خواهیم داشت

۲۰۰ مرکز کاریابی سیار نیز بزودی فعالیت خود را آغاز میکنند

اشاره:

کار و کاریابی خصوصا درجوامع کارگری و کشورهای صنعتی که اقتصادشان براساس تخصص پایه‌ریزی شده از اهمیت فراوانی برخوردار است. دراین کشورها هرنوع اشتغال که بدون بررسی و شناخت قبلی نسبت به نیازهای بازار کار، و بدون توجه به علاقه و نوع تخصص نیروی کار صورت پذیرد نمی تواند منمرثمر واقع شود چرا که کارآئی و بازده لازم را نخواهد داشت.

آگاهی از نیازمندیهای بازار کار و پیش- بینی نیازهائی که درآینده، بازار کار به نیروی انسانی خواهد داشت و نیز اطلاع از میزان نیروی انسانی آماده بکار و آگاهی کامل از تخصص ها، اساسی ترین مسئله در کاریابی و کارگری است.

نیروی انسانی قبل از اشتغال باید آگاهی کافی از چگونگی کارداشته باشد. باید بداند درقبال خدمتی که میخواهدانجام دهد، علاوه برحقوق یا دستمزد، ازچه مزایائی برخوردار خواهد شد و چه تسهیلاتی برایش فراهم خواهند کرد. و کارفرمانیز باید از صلاحیت خدمتی، کارآئی و میزان تخصص کارگر آگاه باشد و بداند درقبال پرداخت دستمزد و فراهم آوردن تسهیلات، چه نیروی انسانی متخصص و کارآمدی را استخدام کرده است.

این آگاهی دوجانبه و مسائل جنبی آن، نیاز به عامل و یا عوامل هماهنگ کننده دارد که اطلاعات مورد علاقه طرفین را در اختیارشان بگذارد و با توجه به زمینه های گوناگون کاریابی و کارگماری که به آن‌ها اشاره رفت، کار مناسب را برای نیروی انسانی آماده بکار و نیروی انسانی مناسب را برای بازار کار پیدا کند و دراختیارآنها قرار دهد.

درگذشته که ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای جهان، اهمیت این مسئله را درک نکرده بود، و امور کار و کاریابی، وضع مشخص و روشنی نداشت، کارفرمایان، مستقیما و بدون شناخت قبلی و آگاهی از علاقه و تخصصی که متقاضیان کاردارند، به استخدام نیروی انسانی می‌پرداختند و بعدها درعمل مشاهدهمیکردند که کارگر تخصص و کارآئی لازم را ندارد و یا بعکس کارگر که بدون آگاهی کافی، شغلی را پذیرفته بود یا خود را ازانجام آن ناتوان می‌یافت و یا میدید که دستمزد و مزایا و تسهیلاتی که احیاناً برایش تعیین کرده‌اند با میزان کاری که برعهده‌اش گذارده‌اند تناسبی ندارد. اینجا بود که نارضائی طرفین یا یکی از دو طرف ظاهر میشد و اختلاف پیش می‌آمد و در نتیجه بازده کار مؤسسه و یا محصول کارخانه نیز نزول چشم‌گیری پیدا میکرد. بدین سبب لزوم ایجاد یک مرکز هم‌آهنگ کننده تحت عنوان اداره کل کاریابی و اشتغال، در وزارت کار و امور اجتماعی اجتناب ناپذیر بنظرمیرسید.

رستاخیز کارگران با توجه به اهمیت موضوع و نیز برای آشنائی خوانندگان خود، گزارشی از چگونگی کار مراکز کاریابی در ایران تهیه کرده که ذیلا میخوانید:

***شناخت منابع کار**

برای آگاهی از منابع و شناخت کار، مأمورین تهیه کار مراکز کاریابی و اشتغال، مستقیماً به مراکز کار از قبیل کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی وسازمانهای مختلف مراجعه میکنند واطلاعاتی که ازهرنظر دقیق وقابل استفاده است، کسب می کنند. این اطلاعات معمولا نیازهای فعلی استخدامی واحتیاجاتی را که کارفرما درآینده به نیروی کار دررشته های مختلف دارد شامل میشود وضمن آن اطلاعات لازم درمورد میزان دستمزد، تسهیلات وشرایط احراز شغل را نیز دراختیار کارگر میگذارد.

درباره‌ای مواقع کارفرمایان ویا مؤسسات مختلف برای تأمین نیازهای خود از نظر نیروی کار، مستقیما به مراکز کاریابی مراجعه میکنند ویا بوسیله تلفن ونامه اطلاعات کافی‌را دراختیار مراکز کاریابی میگذارند. اطلاعات بدست آمده روی فرمهای مخصوص ثبت وبر حسب گروههای شغلی طبقه بندی میشود تا مراجعه به آنها به آسانی میسر باشد.

جویندگان کار چگونه صاحب شغل میشوند

جوادی رئیس مرکز کاریابی واشتغال شماره یک تهران دراین زمینه اظهار میدارد:

کلیه جویندگان کار در سطوح مختلف به مراکز کاریابی مراجعه میکنند. دراین مراکز برای آنها فرمهای مخصوصی تنظیم میشود. این فرمها بر اساس گروه شغلی طبقه بندی وبا ثبت تاریخ مراجعه، در آرشیو نگهداری میشود. بعد کارشناسان مربوطه با بررسی آنها وبا توجه به نیازمنابع کار، شغلی مناسب با تخصصی که متقاضی دارد، برایش درنظر گرفته وبه کارفرما معرفی میکنند. البته تنظیم کنندگان فرمها افراد ورزیده‌ای هستند که کاملا به امور حرفه‌ای وارزش های تخصصی آشنائی دارند. همچنین در بین مراجعان ما گاه‌افرادی دیده میشوند که برای تغییر شغل واشتغال به کاری بهتر مراجعه میکنند وما ضمن تهیه فرم برای آنان، درصورت لزوم به مراکز آموزش حرفه‌ای نیز راهنمائیشان میکنیم تا بتوانند سطح مهارت وتخصصشان رابالا ببرند.

تعدادمراکز کاریابی

درحال حاضر ۵۰ مرکز کاریابی درسراسر ایران بطورثابت وجود دارد که از این تعداد ۵ مرکز آن در تهران وبقیه در شهرستانها

بقیه درصفحه ۹۲

دو تن از جویندگان کار، در یکی از مراکز کاریابی

شماره هفتم دوشنبه بیست و هفتم بهمن ماه ۱۳۵۴

روزنامه رستاخیز

کارگر

آقای هویدا بهنگام تقدیم لایحه بودجه سال ۱۳۵۵ گفتند

زنان فرصت بیشتری در بازار کار بدست میآورند

* دوازدهمین بودجه دولت هویدا بمجلس رفت
* کمبود نیروی انسانی نشانه رشد اقتصادی واجتماعی کشوراست
* برای اولین بار در بودجه طرحهای منطقه‌ای مشخص شده است
* ۴۴ درصد اعتبارات اموراجتماعی به امرآموزش اختصاص یافت

آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران بودجه ۳۱۰۰ میلیارد ریالی ۱۳۵۵ را بمجلس شورایملی تقدیم کرد.

بهنگام تقدیم لایحه بودجه آقای هویدا نخست‌وزیر طی سخنانی گفتند

... ۱۳۵۵ ...

آقای هویدا درمقابل مجلس شورایملی کیف حاوی لایحه بودجه را بخبرنگاران نشان میدهند.

زن در بازار کار

بقیه در صفحه ۴۴

بقیه زنان فرصت بیشتری

همواره از نیروی نسل جوان بعنوان پاسدار مطمئن دست‌آوردهای انقلاب و سازنده آینده ایران با عظمت فردا یاد شده است. بهمین دلیل تلاش بخاطر پرورش استعدادهای جسمی و روحی این نسل در شمار مهمترین هدفهای دولت قرارگرفته است.

افزایش‌سریع امکانات تحصیلی در تمام سطوح،گسترش وسائل وشرائط مساعد به‌منظور پرورش فکری کودکان و نوجوانان و جوانانه تجهیز و توسعه سریع مدارس و بویژه‌آموزشگاههای حرفه‌ای‌فزونی چشمگیر دانشگاهها و موسسات آموزشی عالی و استقرار اصل آموزش رایگان و تامین وسائل و امکانات آموزشی، بحدی که هیچ کودک و نوجوان و جوان‌ایرانی بدلیل عدم بضاعت مالی از تحصیل و پرورش استعداد خود محروم نماند و سرانجام تلاش بخاطر عمق‌دادن به مفهوم دانش اندوزی وقراردادن علم درمسیر خدمت به جامعه و تأمین کمال بهروزی برای آن نماینده ارزش و اهمیتی است که در گذرگاه انقلاب و رستاخیز ملت ایران برای نقش و رسالت جوانان ودانشگاهها در سازندگی ایران‌نیرومند امروزوفرداقائلیم.

مبارزه با فساد

آقای نخست وزیر درقسمتی دیگرازسخنان خود به مبارزه با فساد پرداختند و گفتند نکته مهمی که یاد آوری آنرا در اینجا بسیار ضرور میدانم، موضوع مبارزه با فساد در هرگونه تظاهر وشکل ونوع آن است.

در شرایطی که همه چرخهای سازندگی بکارند — همه زمینه های پیشرفت و خلاقیت و بهره گیری از کار وفعالیت گسترده است. کشور ما نمیتواند هیچگونه فساد و آلودگی‌را تحمل کند.

این مطلبی است که شاهنشاهمان بـا پیگیری خـاص و درمقام یک جنبش ملی از یکا یک افراد ملت خویش خواسته اند که در برابر هرگونه فسادی مقاومت کنند و فسـدرا معرفی نمایند واز کنار آن بی اعتناء نگذرند.

با تشکیل هیاتهای رسیدگی به اعمـال خلاف حیثیت و شئون اداری و اعمال خـلاف مصالح دولت از مردم دعوت شده است که در هرنقطه‌ای از کشور که با فسادی روبرومیشوند بحکم وطیفه ملی، دولت‌را از آن آگاه‌سازند تا در این هیات عالی و هیاتهای دیگری که بتدریج تشکیل میشود موضوع مورد رسیدگی قرار گیرد ولی باید توجه داشت که این گزارشها باید دور از غرض وسوء نیت باشد. زیرا هرگونه سوءنیتی دراین کار به اصالت این مبارزه ملی لطمه خواهد زد.

احترازازآسیب زندگی ماشینی

نکته دیگری که دراین بودجه مورد تأکید و توجه کامل قرار گرفته است کمک به تجلی و شکوفائی هرچه بیشتر فرهنگ وهنر ملی است که همواره در موضع یکی از غنی‌ترین پایگاههای حراست از استقلال وعظمت این سرزمین درمسیر حوادث سخت وویرانگرجلوه کرده‌است.

اعتقاد ما براین است همانطور که اتکا به فرهنگ ملی‌راهگشای اصلی در پاسخگوئی به مسائلی است که رویا روی ما قرار گرفته‌اند و خواهند گرفت، متقابلا برما فرض است کـه در طریق نیرومندساختن و غنا بخشیدن به این عامل موثرو بزرگ پایداری ملی از بذل هیچگونه یاری و مجاهدت دریغ نورزیم. خاصه که اتکا بـه فرهنگ‌ملی خود یکی ازعوامل موثری است که ماراه دربحران‌ها ... [illegible] ازآسیب های زندگی ماشینی مصون میدارد.

برنامه رفاه

خانمها و آقایان بخوبی استحضار دارند که ما اسم برنامه پنجم خودرا برنامه رفاه گذاشته‌ایم و همه آگاهند که دولت خدمتگزار بر پایه اوامر مستمر شاهانه درحد واقعاً مطلوبی بمسائـل اجتماعی توجه‌داشته است. چنانکه امـروز درهای مدارس و دانشگاهها برایگان بـروی تمام جوانان ما گشوده است. افزایش تعـداد دانش آموزان و دانشجویان ما، درسالهای اخیر امید های زیادی برای آینده ایران عزیز نوید میدهداین مطلب لازم بیاد آوری است که توجه به امر آموزش و پرورش نه تنها از دیدگاه سواد آموزی حائزاهمیت است بلکه دراین موردمقابله با کمبود نیروی انسانی متخصص وماهر نیـز بیش از همه شایان توجه است و بهمین دلیل ۴۴ درصد اعتبارات اموراجتماعی دراین بودجه بامر آموزش و پرورش اختصاص یافته است که خود نسبت به سال قبل نزدیک به ۳۸ درصد افزایش دارد.

بهداشت رایگان‌و همگانی،توسعه خدمات درمانی ازطریق شبکه بیمه ای با هزینه‌ای ناچیز برای کسانیکه از این خدمات استفاده‌میکنند، بیمه های کارگران و روستائیان، حمایـت معلولین جسمی و روانی و توسعه سایر خدمات اجتماعی در تمام نقاط کشور نیز در برنامه‌های دولت پیوسته مورد توجه خاص بوده است، در اینجا یادآوری چندنکته‌را لازم میبینم.

این درست است که ما میخواهیم همه‌مردم ایران برنامه غذائی متنوع تروبهتری دراختیار داشته باشند، واین نیز درست است که دولت در این زمینه ها میتواند و باید عرضه خدمات اساسی را بعهده گیرد ولی این حقایق بهیچوجه بآن‌معنی نیست که دولت در تمام این امورهمه مسئولیتها و تأمین همه هزینه ها را انحصارا تقبل کند.

هرفرد، چه شهری وچه روستائی، چـه کارگرو کشاورزو پیشه ور، چه کارمند وچـه معلم باید بپذیرد که رسیدن به یک رفاه مطلوب بسته به تلاشی‌است که خود او برای بالا بردن درآمدخویش از راه بهتر و بیشتر کار کردن بدست می آید.

انقلاب ایران

انقلاب ایران، درطی ۱۳ سال گذشتـه پویائی وقابلیت خویش‌را برای نو آوری مداوم به ثبوت رسانده است. دیگر هیچ عنصر وعاملی نمیتواند مسیر انقلاب ایران‌را مختل سازد. آنها که میکوشند انقلاب ایران‌را متوقف کنند، بیشک خود به سیر قهقرائی گرفتارخواهندشد.

انقلاب ایران عمیق‌ترین ریشه‌هارا در قلوب همه ایرانیان واقعی بدست آورده است و اکنون محتوای اصلی زندگی میهن ماست.

بدون خدمت به انقلاب نجات بخش ایران، نمیتوان داعیه میهن پرستی داشت، میهن تنها عبارت از واقعیت محسوس یک زادگاه نیاکانی نیست. فرهنگ و تمدن ایران، معنویات ایرانی‌و آرمان ها و اعتقادات ایرانی و دست آوردهـای ایرانی است که مفهوم میهن‌را بصورتی زنده و انسانی درمی آوردخون نیاکان ما که در راه حفظ استقلال وسر بلندی ایران ریخته شد، جزو مفهوم میهن است. تجلیات شعر و ادب و هنر و معرفت ایرانی نیزجزومفهوم میهن است.

تلاش سازندموخستگی ناپذیرمیلیونها زن ومردایرانی برای تحقق آرمانهای بزرگ رهبر عالیقدر خویش نیز جزو ومفهوم میهن است.

از این‌رواست که هنگام اندیشیدن به‌میهن می‌باید به این مفهوم زنده‌یو با توجه داشـته‌باشیم تا دریابیم که ایران جاودانی ما شایسته‌عالی‌ترین فداکاریهاست. ایرانی که درسخت‌ترین شرایط و در تاریک‌ترین روزهاسربلند ماند، ایرانی که امروز رسیدن به هرنقطه اوج‌تازه را آغازی برای جشنهای بزرگتر آینـده می‌یابد. درپایان ذکر نکته‌ای را درمورد بودجه حاضرلازم میدانم وآن این است که امسال لایحه بودجه برخلاف دوسال قبـل فقط حاوی پیشنهاد بودجه سال ۱۳۵۵ است. برای توضیح باید بعرض برسانم که بتبـع جهش وسرعتی که هم درآمدها وهـم در هزینه های سالهای اول برنامه پنجم پیش آمده بود وبه پیروی از لزوم‌تسریع دربرنامه‌های عمرانی وهمچنین با توجه به نوسانات شدید درصحنه اقتصاد بین‌المللی ناچاربودیم که در سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳ انعطاف بیش ازمعمول را دربودجه‌های سنواتـی بپذیرم واین انعطاف را درلایحه بودجه‌اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ و بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۳ کل کشور منعکس ساختیم. ولی‌حالا که بروال‌متعارف ... [illegible] هیجان وشتاب‌بازگشته‌ایم دیگرنیازی‌به بودجه اصلاحی نداریم وبنا به سنت دیرینه بودجه‌های سالانه میتواند محتوای‌برنامه‌عملیاتی ما را درسال نشان دهد.

اینک ضمن تقدیم بودجه ۱۳۵۵ کل کشور امیدوارم که نمایندگان مجلس با بررسیهائی که بعمل خواهندآورد دولت را دراجرای وظایف خطیری که دراین‌دوران شکوفا ازتاریخ ایران زمین تحت‌رهبری‌های خردمندانه شاهنشاه بعهده‌گرفته است. بنحو شایسته وموثری راهنمائی فرماینـد.

آقای هویدانخست‌وزیرلایحه بودجه رابه رئیس‌مجلس شورایملی تقدیم‌میکنند.

نکاتی‌از بودجه

برنامه‌آموزش‌فنی وتربیت‌حرفه‌ای

* تعلیم هزارنفرمربی.
* تشکیل کلاسهای جدید برای پذیرش ۷۶ هزارنفر درآموزشگاه‌های‌فنی.
* تعلیم ۷۲۰۰ نفر دانش‌آموز جدید درآموزشگاههای حرفه‌ای‌مقدماتی.
* آموزش ۱۰ هزارو۷۰۰ نـفر در مراکزحرفه‌ای‌وزارت کارواموراجتماعی.
* آموزش ۷۶ هزار نفر در مراکـز صندوق کارآموزی و واحدهای وابسته به آن.
* ۱۳۰۰ نفر مربیان جدید حرفـه‌ای تعلیم خواهند یافت.
* دوره‌های آموزشی کوتاه مـدت جهت تربیت ۲۴ هزار نفر در رشته‌هـای مختلف در واحدهای آموزش کشاورزی هنرستانهای روستایی و موسسات آمـوزش فنی و حرفه‌ای وابسته به موسسات دولتی بوجودمیاید.
* ایجاد ساختمان و تجهیز ۲۲۰مرکز آموزش‌فنی وحرفه‌ای.
* دولت همچنین برای رفع کمبـود نیروی‌انسانی متخصص‌کـه اثر رشد در دستمزد این افرادرا دارد با پرداخـت اعتبارات تازه جهت تربیت نیروی انسانی متخصص وخرید خدمات ازدیگر کشورها خواهد کرد.

زیرا مطابق بررسیهای کارشناسـان، نیروی انسانی سازمان برنامه با سرمایـه‌گذاریهای تازه درطول سال آتی برای حدود ۲۹۰ هـزارنفر فرصت اشتغال بکـارو حرفه های مختلف بوجود می آید کـه قسمت مهمی از این مشاغل تازه بلحاظ اجرای طرحهای صنعتی درسطح افـراد متخصص خواهد بود.

در جلسهٔ هیات اجرائی موقت حزب:

بودجه حـزب تصویب شد

آقای آموزگار در جمع خبرنگاران به پرسشهای آنها پاسخ میگوید.

هیات اجرائی موقت حزب طی جلسه‌ای که سه‌ساعت‌ونیم بطول انجامید بودجه حزب‌را تصویب کرد.

در پایان این جلسه که با حضور امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل حزب تشکیل شد، جمشید آموزگار وزیر کشور و رئیس هیات اجرائی به‌خبرنگاران گفت: گزارش کمیتهٔ فرعی هیات اجرائی درمورد بودجه حزب دراین جلسه مطرح شد و پس از بحث و بررسی مورد تصویب قرار گرفت. وی افزود:

حزب تصمیم گرفت تبصره مربوط به بودجه خود را تهیه‌کند تا بودجه حزب در بودجه کل کشور منظور شود.

ضمناً بودجه حزب بصورت برنامه‌ای است و در آن برای ـ فصل اجرای برنامه‌های مختلف اعتبارات متفاوتی تخصیص داده شده است و چون مسئولان حزب در ۸۰۰ نقطه مملکت نظیر بخشها و شهرها و استانها متمرکز خواهند بود بنابراین مصرف اعتباراتی که تصویب خواهد شد استانی و درسطح مملکت میباشد.

وزیر کشور و رئیس هیات اجرائی در مورد سایر تصمیمات جلسه گفت:

در این جلسه همچنین طرح آئیننامه‌های کمیسیون نظارت و کمیته‌های تخصصی نیز مطرح شد و آئیننامه کمیسیون نظارت به تصویب رسید، براساس این آئیننامه درجلسه آینده هیات اجرائی کمیسیون ۹ نفری نظارت هیات اجرائی انتخاب خواهند شد که اعضاء این کمیسیون برشاخه‌های اجرائی حزب بدون‌آنکه در کار اجرائی آنها دخالت داشته باشند نظارت و کارخود را طی گزارش‌هائی هر شش‌ماه یک بار در هیات اجرائی مطرح میکنند.

جمشید آموزگار درمورد آئین‌نامه کمیته‌های تخصصی گفت:

پیرامون این آئین‌نامه بحث گسترده‌ای در هیات اجرائی بعمل آمد و چون اعضاء هیات اجرائی در این زمینه نظریات و پیشنهادهای مختلفی داشتند ادامه بررسی به جلسه آینده هیات اجرائی موکول شد و بطور کلی در این زمینه دو جناح مامور شدند که در باره مسائل مختلف مملکتی اندیشه کنند و حاصل تفکر کارشناسان و متخصصان خود را برای بررسی و بحث‌نهائی به حزب ارائه دهند ضمناً تا شکل گرفتن این کمیته‌های تخصصی درجناحها، حزب بیش ازصد کمیته تشکیل داده‌است که فعالیتهای بسیار مفید و چشمگیری دارند وآنچه در هیات اجرائی مورد بحث و بررسی است تلفیق کمیته‌های حزب با کمیته‌هائی است که براساس این آئین‌نامه در آینده تشکیل خواهند شد. رئیس هیات اجرائی در موردنحوه کار کمیته‌های تخصصی گفت:

ـ نحوه کارو فعالیت‌این کمیته ها به دو طریق است. یکی بررسی مسائلی است که جنبه مطالعات اساسی دارد و نیازمندتعمق زیاد و درازمدت است که اندیشمندان‌مملکت درجناح ها جلساتی تشکیل میدهند و پس از تبادل نظر، نظریات خودرا راجع‌به اینگونه مسائل ابراز خواهند کرد. و یکسری دیگر کارها و مسائل روزمره است که حزب باآنها مواجه است و برای آنها نیز کمیته‌های خاصی تشکیل میشود.

ساعت کار کارگران وکشاورزان تعیین شد

یک مقام وزارت کار وامور‌اجتماعی گفت ساعات کار‌کارگران کشاورزی نباید ازده ساعت در شبانه‌روز یا ۵۰ ساعت در هفته تجاوز کند. اوقات استراحت و صرف غذاجزو ساعات کارمحسوب نمیشود.

این مقام افزود کارفرما میتواند، باتوجه به طبیعت کارو عرف محل و فصول‌مختلف بموجب قرار داد ساعات کاررا کمتر از ده ساعت تعیین کند و درسایر روزها ساعات کار را افزایش دهد مشروط‌باینکه جمع ساعات کار درچهارهفته متوالی از ۲۰۰ ساعت‌بیشترنشود بدیهی است مقررات‌فوق برای‌مناطقی لازم‌الاجرا است که اجرای قانون کار کشاورزی‌در آن مناطق اعلام شده باشد.

مسئولان نظارت و ارزشیابی حـزب در استانهـا تعیین شد

با تعیین مسئولان نظارت در استانها، حزب بر برنامه‌های عمرانی کشور نظارت خواهد کرد.

مسئولان نظارت و ارزشیابی حزب در همه استانها و فرمانداریهای کل کشور تعیین شدو بدان ترتیب فعالیت امور نظارت و ارزشیابی حزب در سطح کشور گسترش یافت.

فعالیت‌های امور نظارت و ارزشیابی حزب بمنظور پیشرفت صحیح و سریع برنامه‌های عمرانی مملکت دنبال میشود.

این فعالیتها براساس آئین‌نامه امور نظارت و ارزشیابی شامل مراقبتها و رهنمائی‌های لازم در جهت اجرای برنامه‌های عمرانی و ارزشیابی آنها برای جلوگیری از بروز [illegible] و عقب‌افتادن طرحهای عمرانی میشود و تعیین مسئولان نظارت و ارزشیابی در استانها و فرمانداریهای کل کشور این فعالیتها را در سراسر نقاط کشور گسترش میدهد.

یکی از وظایف اساسی مسئولان نظارت و ارزشیابی در استانها فراهم آوردن موجبات مشارکت هرچه بیشتر مردم در شناسائی برنامه‌های محلی و استفاده از نظرات آنان در جهت پیشرد این برنامه‌هاست.

امور نظارت‌وارزشیابی علاوه بر همکاری در جهت گسترش برنامه‌های عمرانی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز برای پیشبرد امور فعالیت‌گسترده‌ای خواهد داشت.

مسئولان نظارت‌وارزشیابی استانها که بامعرفی دبیران و نمایندگان مسئولان حزب در مرکز معرفی شده عبارتند از:

* دکتر منوچهر علائی — استان ایلام.
* خسرو سعیدی — استان آذربایجان غربی.
* احمد سایبانی — استان ساحلی بنادرخلیج فارس و دریای عمان.
* محمدمهدی معتمدی — استان بوشهر.
* دکتر کامران افشار — استان چهارمحال بختیاری.
* بیژن پیرزاده — استان خراسان.
* علی عمیدی — استان خوزستان.
* بیژن سعیدی زند — استان زنجان.
* جواد رضوی طباطبائی — استان سیستان و بلوچستان.
* بیژن مستوفی صالحی — استان فارس
* حسن ایرانپور — استان کردستان.
* عباس خانبابائی — استان کرمان.
* اسفندیار غفاری — استان کرمانشاهان.
* دکتر خسرو جباری — استان گیلان.
* حمید هرمزان — استان لرستان.
* فتحعلی عضدی — استان مازندران.
* کیوان معصومی — استان همدان.
* مرتضی مرکباتی — فرمانداری کل کهکیلویه
* رضا عدالت — فرمانداری کل سمنان.

گروهی دیگر از کارگران، کانون حزبی تشکیل دادند

گروهی از مسئولان و کارگران شرکت جنرال‌تایر وابرایران درمحل این شرکت گردهم آمدند و سومین کانون حزبی خودرا باشرکت ۲۰۴ نفر تشکیل دادند.

دراین گردهم‌آئی ابتدا دبیرسندیکای‌این واحدتولیدی درباره آرمانهای رستاخیز و نقش کانونها سخن‌گفت واضافه کرد هموطنان ما در سراسر کشور پیوستن به حزب رستاخیز ملت ایران را بعنوان یک وظیفه‌ملی پذیرا شدند تا با کوشش و فعالیت‌بیشتر وظیفه‌ای را که بعهده‌دارند اداکنند و در این میان‌طبقه کارگر مثل گذشته در صف‌اول قرار دارند.

سپس برای انتخاب هیات رئیسه اخذرای بعمل آمد و درنتیجه مصطفی الموتی بعنوان رئیس، علی‌اشرف‌پالیزبان و خلیل‌نادری بعنوان نواب رئیس، علی‌نیکخو وزین‌العابدین قنبریان بعنوان‌منشی، برگزیده‌شدند.

درپایان جلسه مصطفی‌الموتی رئیس کانون اظهار داشت رشد سریع وهمه جانبه کشورمان باعث شده‌با سرعت هرچه‌بیشتر بسوی تمدن بزرگ‌پیش برویم و از این روباید خودمان را هرچه‌بیشتر تجهیز کنیم و شما کارگران که دراین امر مهم سهم بزرگی بعهده‌دارید باید همگام و همراه‌با دیگرگروهها هرچه‌بیشتر کوشش کنید تا ضمن تولید بیشتر همراه باکیفیت بهتر بتوانیم به هدفهائی که‌رهبر خردمند و اندیشمندمان تعیین فرموده‌اند برسیم.

توزیع سودسهام کارگران نیشکرهفت‌تپه

همزمان با سالگرد انقلاب شاه و ملت سود سهام کارگران نیشکر هفت تپه طی مراسمی بین آنان تقسیم شد.

دراین مراسم که معاون استانداری خوزستان — مدیر کل کارو اموراجتماعی استان و جمعی از مقامات محلی حضور داشتند مبلغ پنجاه میلیون ریال سود سهام نمایندگان ۳۳۰۰ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه به آنان تسلیم شد.

سندیکاهای کارگری

کارگران حرفه «آبکاری» تقا

*** ۳۰۰۰ نفر کارگر در این رشته فعالیت می کنند**

*** حرفه آبکاری بیش از ۳۰ سال در کشورما سابقه دارد**

سندیکاهای کارگری هر روز دامنه فعالیت خود را در کارگاهها گسترش میدهند و برای تأمین نیازهای کارگران کوشش می کنند.

سندیکای کارگری واقعیتی است که کارگران کشورمان اکنون وجود آن را برای خود لازم میدانند و برای عده ای ناشناخته هستند.

کارگران حرفه «آبکاری و پرداخت» تهران که حدود ۳۰۰۰ نفر هستند و در قریب ۲۰۰ کارگاه کوچک و بزرگ فعالیت می کنند فاقد سندیکای مربوط به خود هستند و همگی علاقمندند که از مزایای وجود سندیکا استفاده کنند و در این زمینه حرفهائی دارند. رستاخیز کارگران سخن آنها را شنیده و با مسئولان در میان گذاشته است. آنچه را که در زیر میخوانید فشرده‌ای از این گفت و شنود است.

کارگران چه میگویند؟

در میان این کارگران افرادی هستند که بیش از ۳۰ سال، یعنی تقریبا از آغاز فعالیت این حرفه در کشور ما در این رشته فعالیت دارند. ولی اطلاع درست و دقیقی از وجود سندیکای کارگری مربوط به‌خود و مزایای آن ندارند ضمناً اکثر آنها اظهار میدارند که تا کنون در هیچ سندیکائی عضویت نداشته و برای تشکیل چنین اجتماعی هیچگونه اقدامی صورت نگرفته است.

اصغر هجری یکی از کارگران میگوید: ازسال ۱۳۴۰ کارخود را در این حرفه شروع کرده‌ام و تا آنجا که با مسائل سندیکائی آشنائی دارم میدانم که سندیکا علاوه برتأمین رفاه بیشتر کارگران سبب می‌شود تا کارگر و کار فرما بتوانند مسائل و مشکلات فیمابین را درتمام موارد با هم بهتر حل وفصل کنند.

وی درمورد علاقه خود به‌این مشارکت میگوید: من امیدوارم که برای کارگران آبکاری نیز سندیکائی تشکیل شود تا ما هم بتوانیم از مزایای آن برخوردار شویم، ولی نمیدانم چگونه میشود این کار را شروع کرد. نامبرده اضافه می کند که دوستان زیادی دارم که در کارخانجات بزرگ تهران کار می کنند و عضو سندیکای کارگاه خود هستند و توسط این دوستان متوجه شده‌ام که وجود سندیکای کارگری میتواند مزایای زیادی برای کارگران در بر داشته باشد.

محمد قربان جعفری علی آبادی یکی دیگر از کارگران قدیمی این حرفه در مورد علاقه خود به‌عضویت در سندیکا میگوید: این یکی از آرزوهای من است، اما وقتی در مورد سندیکا از او سئوال میشود پاسخ قانع کننده‌ای ندارد.

محمد نوروزی کارگری که ۲۰ سال در این کار تجربه دارد میگوید با اینکه اطلاع چندانی از سندیکا ندارم، اما کارگران آبکاری نیاز به‌سندیکائی دارند که بتوانند در آن مسائل مربوط به‌خود را مطرح کنند. روزنامه رستاخیز کارگران در شماره هدف و اصول سندیکا را برای آشنائی کارگران تشریح کرد.

آقای دانکارزواند کارگر ۴۲ ساله‌ای است که مدت ۳۰ سال در این کارگاه سابقه دارد، و از آغاز کار خود تا کنون در بیشتر کارگاه آبکاری تهران در رشته پرداخت مراتب تجربه کسب کرده است.

وی در این رشته بعد از آغاز شروع حرفه آبکاری در ایران در این رشته فعالیت دارم و اظهار داشت با اینکه مقدار زیادی از پیشرفت زندگی هر کارگر بستگی به‌استعداد، علاقه و فعالیت خود او دارد، اما کارگران نتیجه از تلاش شخصی به‌حمایت نیاز دارند و این حمایت و تأمین مزایا نسبت همه کارگران و بطور دسته جمعی تکمیل میشود که همان همان‌سندیکای کارگری نام دارد.

علی‌محمد آبکار، یکی دیگر از کارگران این حرفه و نماینده انتخابی کارگران یکی از کارگاههای بزرگ آبکاری تهران است. وی که مدت ۱۷ سال با نهایت علاقه مشغول کار در این رشته است، در مورد سندیکا اظهار میدارد علاوه برعلاقه‌ای که بکارم دارم به‌مسائل کارگری علاقمندم و بهمین دلیل همیشه خبر و گزارشات و مطالب مربوط به کارگری را مطالعه می کنم. محمد نیک اضافه میکند به‌دلیل این علاقمندی برای کسب اطلاعات بیشتر از قوانین کار مقررات مربوط به‌روابط کارگر و کارفرما و همه مسائل مربوط به کارگران و کتابهای قانون کار و مقالات مربوط را مطالعه میکنم. ولی بنظر من این کافی نیست که کارگران از راه مطالعه شخصی به‌اطلاعات لازم دست یابند بلکه لازم است کلیه کارگران در جریان همه موارد مربوط به‌اجتماع کارگری قرارگیرند و سندیکا بعنوان محلی برای این مهم به‌بهترین وجهی میتواند اطلاعات لازم و کافی را در اختیار عموم کارگران بگذارد و کارگر قادر خواهد بود از این طریق در مورد خواستها و نیازمندیهای قانونی خود پاسخ مثبت دریافت کند.

وی می‌افزاید با مطالعاتی که در زمینه کار کارگران این حرفه دارم ضمن تماسهائی که در مدت فعالیتم با عده زیادی از همکاران داشته‌ام میدانم که کارگران حرفه آبکاری نیز به‌وجود سندیکای کارگری نیازدارند.

داود ملتی کارگر ۲۵ ساله‌ای است که مدت ۱۰ سال درحرفه آبکاری کارمیکند.

این کارگر ضمن بازگو کردن پاره‌ای نیازهای خود میگوید:

شدیداً مایل به عضویت درسندیکای کارگری هستم.

نظریات کارفرمایان

رستاخیز کارگران ضمن گفتگو با عده‌ای از کارفرمایان این حرفه نظرآنان را درمورد تشکیل سندیکای کارگری جویا شد.

لازم به یادآوری است که بیشتر کارفرمایان این حرفه نیز اطلاع کاملی ازمسائل سندیکائی ندارند. مضافاً گذشته از کارگران، کارفرمایان این حرفه نیز فاقد اتحادیه‌ای صنفی هستند. صنف آبکاری وابسته به اتحادیه سماور سازها هستند که رشته‌ای به رشته اصلی کارشان هیچ تناسبی ندارد و اغلب کارفرمایان از این جهت اظهار نارضایتی می کنند، زیرا معتقدند مسائل مربوط به منافع حرفه‌ای خود را نمیتوانند در جلسات این اتحادیه مطرح کنند. اکثر کارفرمایان این حرفه در مورد تشکیل سندیکای کارگری نظرموافق دارند.

اسمو... فرد که رئیس یکی از کارگاههای بزرگ آبکاری تهران در این خصوص اظهار داشت: در کارخانه من ۳۶ نفر کارگر به شغل ابکاری و پرداخت فلزاشتغال دارند. با اینکه همه مسائل فیمابین را شخصا با کارگران حل و فصل می کنم، ولی بنظر من وجود سندیکای کارگری را میتوان بعنوان یک پشتوانه قوی و تا حد امکان تأمین نیازهای قانونی کارگران تلقی کرد و همه کارگران ما از تشکیل چنین اجتماعی راضی و خوشحال خواهند شد.

«کریستافورهاراطونیان»، صاحب اولین کارگاه آبکاری ایران که در حال حاضر با ۳۱ نفر کارگر قدیمی و تازه کار در این رشته فعالیت دارد، درمورد تشکیل سندیکا میگوید: سندیکا علاوه بر تأمین مزایای گوناگون برای اعضاء موجب میشود تا مرغوبیت کارومیزان کارآئی و بهره‌وری افزایش یابد.

ضمناً وجود سندیکا موجبات تضمین

کارگران حرفه آبکاری در مورد خواستهای خود سخن میگویند

ضای تشکیل سندیکا دارند

تسهیلات بیشتری را برای کارگران فراهم میکند و ضمن ایجاد تفاهم بیشتر بین کارگر و کارفرما به کارگران امکان میدهد با اعتماد و علاقه بیشتری بکار خود بپردازند. [illegible]

[illegible] کارگاههای آبکاری را در این مورد جویا شدیم وی میگوید : مسلما از عضویت کارگران در سندیکای کارگری با کمال میل استقبال میکنم چون هنوز خود را کارگر میدانم و نیازها و احساسات کارگران را دقیقاً درک می کنم. وی اضافه کرد اکثر مشکلات فردی و جمعی کارگران در محل کارگاه حل و فصل میشود، ولی بنظر من این کافی نیست و کارگران به وجود سندیکا نیاز مبرم دارند.

هوشنگ تهرانی کارفرمای دیگری است که با او به گفتگو پرداخته ایم.

او میگوید کارگاه من تعداد ۳۲ کارگر دارد ولی هیچکدام سندیکا را بمعنی واقعی آن نمی‌شناسند و مسلما علاقمند هستند که در تشکیل اجتماعی تحت این عنوان فعالانه شرکت جویند. زیرا بطور حتم رفاه بیشتری برای آنها تأمین خواهد شد. لذا برای کسب اطلاع و چگونگی تشکیل چنین اجتماعی نیاز به ارشاد و راهنمائی دارند.

نظر مقامات وزارت کار

بعد از گفتگو با کارگران و کارفرمایان حرفه آبکاری رستاخیز کارگران با آقای علی‌اصغر رزازان معاون روابط کار، وزارت کار و امور اجتماعی و آقای غلامعلی فرزامیان مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی این وزارتخانه به گفتگو نشست و نظر آنان را برای راهنمائی کارگران این حرفه جویا شد.

آقای رزازان معاون وزیر کار و امور اجتماعی ابتدا به مسئله وجود سازمانهای کارگری و کارفرمائی اشاره کرد و اظهار داشت اصولاً سازمانهای کارگری و کارفرمائی را میتوان به دو بخش عمده تقسیم کرد که هریک در دو شق مختلف فعالیت میکنند.

سازمانهای کارگری مرکب از سندیکای کارگری (سندیکای کارگران هر کارخانه که تعداد آنها بیش از صد نفر باشد و بطور مستقل تشکیل میشود) وسندیکای حرفه ای (سندیکائی که از تجمع کارگران صنوف مشابه که تعداد کارگران هر کارگاه آن کمتر است صد نفر است تشکیل میشود) است.

سازمانهای کارفرمائی نیز خود دو نوع هستند که یکی سندیکای کارفرمایان صنعت (که با ارباب رجوع ارتباط مستقیم ندارند مانند صاحبان کارخانجات) و دیگری اتحادیه صنفی یا اتحادیه صاحبان مشاغل آزاد که از اجتماع کارفرمایان یک صنف بوجود می‌آید (این گروه با ارباب رجوع و افراد تماس مستقیم دارند). با توجه به این تعریف کارگران این رشته که در هر کارگاه تعداد آنها کمتر از صد نفر است باید سندیکای حرفه‌ای و کارفرمایان آنها نیز اتحادیه صنفی تشکیل دهند.

چگونه سندیکا تشکیل میشود

در [illegible] گفتگوی [illegible] کارگران کارگاههای آبکاری [illegible] [illegible] نحوه تشکیل سندیکا [illegible] معاون وزارت [illegible] [illegible] در مورد [illegible]:

[illegible] تشکیل سندیکا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تشکیل [illegible] و [illegible] تصمیم گیریهای لازم و طرح مسئله تشکیل سندیکا به تشکیل هیأت موسس مبادرت ورزند.

هیأت موسس که پیشقدم انجام چنین امری میباشد وظیفه دارد فلسفه تشکیل و مزایای سندیکا را برای یکایک کارگران توجیه کند، وظیفهٔ هیأت موسس [illegible] در مورد آگاهی کارگران اهمیت دارد زیرا کارگران با اطلاعات [illegible] آمده درباره مفهوم علمی و قانونی سندیکا میتوانند آگاهانه در چنین اجتماعی شرکت نمایند.

مسئولیت تشویق و جمع‌آوری تعداد بیشتر کارگران بعنوان اجتماع متشکل سندیکائی نیز بعهده هیأت موسس میباشد و این گروه پیشقدم حتی برای روشن شدن بیشتر اذهان کارگران میتوانند از وجود کارشناسان امور سندیکائی وزارت کار و امور اجتماعی استفاده کنند. کارشناسان وزارت کار حاضرند درجلسه رویاروئی کارگران، نحوه انتخابات شرایط انتخاب کنندگان وانتخاب شوندگان، ارتباطات و مناسبات بین اعضای سندیکا و بالاخره کلیه اصول و امور مربوط به سندیکا را برای کارگران تشریح کنند.

معاون وزارت کار اضافه کرد که هیأت موسس پس از انجام مقدمات ضروری باید در تهران به اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی این وزارتخانه و در شهرستانها به ادارات کار محل مراجعه کنند و پس ازمذاکره با مقامات مسئول در مورد اقدامات انجام شده مدارك، اساسنامه و فرمهای مخصوص را دریافت دارند.

پس از توزیع فرمهای مخصوص عضویت بین کارگران داوطلب مقدمات تشکیل مجمع عمومی وسپس هیأت مدیره بوجود میاید.

چگونگی انتخابات

فرزامیان مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی دراین مورد اظهار داشت گرچه برای تشکیل سندیکا در ابتدا اجتماع هر تعداد از کارگران کافی میباشد اما هیأت موسس باید بکوشد تا باگردآوری تعداد بیشتری از کارگران دراولین مجمع عمومی افرادی را بعنوان اعضاء هیأت مدیره انتخاب کنند.

هیأت مدیره دراولین مجمع عمومی براساس رای مخفی کارگران به این شرح انتخاب میشوند اعضاء هیأت مدیره اصلی (حداکثر ۷ نفر) بازرس (۳ نفر) تعدادی بعنوان اعضاء هیأت مدیره علی‌البدل، هیأت‌داوری (۵ نفر). انتخابات زیر نظر هیأت نظارت بر انتخابات (که درمجمع عمومی ازبین کارگران انتخاب میشود) انجام میشود و پس از انجام انتخابات و طی مراحل قانونی مدارك انتخاب شوندگان و نیز صورتجلسه انتخابات داخلی هیأت مدیره برای تائید وثبت به وزارت کار و امور اجتماعی ارسال میگردد.

[illegible] هیأت مدیره، بازرسان و هیأت داوری از [illegible] کارگران مورد اطمینان آنان و [illegible] [illegible] آراء [illegible] انتخاب میگردند و برای هر دسته از [illegible] [illegible] بطور مستقل [illegible] رای بعمل می‌آید.

آگهی انتخابات

مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی وزارت کار در این زمینه گفت در سندیکاها هیأت موسس موظف است موضوع تشکیل مجمع عمومی، ساعت و محل تشکیل آن و نیز دستور جلسه را طی آگهی های چاپی حداقل ۱۵ روزقبل از تشکیل مجمع بین کارگران کارگاهها توزیع نماید تا کلیه کارگران از نحوه تشکیل مجمع عمومی وفعالیتی که باید درآن انجام شود اطلاع [illegible] داشته باشند. وی افزود کارگرانیکه در مجمع عمومی خود را جهت گزینش درسمت های [illegible] کاندیدا میکنند باید دارای شرایطی باشند که اهم آن ازاین قراراست:

سن آنها حداقل ۲۵ سال تمام باشد. سابقه اشتغال آنها در حرفه خود لااقل ۲ سال تمام و حداقل دارای گواهینامه پایان تحصیلات ابتدائی یا پنجم آموزش عمومی (جدید) باشند و در کارگاه خود بعنوان کارگر تمام وقت انجام وظیفه کنند.

۷۶۷ سندیکای کارگری و ۸۱ اتحادیه کارگری در تهران تشکیل شد

در اجرای سیاست دولت نسبت به گسترش و حمایت از سازمانهای کارگری و کارفرمائی و توسعه دموکراسی صنعتی در انجام سپردن کار مردم بدست مردم براساس آمار منتشره ازسوی اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی وزارت کار و امور اجتماعی تاآخر آذرماه سال جاری ۷۶۷ سندیکای کارگری و ۸۱ اتحادیه کارگری در تهران و شهرستانها به ثبت رسید و این ارقام بامقایسه سال ۱۳۴۳، حدود بیست برابر فزونی داشته است.

ادامه فعالیت سازمانهای مذکور این امکان را بوجود می‌آورد که با انعقاد پیمانهای دسته‌جمعی سهم عادلانه‌ای ازدرآمد کارگاهها نصیب کارگران شود و به تفاهم متقابل درحرف و کارگاهها توسعه و تحکیم بخشد.

دوره آموزش مسائل کار و سندیکائی شهرستان گرگان

کلاس آموزشی مسائل کار و سندیکائی برای نمایندگان کارگران و اعضاء هیأت مدیره سندیکا های کارگری شهرستان گرگان پایان یافت.

در این دوره که به مدت ۷ روز ادامه داشت کارشناسان مؤسسه کار و تأمین اجتماعی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی شرایط کار— تعطیلات و مرخصی ها و نوبت کاری— شرایط کار زنان و اطفال در کارگاهها— قرارداد کار و فسخ آن— مراجع حل اختلاف— مذاکرات و پیمانهای دسته جمعی— شرکتهای تعاونی— بازرسی کار و حفاظت صنعتی ، قانون سهیم کردن کارگران و روشهای سهیم کردن— نحوهٔ انتخاب نمایندگان کارگران و کارفرمایان و همچنین مسائل مربوط به طبقه بندی مشاغل و روشهای مختلف آن — وظایف و هدفهای سندیکا ها و اثرات اجتماعی و اقتصادی آن را برای شرکت کنندگان در کلاس تشریح کردند.

اعضای جدید سندیکای کارخانه نخکار برگزیده شدند

سندیکای کارگران کارخانه نخکار شرکت سهامی خاص تهران در تجدید انتخاب اخیر اعضاء هیأت‌مدیره وبازرسان خود را برگزیدند. این سندیکا در سال ۱۳۵۰ تأسیس شده واکنون دومین دوره فعالیت سندیکائی خود را آغاز کرده است.

اعضاء هیأت‌مدیره وبازرسان دوره جدید سندیکای کارگران کارخانه چهره‌های جدیدی هستند. واعضاء هیأت رئیسه آن عبارتند از: فیروزسالاری رئیس هیأت‌مدیره— حشمت‌الله کوهی دبیر سندیکا— رمضانعلی حسین شیروری خزانه‌دار ومحمدحسین حسینی‌زاده عضو اصلی سندیکا.

اعضای هیأت‌مدیره سندیکای کارگران کارخانه نخکاری برنامه‌ها وطرحهای وسیعی را برای رفاه بیشتر کارگران این کارخانه طرح ریزی کرده‌اند.

کارگران در پنجمین دوره مسابقا

*** کارگران ۱۶ منطقه صنعتی در ۱۶ رشته مسابقه خواهند داد**
*** در پنجمین دوره مسابقات مهارت فنی ۵۴۴ کارگر در رشته های مختلف با یکدیگر برقابت خواهند پرداخت**

مسابقات مهارت فنی کوششی است که جهت تشویق و بالا بردن اطلاعات فنی کارگران صورت میگیرد.

این مسابقات که اکنون به پنجمین دوره رسیده است باتوجه به هدفی که برای آن تعیین شده بسیار موفق بوده و توانسته است کارگران علاقمند و مبتکر را در راه تکمیل اطلاعات و معلومات خود تشویق کند. ومهمتر آنکه کارگران عزیز اکنون این فرصت را نیز بدست آورده اند تا در مسابقات مهارت فنی جهان شرکت کنند که این نیز خود موفقیت دیگری است که برای کارگران عزیز بدست آمده است.

آشنائی با مسابقات مهارت فنی

کمیته ملی مسابقات مهارت فنی ایران در اواخر سال ۱۳۴۹، به فرمان شاهنشاه آریامهر، و به ریاست عالیه والاحضرت همایون ولایتعهد تشکیل گردید.

هدفهای کمیته

هدف از تشکیل این کمیته ایجاد روحیه رقابت و برترجوئی سالم همراه کسب مهارت فنی و حرفه‌ای و نیز تشویق کارگران جوان در جهت تأمین مهارت و تخصص هرچه بیشتر آنهاست که در نتیجه توسعه و گسترش برنامه‌ای صنعتی کشور و بالا بردن سطح بهره‌وری کار را نیز در بر دارد. همچنین توسعه مبادله اطلاعات فنی بین کارگران جوان نواحی مختلف و بارور ساختن استعداد های کارگران جوان و ایجاد فرصت برای آشنائی و تفاهم هر چه بیشتر بین جوانان کشور و ایجاد صمیمیت در میان آنان از راه رقابتهای دوستانه و بالاخره ایجاد زمینه های مناسب برای کارگران جوان و بااستعداد و متخصص بمنظور شرکت در صحنه رقابتهای بین المللی از طریق شرکت در مسابقات مهارت فنی و نیز آشناساختن آنان باجوامع پیشرفته صنعتی و تکنولوژی جدید.

نخستین مسابقه مهارت فنی

اولین دوره مسابقات مهارت فنی ایران در سال ۱۳۵۰، بعنوان نمونه فقط در تهران برگزار گردید.

در این مسابقه پانصدنفر از کارگران در دوازده رشته برقابت پرداختند و سپس بنا به اوامر شاهنشاه آریامهر دامنه این مسابقات هر سال گسترش یافت و هرسال مناطقی به مناطق قبلی اضافه شد بطوریکه رشته های مورد مسابقه تا کنون به ۱۶ رشته افزایش یافته و درسال آینده به ۱۹ رشته در ۱۹ منطقه گسترش خواهد یافت.

دومین دوره این مسابقات در سال ۱۳۵۱، با شرکت ۱۶۰ کارگر در چهار ناحیه صنعتی (ناحیه های مرکز، اصفهان، آذربایجان شرقی و خوزستان) برگزار شد.

سومین دوره این مسابقات در سال ۱۳۵۲، و با شرکت ۵۷۸ نفر کارگر در هشت استان انجام شد.

چهارمین دوره مسابقات مهارت فنی در نهم آبانماه سال گذشته با شرکت ۱۹۵۲ نفر کارگر و در ۱۲ استان انجام گرفت. وبالاخره مسابقات مقدماتی دوره پنجم که در نهم آبانماه سال جاری باشرکت ۳۸۲۵ نفر کارگر در ۱۶ رشته و در ۱۶ استان برگزار شد. که تعداد ۶۴۵ نفر از آنها برگزیده شدند و برای مسابقه نهائی به اصفهان اعزام میشوند.

نحوه برگزاری

مسابقات داخلی مهارت فنی هرسال در دو نوبت بین جوانان کارگر و هنرجویان درسراسر کشور انجام میشود.

مرحله اول (مرحله استانی) در روز نهم آبانماه هرسال بین کارگران هراستان انجام میشود و سپس نفرات اول تا سوم برگزیده در مسابقات نهائی شرکت میکنند. مرحله نهائی مسابقات بین کارگران و هنرجویان برگزیده مناطق صنعتی کشور در سوم اسفندماه هرسال برگزار میشود.

برندگان مسابقات این مرحله پس از دریافت جوائز خود از دست مبارك والاحضرت همایون ولایتعهد جهت شرکت در مسابقات جهانی معرفی میشوند. ضمنا بمنظور انتخاب کارگران واجد شرایط جهت شرکت در مسابقات مرحله اول (استانی) در سال ۱۳۵۳ مقرر شد که در هر یک از کارخانجات کمیته سه جانبه کارگاهی متشکل از نمایندگان فنی کارگر - کارفرما و کمیته ملی مسابقات بوجود آید.

بنا براین هرساله کارگران جوان و ماهر داوطلب از طریق این کمیته ها علاقمندی خود را برای شرکت در مسابقات اعلام میکنند وپس از آزمون های فنی مطابق با ضوابط و استاندارد های معین شده مهارت فنی انتخاب میشوند وتاکنون یکصدوهفتاد کمیته برای این منظور تشکیل گردیده است.

شرکت ایران در مسابقات جهانی

همزمان با این اقدامات، درسال ۱۹۷۱ هیاتی از طرف کمیته ملی مسابقات مهارت فنی ایران مامور آشنائی بانحوه برگزاری مسابقات جهانی شد بدین ترتیب مقدمات عضویت ایران درشورای جهانی مسابقات مهارت فنی فراهم آمد.

بدنبال تصمیم ششمین اجلاس کمیته ملی مسابقات مهارت فنی درسال ۱۹۷۵، ایران رسما به عضویت شورای جهانی مسابقات مهارت فنی پذیرفته شد و در شهریور ماه ۱۳۵۴، یک کارگر زن و ۷ تن از هنرجویان و کارگران مرد جهت شرکت در بیست‌ودومین دوره مسابقات جهانی مهارت فنی به اسپانیا رفتند و جالب آنکه برای اولین بار در تاریخ مسابقات جهانی مهارت فنی یک زن کارگر از کشور ما در یک رشته فنی سنگین به دریافت دیپلم افتخار نایل شد.

رشته هائی که در این مسابقه مورد آزمایش قرار میگیرد عبارتند از تراشکاری — فلزکاری — فرزکاری — جوشکاری برق — جوشکاری گاز — سیمکشی ساختمان — تعمیرات رادیوو تلویزیون، ورقکاری — آهنگری — مدل‌سازی — ریخته‌گری — ریسندگی —، بافندگی، بنائی، تعمیرموتور، لوله کشی و درسال آینده رشته های نقشه کشی- اتومکانیک صنعتی- آرایش- خیاطی مردانه نیز به رشته های ۱۶ گانه فعلی اضافه خواهد شد وجمعاً به ۱۹ رشته افزایش مییابد.

کارگران برگزیده مسابقات مهارت فنی (مرحله استانی) سراسر کشور پنجمین دوره مسابقات مهارت فنی خود را در اسفند ماه سال جاری در تبریز برگزار میکنند.

کارگران زن و مرد برگزیده که تعداد آنها ۵۴۴ نفر میباشد در ۱۶ رشته فنی و از ۱۶ منطقه صنعتی کشور با یکدیگر رقابتی شرافتمندانه و دوستانه خواهند داشت.

برگزیده شدگان این مرحله ازمسابقه، پس از کسب افتخار و دریافت جوایز از دست مبارك والاحضرت ولایتعهد خود را برای شرکت در مسابقات جهانی آماده خواهند کرد.

رستاخیز کارگران برای آشنائی کارگران سراسر کشور با عده‌ای از این کارگران و چگونگی کار و زندگی آنها گفتگوئی بعمل آورده که ازنظرتان می گذرد.

برگزیدگان تهران

در پنجمین دوره از مسابقات مهارت فنی ۴۷ نفر کارگر و هنرجوی زن و مرد برگزیده شدند که در ۱۵ رشته شرکت خواهند کرد. تنها رشته‌ای که کارگران تهران در آن داوطلب ندارند رشته آهنگری میباشد. کارگران برگزیده تهران که براساس مسابقات استانی (آبانماه) سال جاری انتخاب شده و برای مسابقه به اصفهان میروند عبارتند از علی احمدملکی — ابراهیم پیرائی — اسکندر جهانفرد- حسن تاعی — سیروس موسی-زاده — پرویز محمدیون — نصراله منصور زارع - قاسم عدالت‌فر — فریدون منصوری — حسین مصلی — محمدرضا سلامتی‌محقری — اصغر چوبداری — بهمن رضائیان — علی کمکلی — حسن رجبعلی — علی‌تقی رخت — نادرعلی‌چانی- ناصر آرایش — ماسیس حق‌نظریان — سعید کریمی — رحمت‌اله‌علی‌محمدی — فریدون آزیدهاکر — حسین توغانی — جواد خورشیدی- اقدم — سیدجلال علوی غازانی- سید روزبه عابدینی — محمدرضا شیرازی- جلیل بنی‌لو — نصراله یوشی‌زاده- بهمن منتظرقائلی — خانم نوبرارژنگی — محمود قزوین — غلامرضا رفیعی- محمدعلی فرشاهی — یعقوب پولیسیوس — حسن رهبررضاخانلو — احمدفرجی — یوسف بالاخانی- ولی‌اله پزشکپور.

محمدرضا فاطمیان — پرویز سلطانی — گلعلی رضائی کیا — یوسف سالار رضائی — حسن رحیمی زنگی — محمدعلی علامی — خانم آفت- پری — و رستم مهدوی.

عده‌ای از کارگران برگزیده تهران طی گفتگوئی با خبرنگار رستاخیز کارگران به چگونگی زندگی و نحوه فعالیت و موفقیتهای خود پرداختند.

احمدعلی ملکی

*علی احمد ملکی. درسال ۱۳۳۲، درنهاوند متولد شده، تحصیلات وی برابر با سیکل فنی هنرستان صنعتی می‌باشد و ازسال ۱۳۵۳، کار خود را در رشته فلزکاری (قالبسازی) شروع کرده است.

نامبرده در مسابقات مقدماتی امسال بین ۱۵ نفر مقام اول را بدست آورد و معتقد است با پشتکار و علاقمندی و نیز توجه کامل به تمام مسائل حرفه‌ای میتوان همیشه در کار موفق بود.

علی‌احمد، راز موفقیت خود را در ایمان و اعتقاد کامل و امیدواری و خداپرستی می داند. اغلب اوقات بیکاری ملکی را مطالعه کتاب و مقالات فنی پر میکند وی متاهل است و اظهار میدارد اگــــر چه درحـال حـاضر بدلایـل محدودیتهای خانوادگی موفق نمی‌شوم به تحصیلات خود ادامه دهم اما با ذوقی که در خود سراغ دارم مترصد فرصتی هستم که به چنین آرزوئی جامه عمل بپوشانم.

قاسم عدالتفر در سال ۱۳۳۲، در تهران بدنیا آمده و تا کنون موفق شده مدرك تحصیلی ششم ابتدائی را دریافت دارد و امیدوار است بتواند در اولین فرصت بتحصیلات خود ادامه دهد.

وی در تاریخ ۱۳۴۶، در رشته تراشکاری، در یکی از واحدهای صنعتی کشور مشغول به کار شد. و قبل از آن مدت چند سال به کار

ت مهارت فنی به رقابت میپردازند

آزاد اشتغال داشته است.

عدالت‌فر متأهل است و صاحب یک فرزند می‌باشد.

قاسم عدالت‌فر

عدالت‌فر در مرحله مقدماتی مسابقات مهارت فنی در رشته تراشکاری از استان مرکز مرتبه اول را احراز کرده است.

قسمتی از اوقات بیکاری قاسم صرف مطالعات مطالب فنی میگردد.

اصغر چوبداری

* اصغر چوبداری در سال ۱۳۳۱ در شهر نیشابور متولد شد و تا کلاس ششم ابتدائی درس خوانده و در زمینه مسائل فنی و حرفه‌ای مطالعات زیادی دارد. اصغر مدت ۷ سال در رشته جوشکاری در واحدهای مختلف صنعتی کار کرده و اکنون تجربه و تخصص زیادی در این رشته بدست آورده است وی متاهل است و صاحب سه فرزند می‌باشد. نامبرده در مسابقات مقدماتی سال جاری بین ۲ نفر با کسب امتیاز بیشتر توانسته است نفر سوم شود.

اصغر که کارگری است با استعداد، موفق شده است یک دستگاه لوله خم کن هیدرولیکی بسازد که میتوان با آن هرگونه لوله‌ای را خم کرد بنا به‌اظهار چوبداری این دستگاه مشابه خارجی ندارد و یکی از ارزشهای کار آن صرفه‌جوئی در نیروی انسانی است بطوریکه راندمان کار این دستگاه در هر ساعت برابر با نیروی کار ۸ کارگر در یک روز می‌باشد. علاوه براین نامبرده قالبهای زیادی ساخته که با نمونه‌های مشابه خارجی قابل رقابت است.

اسکندر جهانفرد

* اسکندر جهانفرد یکی دیگر از کارگران شرکت کننده درمسابقات مهارت فنی است که از شش سال پیش تحصیلات خود را در هنرستان صنعتی در قسمت قالب سازی آغاز کرد. وی در حال حاضر در کلاس ششم این هنرستان مشغول تحصیل است.

اسکندر در مدت تحصیل توانسته انواع وسائل مختلف را بسازد که دستگاه تزریقی پلاستیک اتوماتیک، قالب های مربوط به منبع اگزوز اتومبیلهای پیکان ازآن جمله‌اند.

وی که ازبین همکاران خود درمرحله اول مسابقات مهارت فنی انتخاب شده علاقمند است تحصیلات خود را تاسطح دانشگاه ادامه دهد اگر چه معتقد است امکانات ادامه تحصیلات عالی در رشته‌های صنعتی کم است بهر حال نیم نگاهی نیز به‌بازار کار دارد چه تقاضای بیش از حد در مقابل او نیز قرار گرفته است.

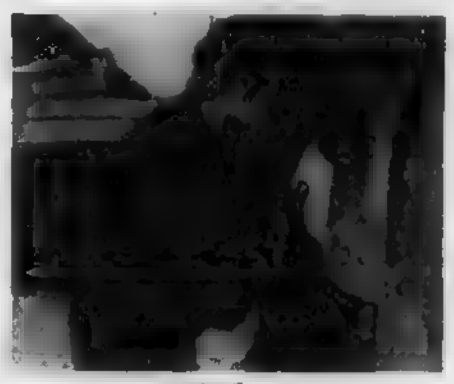

علی کهکی

علی کهکی متولد سال ۱۳۳۰ تهران است. وی درسال ۱۳۴۶ کار خود را دررشته آهنگری شروع کرد و تا سوم متوسطه به تحصیل پرداخته و با توجه به مشغله فراوان روزانه‌ای که دارد امیدوار است مجالی هم برای ادامه تحصیل پیدا کند. کهکی با استعداد فوق‌العاده‌ای که دارد در مسابقات مقدماتی استان مرکز در رشته جوشکاری برق برای اولین بار شرکت کرده و مقام اول را بدست آورد. وی معتقد است مسابقات مهارت فنی یکی از بهترین راههائی است که میتوان‌از طریق آن استعداد کارگران جوان‌شکفته شود.

— ماسیس حق نظریان درسال ۱۳۳۵ در تهران بدنیا آمد و درسال ۱۳۵۰ وارد هنرستان صنعتی شد و اکنون بعنوان هنرجوی رشته راساختمان به تحصیل اشتغال دارد.

ماسیس حق‌نظریان

حق نظریان در مسابقات مقدماتی مهارت فنی سال جاری استان مرکز بیشترین امتیاز را کسب کرد و به مقام اول دست یافت. و پروژه‌های ساختمانی مختلفی را در دست تهیه دارد. این هنرجو علاوه بر دروس کلاسیک، در مورد مسائل و مطالب فنی مطالعات فراوانی انجام داده است.

سیدجلال علوی‌خازانی

سیدجلال علوی‌خازانی در سال ۱۳۳۰ در تبریز بدنیا آمده و در حال حاضر هنرجوی سال پنجم رشته‌تراشکاری هنرستان‌صنعتی میباشد.

علوی در رشته فنی (تراشکاری ومدل‌سازی) تخصص وتجربه کافی دارد و بهمین جهت درمسابقات آبانماه استان مرکز در رشته مدل‌سازی شرکت کرده و بین‌تمام داوطلبان مقام اول را کسب کردو در دوره چهارم مسابقات نهائی مهارت فنی در سال ۱۳۵۳ در رشته تراشکاری بمقام دوم دست یافت سیدجلال که باتکاء به پشتکار و استعداد خود قبل از ورود به هنرستان و آغاز تحصیل دورس کلاسیک مدت ۶ سال بعنوان کارگر مدلساز کارکرده و تخصص و تجربه کافی کسب کرده و در حال حاضر ضمن اشتغال روزانه بــه کاردر رشته تراشکاری در کلاس شبانه هنرستان تـــحصیل کرده است علوی، بنا به تاید کارشناسان کارخانجات ماشین‌سازی اراك در زمان اشتغال در رشته تراشکاری در این واحد تولیدی و بعنوان کارگری ممتاز شناخته شد علوی اظهار میدارد، اگر ضوابط و مقررات مسابقات ایجاب میکرد آمادگی مسابقه در دو رشته تراشکاری و مدل‌سازی را خواهد داشت.

جلیل بنی‌لو

جلیل بنی‌لو متولد ۱۳۳۱ شهرستان میانه می‌باشد وی در کلاس پنجم طبیعی دوره شبانه به تحصیل اشتغال دارد بنی‌لو در سال ۱۳۵۲ پس از گذراندن یک دوره چهار ماهه تئوری و عملی در یکی از مراکز کارآموزی و طی یک دوره آموزش چهارماهه دیگر در یکی از کارخانجات صنعتی کشور، اینک در رشته تعمیر رادیو و تلویزیون به کار اشتغال دارد.

جلیل، فردی امیدوار، علاقمند و پرشور است و علاوه بر کلاسها و دوره‌هائی که گذرانده — مطالعات دامنه‌داری در زمینه مسائل فنی دارد و اکثر کتابها و مقالات الکترونیک را مطالعه کرده است.

وی برای دومین دوره است که درمسابقات مهارت فنی ایران شرکت می کند و در — مسابقات مقدماتی سال جاری در رشته تعمیر رادیو و تلویزیون مقام اول را بدست آورده است.

نوبر ارژنگی

خانم نوبر ارژنگی درسال ۱۳۳۷ درتهران متولد شد. این کارگر بااستعداد پس ازگذراندن یک دوره ۶ ماهه در مرکز حرفه‌ای شماره ۲ وزارت کار درسال ۱۳۵۳، دریکی ازواحدهای صنعتی کشور به کار اشتغال ورزید و اکنون در رشته تعمیرات رادیو تلویزیون کار می کند.

بقیه درصفحه ۵۶

آموزش

درمرکز نمونه نساجی کرج:

زنان با علاقه، بفراگیری فن

*** تا پایان شهریور ماه سال جاری ۶۲۵ کارگر ساده به کارگر ماهر تبدیل شده‌اند.**

*** ۴۳۳۷ نفر درکارخانجات نساجی سراسر کشور آموزش حین کار دیدند**

*** رشته «روستاصنعتگر» روستائیان را برای بازار کار آماده میکند**

بالا بردن سطح مهارت کارگران و همچنین تبدیل کارگران نیمه ماهر به ماهر از هدفهای صندوق کارآموزی است. هدف از اجرای قانون کارآموزی که در اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ بتصویب رسید، تامین نیروی انسانی ماهر برای صنایع کشور، کمک به اشاعه فکر فراگیری رشته های تخصصی درمیان توده مردم، ازمیان بردن بیکاری پنهان وآشکار — تربیت نیروی انسانی مورد نیاز صنایع بموازات رشد اقتصاد صنعتی کشور، ارتقاء سطح بینش حرفه‌ای افزارمندان، اشتغال مداوم و مستمر کارگران، جلوگیری از جابجائی بیش از اندازه آنان است.

در اجرای این هدف صندوق کارآموزی اقدامات پی گیر خود را آغاز و به ایجاد مراکز و پایگاههای کارآموزی اقدام کرد. رستاخیز کارگران برای آشنائی کارگران وعلاقمندان در هرشماره یکی از این مراکز را معرفی میکند.

مرکز نمونه نساجی کارآموزی کرج یکی از مراکز نمونه آموزش حرفه‌ای صندوق کارآموزی وابسته به وزارت کاروامور اجتماعی را بشما کارگران عزیز معرفی میکنیم. مرکز نمونه نساجی کارآموزی کرج درسال ۱۳۵۰ یعنی در همان اوائل تاسیس صندوق فعالیت خود راشروع کرد.

زمین وساختمان و تاسیسات اولیه این مرکز را مرحوم فاتح در اختیار وزارت کار وامور اجتماعی قرارداد تا در امر آموزش حرفه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. این مرکز در کرج درجاده‌ای که به شهر صنعتی قزوین منتهی میشود قرار دارد. مساحت آن حدود سی هزار متر مربع است و دارای ۵ کارگاه شامل رشته های نساجی- تراشکاری- (تعمیر ماشین آلات نساجی) لوله- کشی و تاسیسات- برق ساختمان و برق اتومبیل- روستا صنعتگر که شامل برق- جوشکاری برق- لوله کشی وآبرسانی- تعمیرات موتور پمپ آب- آشنائی و نگهداری از موتور ژنراتور های برق است و همچنین کلاسهای آموزشی- قسمت اداری- خوابگاه باگنجایش حدود سیصد نفر- کتابخانه- رستوران- باشگاه ورزشی (شامل رشته های مختلف ورزشی با وسعت ۳۰۰۰ متر مربع) و درمانگاه میباشد و کارآموزان می‌توانند در ساعات بیکاری از کلیه امکانات باشگاه ورزشی و کتابخانه مرکز استفاده کنند. هم- اکنون استخر زیبائی نیز به این مجموعه ورزشی افزوده شده وساختمان آن روباتمام است و ازسال آینده مورد استفاده کارآموزان قرارخواهد گرفت. در کنار این تاسیسات ساختمان کارگاه عظیم نساجی در دست تکمیل است که با بهره- برداری از این ساختمان که ماشین آلات آن در نوع خود بی‌نظیر و به کمپانیهای مختلف سفارش داده شده خریداری خواهد شد این مرکز بصورت یکی از مدرنترین مراکز آموزش نساجی درسراسر جهان درخواهد آمد. هم اکنون دراین مرکز ۱۸۰ کارآموز بطور شبانه روزی به کار- آموزی در رشته های مختلف سرگرم میباشند کارآموزان این مرکز درمدت کارآموزی از کلیه مزایای مرکز شامل سه وعده غذا وسائل کار- مطالب آموزشی و وسیله رفت و آمد بطور رایگان بهرمند میشوند. با بهره‌برداری از کارگاه جدید نساجی در سال آینده ظرفیت پذیرش این مرکز به حدود سیصد کارآموز میرسد.

رشته نساجی که یکی از رشته های مهم این مرکز است شامل مقدمات بافندگی- بافندگی و ریسندگی میباشد هم اکنون حدود ۳۵ کارآموز سرگرم فراگیری این حرفه هستند. در قسمت مقدمات بافندگی که یکی از قسمتهای رشته نساجی است کارآموز پس ازطی یکدوره یکماه و نیمه ازیک کارگر ساده به یک کارگر بافنده با ماشینهای قرقره پیچی و ماسوره پیچی تبدیل میشود. در این قسمت با حسین مرجانی یکی از کارآموزان درمورد نحوه کاراو سخن گفتم. این کارآموز اظهار داشت: «مدت سه هفته است که در این مرکز شروع به کارآموزی کرده‌ام و هم اکنون علاوه برآشنائی کامل با کار ماشین- های نساجی میتوانم پارچه ببافم، درصورتیکه قبلا حتی کوچکترین آشنائی واطلاعی با پارچه ویا پارچه بافی نداشتم.»

در این قسمت با مربی مربوط نیز گفتگوئی بعمل آمد و وی نیز از کارآموزان اظهار رضایت کرد وگفت: «این سومین هفته از چهارد همین دوره آموزش نساجی در این مرکز میباشد و کارآموزان با سیستمی که این مرکز دارد یعنی با سیستم آموزشی علمی و عملی مراحلی را که یک کارگر ساده درطول یکسال و حتی بیشتر در کارگاهها و کارخانجات نساجی نمی‌تواند یاد بگیرد در کوتاه‌ترین مدت دراین مرکز فرا خواهند گرفت.»

در این قسمت نمونه کارهای کارآموزان که شامل انواع پارچه های بافته شده بود بچشم میخورد که البته مرکز درنظر دارد در آینده نمونهٔ کارهای بافته شده کارآموزان مرکز را به شرکتهای تعاونی مصرف ارائه دهد و بمعرض فروش گذارد.

مرکز نمونه نساجی کارآموزی کرج علاوه برآموزش کارآموزان به تعلیم کارگران نساجی کارخانه های سراسر کشور نیز ازطریق اعزام مربیان خود اقدام نموده است. پنجاه نفر مربیان سیار این مرکز از اول سال ۱۳۵۳، تا پایان شهریور گذشته جمعاً ۴۳۳۷ نفر را در کارخانه های نساجی سراسر کشور آموزش حین کار داده‌اند وآنان را با روش صحیح کار نساجی آشنا کردند.

ضمناً بمنظور آشنائی بیشتر با صنایع نساجی درچند ماه گذشته طبق مذاکراتی که قبلا با مقامات آلمان فدرال بعمل آمد سه تن از کارشناسان نساجی آنکشور به ایران اعزام شدند وبا همکاری سه تن از کارشناسان صندوق کارآموزی به مدت دو ماه سرپرستان صنایع نساجی کارخانه های سراسر کشور را باپدیده-

تریکوبافی اشتغال دارند

های نوین این صنعت آشنا ساختند.

در کنار این اقدام باز هم به منظور آشنائی بیشتر با این صنعت صندوق کارآموزی گروهی از مربیان خود را به کشور های آلمان فدرال — سوئیس — ایتالیا و انگلستان اعزام داشت و این گروه ضمن بازدید از کارخانه های نساجی کشور های مذکور با روش های جدید کار با دستگاهها و ماشینهای نساجی در آنکشور ها آشنا شدند و از جمله برنامه های آینده این مرکز باز هم اعزام گروههائی دیگر از مربیان به کشور های خارج برای طی دوره آموزش میباشد. بجز سه قسمت رشته نساجی قسمت دیگری نیز به این صنعت اضافه شده است که این قسمت تریکو-بافی میباشد.

در این قسمت که کلیه کارآموزان آن را زنان تشکیل میدهند و تعدادشان یازده نفر می باشد، آموزشهای لازم را فرا میگیرند و در کنار آموزش عملی دروس تئوری نیز به آنان آموزش داده میشود.

در این کلاس نیز با کارآموزی بنام خانم اعظم محمدتقی گفتگوئی بعمل آمد و وی گفت: «با اینکه بیش از دو هفته از دوره آموزشی ام نمیگذرد در این مدت کوتاه توانسته ام این رشته را بطور کامل با روش علمی و عملی فرا گیرم» و نمونه های بافته شده وی و کلیه کارآموزان که در نوع خود عالی و بی نظیر بود در کارگاه بچشم میخورد.

در رشته تراشکاری که به قسمت تراشکاری و میل لنگ تراشی — فرز کاری — صفحه تراشی تقسیم میشود کارآموزان در قسمت های سه گانه بکارآموزی سرگرم میباشند در این رشته کارآموز با کارگر ساده در مرحله اولیه بمدت یکماه در یک دوره مقدماتی سوهانکاری میکند و در طول این مدت با لوازم و ابزار نیز آشنا میشود و پس از طی این مرحله به مرحله بعدی آموزش که کار با ماشینهای تراش-صفحه تراش و فرز میباشد مشغول میشود.

در این رشته از صنعت کارگر ساده پس از طی یک دوره چهار ماهه با احتساب دوره یکماهه مقدماتی یکدرجه مهارت را طی می نماید و پس از طی یکدرجه و رسیدن به درجه دیگر مهارت باید دوره های بعدی را طی کند و در طول این دوره ها فواصلی از طرف مرکز در نظر گرفته شده است که کارآموز باید این فواصل را بصورت کار عملی در خارج از مرکز طی کند تا مجدداً به دوره بعدی کارآموزی راه یابد در این رشته تراشکاری با میل لنگ تراشی و سنگ زدن به ۵ درجه — فرز کاری ۴ درجه و صفحه تراشی نیز به ۴ درجه مهارت تقسیم شده است.

در رشته لوله کشی و تاسیسات نیز کار-آموزان در دو قسمت جداگانه سرگرم کارآموزی میباشند.

در قسمت لوله کشی کارآموز با کارگر ساده با لوله کشی ساختمان و انشعابات آب سرد و گرم و طریقه صحیح لوله کشی بمدت چهار ماه آشنا میشوند.

در قسمت تاسیسات (شوفاژ) نیز کارآموز با کارگر ساده با کلیه تاسیسات — شوفاژ که عبارتست از — پمپ — مشعل — ساختمان پخش کننده (کلکتور) — نصب منبع انبساط-نصب منبع دوجداره — محاسبه ساده ساختمانی و لوله کشی با جوش گاز و نصب رادیاتور به مدت ششماه با روش علمی و عملی آشنا میشوند.

رشته برق به دو قسمت برق ساختمان و برق اتومبیل تقسیم شده است. در قسمت برق ساختمان که مدت آن سه ماه است کارآموزان با سیمکشی ساختمان بطور کامل — طرز کار کنتورهای برق — طرز کار موتورهای برق (سه فاز و یک فاز) — سیم کشی موازی — سیم کشی سری — انواع سیمها و موارد استعمال آنها در نقاط مختلف — لوله کشی برق ساختمان — طریقه نصب نمراتور — طریقه نصب قفل برقی استفاده از پریز های سه فاز و طریقه تبدیل آن به یک فاز-و همچنین طریقه آشنائی با اهم متر (اندازه گیر مقاومت) و آمپر متر بطریقه عملی و علمی و با روش صحیح آشنا میشوند.

در قسمت برق اتومبیل نیز که دوره آموزشی آن سه ماه است کارآموزان با باطری-اصول کار باطری — طریقه شارژ باطری — دینام و استارت — سیم کشی کامل اتومبیل — سیم کشی دلکو و شمع و کوئل از نظر شناسائی — طریقه برق رسانی از کوئل به دلکو آشنا میشوند.

در این قسمت میزان مهارت به ۲ درجه تقسیم شده است و کارآموز برای رسیدن به درجه مهارت باید یک دوره کار عملی به مدت یک سال در خارج از مرکز انجام دهد و پس از طی دوره یک ساله عملی در خارج از مرکز و در کارگاهها مجددا در مرکز دوره مهارت درجه یک را طی خواهد کرد و پس از موفقیت گواهینامه درجه ۱ دریافت خواهد کرد.

علاوه بر چهار رشته‌ای که بدانها اشاره شد رشته «روستا صنعتگر» نیز در کنار این چهار رشته برای کارآموزان روستائی بوجود آمده در این رشته روستائیان از طرف وزارت تعاون و امور روستاها و از طریق شرکتهای تعاونی روستائی و سهامی زارعی به این مرکز معرفی میشوند.

کارآموزان روستائی در این رشته با سیم کشی ساختمان و برق — جوشکاری برق لوله کشی و آبرسانی — تعمیرات موتور پمپ آب و آشنائی و نگهداری از موتور ژنراتورهای برق که در روستاها مورد لزوم آنان و در بعضی مواقع ضروری به نظر می‌رسد با روش صحیح و از طریق آموزش علمی و عملی آشنا خواهند شد هم اکنون تعداد ۵۰ کارآموز سرگرم کارآموزی در این مرکز می‌باشند.

این مرکز از اول سال ۱۳۵۲ تا پایان شهریور ماه ۱۳۵۴ جمعا ۶۲۵ کارآموز را در رشته های پنجگانه تربیت و وارد بازار کار کرده است.

هم اکنون در این مرکز ۱۲۰ نفر مهندس — مربی — کمک مربی و کادر اداری سرگرم فعالیت هستند رئیس این مرکز در گفتگو با رستاخیز کارگران اظهار داشت: برنامه های آینده مرکز شامل تقویت کادر مربیان سیار — تقویت آموزش ثابت در مرکز که با بهره‌برداری از کارگاه جدید نساجی به مرحله عمل در خواهد آمد — اعزام مربیان به خارج برای طی دوره‌های تخصصی — تجهیز مرکز برای صنایع آزمایشگاهی (که ساختمان آن نیز در حال تکمیل است و سال آینده مورد بهره‌برداری قرار میگیرد) که در آن قسمت نیز کارگر ماهر آزمایشگاهی که همان تکنسین آزمایشگاه می‌باشد تربیت خواهد شد — آشنا کردن جوانان مملکت با آموزشهای حرفه‌ای از طریق بازدیدهای دسته جمعی و علاقه‌مند نمودن آنان به صنعت و حرف مختلف و جذب به تحصیل در رشته های حرفه ای است.

ما می‌توانیم خدمات ارزنده‌تری ارائه کنیم و این درصورتی است که از هرحیث مجهز شویم و امکانات در اختیار داشته باشیم و امیدوارم این مرکز بتواند در آینده در تمام رشته ها کلیه کارگران ساده و نیمه‌ماهر را به کارگر ماهر و استاد کار تبدیل کند و نیروی انسانی ماهر را در تمام کشور به حدی برساند که نیازی به استخدام متخصص و کارگر ماهر از خارج نباشد.

طی ۸ سال آینده یک میلیون کارگر با سواد می‌شوند

براساس طرحی که در زمینه سواد آموزی کارگران از طرف دفتر با سواد کردن وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و بمورد اجرا گذاشته خواهد شد طی هشت سال آینده یک میلیون کارگر با سواد میشوند. همزمان با اجرای این طرح که بمنظور با سواد کردن کارگران انجام میگیرد **برای افزایش تخصص کارگران با حرفه و فن خود از طرف مربیان و سرپرستان صندوق کار آموزی** نیز یکدوره آموزش حرفه‌ای حین کار آغاز میشود.

هم اکنون علاوه بر معلمانیکه در کلاسهای سواد آموزی کارگران در کارگاهها و کارخانجات سرگرم آموزش کارگران میباشند ۸۴۵ معلم و ۱۰۰۰ نفر سپاهی خدمات اجتماعی نیز برای تدریس به نقاط مختلف کشور اعزام شده‌اند. همچنین بمنظور تشویق کارگران برای شرکت در کلاسهای سواد آموزی ۵ درصد به حقوق کارگرانیکه موفق به دریافت گواهینامه پایان تحصیلات کلاسهای پیکار با بیسوادی میشوند اضافه خواهد شد.

طرح دیگری که دفتر با سواد کردن کارگران وزارت کار و امور اجتماعی دارد برنامه سواد آموزی تابعی است که در صنایع و حرفه مختلف اجرا میشود. هم اکنون شانزده کلاس سواد آموزی تابعی در کارگاههای نساجی شهرستان یزد دائر است و در آینده نزدیک این طرح در کارخانجات نساجی کاشان با همکاری اداره آموزش بزرگسالان بمرحله اجرا در می‌آید و در کلاسهای سواد آموزی تابعی نساجی به کارگران خلاصه‌ای از تکامل صنعت نساجی تکنولوژی ریسندگی و بافندگی — کمکهای اولیه — بهداشت و تنظیم خانواده و پیشگیری از حوادث نیز تدریس میشود.

خواهران و برادران کارگر با شرکت در کلاسهای پیکار با بیسوادی خود را برای زندگی بهتر آماده میکنند.

یک کمیته ویژه در سازمان کارگران برای مبارزه با فساد تشکیل شد

در آخرین جلسه هیئت اجرائی سازمان کارگران ایران که به ریاست آقای ابکاری رئیس سازمان و باحضور نمایندگان کارگران درمجلس شورای ملی ، معاونان و اعضای هیئت اجرائی سازمان تشکیل شد ویژگی های اصول چهارم و سیزدهم انقلاب شاه و ملت و اثراتی که این دو اصل انقلاب در دگرگونی وضع جامعه کارگری ایران و تأمین رفاه آنان داشته است تشریح گردید و اعلام شد سازمان کارگران به پیروی از نیات رهبر عالیقدر ایران بطور گسترده در برنامه مبارزه بافساد شرکت میکند و برهمین اساس نیز یک کمیته ویژه در سازمان تشکیل گردیده است.

در این جلسه که درمحل سازمان کارگران ایران تشکیل شد ابتدا آقای ابکاری در بارۀ چهاردهمین سالگرد انقلاب شاه و ملت گفت: عموم کارگران ایران بااشتیاق و غرور خاصی درمراسم این روز بزرگ تاریخی ، که درحیات ملت ایران نقطه عطف و سرآغاز ترقی و پیشرفت ورفاه وبهزیستی این مرزوبوم ومردم آن بشمار میرود ، شرکت کردند بویژه که برگزاری هرچه باشکوه تر این مراسم ، ازسوی عموم طبقات مردم این مملکت و از جمله کارگران ، نشانه وحدت ملی و یکپارچگی ملتی است که تحت رهبری خردمندانه شاهنشاه آریامهر ، بسرعت بسوی دروازه های تمدن بزرگ گام برمیدارد.

در سالروز انقلاب ، افتخار دیگری نصیب کارگران شد

وی افزود : خوشبختانه کارگران ایران، دراین روز، ازافتخار بزرگ دیگری هم برخوردار شدند و سعادت شرفیابی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر نصیبشان گردید و این توفیق را یافتند که احساسات بی شائبه و سپاس قلبی خویش را به پیشگاه رهبر خردمند ایران عرض کنند. و نیز در همین مراسم پرشکوه بود که شاهنشاه آریامهر ، اسناد سهیم شدن گروه کثیری از کارگران واحدهای تولیدی را به نمایندگان آنان مرحمت فرمودند.

رئیس سازمان کارگران ایران ، سپس به اهمیت شرکت کارگران در فعالیت های حزبی و سیاسی و تشکیل کانونهای کارگری اشاره کرد و افزود : اکنون که بفرمان شاهنشاه آریامهر ، همه کارگران مانند دیگرطبقات ملت ایران در تشکیلات سیاسی واحدی گردآمده و درلوای حزب رستاخیزملت ایران قرارگرفته اند باید بطور یکپارچه و هماهنگ با دیگرگروههای اجتماعی ، بطور فعالانه ای در فعالیت های سیاسی و حزبی شرکت کنند و برای پیشبرد هدفهای ملی و اعتلای مملکت گام بردارند . همچنانکه همواره در صفوف اول انقلاب قرار داشته اند اینک نیز باشرکت گسترده در کانونهای حزبی ، نقش سازنده خود را نشان دهند.

آموزش سیاسی

سپس در این جلسه پیرامون تشکیل هرچه بیشتر کانونهای حزبی کارگری بحث و گفتگو شد و پیشنهاد گردید ، یک کمیته آموزشی متشکل از نمایندگان کارگران در مجلس شورایملی و گروهی از صاحبنظران مسائل حزبی تشکیل شود و وظیفه آموزش حزبی و سیاسی کارگران را برعهده بگیرد تا کارگران باآشنایی بیشتر نسبت به مسائل حزبی و سیاسی بتوانند کانونهای موفقی تشکیل دهند.

در این جلسه همچنین در باره کنگره آینده کارگران که قرار است در تاریخ هفتم اردیبهشت سال ۱۳۵۵ ، باحضور بیش از ۵ هزارنفر از نمایندگان کارگران ، اتحادیه ها سندیکاها و شوراهای کارگاههای سراسر کشور در تهران تشکیل شود بحث و تبادل نظر شد و برای برگزاری هرچه باشکوهتر این کنگره عظیم کارگری و توفیق آن ، تصمیماتی اتخاذ گردید.

در این جلسه پس از بحث و تبادل نظر اعضاء کمیته های تدارکات و دبیرخانه موقت کنگره و نیز کمیته بررسی اساسنامه سازمان انتخاب شدند.

آموزش سرودهای میهنی

دربیست و چهارمین جلسه سازمان کارگران استان ساحلی که باحضور آقای بختیارنیا رئیس اداره کل کار و امور اجتماعی استان ساحلی ، رؤسا و دبیران سندیکاهای کارگری و نمایندگان کارگران وابسته به سازمان تشکیل شد مسائل کارگری مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و برای رفع نیازهای کارگران تصمیماتی اتخاذ شد.

در این جلسه حمزه پاسالاری رئیس سندیکای رانندگان تاکسی و کرایه ای بندرعباس پیرامون شعائرملی ومیهنی صحبت کرد و پیشنهاد نمود با توجه به علاقمندی کلیه کارگران استان و ارزش و اهمیت خاصی که برای سنن ملی و شعائر میهنی قائل هستند ترتیبی اتخاذ شود که سرودهای میهنی و خصوصاً سرود شاهنشاهی ایران به کلیه کارگران استان آموزش داده شود . این پیشنهاد با مسرت مورد تصویب قرار گرفت ومقررشد ، ترتیب لازم برای آموزش سرودشاهنشاهی به کارگران داده شود.

در پایان این جلسه عبدالله جمالی نماینده کارگران سدمیناب ، بعنوان رابط سازمان کارگران استان ساحلی درشهرستان میناب انتخاب شد.

کارگران ساری : با کار و کوشش، دین خود را به انقلاب ادا می کنیم

جلسه هفتگی سازمان کارگران شعبه شهرستان ساری درمحل جدید این سازمان تشکیل شد.

در ابتدای این جلسه شعبان صلواتی محمدی رئیس سازمان ، هدفهای انقلاب شاه و ملت را تشریح کرد ، وضمن اشاره به مواهبی که ازآغاز انقلاب سپید نصیب جامعه کارگری ایران شده است افزود :

ما اکنون درعصر شکوهمند رستاخیز زندگی می کنیم و ازحداکثر رفاه و آسایش برخوردار هستیم . لذا بشکرانه مواهبی که خصوصاً بما طبقه کارگر ارزانی شده است ، باید خودرا با جامعه پیشرفته امروز ایران هماهنگ سازیم وبابالا بردن سطح کارآئی خود و کوشش شبانه روزی ، دینی را که دربرابر انقلاب ایران بگردن داریم ، ادا کنیم.

سپس دبیرسندیکای خبازان ساری پیرامون اجرای دقیق مواد قانون کار و میزان ساعات کار روزانه کارگران خباز و برخورداری ازایام تعطیل مطالبی عنوان کرد.

برای گروهی از کارگران بندرعباس لباس کار و مزایای قانون کار درخواست شد

دربیست و ششمین جلسه هفتگی سازمان کارگران استان ساحلی که با حضور گروهی از دبیران و رؤسای سندیکاهای کارگری و نمایندگان کارگران استان و به ریاست محمد ایراندوست درمحل سازمان تشکیل گردید ، مشکلات پاره ای از کارگران اداره بندر و کشتیرانی بندرعباس مطرح شد.

در این جلسه قاسم شجاعی عضو هیئت مدیره سازمان کارگران ، ضمن طرح این مشکلات ، ازاداره بندر و کشتیرانی بندرعباس بعنوان یکی از پیشگامان اجرای قانون کار یاد کرد و افزود : با آنکه این سازمان همواره رفاه کارگران را مورد نظر داشته ، ولی متأسفانه گروهی از کارگران را که دو الی سه سال در آن سازمان سابقه کار دارند بعنوان آنکه کارگر موقت هستند از دریافت لباس کار و پاره ای مزایا که به کارگران رسمی پرداخت میشود محروم نموده است.

ناطق افزود :

این کارگران با توجه به حسن نیت اداره بندر و کشتیرانی بندرعباس ، انتظار دارند هر چه زودتر نسبت به دراختیار گذاردن لباس کار و دیگر مزایای متعلقه آنان اقدام نماید و سپس دیگر مسائل کارگری مطرح شد و درهرمورد تصمیمات لازم اتخاذ گردید.

لزوم مشارکت کارگران در فعالیت های اجتماعی تشریح شد

مشارکت کارگران برای تشکیل کانونهای حزبی کارگری و گسترش فعالیتهای سیاسی و اجتماعی ازسوی آنان، هرروز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران در نقاط مختلف کشور با گردهم آئی، کانونهای حزبی جدیدی تشکیل میدهند. از جمله کارگران شهرستان خوی با گردهم آئی و تشکیل دو کانون حزبی بفعالیتهای خود در زمینه بررسی مسائل سیاسی، مملکتی ومنطقه ای، شکل تازه ای بخشیدند.

درجلسه هفتگی سازمان کارگران شعبه شهرستان خوی که بریاست جمشید شهبازی رئیس سازمان کارگران این شهرستان تشکیل شد، ضمن اشاره بفعالیت این دو کانون حزبی، لزوم مشارکت گسترده کارگران درفعالیتهای اجتماعی تشریح گردید و گفته شد: کارگران این شهرستان با اشتیاق وافر و آگاهی از اهمیتی که حزب رستاخیز ملت ایران برای کانونهای حزبی قائل است درصدد تشکیل کانونهای کارگری جدیدی هستند.

ماشینهای تراش باید به پوشش حفاظتی مجهز باشند

پیشرفتهای عظیم علم و تکنیک و توسعه صنایع و آهنگ سریع کار ماشینها و خطراتی که از این رهگذر متوجه کارگران میگردد موجب شده است که مساله پیشگیری حوادث و بیماریهای ناشی از کار بیش از پیش کسب اهمیت نماید.

به پیروی از این دیدگاه، ما نیز هر بار به بحث پیرامون یکی از این پدیده‌ها میپردازیم. در زمینه صنعت تراشکاری و کار با دستگاههای تراش و چگونگی پیشگیری با حوادثی که براثر بی‌دقتی و بی‌توجهی صورت میگیرد، کفتنی بسیار است.

هر کارگر لایق و با استعداد بخوبی میداند که زمانی در کار خود موفق خواهد بود که در حرفه مربوط به خود دارای اطلاعات فنی باشد و هنگام کار خطرات را بداند و از حوادثی که برای دیگران درحین کار رخ داده تجربه بدست آورد و پند بگیرد تا بتواند از حوادث کار که در نتیجه بی‌مبالاتی و عدم توجه بدستورات حفاظتی بوجود میآید مصون باشد و سلامتی خود را حفظ نماید بویژه برای کارگران تراشکار چرا که کار کردن با ماشینهای تراش دقت میخواهد و چون براثر کمترین غفلت احتمال حادثه میرود باید به نکاتی توجه نمود که ازسوی مسؤلان حفاظتی بدانها اشاره میشود موقع پاک کردن و گریسکاری دستگاه تراش باید دستگاه را خاموش و از کار انداخت و بعد قسمتهای مختلف آنرا که احتیاج به پاک کردن و گریسکاری دارد پاک و گریسکاری نمود. در غیر اینصورت برای کارگری که ماشین تراش درحین کار را میخواهد پاک یا گریسکاری کند، امکان بروز حادثه میرود. بعنوان مثال به تصویری که بر اثر بی‌احتیاطی کارگری که موجب قطع دو انگشتش شده نگاه کنید.

این کارگر برای گریسکاری، دستگاه تراش سرپوش محافظ چرخ دنده را برداشته و بدون اینکه دستگاه را از کار بیندازد، با انگشتان خود مشغول گریسکاری چرخ دنده‌ها بود که بناگاه دو انگشتش لای چرخ دنده‌ها گیر کرد و خرد شد.

* هنگام کار با دستگاه تراش باید لباس چسبیده بتن پوشید و آستین های خود را از داخل بالا زد در غیر اینصورت و با پوشیدن لباس گشاد احتمال بروز حادثه میرود چون هنگام کار با دستگاههای تراش امکان دارد قسمتی از لباس [illegible] آن لای چرخ دنده‌ها گیر نموده و حادثه‌ای ببار آورد.

* هنگام کار با سنگ سمباده نیز باید از عینک حفاظتی مخصوص استفاده نمود چون در غیر اینصورت ممکن است براده فلز بچشم اصابت نموده و نتیجه به عدسی چشم آسیب وارد [illegible].

* هنگام [illegible] دست خود را در سوراخ جسمی که در حرکت است فرو برد چون امکان دارد دست بوسیله آن جسم بداخل ماشین کشیده شده و موجب قطع و یا خرد شدن انگشتان دست شود.

* در هنگام کار با دستگاه تراش کراوات و شال گردن را باید از خود دور ساخت چون ممکن است بهنگام کار قسمتی از شال گردن و یا کراوات به قسمتی که درحال حرکت دورانی است گیر نموده و باعث شود کارگری که مشغول کار با دستگاه هست بشود و او را مصدوم نماید.

* هنگام اندازه‌گیری قطر میله‌ای که در حال تراش است باید دستگاه بی‌حرکت باشد چه در غیر اینصورت هر آن احتمال خطر و بروز حادثه میرود.

* آخرین نکته در مورد روپوش یا پوشش حفاظتی چرخ دنده‌ها میباشد و در این مورد لازم است پس از برداشتن پوشش و انجام تعمیر مجدداً پوشش حفاظتی را درجای خود قرار داد در غیر اینصورت امکان دارد کارگری بدون آگاهی قبلی از اینکه دستگاه فاقد پوشش میباشد دست خود را به قسمتهای مختلف ماشین نزدیک نموده و انگشتان خود را از دست بدهد. درقبال این کار و برای جلوگیری از حوادث احتمالی مامورین حفاظت نیز مسئولیت سنگینی برعهده دارند.

وظیفه مسئولین حفاظتی آنستکه همه روزه پس از اتمام کار تمام قسمتهای متحرك ماشین تراش از قبیل چرخ طیار چرخ دنده — تجهیزات ترانسمیسیون — میله — تسمه — چرخ زنجیری و غیره از لحاظ پوششهای حفاظتی کنترل نموده و اگر بدستگاهی برخورد می‌نمایند که فاقد روپوش حفاظتی است فوراً آن دستگاه را مجهز به روپوش نمایند و به کارگری که مرتکب این سهل انگاری شده است تذکر داده شود.

بررسی حوادث کارگران ساختمان

مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار با بررسی و تجزیه و تحلیل حوادث کارگری روشهای پیشگیری را ادامه خواهد داد.

برای این منظور مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار اقدام به تهیه یک آرشیو از حوادث گوناگون کرده تا از این طریق بتواند با مشخص کردن تعداد بیشترین نوع حوادث کارگران را برای ایمنی بیشتر راهنمائی کند.

براساس آمارهای رسیده به این مرکز در دیماه گذشته حدود ۱۳۰ فقره گزارش حوادث از شهرستانها بمرکز تحقیقات رسید که مورد بررسی آماری قرار گرفت.

همه ساله نمودارهای حوادث گویای این حقیقت بوده که دراثر پیشرفتهای صنعتی میزان حوادث افزوده شده است و آنچه که مسلم شده بعد از حوادث ترافیک که جنبه کارگری تقریباً ندارد سقوط از ارتفاع و قطع انگشت بوسیله پرس بیشترین حوادث را تشکیل میدهند و حوادث ناشی از برق گرفتگی و جابجا کردن اشیا وغیره در ردیف‌های بعدی حادثه‌انگیز بوده است. مرکز تحقیقات در نظر دارد آمارهای جامعی که با استانداردهای بین المللی ازلحاظ ضریب و شدت حادثه تطبیق می‌نماید تهیه کند چون حوادث ساختمانی بسیار افزایش یافته مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار با تهیه یک سری سیستم‌های ایمنی برای کارگران که در ارتفاع کار میکنند قصد دارد تا حد امکان میزان اینگونه حوادث را کاهش دهد و نسبت به موارد ایمنی و استفاده از تجهیزات انفرادی مدرن آنان را ترغیب و تشویق نماید.

بی دقتی حادثه آفرید...

برای چندمین بار است که خبر حادثه‌ای را که دراثر عدم دقت و روشن کردن آتش درمحل کارگاه بوقوع پیوسته در این صفحه منعکس میکنیم و این بار نیز حادثه دیگری از این قبیل داریم. توجه کارگران عزیز و همچنین کار‌فرمایان را به این نکته جلب میکنیم که با رعایت اصول حفاظتی و دقت بیشتر جان عزیز خود و همچنین سرمایه خود را این چنین رایگان ازدست نخواهند داد.

با خبر شدیم که کارخانه کارتن سازی محمد گنجی واقع در خیابان شوش خیابان کاخ جوانان دچار آتش‌سوزی شد و در نتیجه یک کارگر جان خود را از دست داد.

حادثه از آنجا شروع شد که عده‌ای از کارگران کارخانه برای گرم کردن خود در محل کارگاه آتش افروختن که ناگهان شعله‌های آن زبانه کشید و قسمتهائی از کارخانه را دربرگرفت که در نتیجه ۳ تن از کارگران در محاصره آتش قرار گرفتند.

مامورین آتش نشانی بلافاصله با اطلاع از این حادثه بمحل رسیدند و برای خاموش کردن حریق و نجات کارگران فعالیت خود را آغاز کردند و ۳ نفر از کارگران کارخانه را که بشدت دچار سوختگی شده بودند به بیمارستان خزانه انتقال دادند. اسامی کارگرانیکه در این کارخانه دچار سوختگی شدند عبارت از قربان ۱۸ ساله — قنبرعلی ۱۴ ساله و شوکتیان ۱۴ ساله که متاسفانه یکی از کارگران بنام قربان که بشدت سوخته بود در بیمارستان جان سپرد.

بیست و نهمین دوره کلاس آموزش حفاظت پایان یافت

بیست و نهمین کلاس اصول حفاظت که درمرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار تشکیل شده بود پایان یافت و گواهینامه شرکت کنندگان طی مراسم خاصی به آنان تسلیم شد. در این کلاس که مهندسین و مسئولین حفاظت کارخانه‌ها شرکت داشتند یکی از مهندسین شرکت ملی ذوب‌آهن که مقام اول را بدست آورده بود طی سخنانی از اقدام اساسی و پیگیر مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار در امر تشکیل کلاسهای حفاظتی تشکر کرد و افزود باید سعی شود باگسترش این کلاسها افراد بیشتری امکان شرکت بدست آورند. در بیست و نهمین دوره کلاس حفاظتی که بمدت دو هفته ادامه داشت ۶۰ تن از واحدهای تولید شهرستانها شرکت داشتند و توسط کارشناسان این مرکز با اصول حفاظتی و ایمنی در کارگاهها آشنا شدند.

بازدید معاون قسمت بهداشت و حفاظت دفتر بین المللی کار از مرکز تحقیقات

آقای دکتر سدلاك معاون قسمت بهداشت و حفاظت فنی دفتر بین المللی کار از مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار بازدید کرد.

آقای سدلاك که درسرراه خود به افغانستان مدت کوتاهی در کشور ما توقف داشت در مورد طرحهای آینده این مرکز مذاکراتی با مقامات مرکز تحقیقات بعمل آورد و از پیشرفت و گسترش آزمایشگاههای مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار دیدن کرد.

بازار کار

فرزکار

۱—تخصص مورد نیاز: فرزکاری
۲—تعداد: ۵ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: —
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۵

تعمیرکار کولر

۱—تخصص مورد نیاز: تعمیرکاری
۲—تعداد: ۴ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: آشنائی به تعمیر وسایل خنک کننده
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۱

ساز

۱—تخصص مورد نیاز: قفل سازماشین
۲—تعداد: ۱۰ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۰ سال
۵—تجربه: —
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. ناهار
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۲

خیاط

۱—تخصص مورد نیاز: خیاط زنانه
۲—تعداد: ۲۰ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: ۲ سال
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. ناهار
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۱

نجار

۱—تخصص مورد نیاز: نجار ماشین کار
۲—تعداد: ۱۰ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: دارا باشد
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. سرویس.
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۲

مکانیک درجه ۲

۱—تخصص مورد نیاز: مکانیک اتومبیل
۲—تعداد: ۲۰ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: کافی
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۸—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۹—حداقل حقوق: ۸۳۹۰ ریال
۱۰—مزایای شغل: بیمه.
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۴

جوشکار

۱—تخصص مورد نیاز: جوشکار کاربیت
۲—تعداد: ۱۵ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: کافی
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: ۸۵۰۰ ریال
۱۰—مزایای شغل: بیمه
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۳

رنگ کار

۱—تخصص مورد نیاز: رنگکار و سمباده کار
۲—تعداد: ۸ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: کافی
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: بالای ۱۰۰۰۰ ریال
۱۰—مزایای شغل: بیمه
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۴

بهیار

۱—تخصص مورد نیاز: کمک بهیار
۲—تعداد: ۳۰ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۲۵ سال
۵—تجربه: داشته باشد
۶—تحصیلات: سیکل اول متوسط
۷—شرایط دیگر: —
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۳۰

مونتاژ

۱—تخصص مورد نیاز: مونتاژ رادیو. تلویزیون
۳—جنس:
۴—سن: حداقل ۱۴
۵—تجربه: مطرح نیست
۶—تحصیلات: ۲ پیکار
۷—شرایط دیگر:
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه
۱۱—آخرین مهلت مراجعه ۵۴/۱۲/۴

فروشنده

۱—تخصص مورد نیاز: فروشنده لباس
۲—تعداد: ۱۵ نفر
۳—جنس: زن
۴—سن: حداکثر ۳۰ سال
۵—تجربه: مطرح نیست
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر:
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: ماهانه ۷۰۰۰ ریال
۱۰—مزایای شغل: بیمه.
۱۱—آخرین مهلت مراجعه ۵۴/۱۲/۳۰

تکنیسین

۱—تخصص مورد نیاز: تکنسین برق
۲—تعداد: ۳۵ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: ۳ سال
۶—تحصیلات: دیپلم فنی
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت.
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. وسیله رفت‌وآمد
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۳۰

لاستیک‌ساز

۱—تخصص مورد نیاز: لاستیک‌سازماشین
۲—تعداد: ۳۰ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: —
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه. ناهار. سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۱

برقکار

۱—تخصص مورد نیاز: برقکار اتومبیل
۲—تعداد: ۳۰ نفر
۳—جنس: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: —
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغل: بیمه‌سرویس. ناهار ارزان
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۴

پرسکار

۱- تخصص مورد نیاز: پرسکار یخچال
۲- تعداد: ۱۲ نفر
۳- جنس: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: -
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: ماهیانه ۹۷۸۰ ریال
۱۰- مزایای شغل: بیمه.
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۳

شیشه‌ساز

۱- تخصص مورد نیاز: شیشه‌ساز در و پنجره
۲- تعداد: ۱۰ نفر
۳- جنس: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: کافی
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغل: بیمه. سرویس. ناهار ارزان
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۳

کارگرد در و پنجره‌ساز

۱- تخصص مورد نیاز: در و پنجره‌سازی آلومینیم
۲- تعداد: ۱۰ نفر
۳- جنس: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: -
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغل: بیمه.
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۳

رانندهٔ پایهٔ یک

۱- تخصص مورد نیاز: رانندهٔ پایهٔ یک کامیون
۲- تعداد: ۲۵ نفر
۳- جنس: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: کافی
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت. مجرد
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغل: بیمه. مسکن.
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۲

ماشین نویس

۱- تخصص مورد نیاز: ماشین‌نویس فارسی و لاتین
۲- تعداد: سه نفر
۳- جنس: زن
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: یکسال
۶- تحصیلات: دیپلم متوسط

۷- شرایط دیگر: -
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغل: بیمه. سرویس
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۳۰

ابزارکار

۱- تخصص مورد نیاز: ابزارکار ماشین
۲- تعداد: ۸ نفر
۳- جنس: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: -
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغل: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۲

کارگرساده

۱- تخصص مورد نیاز: نقن‌ساز
۲- تعداد: ۱۵ نفر
۳- جنس: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۸ سال
۵- تجربه: مطرح نیست
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغل: بیمه. سرویس. ناهار ارزان
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۱

آشپز

۱- تخصص مورد نیاز: آشپز خانگی
۲- تعداد: ۲ نفر
۳- جنس: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: کافی
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: شبانه روزی
۸- محل خدمت تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغل: بیمه. ناهار. مسکن.
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۳

نگهبان

۱- تخصص مورد نیاز: نگهبانی ساختمان
۲- تعداد: ۱۵ نفر
۳- جنس: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: کافی
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغل: بیمه‌ناهار
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۱۲/۱

سرایدار

۱- تخصص مورد نیاز: سرایداری منزل
۲- تعداد: ۲ نفر
۳- جنس: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال

بازار کار - شهرستانها

خرمشهر

۱- راننده جرثقیل ۱۰ نفر
۲- جوشکار در و پنجره ۱۰ نفر
۳- متخصص مکانیک هواپیما ۱ نفر
۴- راننده پایه یکم ۲ نفر
۵- کارآموز ملوانی ۴۰ نفر
۶- فلزکار و خم کار ۵ نفر

رشت

۱- کارگرساده ۴۸ نفر
۲- رفوگر ۱۰ نفر
۳- نگهبان ۲۰ نفر
۴- فرزکار ۲ نفر
۵- کارگرفنی ۲ نفر
۶- ماشین نویس ۱ نفر
۷- جوشکار ۳ نفر
۸- فروشنده زن ۴ نفر
۹- آشپز ایرانی ۳ نفر

اصفهان

۱- انباردار فنی ۶۰ نفر
۲- کارگر سیکل ۲۰ نفر
۳- برق کار ۶۰ نفر
۴- راننده پایه یک ۲۰ نفر
۵- آشپز فرنگی ۵ نفر
۶- باغبان ۱۶ نفر

۷- چرخ کار ۷ نفر
۸- تعمیرکار ۱۵ نفر
۹- پیشخدمت ۷ نفر
۱۰- مونتاژ کار ۶ نفر

کرمان

۱- حسابدار ۳ نفر
۲- کارآموز ۷۵ نفر
۳- راننده مکانیک ۳ نفر
۴- راننده بیل مکانیکی ۱۰

یزد

۱- راننده ۴ نفر
۲- کارگر قندریز ۴ نفر
۳- مکانیک ماشین آلات ۵ نفر
۴- کارگر زن ۲ نفر
۵- خدمتگزار زن ۵ نفر

رفسنجان

۱- راننده پایه یک ۵ نفر
۲- خیاط ۳ نفر
۳- نظافتچی ۱۳ نفر
۴- خدمتگزار ۵ نفر

مشهد

۱- آشپز ۱ نفر
۲- تراشکار ۳ نفر
۳- آمارگر ۱۰ نفر
۴- خدمتگزار زن ۳ نفر

زاهدان

۱- تکنسین برق ۱ نفر
۲- لوله کش ۲ نفر
۳- تراشکار ۵ نفر
۴- صافکار ۵ نفر
۵- لوله کش ۱۲ نفر

شاهرود

۱- پرستار ۳ نفر
۲- مکانیک ۷ نفر
۳- راننده پایه ۲ همگانی ۳ نفر
۴- سنگ تراش ۵ نفر
۵- خیاط ۲ نفر
۶- خدمتگزار ۴ نفر

شیراز

۱- خدمتگزار ۵ نفر
۲- تلفنچی ۳ نفر
۳- شوفاژ کار ۵ نفر
۴- ماشین نویس ۳ نفر
۵- فروشنده زن ۴ نفر

لنگرود

۱- ریخته گر ۶ نفر
۲- افزارمند ۴ نفر
۳- تراشکار ۶ نفر
۴- جوشکار ۲ نفر
۵- سیمانکار ۸ نفر
۶- کارگرساده ۴۰ نفر

بندرعباس

۱- صندوقدار ۵ نفر
۲- جوشکار ۶ نفر
۳- صافکار ۵ نفر
۴- پرستار ۲ نفر
۵- ریخته گر ۵ نفر

علاقمندان و واجدین شرایط میتوانند همه روزه تا مهلت‌های ذکر شده در تهران به ادارات کاریابی و در شهرستانها به مراکز کاریابی و یا ادارات نیروی انسانی مراجعه نمایند

برنامه‌کارگر از رادیو

یکشنبه ۳ اسفند
* ساعت ۱۲/۳۰ — نماز معیدی برای کارگران
* رویدادهای خبری کارگران.
* معرفی کارگران نمونه کشور (کارگران برگزیده).
* برنامه آقای آگاه دلها مجتبی — (شناسائی چهره شهرستانهای ایران).
* رویدادهای خبری.

دوشنبه ۴ اسفند
* ۱۲/۳۰ — پیام به کارگران عزیز.
* رویدادهای خبری.
* اجرای یک ترانه ایرانی (توسط کارگر هنرمند).
* معرفی کارگران برجسته (دنیای پرماجرای بلند آوازگان).
* گزارش رادیوئی از یکی از واحدهای صنعتی کشور.
* رویدادهای خبری.

سه‌شنبه ۵ اسفند
* ساعت ۱۲/۳۰ — پیام مفیدی برای کارگران.
* رویدادهای خبری.
* گزارش بهداشتی، در این برنامه پزشک کارگران مسائل بهداشتی کارگران را در کارگاه تشریح می کند.
* شاهنامه خوانی (قرائت بخشی از حماسه فردوسی توسط غلامعلی خان‌حقیقت).
* رویدادهای خبری.

چهارشنبه ۶ اسفند
* ساعت ۱۲/۳۰ — یک پیام سودمند.
* رویدادهای خبری و هنری کارگران.
* گزارش رادیوازفعالیتهای کارگران در یکی از کارگاههای صنعتی کشور.
* رویدادهای خبری.

پنجشنبه ۷ اسفندماه
* ۱۲/۳۰ — راهنمائی ویژه کارگران
* رویدادهای خبری
* نمایشنامه (در این برنامه اطلاعاتی در زمینه های گوناگون در اختیار کارگران عزیز گذاشته میشود)
* رویدادهای خبری.

شنبه ۹ اسفندماه
* ۱۲/۳۰ — گزارش خبری کارگران.
* پیام برای کارگران.
* گزارش رادیوئی از مسائل کارگری.
* دانستنیها و شنیدنیها (در این بخش از برنامه کوشش میشود آگاهیهائی به کارگران داده شود).
* گزارش ورزشی کارگران (و معرفی کارگران قهرمان ورزشکار).
* رویدادهای خبری

برنامه‌کارگر از تلویزیون

یکشنبه ۳ اسفند ماه
* ساعت ۱۲/۰۵ — فیلم.

شناسائی انواع پرسها و حفاظهای مربوط به آن و همچنین آشنا کردن کارگران با طرز کار آنها موضوع این فیلم را تشکیل می‌دهد. (این برنامه به مدت ۲۰ دقیقه تهیه شده و پخش می گردد).

* بحثی درباره شرکتهای تعاونی.

در این قسمت از برنامه چگونگی اجرای اصل سیزدهم انقلاب و مراحل مختلف آن در کارخانه جنرال تایر تشریح شده و آقای بلندقد مدیرعامل شرکت تعاونی این واحد تولیدی به سئولات مطروحه پاسخ می دهند.

سه‌شنبه ۵ اسفندماه
* ساعت ۱۶/۳۵ — فیلم.

در یک نظرخواهی عمومی مردم تهران از بدقولی، و نداشتن مهارت فنی کارگران تعمیرکار شکایت دارند و کمبود کارگران متخصص، جابجائی کارگران تعمیرکار و دولت را مسئول این نابسامانی می‌دانند.

آقای دکتر ناصری معاون نیروی انسانی وزارت کار و امور اجتماعی، توسعه و پیشرفت کشور و عدم آگاهی مردم را در زمینه کارهای تعمیراتی جزئی علت اساسی دانسته و برنامه های آموزشی حرفه ای را در کشور یادآوری و تاکید می کنند.

کارگران عزیز میتوانند بحث بالا را در این فیلم ملاحظه کنند.

* آموزش حرفه ای — در این بخش از برنامه پیرامون مشکلات مردم و تعمیرکاران با توجه به لزوم آموزش حرفه ای سخن خواهد رفت.

یکشنبه ۱۰ اسفندماه
* ساعت ۱۲/۰۵ —

آهنگ شاد — (در ابتدای برنامه امروز فرهاد سلیم بهمن فراهانی و عبداله خورش، کارگران هنرمند قطعه ای با سنتور و ضرب می نوازند.)

* — شرکتهای تعاونی.

(گفتگوئی با عبدالرحیم میرمطهری مدیرعامل شرکت تعاونی مصرف کارگران کارخانه تولیددارو درباره اصل سیزدهم انقلاب و پیرامون مسائل تعاونی کارگران این واحد تولیدی).

* — فیلم — سلول فتوالکتریک و استفاده آنها در حفاظهای مختلف، موضوع این فیلم می‌باشد.
* بحث بهداشتی.

برق گرفتگی و خطرات ناشی از آن و همچنین راههای پیشگیری از این خطرات، موضوعی که آقای دکتر محمد رازی پزشک مخصوص کارگران در زمینه آنها اطلاعات مفیدی در اختیار کارگران می گذارد.

سه‌شنبه ۱۲ اسفندماه
اثرات نامطلوب سر و صدا.

در آغاز برنامه امروز کارگران آقای دکتر محمد رازی درباره اثرات سر و صدا در ایجاد بیماریهای حرفه‌ای و طرق جلوگیری از آنها صحبت خواهد کرد.

* فیلم — (گزارش از یک واحد تولیدی کشور).

در این فیلم کارگران عزیز با وضع کارگران کارخانه ریسندگی کشمیران و سپس با مراحل گوناگون تولید آشنا می گردند.

توضیح — طبق اطلاع مسئولین برنامه های کارگری رادیو و تلویزیون، به علتهای پیش بینی نشده احتمال تغییر و جابجائی هریک از برنامه های کارگران در خلال هفته وجود دارد.)

خانم ارژنگی با اینکه کارگر خیلی جوانی است اما علیرغم تمام مشغله روزمره از تلاش نمی‌ایستد و در اثر این تکاپو همیشه بعنوان یک کارگر فعال در کارخانه و بعنوان یک دانش‌آموز جدی در مدرسه شناخته شده است.

وی دومین بار است که در مسابقات داخلی مهارت فنی شرکت می کند و در مسابقات مقدماتی امسال در بین شرکت کنندگان استان مرکز در رشته تعمیر رادیو و تلویزیون نفر سوم شده است.

خانم ارژنگی موفقیت خودرا مدیون علاقه و ایمان می‌داند و معتقد است که شرکت در مسابقات مهارت فنی بهترین فرصت رشد استعداد کارگران است.

* یوسف بالاخانی هنرجوی رشته سیم کشی ساختمان در سال ۱۳۳۶ در تهران بدنیا آمد. وی اکنون هنرجوی سال ششم هنرستان است بعنوان کارآموز نمونه برگزیده شده. بالاخانی امسال برای اولین بار در مسابقه مهارت فنی شرکت می کند و در مسابقات مقدماتی استان مرکز در رشته سیم کشی ساختمان با کسب ۸۷/۵ امتیاز بین ۳۲ نفر مقام اول را احراز کرد. یوسف با این فکر که بتواند طرحهای گوناگونی

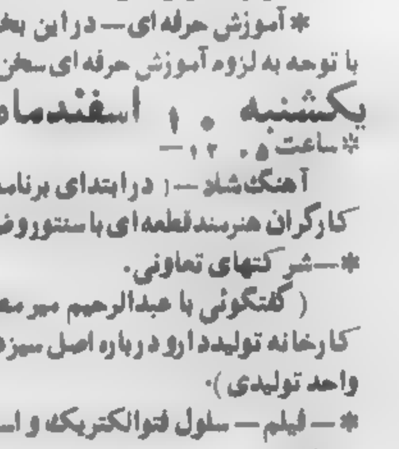

یوسف بالاخانی

را در آینده پیاده کند، مشغول ترسیم طرحها و نقشه های متعددی می باشد.

* حسن رهبرضاخانلو — کارگر رشته ریخته گری در سال ۱۳۲۹ درساوه متولد شد. تحصیلات خودرا تا دوره اول دبیرستان ادامه داد وی در سال ۱۳۴۹ کار خودرا در رشته ریخته گری آغاز کرده و اکنون بعنوان یکی از کارگران فعال این رشته شناخته شده است.

نامبرده مدت یک سال در آموزشگاه حرفه‌ای رضا پهلوی در رشته ریخته گری آموزش دیده و به دریافت مدرک درجه ۱ مهارت فنی نائل شده است.

کارگران واحدهای تولیدی صاحب سهام میشوند

*** رشد تولیدی بخش صنایع درسه سال آینده از ۲۲ درصد درسال تجاوزمیکند.**

براساس طرحی که تهیه شده سهام برخی از واحدهای تولیدی، از جمله کارخانه‌نساجی مازندران به کارگران ذوب‌آهن آریامهروشرکت ملی نفت ایران و دیگر واحدهای صنعتی مادر واگذارمیشود.

حمیدحبیب‌آگهی معاون‌طرحها وبررسی‌های وزارت صنایع و معادن که در بیست‌ودومین جلسه کمیته بررسی مسائل کارگری حزب رستاخیز ملت‌ایران، اقدامات وسیاست‌های دولت را در زمینه عرضه سهام کارخانجات تولیدی به کارگران تشریح میکرد ضمن بیان این مطلب افزود:

شاهنشاه‌آریامهر باصدورفرمان اصل سیزدهم انقلاب زمینه‌دیگری برای گسترش وشکوفائی اقتصادی ایران و توزیع عادلانه‌تر درآمد فراهم فرمودند. باصدور این فرمان شورای گسترش واحدهای صنعتی کشور تشکیل شد. اعضای‌این شورا پس از هفته‌ها بررسی دقیق، ضوابط، آئین‌نامه‌ها و قوانین لازم را تهیه و به تصویب مجلسین رساندند و همزمان با این اقدام بررسی جامعی‌نیز از واحدهای تولیدی کشور بعمل آمد و فهرست ۳۲۰ واحدتولیدی کشور که سرمایه به ثبت رسیده آنها جمعاً از ۱۲۰ میلیارد ریال تجاوز میکرد و سرمایه ثبت شده و فروش سالیانه هریک نیز به‌ترتیب متجاوزاز ۲۰ و ۲۵ میلیون ریال بود و همچنین از نظر دارائی ثابت و سالهای بهره برداری دارای حد نصاب تعین شده درضوابط بودند تهیه شد و مقرر گردید درسال اول ۱۰۶ واحدو درسالهای دوم وسوم، هرسال ۱۰۸ واحد، به‌تدریج ۴۹ درصد سهام خود را ابتدا به کارگران و کارکنان خود و سپس به کشاورزی وعموم مردم عرضه کنند بطوریکه تامهرماه‌سال ۵۷ عرضه و فروش سهام این واحدها، بکلی خاتمه یابد.

معاون وزارت صنایع و معادن درمورد نحوه ارزیابی و تعیین قیمت سهام هریک ازواحدهای تولیدی گفت:

ارزش‌سهام هریک از این واحدها باتوجه به سوددهی سه‌سال اخیر، روندسوددهی، نسبت سود به فروش، رابطه دارائی کارخانه به بدهی آن، ونیز باتوجه بنحوه‌مدیریت‌سیاست‌اقتصادی دولت، حمایت‌های دولت وتکنولوژی که در واقع دسته‌اول عوامل کمی و دسته‌دوم عوامل کیفی هستند ارزیابی و تعیین گردید.

حبیب‌آگهی درباره فراهم آوردن تسهیلات مالی و تأمین اعتبارات مورد نیاز کارگران و کشاورزان بمنظور خرید سهام واحدهای تولیدی گفت:

برای این منظور، یک‌سازمان‌مالی باسرمایه یک‌میلیارد ریال تشکیل شده وعموم کارگران می‌توانند ازطریق شرکت‌های تعاونی کارگری تا ۱۰۰ هزارریال وام بانرخ ۴ درصد اخذ نمایند وآنرا درمدت ده‌سال بازپرداخت نمایند. البته پیش بینی شده است سود سالیانه سهام، برای استهلاك دیون کارگران کافی خواهدبود. کشاورزان نیز تحت همین‌شرایط می‌توانند تا ۵۰ هزار ریال وام برای خریدسهام کارخانه‌ها دریافت دارند. البته ضوابطی برای خرید سهام درنظر گرفته‌شده وبراساس آن، بهیچ کارگر و یا فرد دیگری، بیش از ۵۰۰ هزار ریال سهام فروخته نخواهدشد. این‌ضابطه ضمن آنکه امکان مشارکت و سرمایه گذاری همه مردم ایران را فراهم می‌آورد، مانع ازایجاد مجددمالکیت‌های خصوصی درصنایع خواهد شد. البته کارگران‌و دیگرسهام داران درچهارچوب این ضابطه‌مجاز بفروش و یاواگذاری سهام خود خواهند بود، همچنین برای آنکه عموم مردم بتوانند باقی مانده‌سهام واحدهای تولیدی راخریداری کنند، سازمانی تحت نام «شرکت‌ملی سرمایه گذاری» باسرمایه اولیه ده میلیارد ریال که عمده‌سهام آن به بانک‌مرکزی ایران تعلق دارد، تشکیل شده است. نکته‌ای که شاید بیان آن در اینجا ضروری باشد این استکه تنها ۳۰ درصد ازبهای سهام فروخته‌شده واحدهای تولیدی نقداً به صاحبان فعلی آن پرداخت میشود و ۷۰ درصد بقیه برای جلوگیری از افزایش نقدینگی و در نتیجه ایجاد تورم به صورت اوراق قرضه که بهره آن از معافیت مالیاتی برخوردار است پرداخت خواهدشد.

حبیب‌آگهی که درضمن دبیر کل سازمان گسترش مالکیت‌های صنعتی نیز هست‌افزود:

تا کنون ۴۴واحد تولیدی ۲۰ درصد از سهام خود را برای فروش عرضه کرده‌اند و با استقبال دور از انتظاری که کارگران از خرید سهام بعمل آورده‌اند، سازمان گسترش‌مالکیت‌های صنعتی تا کنون بیش از ۶۰ هزارپرسشنامه و تقاضای خرید سهام ازکارگران ۷۵ واحد تولیدی‌مشمول فروش سهام دریافت کرده‌است و همانطور که میدانید شاهنشاه آریامهر در سالگرد انقلاب‌شاه‌وملت، لسناد سهام ۱۶۲۲۲ نفر از کارگران ۲۶ واحد تولیدی کشور را مرحمت فرمودند.

معاون طرحها وبررسی‌های وزارت صنایع ومعادن درپاسخ به این سئوال که آیا آن دسته از واحدهای صنعتی که خارجیان درسرمایه گذاری آن شریک هستند نیز مشمول این اصل میشود یانه، پاسخ داد:

ضوابط تعیین شده درباره کلیه واحدهای تولیدی کشورچه آن دسته که باسرمایه صددرصد ایرانی وچه آن گروه که بامشارکت خارجی احداث‌شده، بطوریکسان مورد عمل قرارمیگیرد.

از سوی دیگر باتوجه به قدرت‌مالی کشور و تسهیلاتی که از هرنظر برای سرمایه گذاری داخلی فراهم شده، اخیراً میزان سرمایه‌گذاری خارجی درفعالیت‌های تولیدی وصنعتی محدود شده و دولت میزان‌سرمایه گذاری خارجیان را به ۲۵ درصد تقلیل داده وتنها درموارد استثنائی سرمایه‌گذاری خارجی تا ۳۵ درصد درصنایعی مانند پتروشیمی مجازشناخته شده است.

حبیب آگهی در پایان به تشریح سیاست‌های اقتصادی کشور در گسترش واحدهای صنعتی پرداخت و ضمن رد این امکان: که فروش سهام کارخانجات موجب رکود سرمایه گذاری وجلوگیری ازرشدصنایع کشورخواهدشد افزود: بررسی‌های دقیق و آمار وارقامی که در دست لست حاکی‌از رشد هرچه بیشتر صنایع کشور وامکان سرمایه گذاری‌های افزونتر در سالهای آینده‌است وحتی پیش بینی میشود درسه سال آینده رشد تولیدی بخش‌صنایع از ۲۲ درصد درسال تجاوز کند و ارزش تولیدات کشور هر سه‌سال ونیم، صددرصد افزایش یابد. معهذا برای رشد هرچه بیشترسرمایه گذاری برنامه‌ها، طرح‌هائی تهیه شده که بر اساس آن، سرمایه گذاریهای صنعتی خصوصاً درواحدهای متوسط و کوچک مورد حمایت و تشویق دولت قرار خواهد گرفت ونیز دراجرای‌سیاست‌عدم تمرکز وتوسعه‌رشد مناطق مختلف کشور ونیز ایجاد واحدهای تازه کار، بیش از ۱۱۰ طرح منطقه‌ای شامل واحدهای کوچک ومتوسط تولیدی تهیه شده که درمناطقی چون، سیستان وبلوچستان کردستان، لرستان ودیگر نقاط درحال پیشرفت کشوربمرحله اجراء در میآید.

بقیه دریافتی مستمری بگیران

دریافتی مستمری بگیران نیزافزایش خواهد یافت تا زمانیکه امکان دارد که اگرشخص بیمه شده‌ای درسال ۱۳۳۰ مشغول بکارشده باشد (یعنی حدود ۲۴ سال پیش) و ۱۱ سال دیگرطبق مقررات برسد به‌سن بازنشستگی

و یا از کارافتادگی، مستمری که به این شخص پرداخت خواهد شد صددرصد متوسط آخرین دریافتی وی می‌باشد.

بدان معنی که ۲ سال آخر خدمت بیمه‌شده را حساب می کنند و حد متوسط آنرا که یکماه از ۲۴ ماه می‌باشد درنظرمی‌گیرند و این حدمتوسط حساب شده همان مستمری شخص بیمه شده خواهد شد و این خود نیز یکی ازموارد استثنائی سیستم قانون تامین اجتماعی درجهان‌می‌باشدو این بدان منظور لست که شخصی که زمانی شاغل بود و بمرور زمان به سنی رسیده که دیگر باید استراحت نماید از مزایای کامل مستمری قانون تامین اجتماعی بطورصددرصد و کامل استفاده کند

رستاخیز کارگران: همانطوریکه در قانون تأمین اجتماعی مدت کار برای بازنشستگی از ۴۰ سال به ۳۵ سال تقلیل یافت آیا اگر کارگری مثلا با ۲۰ سال‌سابقه کاردرسنی قرار بگیرد که قادر به ادامه کارنباشد مستمری را که دریافت میکند برمبنای ۲۰ سال لست یا خیر؟

دکتر عمرانی: درمرحله اول باید نکته‌ای را تذکر بدهم‌وآن اینستکه‌قانون تأمین اجتماعی خاص گروه بخصوصی یعنی کارگران نیست بلکه کلیه افراد این مملکت را دربرمی‌گیرد یعنی کسانیکه بنحوی ازانحاء صاحب درآمد هستند و می‌توانند حق بیمه بپردازند زیر حمایتهای بیمه‌ای قرارمی‌گیرند درقانون‌تأمین اجتماعی سن بازنشستگی زن و مرد مشخص شده لست یعنی هر بیمشده زن که به ۵۵ سالگی برسد می‌تواند بازنشسته شود و برای آنکه بتواند از مستمری لستفاده کند باید علاوه برسنی که برای بازنشستگی درنظر گرفته شده حداقل ده سال هم حق بیمه پرداخت کرده باشد این دوشرط اصلی برای دریافت مستمری می‌باشد و وقتی که این دوشرط را زن در سن ۵۵ و مرد درسن ۶۰ سال پیدا کرد می‌توان با درخواست بیمه شده‌برای بازنشستگی‌مستمری برقرار کرد.

در این مورد سازمان تامین اجتماعی یک فرمول محاسبه‌ای دارد و درموردی که اشاره شد یعنی اگر زنی درسن ۵۵ سالگی و حداقل ۱۰ سال حق بیمه پرداخت کرده باشد واحتمالا متوسط آخرین دریافتی حقوقش ۱۰۰۰/ تومان باشد به این طریق محاسبه می‌شود که هزار تومان ضربدر ۱۰ سال و تقسیم بر ۳۵ سال می‌شود ($\frac{\text{۱۰۰۰ تومان} \times \text{۱۰ سال}}{\text{۳۵ سال}}$) و نتیجه حاصل این فرمول میزان دریافت مستمری شخص بیمه شده از لحاظ بازنشستگی می‌باشد ولی از لحاظ از کارافتادگی آن ۱۰ سال سابقه برای بازنشستگی افراد معمولی را برای این نوع افراد که درقانون قدیم ۵ سال بود به یک سال تقلیل داده شد به عنوان مثال اگر شخصی به علت یک نوع بیماری غیر ناشی از کاراگرقبل ازاجرای قانون فعلی از کاربرکنار می‌شد و ۵ سال تمام حق بیمه پرداخت نمی کرد (در این موارد مسئله سن مطرح نیست بلکه نظر کمیسیون‌پزشکی سند لست) استحقاق دریافت مستمری نداشت ولی در حال حاضر و با وضع قانون جدید کافیست حداقل یک‌سال حق بیمه پرداخت و مستمری دریافت کند (با همان فرمول محاسباتی برقراری مستمری) ولی چون اجرای این فرمول برای این نوع افراد رقمی ناچیز را به عنوان مستمری در برمی‌گیرد لذا سازمان تأمین اجتماعی به حمایت از بیمه شدگان حداقلی را در این نوع موارد تعیین کرده لست و در مواردی که این مستمریها از ۶۰ درصد کمتر لست سازمان تأمین اجتماعی مستمری این نوع افراد ازکارافتاده را تا **۶۰ درصد آخرین دریافتی‌اش به عنوان مستمری پرداخت می کند** و در موارد فوت هم به همین طریق عمل میشود

دریافتی مستمری بگیران ۹ تا ۵٤ درصد افزایش یافت

* درقانون تامین اجتماعی به افراد از کارافتاده تا حداقل ۶۰ درصد دستمزد مستمری پرداخت می‌شود

* افراد خانواده بیمه شده بازنشسته یا از کار افتاده می‌توانند ازحمایتهای تأمین اجتماعی مانند زمان اشتغال بهره‌مند شوند

آقای دکتر عمرانی معاون وزارت رفاه اجتماعی و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در یک گفتگوی اختصاصی باعلی‌قربان‌خبرنگار رستاخیز کارگران قانون تأمین اجتماعی و افزایش میزان مستمری بگیران را تشریح کرد.

رستاخیز کارگران: باتوجه به‌اینکه‌قانون تأمین اجتماعی از اول سال ۱۳۵۵ بصورت تکامل یافته به‌اجرا در می‌آید به‌اجرای این مرحله چه مزایائی برای کارگران بازنشسته‌و مستمری بگیران خواهد داشت.

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی: قانون تأمین اجتماعی همانطوریکه بارها درباره آن صحبت شد یک سلسله مزایای بسیاروسیعی برای بیمه‌شدگان درنظرگرفته است بویژه‌دراین قانون برای مستمری‌بگیران که از زمان اجرای قانون بیمه های اجتماعی یعنی ازسال ۱۳۳۱ مشمول این قانون بودندو بتدریج‌فوت کردند و یا ازکار افتادندو بازماندگانشان مشمول دریافت این حقوق شدند مزایای خاصی درنظر گرفته‌وی افزود:

قبلا، میزان مستمری برحسب حقوق وضابطه‌ایکه وجود داشت یک‌رقم ثابت‌میرسید و احتمالامستمری‌راکه ۵ سال پیش تعیین شده بودو امروزنیز به همان مأخذ پرداخت میشد چیز ناچیزی بود البته قبل از قانون‌تأمین اجتماعی بفرمان شاهنشاه‌آریامهر چندبارمیزان حداقل دریافتی مستمری افزایش یافت‌وآخرین رقم به ۶۰۰ ریال رسید که حداقل دستمزد [illegible]

[illegible]

[illegible] معیشت‌آنها به چه‌میزان میباشد.مثلا درابتدای [illegible] ریال تعیین شده بود وی تدریج هرسال‌درمیزان آن تجدید نظرشدو بالاخره در سال گذشته‌به آخرین حداقل خود رسید.

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی افزود تعیین دستمزدو تغییر در آن بدوصورت بود باین ترتیب که تمام کارگاههای صنعتی کشور بدو منطقه تقسیم کردندبدین شکل که دستمزد در کارگاههای استان خوزستان بعلت کار سنگین و همچنین هزینه زندگی بالا بیشتر از مناطق دیگری مانند تهران یاجاهای دیگربود و بدین ترتیب براساس‌محل کارو همچنین هزینه های آن محل‌میزان دستمزد بطورمختلف تعیین میشد.

لیکن در حال حاضر بعلت‌اینکه هزینه ها در سراسر کشور به یکدیگر نزدیک‌میشود، دستمزد کارگران صنایع کشوربراساس دومنطقه که آن نیز برحسب‌قانون کاراست‌تعیین خواهد شد.

براساس این ضوابط حداقل دستمزدمنطقه یک ۳۰ تومان‌و یک‌ریال‌و منطقه‌دو ۲۰ تومان که بهرحال در منطقه دوحداقل دستمزدماهانه ۶۰۰ تومان معین‌شده که بموجب‌قانون‌تأمین اجتماعی‌هیچ مستمری نباید کمتر از حداقل دستمزد یعنی ۶۰۰ تومان در ماه باشددرزمان گذشته حداقل مستمری که برای کارگران معین‌میشد رقمی‌ناچیز بودو این رقم درماه‌حداقل از ۲۰ تا ۲۰۰ تومان تجاوز نمیکرد که سپس براساس تغییراتی که دراین امر بوجودآمدمقرر شد که حداقل مستمری ازحداقل دستمزد کمتر نباشد واگر برای مستمری بگیری بعلت‌شرایطی که داردمیزان مستمری مثلا حدود ۲۰۰ تومان در ماه تعیین‌شود این رقم یکباره به‌حداقل دستمزد در ماه که در قانون ۳۶۰ تومان [illegible] افزایش خواهد یافت همچنین براساس قانون تامین اجتماعی دولت و سازمان تامین اجتماعی مکلف شده‌اند که همه ساله با توجه به‌افزایش هزینه زندگی در میزان مستمری تجدید نظر شود یعنی بموازات اینکه هزینه زندگی افزایش می‌یابد مستمری نیز افزایش یابد و این کار نیزبا این فلسفه پیش آمد که کارگران امروز که با زحمت و تلاش خود چرخهای اقتصاد کشور را بحرکت درمی‌آورند مسلماً بازنشستگان و مستمری بگیران فردا هستند.

بنابراین سیستم مستمری متحرك بوجود آمد که بموازات افزایش هزینه زندگی این مستمری ها تغییر میکند. نخستین گام برای این کارتوسط وزارت رفاه‌اجتماعی براساس تصویب هیأت دولت برداشته شد و به سازمان تامین اجتماعی اجازه داده شد با توجه به آمار هزینه های زندگی که بانک مرکزی منتشر میکند میزان مستمری تجدید نظر کند. سازمان تامین اجتماعی پس از بررسی و محاسبه‌ای که براساس آمارهای مربوط به افزایش هزینه زندگی سال ۱۳۳۹ ببعد بعمل آورد از ۹ تا ٥٤ درصد بمیزان پرداخت مستمری اضافه کرد بدین ترتیب که کسانیکه قبل از ۱۳۳۹ مستمر بگیر بصورت بازنشسته یا از کارافتاده یا مستمری بگیر فوت شده بودند درحدود ٥٤ درصد به مستمریشان اضافه میشود که طی سال ۱۳۵۰ برقرارشده است ٤٣ درصد مستمریهائی که طی سال ۱۳۵۱ برقرارشده است ۳۷ درصد مستمریهائی که طی سال ۱۳۵۲ برقرار شده است ۲۹ درصد مستمریهائی که‌طی‌سال۱۳۵۳ برقرارشده است ۹ درصد اضافه خواهد شد.

این محاسبه ازسال ۱۳۳۹ تا پایان سال ۱۳۵۳ بعمل آمده و بعلت اینکه سیر قیمتها در سال جاری با مبارزه شدیدی‌که‌علیه گرانفروشی صورت گرفت تغییر چندانی نداشت و هنوزنیز شاخص هزینه زندگی دراین سال بطور کلی و دقیق ازطرف بانک مرکزی ایران تعیین نشده است. برای این‌سال‌محاسبه بعمل نیامد.

رستاخیز کارگران: آیا این افزایش از زمان برقراری مستمری صورت میگیرد و یا ازسال آینده.

مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی: بهیچوجه ما بگذشته برنمی‌گردیم فقط سال ۳۹ و قبل ازآن که کمبود نظرمحاسبات کارما بود وی آنچه را که سازمان به بیمه‌شدگان و افراد مستمری بگیر پرداخت میکند از اول سال ٥٥ است وشامل سه گروه بازنشستگان ازکارافتادگان و بازماندگان بیمه شده‌میباشد و باین ترتیب به افرادی که ازسال ۳۹ مستمری بگیر بودند درسال ٥٥ بمیزان ٥٤ درصد به مستمری آنها اضافه خواهد شد و یکسانی که در سال ۵۳ مستمری بگیر شدند حدود ۹ درصد نسبت به شاخص هزینه زندگی و با توجه به حداقل دستمزد به مستمری آنها اضافه خواهد شد و این برای آینده دارای اهمیت بسیار است زیرا این امیدواری را به بیمه شده میدهد که چنانچه هزینه زندگی افزایش یابد درمستمری او نیز به همان نسبت تجدید نظر خواهد شد و این خودش یک امنیت فکری به جمعیت فعال [illegible] و [illegible] گان فردا هستند.

رستاخیز کارگران: خانواده افراد بیمه شده در زمان اشتغال بیمه شده ازمزایای بیمه استفاده میکنند بعدزمان‌بازنشستگی بیمه شده، خانواده [illegible] مزایامیتوانند استفاده کنند

[illegible]

آنها از ۲۰ سال بالا نبود و تحصیل هم نمی‌توانستند بکنند این حمایتها قطع میشد ولی در قانون تأمین اجتماعی درست بعکس موارد گذشته می‌باشد یعنی تمام کسانیکه بعلت نقص جسمی یا روحی تحت تکفل شخص بیمه شده‌ای هستند و قادر بکار یا تحصیل نیستند در تمام مدت عمر مادام که تحت تکفل شخص بیمه شده قلمداد می‌شوند از کلیه مزایای بیمه‌ای و خدمات رفاهی و درمانی برخوردار می‌شوند و فرزندان بیمه شدگان هم که بعد از ۲۰ سال به تحصیل [illegible] در دانشگاه‌ها و موسسات [illegible] می‌خوانند باز هم از کلیه حمایتها برخوردار هستند و این خود یکی از مزایائی است که در قانون تأمین اجتماعی برای بیمه شدگان در نظر گرفته شده است.

[illegible]

آقای دکتر عمرانی گفت: این افزایش شامل سه گروه‌می‌شود که از اول سال ۱۳۵۵ [illegible]

[illegible] زمان وبااجرای این قانون که اکثر افراد این مملکت را زیر پوشش خود فرامیدهد درآینده تعداد مستمری بگیران افزایش خواهد یافت و شاید درحدود ۱۰ یا ۱۵ سال آینده تعدادشان به رقمی سرسام آور برسد و در آن زمان است که ارزش واقعی قانون تامین خدمات اجتماعی مخصوص برای [illegible] بازنشسته ومستمری بگیر روشن ومشخص میشود ومخصوص که هرچه به سالهای پرداختی بیمه شده اضافه شود رقم

بقیه درصفحه ۵۷

رشد ذهنی و زبان کودک شما

ترجمه: دکتر قاسم قاضی

وقتی قدرت بیان طفل درحال رشد است، طفل بطورقابل تحسینی یک قدم بسوی تکامل برمیدارد، او در سنین خیلی پائین درگفتگو شرکت می کند و از روی غریزه به آهنگهای صدا پاسخ می‌گوید.

کودک از ماههای اولیهٔ زندگی تازمانیکه به چهارسالگی می‌رسد از نظر یادگیری زبان مشکل بزرگی دارد.

او ابتدا زبان را از راه تقلید یادمی‌گیرد. وقتی جمله‌ای می‌گوید و مورد تشویق قرار می‌گیرد بسیار خوشحال می‌شود و همین خوشحالی باعث می‌شود که بیشتر در یادگیری کوشش کند.

کودک بتدریج کلمات یادگرفته‌شده را دسته‌بندی کرده، و شروع می کند به اینکه زبان را برای ارتباط‌دادن تجربه های خود بکار برد. رفته‌رفته سؤالات را هم می‌فهمد و پاسخ می‌گوید. طفلی که هیچکس با او حرف نمی‌زند یا هیچ کس به حرفهایش گوش نمی‌دهد در واقع کودک محرومی است.

جای تعجب نیست اگر طفلی در گفتگو یا فهمیدن زبان، نسبت به رشد سایر قوای ذهنی و جسمی‌عقب مانده باشد و احساس سرکوفتگی کند، یا به انواع ناراحتی‌های روانی مبتلا گردد اما نباید وقتی زبان کودکی به کندی رشد می کند تصور کنیم به علت عقب ماندگی کلی، یا کند ذهنی است عقب ماندگی کودک در زبان ممکن است باعث عقب ماندگی ذهنی او بشود، ولی همیشه و برای همه کودکان اینطورنیست.

استعداد ساختن اشیاء

کودکان طرز بکارگرفتن اشیاء گوناگون را دیرتر ازصحبت کردن میآموزند. تا دوسالگی آنها نمی‌توانند بخوبی ازوسایل مختلف استفاده کنند.

برای مثال آنها نمیدانند چگونه مکعب-های آجری را روی هم بچینند تا به صورت یک ساختمان درآید.

و اغلب دیده شده است کودکان این مکعب‌ها را بدون شناخت موارد استفاده‌اش به گوشه‌ای پرت کرده‌اند ولی بعد از گذشت مدتی آنها خود بخود روش بکاربردن هرچیزی را یاد می‌گیرند. در اینجا هم باز بزرگترها بیشترین کمک را به بچه ها می کنند. اصولا کودکان بندرت می‌توانند برای انجام کاری نقشه بکشند ولی وقتی متوجه شوند نتیجه‌ای از فعالیت خود گرفته‌اند راضی بنظر میرسند. هرچه کودک بزرگتر می‌شود خوشحالی های جدیدی پیدا می کند، شیوه‌های کهنه را ترک کرده و به انتخاب راههای جدید تشویق می‌شود و اگر بعضی اوقات که خسته وسرگشته است، به اشیاء گذشته و راههای گذشته برمیگردد، این بازگشت موقتی است، یکی دیگر از ویژگیهای زندگی کودکان ناتوانی آنها در جهت درک طرزفکر بزرگترهاست.

آنها هنوز نمیدانند چه نوع چیزهائی واقعاً اتفاق میفتد یا چه نوع مخلوقاتی در دنیا وجود دارند، از طرفی کودک نمی‌داند که بزرگترها همیشه نمی‌توانند در هر موردی به او کمک کنند.

قصه موش و گربه را طفل کوچکی که هرگز موشی ندیده ممکن است درست نفهمد و چه بسا درحالیکه نگران و حیران شده، داستان را قطع می کند و می‌پرسد که آیا آن حیوان حقیقت دارد؟

برای کودک که ساختگی‌بودن داستان مطرح نیست، بلکه اهمیت موضوع برای او اینست که بداند در دنیای واقعی یا خیالی زندگی می کند و به این ترتیب او به مرورزمان میان‌حقیقت و خیال پردازی فرق می گذارد.

اما نباید این انتظار را از او داشته باشیم که حرفهایش بمانند بزرگترها دقیق و دوراز هرگونه خیالپردازی باشد.

بازی

تقریباً تمام‌ساعات بیداری کودکان‌خردسال صرف بازی می‌شود. به‌این‌جهت اگر کودکی اینگونه نباشد، بدون‌شک گرفتار نوعی عدم تعادل روحی است.

محروم کردن کودکان ازبازی افسردگی و رنجوری را دربی خواهد داشت.

درواقع بازی بهترین عامل شناساندن دنیای‌واقعی به کودکان است، هرچندمدت بازی اطفال ممکنست کوتاه باشد ولی موقتاً تمام توجهشان ببازی معطوف و باعث تمرکز حواس آنها می‌شود و این را باید بدانیم که بازی کودکان تفریح نیست و درحقیقت باید آنرا جدی‌ترین کارآنها دانست.

اطفال از بچگی بهمان نحوی که با اشیاء بازی می کنند با اشخاص هم‌بازی می کنند. وقتی که کودکان و بزرگترها با یکدیگر به بازی مشغولند، کودکان خود بخود ومشتاقانه تا وقتیکه بزرگسالان آنها را زیرنفوذ خود نیاورده‌اند، نقش خود را صمیمانه بازی‌می کنند.

کودکان همچنین علاقه دارند نقش بزرگترها را بازی کنند و تقریباً از سه‌سالگی با پوشیدن لباسهای بزرگترها به این رؤیای خود جامه‌عمل می‌پوشانند.

اطفال ازکسانی تقلید می کنند که به زندگی آنها نزدیکترند. بازی علاوه‌براینکه وسیلهٔ یادگیری است می‌تواند در مداوای کودکان نیز نقش‌مؤثری بازی کند. وقتی کودک که مضطرب است به بازی پناه می‌برد و بازی او را ازپریشانی میرهاند.

کودکان غالباً بوسیلهٔ بازی راه‌حلی برای مشکلات زندگی خود پیدا می کنند.

مثلا ممکن است اطفال در نقش چیز یا شخصی بازی کنند که ازآن می‌ترسند.

در این‌صورت برای غلبه کردن بر ترس به دنبال نقشه‌ای میگردند که درعالم حقیقت ازعهدهٔ انجامش برنمایند و همه این‌ها کاملا عادی‌وطبیعی است. یک بزرگتر با تجربه بخوبی می‌تواند‌از نحوه بازی کودک که از حال روحش باخبرشود.

بعضی‌اوقات کودکان‌به‌بازی‌های‌تکراری و خسته‌کننده متهورانه می‌پردازندو اینجاست که باید با نشان‌دادن بازی‌های جدید به او کمک کرد تا راه‌بازی بعدی را یاد بگیرد.

اماگاهی‌اوقات او با انجام پشت‌سرهم یک‌نوع بازی که برایش تازگی ندارد ولی تسلی‌بخش است، برای خود آرامش می‌جوید.

کودک مشتاق است که در کارهای مربوط به‌خانه‌وکلکاری شرکت کند تابتواند کارهای مشکلی را درحدود توانائیش بعهده بگیرد وآنطور کممایل است آنها را به انجام برساند.

ودراین راه است که اهمیت به خود، احترام بخود ورضایت خاطر را یاد می‌گیرد.

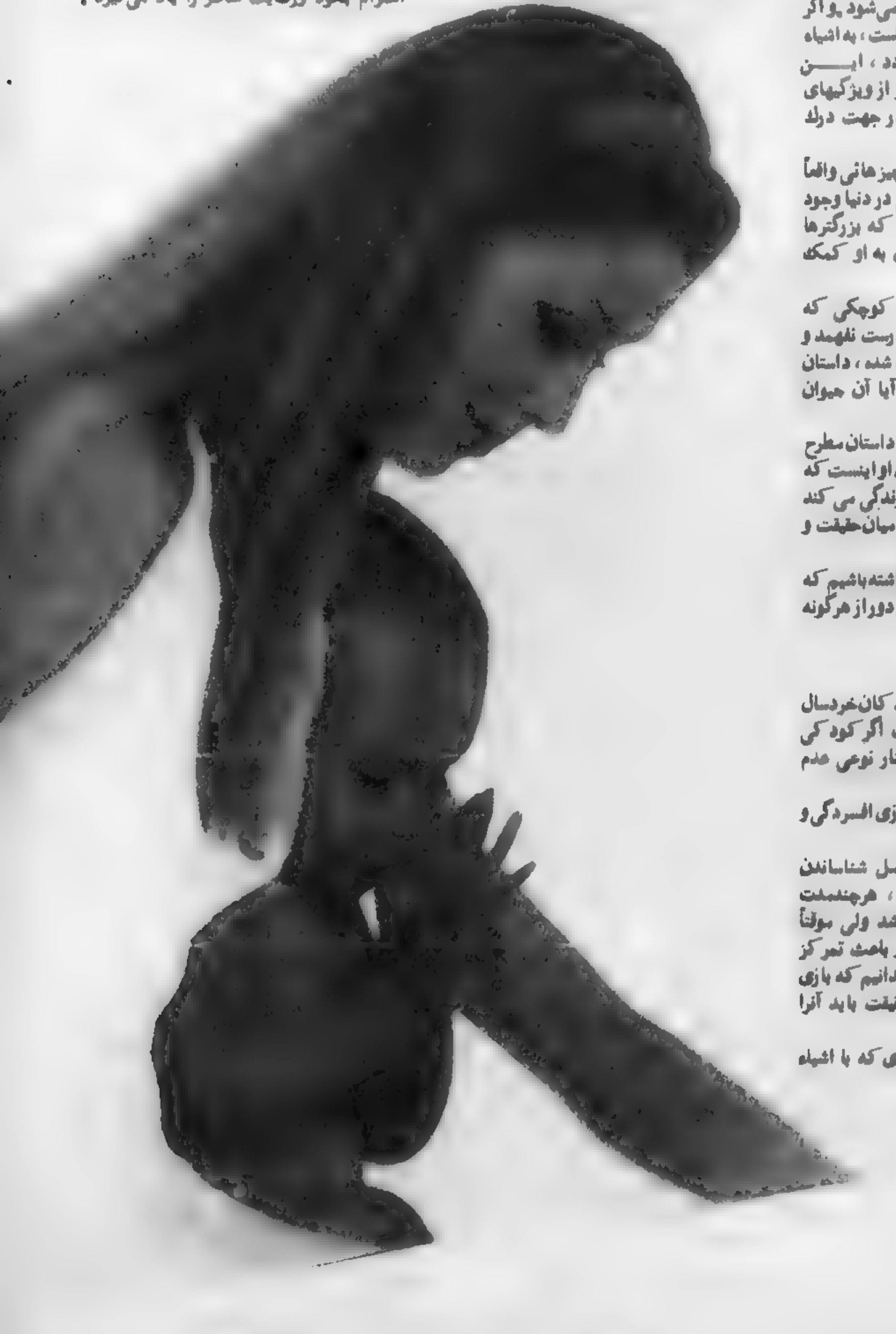

چربی
خون
متخصصین آلمانی پس از سالها بررسی از ذرت طلائی روغنی درست نموده اندکه درچربی خون هیچ اثری نمیگذارد وامروزه دربزرگترین کشورهای جهان از این روغن استفاده میشود!
روغن ذرت طلائی مایزول صد درصد خالص محصول آلمان برای انواع سالاد وغذاهای سرخ کردنی وپختنی
روغن
ذرت طلائی
مایزول
مرکز پخش: تهران سرای چیت ساز طبقه چهارم مرعشی
شماره ۶ و ۷ تلفن

اکبرآقا در مجموعه داستان «اکبرآقا»

اکبرآقای ما علاقه زیادی به شرکت در محافل اجتماعی دارد، برای اینجور مواقع حتی لباس شب هم دوخته و کنار گذاشته است. او رمز موفقیت را در نزدیکی با طبقات مختلف میداند و می‌خواهد در اجتماع سری توی سرها در بیاورد، حالا اکبرآقا به یک مهمانی دعوت شده، آنهم در یکی از سالن های درجه یک با موزیک درجه یک و شام درجه یک و اکبرآقا میخواهد درجه یک باشد!

نوشته: محمدعلی عرفی‌نژاد

توی ناهارخوری تعمیرگاه سروصدائی برپا بود. کارگرها دور میزها نشسته بودند، حرف میزدند، لطیفه می‌گفتند و غذا می‌خوردند اکبرآقا هم درگوشه‌ای نشسته بود و برخلاف هرروز که میانه‌دار گود بود، در سکوت غذا میخورد. حالت دگرگون‌شده‌ای داشت. شب باید به یک مهمانی در یکی از هتل های درجه یک می‌رفت. وقتی یادش میافتاد که میبایست شق‌ورق بین آن همه‌آدم بایستد، دلش غنج میرفت. اصلا اکبرآقا حال ناهارخوردن نداشت. احساس می‌کرد آبگوشت امروز مزه‌اش با روزهای پیش فرق دارد، گس است، بیمزه‌است، خصوصاً که پیاز هم پایش نیست. قهوه‌چی برای پرکردن جای پیاز تربسیاه بریده شده پای غذا گذاشته بود و همه اینها روبهم باعث شده بود تا نسبت به این غذا احساس بی‌تفاوتی کند. کارگرهای دیگر گوشت کوبیده‌شان را هم خورده بودند و اکبرآقا هنوز توی آبگوشت مانده بود، حتی سروکله زدن و متلک‌گوئی بچه‌ها نیز دردی را دوا نکرده اکبرآقا بدون خوردن بقیه غذا راه افتاد و آمد بیرون فکروخیال راحتش نمی‌گذاشت دعوت به یک مهمانی بزرگ، آنهم با یک خانم‌ تحیلی شیک وپیک، تمام حواسش را بخود گرفته بود. آمد توی محوطه تعمیرگاه. آفتاب آخرهای زمستان نوید بهار را میداد. اکبرآقا سیگاری روشن کرد ونشست روی کاپوت یکی‌از اتومبیل‌های درانتظار نوبت، ورفت توی فکر.

چندروز قبل تلفن تعمیرگاه زنگ‌زد، وچون کسی در آن لحظه نزدیک تلفن نبود، اکبرآقا گوشی‌رابرداشت و صدای‌دلنشین وگیرای یک زن توی‌گوشش نشست. دست وپایش راگم کرد، خانم آنقدر لطیف وشمرده صحبتمی کرد که اکبرآقا حالت غریبی در خودش حس کرد. شاید طرف، تلفن رااشتباه‌گرفته بود. اکبرآقا با نوعی دل‌واپسی گفت:

—می‌بخشید خانم، اشتباه‌گرفته‌اید، اینجا آقای مهندس نداریم، خواست‌ گوشی رابگذارد که زن ادامه داد:

—حالا عیبی نداره. لااقل باشما دارم صحبت میکنم.

اکبرآقا وارفته بود. این غیرقابل تصور بود. یک زن، که میشد از نوع صدایش بوی عطرش را، نوع لباس پوشیدنش را و ظرافت اندامش را از راه سیم باریک تلفن حس کرد، با او حرف می‌زد. اکبرآقا گفت:

— بله. خواهش می کنم

— بله ... بله. من جوونم، تعمیر کار اتومبیل هستم.

— آه خدای من، به مهندس عملی، یک مهندس پرکار. بله..

—واله چه عرض کنم خانم.

— من عاشق آدمهای پرکار هستم، آدمهائی که بازوهاشون از زور کار بزرگ شده.

اکبرآقا صدای دلنگ دلنگ، بهم‌خوردن دوشیئی فلزی راشنید. با تعجب به دست راست خودش نگاه کرد. آچارچرخ و آچار گیربکس که در دست راستش بود، می‌لرزید و بهم می‌خورد. این چه حالی بود؟! زن بعد از همه حرفها گفت اسمتون چیه و اکبر با سوزشی که در صدایش پیدا شده بود، جواب داد:

—اکبر.. غلامتون اکبرآقا.

— به‌به. چه اسمی، این برای من یک شانسه که صبح زود با شما طرف صحبت میشم.

—اختیاردارین.

روز بعد باز تلفن تکرار شد، در حالی که اکبرآقا بیست‌و چهار ساعت سختی را گذرانده بود. احساس می کرد تپش قلبش چند برابر شده. دفعه سوم بود که قرار و مدار دیدن گذاشته شد و اکبرآقا برای اینکه تنهانرود گفته بود میشود یکی از دوستانم هم با من باشد و زن با لحنی که بیشتر دل اکبرآقا را به خود می کشید، گفته بود.

— عیبی نداره، هرکی با شما باشه حتماً برای منهم عزیزه. فردا شب من به یک مهمونی دعوت دارم که با هم میریم، جاده پهلوی، هتل .... رأس ساعت هشت جلوی در هتل منتظرتون هستم.

اکبرآقا آمده بود تاریخ دیدار را عقب بیندازد، ولی طرف که نمیدانست کیست و چکاره است و فقط گفته بود اسمش نسترن است، گوشی راگذاشت.

بچه‌ها آمده بودند توی محوطه‌و در حال گفتگو بودند، اکبرآقا چنان در فکر نسترن‌خانم و دیدن و صحبت در هتل بود که گویی آنها را نمی‌دید. مرتب با خودش فکر می کرد که طرز روبرو شدن با یک خانم‌مثل نسترن چگونه باید باشد؟. وقتی دیدار اول یادش می‌افتاد قلبش میلرزید. یک‌زن را باموهای شرابی‌رنگ، لباس‌شب مشکی‌با یقه‌باز، اندام کشیده‌و چشمان‌سیاه برنگ‌شب درمغزش مجسم‌می کرد که مثل یک‌فرشته آرام‌آرام بطرفش می‌آید. اکبرآقا فکر کرد وقتی‌جلوی دررسیدم، نگاهی آرام باو میاندازم، بعددستش را می گیرم‌وآنرا میبوسم، خودم را معرفی‌میکنم، او دست‌چپش را باز می کند که من زیر بغلش را بگیرم‌و در حالیکه اسمعیل پسردائیم مثل‌ساقدوش پشت سرما حرکت می کند، به‌سالن هتل می‌رویم و زیرنور پروژکتور ها، بین آن همه‌آدم رنگ‌و وارنگ قدم برمیداریم‌و همه باحسادت بمانگاه می کنند...

* * *

پنج‌دقیقه به‌ساعت‌هشت‌مانده بود که اکبرآقاو پسردائیش آراسته‌و شیک‌از اتومبیل کرایه‌ای پیاده شدند. هردولباس مشکی‌شب و کراوات‌تیره‌رنگی بگردن داشتند. اکبرآقا نگاهی باطراف‌انداخت، وسپس به‌ساختمان‌شب نمای سیاه رنگش نگاه کرد. نسترن‌خانم هنوز نیامده بود. کناری به انتظار ایستادند. اسمعیل پسردائی اکبرآقا مرتباً هرخانمی راکه‌میدید یک «سقلمه» باو میزد و اکبرآقا میگفت:

— والله‌من نمیدونم چه جوریه، اون مشخصات‌منو میدونه‌و خودش میادجلو.

مهمانان یکی‌یکی و دسته‌جمعی از اتومبیل‌های آخرین سیستم‌پیاده‌میشدند و اکبرآقا برای وقت‌پر کردن باگوش دادن‌بصدای موتورآنها مرتباً برای پسردائی‌اش عیوب‌موتور را شرح میداد. ساعت نزدیک هشت‌وپانزده دقیقه بود که یک‌اتومبیل‌جلوی آنها توقف کرد. اکبرآقا بدیوار چسبید. دوچشم‌سیاه‌باو خیره بود. راننده بسرعت پریدپائین در را باز کرد. زن هنوز او را نگاه می کرد. اکبرآقا وقتی‌خوب او را برانداز کرد تشخیص‌داد حدود چهل‌و پنج، پنجاه سال را دارد، بنابراین باخودش گفت:

— حتماً اشتباه‌می کنم. نسترن این زن نمیتونه باشه! در این لحظه زن پیاده شدوراننده دوچوب زیربغل را از جلوی اتومبیل درآورد زن زیر بغلش گرفت‌و در حالیکه خنده عشوه‌گرانه‌ای روی صورتش بود بطرف اکبرآقاآمد. اکبرآقا نفسش بشماره افتاده بود.

—اکبرآقا.

— بله..

بقیه در صفحه ۹۰

نامه به سردبیر

تهران — آقای سیدمهدی حسینی بهشتی

حق با شماست پدرجان . ما خودمان هم هنگامی متوجه این خطا شدیم که از یکسو کارگران محترم چاپخانه سرگرم شستن دستشان بودند و از سوی دیگر عوامل زحمتکش قسمت توزیع بسته های مجله را روی وانت می‌چیدند . چه می‌شود کرد . اول کار است و هزارمصیبت شک نیست که تمام این نارسایی های جزئی در مدتی کوتاه برطرف می‌شود .

و دیگر موجبی پیش نمی‌آید که ما ضمن تشریح طرز کارموتوراتومبیل به « شکل یک و دو و سه و چهار » اشاره کنیم، درحالی که شکلها روی میز مسؤول مربوط درازبدراز افتاده و به سقف خیره‌شده‌اند . همانطور که عرض کردم چون اول کاراست و مخصوصاً درنخستین شماره هم این اشتباه رخ داده بود، بهتر است ما را ببخشید . مضافاً به اینکه پوزش هم می‌خواهیم .

« ازلطف‌تان درازاء تبریکتان سپاسگزاریم,

اردبیل ـ آقای عادل جعفری

کم جمعیت ترین کشورجهان « سن مارینو » ست که در اروپا واقع شده است . تمامی ارتش این بچه مملکت فسقلی یکصدو هفتاد نفر است ! ضمنا با اینکه مجاور ازیک میلیون و پانصد هزار مترمربع ازخاک شوروی در اسیا قرار گرفته ، معهذا این کشور پر جمعیت‌ترین مملکت اروپایی است .

* پیشنهاد می کنم...

حالا که به لطف و مرحمت پیشوای اندیشمند مردم ایران و همت گردانندگان حزب رستاخیز ملت ایران ، مجلهٔ رستاخیز کارگران با فرمی جالب و دلخواه منتشر می‌شود ، پیشنهاد می کنم نکات زیر را مورد بررسی قرار دهید تا در صورت‌ضرورت بابکاربردن یک‌یا چندنکته عرضه شده در تکمیل مطالب این مجلهٔ خوب و دوست‌داشتنی بکوشید .

۱ — از آنجایی که گاه ممکن است در توزیع مجله تأخیری رخ دهد ، بهتر است در بخش بازار کار جدولهای کار را از نظر تاریخ اشتغال طوری تنظیم کنید که موعد مقرر در جدول منقضی نشود .

۲ ـ درشماره‌گذاری صفحات ، بویژه بقیه ها دقت کافی بعمل آورید . زیرا دیده‌شده است که شمارهٔ اعلام شده در زیر مطلب در بالای بقیهٔ مطلب دیگری جایگرفته است . بعنوان مثال در در یکی ازشماره های گذشته ، در فهرست مجله مطلب « حرفه و فن » را درصفحه ۴۲ مشخص کرده بودید ، حال آنکه آن صفحه اختصاص به « خودساخته ها » داشت !

۳ ـ عنوان همین صفحه نامه ها « سردبیر » است . درصورتیکه به نوشته های خوانندگان یکی از نویسندگان پاسخ می دهد . بنا براین بهتر است نام این صفحه را به « پاسخ به نامه ها » مبدل سازید .

۴ ـ درمصاحبهٔ با مقامات مختلف اشتباهاتی دیده می‌شود که بهتر است این نوع مطالب پیش از چاپ بنظر کارشناسان مربوط رسانده شود . مثلا سر کار سرهنگ بیاتی مدیر‌کل سازمان تربیت بدنی ضمن مصاحبه ، تیم کارگران رضائیه را که جزو استان آذربایجان غربی است ، ضمیمه مسابقات بازیهای استان مرکزی کردند که متأسفانه مصاحبه کننده نیزمتوجه این موضوع نشدند .

۵ ـ ضروری است که مسابقات ، سرگرمیها و جدولها درحد معلومات کارگران تهیه و تنظیم شود .

ارادتمند : محمدتقی بارفروش ـ کاشان

ضمن ستایش از تلاشهای چشمگیروسازندهٔ گردانندگان مجلهٔ رستاخیز کارگران خواهش می کنم به پیشنهاد های زیر توجه فرمائید .

۱ ـ به عقیدهٔ من درجلسات میزگرد مجله ، اگر از کارفرمایان یا نمایندگان کارگاههای کوچک یکصد نفری دعوت بعمل آید ، نتیجه بسیارمطلوبی خواهد داشت . زیرا کارگران واحد های بزرگ براثر برخورداری از مدیریت صحیح وامکانات‌لازم ، مشکلات کمتری‌دارند .

۲ ـ همانطور که شالودهٔ این مجله را بر آموزش کارگر نهاده اید ، بهتراست که بخشی را نیز به آموزش کارفرمایان اختصاص دهید . زیرا من شاهد مشکلات برخی از همکارانم بوده‌ام که علت آن ضعف مدیدیت کارفرما بوده است . جداً حیف است در دورانی که از برکت وجود رهبر خردمند ملت ایران سطح زندگی کارگر کشور به بهترین درجات رسیده است ، دسته یی از این طبقه چوب ندانم کاری بعضی از کارفرما ها را بخورند .

بااحترام : فریدون‌کروسی‌زاده ـ تهران

با سلامی یخ تر از دهان بعضی « شومن » های وطن . آرزومندم همواره موفق باشید و یک پیشنهاد مختصر وشاید مفید من توجه فرمائید . حرف بنده اینست که بیائید وحل صحیح جدول های شماره‌های پیش را در حول و حوش جدول جدیدچاپ‌کنید .

خداحافظ‌شما : کادرریگی — تهران

مشهد — آقای اسدی

با کلی « تشکرآلات » از توجه عمیق ولطف رفیق شما نسبت به مندرجات مجله ، در مقام استعلام برمی‌آیم که چرا سر کارمستطابعالی را نام کوچک نیست و نشانتان تنها اسدی خالی است ؟ ! باری ، درمورد چاپ تابلوئی چهار رنگ . بل بیشتر از کار نقاشان وطن که مدعی هستید باعث شهرت نقاش وموجب تشدید ذوق کارگران مشتاق نقاشی می‌شود ، این جان‌نثار کم مقدار نیز موافقم. با جناب سردبیر در اینباره صحبت شد ، موافقت کرد درصورت « اخذ » چنین تابلوهائی درحد چاپ ، چاپ‌شود . خداوند حافظ وسعدی شما باد ! درضمن ، پاسخ های آنجناب را که به صفحه جدول ومسابقات مربوط می‌شد ، فرستادم بحضور اجل و اکرم میرزا جهانگیرخان پارسال‌خوب ! ضمناً اگر این پیشنهاد جنابعالی به بخش پیشنهاد ها نرفت بدین سبب است که پاسخ پاسخگویانه می‌خواست ، نه سردبیرانه !

یزد ـ آقای محمدعلی شیبی

جناب آقای محمدعلی خان سراشیبی ! قسمت‌های اول مرقومهٔ آنجناب را فرستادم به بخش قانون کار که کارشناسان امر مورد بررسی قراردهند و بقول نو نویسندگان کشور ، به پاسخ « بنشینند ! » و اما درمورد آنچه که مربوط به صفحه سردبیرخانه می‌شود لازم به توضیح است که متأسفانه دایر کردن صفحه یا ستونی زیرعنوان « مکاتبه یا دوست یابی » چندان خالی از درد سر نیست . زیرا بسیارند هموطنان نوجوانی که صرفاً برانگیزهٔ حس جنجال طلبی نام افراد وشخصیت های مشهوری را به عنوان داوطلب مکاتبه با خواهران و برادران ایرانی به مجله می‌فرستند . ازاین رو آیا سزاوار است که که جناب سردبیر یا حقیر ، سری را که درد نمی کند دستمال پیچ کنیم؟ لاوالله !

تهران — آقای عباس پاینده

اولا با عرض سلام متقابل « تشکرمندم » که جنابعالی از پاسخگویی حقیر به نامه‌تان تشکر کرده‌اید . ثانیاً سخت « خجالتمندم » که نشانی سرکار را بجای تهران ، کرج نوشتم . هر چند که تقصیر من نبود ومقصر وجود بالندگی کرج وعدم نام تهران ، درزیرنامه آنجناب بود . ثالثاً ، خاصیت هرقانونی اینست که پس از تصویب خشک و تر را بسوزاند . بنا براین اگر قانون کمک اولاد به ضررشما تمام شده باید گناه‌را متوجه شانس خود فرمائید که مورد بی لطفی اش قرار گرفته اید . با وجود این فتوی عین نامهٔ جنابعالی‌را تقدیم جناب ناصر یوسف زاده می کنم تا پاسخ مقتضی تدارک ببیند . لیکن درباره سیاه شدن بی سبب یکی از خانه های جدول شماره پنج که باعث سرگردانی حلال جدول شده است ، روسیاهانه پوزش می‌طلبم . هرچند که دراین باره پوزش طلب باید حضرت میرزا جهانگیر خان پارسال خوب باشند ! درپایان لطف و عمرجناب عباس پاینده ، پاینده باد .

شاهی — آقای وهاب پور

برادرجان ، اول شما بفرمائید که اسم « کوچوک » سرکارمستطابعالی چه شد تا فدوی بترکم که رنگی یا به اصطلاح فنی « تمپلات » کردن صفحات مجله ضروری است یا نه . عرضم بحضور مهر ظهور باهرالنور جنابعالی که منفی کردن حروف مطالب یا رنگی کردن زمینهٔ نوشته های مجله ، هرچند که موجداشکالاتی درخواندن مطلب است ، صرفاً برای تزیین صفحات وجلوگیری ازیکنواختی آنهاست .

صد البته این کاری نیست که منحصر بما باشد یا خدای نخواسته قصد چشم آزاری هموطنان گرامی کارگر را داشته باشیم . بکار بردن این شیوه در تمامی نشریات جهان معمول است ضمناً چون عکس های رنگی مجله‌را بی نهایت ستوده‌اید ، تصور می کنم که اگر در بارهٔ اولین نکته کمی چشم پوشی کرده واصل مشهور « این به آن در » را رعایت فرمائید قال قضیه کنده خواهد شد . سایه مبارک ضخیم !

کنگاور ـ آقای سعید عجربی

ضمن ستایش از ابراز لطف تو دوست عزیز در مورد همکاری با رستاخیز کارگران باید متذکر شوم که

دریافت کارت خبرنگاری نشریات ، تابع شرایطی است که ذکر همهٔ آنها در دو یا سه ستون مجله امکان‌پذیر نیست . ضمناً لازم به توضیح است که اصولا کار مجلات با روزنامه ها کاملا متفاوت است و آنطورکه روزنامه ها نیازمند خبرنگار در شهرستانها هستند ، مجلات نیستند . زیرا بطوری که می‌بینی نحوهٔ چاپ اخبار ما با شیوهٔ درج خبرهای روزنامه فرق دارد . خبرنگاری که مورد احتیاج مجله است باید به روال‌گزارش یا رپرتاژنویسی و همچنین طرح مصاحبه با مقامات مختلف کشوری آشنائی کامل داشته باشد . بنابراین قبلا تشکر صمیمانه‌مارا بپذیر تا اگر انشاءالله وتعالی به تهران آمدی ، سری بما بزنی . توفیق روزافزون آندوست ارجمند را آرزومندم .

تهران — آقای خلیل عظیمی

نشد برادر ، یکطرفه قضاوت نکن که پاک هرپیس و کلاه‌گیسمان توهم میرود . واقعیت انکارناپذیر اینست که قانونگذار تا بدانجا که انصاف اقتضا می کند ، در روابط میان کارگر و کارفرما ، حق کارگر را محفوظ داشته است . بهمین‌علت برای کارگران جوانی که بدلایلی ازکارگاه اخراج می‌شوند ، مزایایی درحد پانزده‌روز حقوق برای هرسال خدمت درنظرگرفته است . لیکن اگر قرار شود که این رقم به شش‌ماه درسال حتی دربارهٔ کسانی هم که استعفا می‌دهند افزایش یابد ، کارفرمای بی‌نوا بایستی سرسال فاتحهٔ سرمایه خود را بخواند . زیراشک نیست استعفا دادن ازکارخانه مانند آب‌خوردن رواج می‌یابد ! مضافاً به اینکه براثر رونق شگرفی که درامورصنعتی پیداشده ، بعضی ازکارگران عزیز متخصص که سخت مورد توجه صاحبان‌صنایع سنگین هستند ، بدشان نمی‌آید که برای دریافت دستمزد بیشتر محل کارخود را عوض کنند و دست صاحب کار را توی حنا بگذارند ! آره‌والله . بهرحال منظور این پاسخچی اینست که قانونگذارفکر همه‌جا را کرده ، البته‌وصدالبته درمسیرمصالح کارگران .

ضمناً نفرموده‌اید که با این عکس سرکارعالی که به نامه الصاق (عجب‌لغتی؟!) شده، چه باید کرد؟ ضمناً‌تر! اینکه اگر نامهٔ پرمایهٔ تو را به بخش «قانون کار» نفرستادم بدین‌سبب است که میدانم در آنجا نیز بهسرکارهمین پاسخ را خواهند داد، منتها کمی جدی‌تر وباچشم‌روتر! «الهی خداوند» ازبزرگی کمت‌نکند.

پیشنهاد

* از خوبی و جذابیت مجلهٔ رستاخیز کارگران هرچه بنویسم کم نوشته‌ام. باورفرمائید پس ازسالها، این نخستین نشریه‌یی است که شوهرم به خانه می‌آورد و در دسترس ما قرار می‌دهد. من هرچند که خود زنی خانه‌دار هستم، اما بسبب کارگر بودن همسرم خویش را جزو کارگران کشورمی‌دانم و همواره از بهبود وضع آنان احساس شادمانی وشعف می کنم. گذشته‌از این مقدمه اجازه‌می‌خواهم برای کامل‌تر و بهتر شدن مجله پیشنهادهایی بدهم. اولا به عقیدهٔ من اگر شما صفحه‌یی زیرعنوان «پوشش کارگر» دایر کنید و طی‌آن کارگران و خانوادهٔ آنانرا در پوشیدن لباس و طرز استفاده از پارچه های ارزانقیمت رهنمون شوید، کار بسیار خوبی است. لیکن باید توجه داشته باشید که منظورم ازطرح این پیشنهاد، تأسیس صفحهٔ مد نیست. بلکه هدفم راهنمایی کارگران در زمینهٔ نحوهٔ استفاده از پارچه های‌مرغوب‌وطن و طرز لباس پوشیدن است.

پیشنهاد دیگرم اینست که آیا بهتر نیست داستانها و پاورقی‌ها را بجای انباشتن درقسمت آخرجمله، میان همهٔ صفحات پخش کنید و به رونق نشریهٔ زیبای خود بیفزائید؟

رشت—مهین الف

* خانم گرامی،

اگر توجه فرموده باشید ما تمامی مطالب مجله‌را بخش بندی کرده‌ایم تا خوانندگان ارجمند با آگاهی به وضع و موقع مطالب، دریافتن مطلب مورد علاقه خود دچارسردرگمی نشوند. معهذا دربارهٔ پیشنهاد های دوگانه شما بررسی لازم‌را بکارمی‌بریم.

***

* حالا که رسم براینست که در این صفحه همهٔ مطالب بالحنی‌شوخی آمیز مطرح می‌شود، منهم می‌خواهم با طرح یک پیشنهاد همین روش‌را بکار برم و ازتان بخواهم به عکاسباشی مجله توصیه‌فرمائید هنگام عکسبرداری ازچهره‌های مورد نظر، کبریت یا فندکی بهمراه داشته باشند تا از آنها بجای فلاش استفاده کنند. آخر دورتان بگردم، این چه جور عکس انداختن است که از سه چهره کارگر، تنها گوشه عینک یکی ازآنها پیداست. نکند حضرات پیش از قرارگرفتن در برابر دوربین، قیر یا خاکه زغال به رخسارمالیده‌اند که بدترازحقیر، چنین روسیاه از کاردرآمده‌اند! منظورم عکس صفحه ۳، مجله شمارهٔ پنجم است

اصفهان—جمال الدین شفقت خواه

***

* با تمام وجود سلام عرض می کنم و آرزومندم که در پیشبرد هرچه بیشتر مجلهٔ ما موفق و پیروز باشید. اگر بگوئیم که مجلهٔ رستاخیز کارگران از لحاظ تکامل، نقص و کمبودی ندارد زیاد بیراه نگفته‌ام اما آنچه انکارناپذیر است، اینست که درچنین نشریه‌یی جای یک صفحه انتقادی خالی است. درست است که ازبرکت عنایت رهبراندیشمند ملت ایران، وضع کارگران کشور روز به روز رو به بهبودی است، اما منکر این واقعیت نباید شد که ما کارگران نیز در بهره گیری از خدمات شهری، فرقی با دیگر افراد جامعه نداریم. بنا براین بخود حق می‌دهیم که ازوضع ناهنجار ترافیک یا دیگر کمبود ها گلایه وشکایت داشته باشیم. بهمین علت نیز پیشنهاد می کنم که در ایجاد چنین‌صفحه‌یی غفلت‌نورزیدود رتکمیل محتوای مجله بکوشید.

تبریز—رشید ـ ك

* کارگرعزیز،

با اینکه پیشنهاد شما سربسته و نارساست و معلوم نیست که منظورتان از ایجاد این صفحه طرح گلایه‌ها و انتقادهای خوانندگان است یا نوشته انتقادی یکی ازنویسندگان کشور، با وجود این به اطلاع سرکارمی‌رسانیم که هدف گردانندگان مجلهٔ رستاخیز کارگران در انتشاراین نشریه، صرفاً آموزش و آگاهی دادن به کارگران ارجمند کشوراست. بنا براین ما حتی‌المقدور می کوشیم از خرده گیریهایی که ممکن است خدای نخواسته مارا از هدف مقدسمان بدورسازد خودداری کنیم، خصوصاً که دیگر نشریات کشور آزادانه نارسائی‌هارا می‌نویسند. شک نیست که درعصر رستاخیز تمامی دستگاههای مملکتی سعی می کنند وظایف خودرا بنحواحسن به انجام رسانند و بی تردید زمانی خواهد رسید که موانع ومشکلات موجودبرطرف شود وجای ایرادی باقی نماند. با تمام این احوال اگر روزی و روزگاری نظراکثر خوانندگان و روش مجله ایجاب کند چنین صفحه‌یی داشته باشیم، ایجاد صفحه‌یی طنز آلودرا که تنها درمسیرشوخی ومطایبه پیش رود مورد بررسی قرارخواهیم داد.

***

* بدون‌مقدمه ومجامله عرض می کنم که اگر می‌خواهید مجلهٔ رستاخیز کارگران از هر ایرادی بر کنار ماند، به پیشنهاد های ما کارگران توجه کنید و مطمئن باشید که کوچکترین زیانی نخواهید دید.

اولا شایسته است که حل صحیح هر جدول در شمارهٔ بعد مجله درج شود تاحل‌کنندگان آن به اشتباهات احتمالی خود پی‌ببرند. ثانیاً بااینکه یکی دوتن از همکاران من تذکر داده‌اند، بنده نیز زحمت‌افزا می‌شوم که بکوشید سطح جدول‌هارا در حد معلومات کارگران بگیرید. زیرا گنجاندن عباراتی مانند« نویسنده کتاب سلام برغم» درجدولها جز ایجاد ملال وبی‌میلی نتیجه دیگری برای حل کنندگان آنها ندارد. ثالثاً درمیزگردهایی که تشکیل می‌دهید، اسامی محل کارشرکت کنندگان و همچنین مقام ونام ونشانی کامل آنان را درست ذکر کنید. مثلا در میزگرد مربوط به شرکت «پارس امریکا» نام این شرکت «پارس امریکن» نوشته شده بود. ضمناً سعی کنید که اسامی اعضای میزگرد هم اشتباه از کاردرنیاید، یعنی مانند همان میزگرد، نام ناصرامیرضیائی، امیرسلیمانی نشود. خدا یارونگه‌دارتان باد.

تهران—علیرضا خادمی

شیراز—آقای میکاییل رضایی

والله از شما چه پنهان طی مطالعاتی که دربارهٔ مردم فلات ایران در پیش از پیدایش آریاها کرده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که درباختر ایران مردمی بوده‌اند به نام «کاسی‌ها» که مورخان یونانی آنان را «کیسی» هم گفته‌اند. (لابد لباسهایشان چروک بوده است!) درگیلان «کاروسیان» درمازندران «تپور»ها ودر جنوب‌باختری ایلامیها زندگی می کردند. ضمناً بدنیست این راهم بدانید که آریایی‌ها، مرده‌های خود را می‌سوزاندند تا تمامی ارتباط آنان بادنیای خاکی قطع شود.

درپایان امیدوارم خداوند از گناهان سرکار درگذرد که مرا به غیبت کردن در پشت‌سرمرده واداشتید!

کرمان—خانم ملیحهٔ ابراهیمی‌مهر

سلام شما را به خانم نادرشاهی عرضه کردم آنچنان علیکی گرفتم که دومتر وده سانتی‌متر پریدم روهوا. صدالبته تازه از این مصیبت ناگهانی رهایی یافته بودم که دم‌چک یگانه پرسش‌سرکارعلیه افتادم وچهارشاخ ماندم که «سینه‌راما» را چگونه تعریف کنم که خواننده از درکش عاجز نماند. سرانجام صلاح را در این دیدم که بگویم فیلم که (حالا هی بگو «که»!) بله، فیلمی که روی پرده مقعر با سه پروژکتور از سه سمت منعکس شود وبدون عینک خصوص دورنگ وبرجسته بنظر برسد، کاری انجام گرفته که به آن سینه‌راما گویند. حالا بااین تعریف حقیر «فهم» هرکس رفت بالا، دستش را بلند کند.

ساری—آقای امیرخسرو— دال

جناب امیرخسروخان «دهلوی»! «ساری نشین» آی‌ام ساری که پاسخ نخستین پرسش تو دوست عزیز را نمی‌توانم در یک یا دو ستون بدهم. زیراچیزی که حضرتعالی پرسیده‌یی جوابی دارد دوتای یک رساله سیصد صفحه‌یی. اما برای دومین سؤالت با صدایی لطیف‌تر از صدای ملیجک‌ثانی عرض می کنم که امتیاز هفته‌نامه کرمان بنام آقای عبدالحسین ناصرسعید صادرشده است. ضمناً بد نیست بدانی که جمعیت مازندران طبق سرشماری سال ۱۳۴۵، ۱۸۴۳۳۸۸ نفر بوده، که البته حالا خیلی بیشتر شده است. (غیب بسته‌چشم عرض کردم!)

قزوین—آقای م—م

خلاص! پدرجان اگر این دوتا «میم» راهم تحویل حقیر نمیدادی، ایرادی داشت؟ خوب شد سؤالت سؤالی است که به گاو و گوسفند هیچ تابنده‌یی آسیب نمی‌رساند. والا معلوم نبود که زیرنامه‌ات بجای این «م—م» خشک و خالی چه علایمی می‌گذاشتی. بهر تقدیر، عرضم بحضور خورشید ظهور جناب «م—م» عزیز که دربارهٔ وجه تسمیه قزوین شما روایت بسیار است که البته خنده‌دارتر از همه اصطلاح «کژبین» است که راوی معتقد است که چون نخستین ساکنان این منطقه کجکی به بیگانگان نگاه می کردند، اسم این شهر کژبین شده که تدریجاً به قزوین تبدیل یافته است! گذشته از این لاطائلات بد نیست بدانی که شهر جنابعالی در زمان شاپور اول بنا شده است که در دوران حملهٔ مغول، مانند دیگر شهرهای آباد ایران، رونق خود را از دست داده تا دورهٔ‌صفویه که بمیل شاهطهماسب اول افتخار پایتختی کشوررا بدست آورده است.

بااینکه ممکن است انعکاس قسمت‌هایی از نظرات و عقاید خوانندگان ارجمند دربارهٔ مجله، باعث ایجاد شبهه‌هایی شود و انگیزهٔ ما درچاپ آنها نوعی خودنمایی تلقی گردد، معذالک برای اینکه مسکوت گذاشتن گفته‌های ستایش‌آمیز این دسته از دوستان گرامی، حمل بر بی‌اعتنایی نشود، قسمتی از مفاد چند نامه را منعکس می کنیم و تمامی نویسندگان این مطالب را سپاس می گوئیم.

* خوانندگان و رستاخیز کارگران

آقای‌سردبیر،

جا دارد به عنوان یک کارگر ایرانی [illegible] از حزب سرفراز رستاخیز ملت ایران صمیمانه و صادقانه تشکر کنم. سپاسگزار باشم که با انتشار این مجلهٔ آموزنده موجبات آموزش کارگران سراسر کشور را فراهم کرده است. این نشریه می‌تواند برای ما کارگران، چون کلاس ارزنده‌یی باشد و دستور [illegible] باشد تا توفیق یابد که سطح اطلاعات سیاسی، حزبی، سندیکایی و عمومی ما را بالا برده و بدین سان به رشد فکریمان کمک شایانی بنماید. شک نیست که این مجله با استمرار و تداوم خود خواهد توانست [illegible] کارگری را که در [illegible] صنعت کارگران ایجاد شده [illegible] کارگران ایرانی آنچنان که مورد انتظار رهبر خردمندمان است بسازد. به امید آرزوی پیروز.

علی رسولی—تهران

آقای سردبیر،

ای کاش می‌توانستم نخستین کارگری می‌بودم تا به شما که با کسب افتخار دست‌بوسی [illegible] آریامهر و انجام مصاحبه، پلی میان معظم له و طبقه کارگر ایرانی بوجود آوردید، بگویم. رهنمودهای شاهنشاه خطاب به شما که [illegible] سعادت ماست، این افتخار را به مجلهٔ رستاخیز کارگران داده است تا مجری منویات ملوکانه و عامل پیشبرد انقلاب مقدس شاه و ملت باشد. من آرزومندم که سرکار با همت و همکاری فضلا، دانشمندان و پژوهندگانی که به گرد خود آورده و نشریه‌یی چنین ارزشمند منتشر می کنید، دراجرای تمامی نیات رهبر عالیقدرمان موفق و پیروزباشید.

حفیظ‌الله عباسی—مسجدسلیمان

* آقای سردبیر،

تردید نیست با تحولاتی که طی‌سالهای اخیر در کشورما به وقوع پیوسته، جای‌مجله‌یی که در بالا بردن سطح معلومات کارگران ایران نقش ارزنده‌یی داشته باشد خالی بود. لیکن امروزخوشحالم که سرانجام آرزوی ما کارگران تحقق پذیرفت ومجلهٔ دلخواهمان به بهترین نحو منتشر گردید. از این رو لازم می‌دانم که از طرف تمامی کارگران کارخانجات «ایران دو چرخ» ازشما تشکر کنم و امیدوارباشم که در ارشاد و راهنمایی کلیهٔ همکاران ما موفق ومؤید باشید.

محرمعلی مرادی—قزوین

آقای سردبیر،

باور کنید هرگاه که تیتر «نمایندگان کارگران در کارگاهها، با ما در ارتباط هستند» را در مجلهٔ عزیز رستاخیز کارگران می‌بینم، دستخوش آنچنان غروری می‌شوم که بی‌اختیار زحمات شما خدمتگزاران شاه و ملت را که با فعالیت‌های شبانه روزی خود مارا در جریان امور کارگری کشورقرارمی‌دهید، ارج می‌نهم. آرزومندم که ما وشما در پناه یک سقف که همانا حزب رستاخیز ملت ایران است، با همگامی و همدلی به پیش تازیم.

حسن زرنگی—تهران

گرد استخوان گوساله تنها کشف جدید برای حفظ سلامتی است

نوشته: دکتر باریو
ترجمه: مهدی نراقی

گرد استخوان را در غذای حیوانات اهلی وخانگی وارد میکنند واز آن نتایج مفیدی در سلامت ورشد استخوانها وحفظ دندانها میگیرند، اخیراً آنرا به شکل قرص وحب هم ساخته اند که برای مصرف انسان بکار میرود.

گرد استخوان

گرد استخوان نوعی آرد استخوان است که از استخوان گوساله های سالم ومخصوص بدست می آید وبشکل قرص آنرا ساخته اند که در اول غذا دوتا سه قرص آنرا میخورند. برای کودکان یک قرص کافی است، ولی این مقدار را برحسب تشخیص پزشک معالج برای بچه ها هم میتوانید افزایش دهید.

توصیه شده است که اگر بخواهیم از کمبود کلسیم و کرمخوردگی دندانها جلوگیری کنیم، باید هرروز قرص گرد استخوان را مصرف کنیم.

گرد استخوان دارای املاح بسیاری است که از آنجمله میتوان از کلسیم کرانبها، فسفر، منیزیم، سدیم، گوگرد، کلر، پتاسیم، فلوئور، روی، سرب، آهن، منگنز، باریم، مس، ید، الیگومنرو، پروتئین، لیپیدها و هیدرات دو-کربن ها نام برد.

این املاح معدنی، برای خوب کار کردن دستگاه بدن ضروری است وبه استحکام استخوان بندی بدن وهمچنین کار متابولیسم کمک میکند کمبود املاح معدنی در بدن مخصوصاً کلسیم سبب تحریکات عصبی، ضعف وناتوانی، کم خونی، بیخوابی، کرمخوردگی مینای دندانها، سستی و ناتوانی عضلات وغیرآن میشود.

اشخاص ضعیف یا بیماران، اغلب بطور شدیدی دچار کمبود کلسیم میشوند وچنانکه میدانید کلسیم یکی از مهمترین املاح معدنی برای تندرستی است. علائم کمبود کلسیم اشخاص ضعیف ویا بیماران را معمولا نمیتوان تشخیص داد، ولی باید ریشه ذخیره کلسیم را در بدن بحدی رسانید که برای تندرستی کامل ما لازم وضروری است.

ما باید تمام املاح معدنی را که دستگاه بدن ما لازم دارد، در غذای روزانه خود وارد و مصرف کنیم.

کشاورزی جدید، کود شیمیائی ومواد حاصلخیز کنندهٔ مصنوعی بکار میبرد و درنتیجه محصولات غذایی که با چنین روشی بدست می آید، دارای کمبود املاح معدنی وعواقب وعوارض بعدی آن میشویم. چنانکه میدانید در روش کشاورزی جدید چهار یا پنج ماده املاح معدنی مخصوصاً پتاسیم را بمقدار زیاد بعنوان کود به زمین میدهند، بدون اینکه میزان معتدل املاح معدنی را برای زمین حساب کرده باشند. دقیقاً وبطور عملی حساب کرده اند که در دستگاه بدن ما ۴۴ املاح معدنی و «الیگومنرو» وجود دارد که باید بوسیله مصرف میوه ها، سبزیها، غلات و محصولات حیوانی تأمین گردد وچون غذاهای معمولی بطریق طبیعی بدست نمی آید، ازلحاظ املاح معدنی متعادل نیستند وچنین وضعی در مورد محصولات طبیعی زمینی که بآن کود طبیعی داده اند، پیش نمی آید. سالهاست در کشورهای پیشرفته وهمینطور در کشورهای درحال توسعه، بعلت کشاورزی صنعتی و استفاده از کودهای شیمیائی، زمین فقیر شده است، زیرا کشاورزی صنعتی وشیمیائی فقط وزن محصول را از نظر تجارتی درنظر میگیرد و بخواص آن کاری ندارد وحال آنکه محصول کشاورزی میبایست از مواد غذائی مورد لزوم بدن باروربا شد.

در حال حاضر کشاورزی طبیعی تقریباً ناشناخته است و باستثنای مناطقی چند که هنوز طبق سنن قدیمی زمین را کشت کرده ومحصول آنرا برمیدارند، توسعه محصولات کشاورزی بجائی رسیده است که محصولات زراعتی ازنظر املاح معدنی، تغذیه و ویتامین ها دارای کمبودهائی است، چنانکه مثلا غلات و سبزیهای معمولی در حدود چهل درصد نسبت به محصولاتی که با کمبود طبیعی بدست می آید، کسرپروتئین دارد.

کمبود املاح معدنی آنهم به همین اندازه است. نتیجه چنین غذائی خوب نیست، زیرا سبب بیماریهای گوناگون میشود که می گویند اصل آن ناشناخته است و ظهور چنین بیماریهائی روزبه روز زیادتر میشود. پیش بینی می کنند که

بقیه درصفحه ۸۳

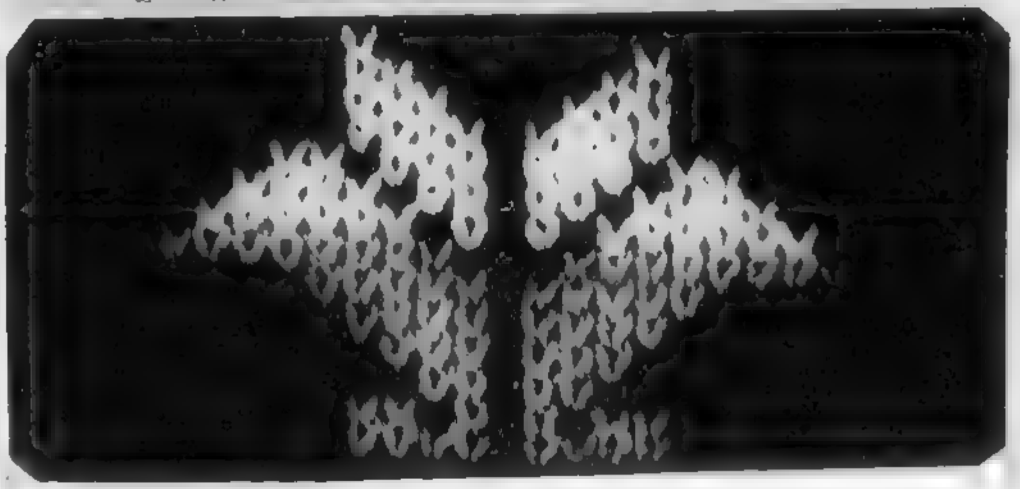

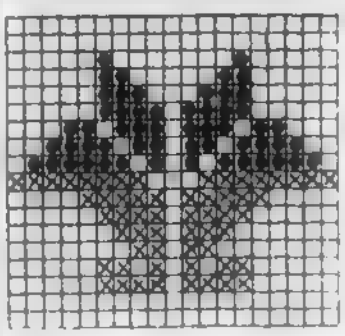

از این طرح می توانید برای لباس بچه ها یا بلورهای بافتنی، رومیزی وغیره استفاده کنید.
اول پارچه شماره دوزی را روی لباس مورد نظر کوك بزنید و بعد نخ های رنگی دلخواه را انتخاب کنید و طبق نقشه تک بدوزید. با برداشتن قسمت اضافی پارچه شماره دوزی، نقشه شماره ۲ بدست می آید.

«ویار»
«هوسهای ناجور»

بعضی از خانمهای باردار گاهگاهی هوسهای ناجور میکنند. مثلا میل بخوردن خاك — گل سرشور- مهرنماز— گچ دیوار— کاهگل —ذغال وغیره پیدا مینمایند. البته نباید فراموش کرد که بعضی مواقع این هوسها زیاد هم بی دلیل نیست زیرا کسانیکه مثلا گچ می خورند حتما بدنشان به کلسیم احتیاج دارد و یا کسانیکه گل سر شور می خورند امکان دارد به مواد سیلیس یا آلومینیوم آن احتیاج داشته باشند اما درعین حال خانم ها باید بدانند این نوع هوسها اگر برآورده شود بـه سلامت کودك ملوسشان وحتی وجود خودشان صدمه میزنند و ناراحتیهائی را سبب میشود. بنابراین بهتر است در موقع بروز اینگونه هوس ها به دکتر متخصص مراجعه کنند وعلاج درد خود را از او بخواهند. متاسفانه پاره ای مواقع مشاهده میشود که خانمها بعوض مراجعه به پزشک به افراد فاقد صلاحیت مراجعه میکنند. ازاین خانمها باید پرسید که آیا یک دکتر تحصیل کرده کمتر از یک شخص عامی دراینمورد می فهمد که درد دل خود را نزد او می گویید ولی به دکتر مراجعه نمی کنید؟

اصولا کمبود مواد غذائی درموقع بارداری موجب می شود، اختلالاتی در بدن بوجود آید و همین اختلالات است که مردم بعنوان «ویار» از آن صحبت می کنند و ای بسا بسیاری ناراحتی ها که درنتیجه همین «ویار» ساده بسر شما و فرزندتان بیاید. پس برای جلوگیری از بروز هر پیش آمد ناگواری بهتر است به طبیب مراجعه کنید و بی تردید موفق خواهید شد که با دستورات مفید او ناراحتی وحالت دگرگون خود را آرامش بخشید.

کف‌بین یاپزشک

بالاخره از دستهای شما برازهای روانی در بیماریهای شما پی می برند؟

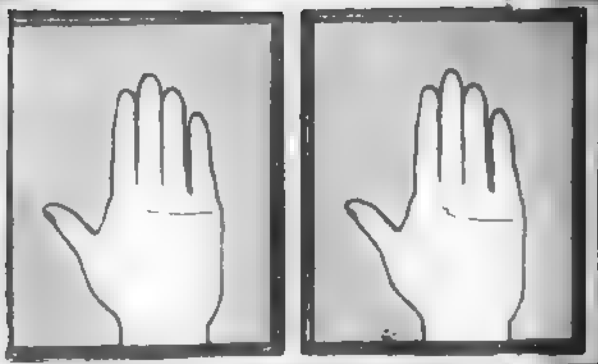

ترجمه : مهین پزشکپور

دکتر ادوارد کووالوسکی مانند دیگر پزشکان توجه بیش ازاندازه‌ای بدستهای بیماران خود دارد. او عقیده دارد که «من حتی سعی میکنم وقتی که آنها در اتاق انتظار نشسته‌اند بدستهایشان توجه کنم، برای اینکه خیلی چیزها را میشود از همین دستها فهمید. خیلی مطالب راجع بجسم، احساس وعاطفه .....»

دکتر کووالوسکی پرفسور دانشکده طب دانشگاه مریلند آمریکا و رئیس پیشین آکادمی آمریکائی پزشکان خانواده است. او عقیده دارد که مردم هرگونه فشارعصبی را با دستهایشان نشان میدهند و همچنین غرور خود را با نشاندادن جواهراتیکه بدست دارند ظاهر میکنند. ممکن است «آری» بگویند ولی منظورشان «نه» باشد و دستهای آنها این دروغ را آشکار میکند. من از روی حالت دست میتوانم بفهمم که یکنفر در مقابل سانحه و تصادف چه استعدادی دارد باینمعنی که در یک تصادف آیا بدن او کم صدمه می‌بیند یا زیاد؟ و این امر را دستهای او بخوبی آشکار میکند. ازظاهر دستها و ناخنها به خیلی از مطالب راجع بوضع عمومی بدن میتوان پی برد.

همین چند وقت پیش مرد ۳۰ ساله‌ای درمقابل دکتر «کووالوسکی» نشست و دستهایش را روی میز گذاشت و شروع بگفتن وضع جسمانی و ناراحتی‌اش کرد. دکتر با هوش بدون معطلی درباره ریه مرد جوان سؤالاتی کرد، دکتر کووالوسکی چنین شرح داد که «من یکنوع تورم در نوك انگشتهای آن مرد دیدم و رنگ خاکستری مایل بآبی در ناخنهایش مشاهده نمودم وجود این علائم در یک بچه ممکن است حاکی از مرض قلبی مادرزادی باشد ولی در انسان بالغ نشان دهنده بیماریهای مختلف و مزمن ریه است که دراین شخص حاکی از «سرطان» بود. همه اعضاء بدن بنوعی با یکدیگر بستگی دارند و ممکن نیست که قسمتی از آن از حادثه‌ایکه در قسمتهای دیگر پیش آمده بی‌اطلاع باشد و علائمی بروز ندهد.»

دکتر لوئیز کوهن استاد دانشگاه میگوید: «دراین مورد فقط دستها نیستند که اسرار را بازگو میکنند، ولی بطوراختصاصی اطلاعات بیشتری دراختیارما قرارمیدهند. وقتی شما آنرا بقسمتهای مختلف تقسیم میکنیدمتوجه میشوید که چه چیز فوق‌العاده‌ایست. این قسمتها عبارتند ازنوك انگشت‌ها، وانتهای کناره پوست دست، پوست زیادی (منجمله ناخنها) چین‌های پوست، بیست و هفت عدد استخوان، مفاصل، نسوج چربی، عضلات، رگ‌ها، بافت لنفی، اعصاب و سیستم لنفاتیک. هر یک از اینها ممکن است هرنوع حالت غیرعادی را نشان دهد. تغییر رنگ هم حائز اهمیت است.» دکتر کوهن زنی را مورد آزمایش قرار داد که کف دستش دارای رنگ زرد غیر عادی بود. او میگفت: «من حدس زدم که این زن مبتلا بازدیاد کلسترول و تری‌گلیسیرید خون است که او را در معرض ناراحتی عروق قلب قرارمیداد. آزمایش خون، این نظریه را تائید کرد، و از آن موقع ببعد با رژیم دقیق توانستیم مقدار چربی خون را پائین بیاوریم. دستها اغلب وظیفه سخنگوی بدن را بعهده دارند و هرگونه بی‌نظمی و اختلال را چه کوچک و چه بزرگ در قسمتهای مختلف بدن بخوبی نشان میدهند.»

پزشک خانوادگی خود من که خواهش کرده اسمی از او نبرم، اخیراً بدرمان زن سی و هشت ساله‌ای که بتازگی طلاق گرفته بود پرداخت. آن زن از عصبانیت شدید رنج میبرد ووقتی که هر دو دستش را بعلامت تقاضای کمک بطرف دکتر دراز کرد، دکتر در همان لحظه متوجه شد که یکنوع سرخی غیرعادی در کف دست این زن مشاهده میشود. پزشک مزبور میگفت: در زمان آبستنی این امر عادی وطبیعی است ولی من حدس زدم که او بتشمع کبدی (سیروز) مبتلاست و از علائم اولیه آن وجود کف دست قرمز است. و بهمین دلیل بیشتر پزشکان آنها را «دستهای کبدی» میناسند وآزمایش دقیق نشان داد که کبد او کمی از حد معمول بزرگتر شده و وجود این ناراحتی را تأئید نمود. بیمار پس از طلاق عادت بخوردن مشروب کرده بود و اگر به این کار خود ادامه میداد مطمئناً بمرگ منتهی میشد. خوشبختانه وقتی که فهمید چه بر سر کبدش آورده تصمیم گرفت که دیگر مشروب نخورد و حالا حالش کاملا خوبست.» همین پزشک می‌نویسد:

بنا برنظریه پزشک جراح دست، دکتر ادوارد فلین، هرگونه تغییری در ناخنها (شکنندگی، ضخیم شدن و تغییر رنگ) هریک بتنهائی میتواند وجود خیلی از بیماریهای مهم را در بدن آشکار کند، از قبیل امراض قلبی، اختلال سیستم غده‌ای مانند هورمونهای جنسی، تیروئید وکم خونی.

تا کنون خواندن خطوط دست کار پزشکان نبود و این کف بینان بودند که عقیده داشتند که خطوط، چین‌ها و برجستگی‌ها میتوانند از آینده وگذشته و حال انسان خبربدهند. مثلا برای کف‌بین، خط عمر که بدور برجستگی عضلانی شست دست کشیده شده، نشان دهنده طول عمر است و هرچقدر طولانی‌تر باشد عمرآن فرد طولانی‌تر است. اگرچه مطالعات اخیر درمورد خطوط عمرخلاف این را ثابت کرده و نشان داده که این ادعا بیمعنی است وکسانی که خط عمرشان کوتاه بوده ولی درسنین بالا فوت کرده‌اند و خیلی از جوانها درجوانی بکام مرگ فرو رفته‌اند در صورتیکه خط عمرشان طولانی بوده ....

دکتر «فلین» میگوید: بخاطر تهیه یک گزارش علمی دقیق، چند هفته پیش با کف بینی ملاقات کردم که ببینم تا چه اندازه تجزیه و تحلیل او با آنچه پزشک من میگفت مطابق است؟

زن کف‌بین در حالیکه بکف دست راست من خیره شده بود گفت «ناراحت نمیشوید اگر راجع بسلامت شما چیزی بگویم؟» باو اطمینان دادم که «نه، ناراحت نمیشوم.» و او ادامه داد: «شما مبتلا بناراحتی پروستات هستید.»

درجواب گفتم تا آنجا که اطلاع دارم

درفش سیاه

نوشته‌ی: فرناد

قسمت ششم

مروان وقتی شنید که کوفه به دست سیاهپوشان افتاده و مردم کوفه با ابوالعباس سفاح برای خلافت بیعت کرده‌اند، دچار تشویش و اضطراب مرگ آوری شد و با هول و هراس به فکر چاره جویی افتاد. خبر بعدی وحشت و هراس او را صدچندان کرد:

— سیاه‌پوشان، که تعداد آنها به چهل هزار نفر، بالغ می‌شود، بسپهسالاری حسن بن قحطبه و بهمراهی ابوالعباس سفاح به سوی «حران» حرکت کرده‌اند.

مروان بمحض شنیدن این خبر یارانش را جمع کرد و با آنها به مشورت نشست. مروان حدود صد هزار نفر سپاهی داشت اما مطمئن نبود که حتی یک نفر آنها تا دم آخر بجنگد در حالیکه خبر داشت که سیاهپوشان از روی ایمان و اعتقاد می‌جنگند و در راه پیروزی مرگ را هیچ می‌شمارند.

مروان و درباریانش پس از مذاکره‌های زیادی تصمیم گرفتند با تمام سپاه خود به پیشتاز سیاهپوشان بروند تا در نقطه مساعد و مناسب‌تری با آنان روبروشوند زیرا شهر «حران» بهیچوجه برای چنین جنگ بزرگی مناسب نبود و احتمال شکست امویان در اینجا بیشتر بود.

* * *

مروان و سپاهیانش در کناره‌ی رود زاب با سیاهپوشان رو با روی شدند و جنگ هولناک و سختی میان آنها در گرفت.

در این جنگ بیش از صد هزار شمشیرزن در رکاب مروان بودند اما برای دفاع از خلیفه و به خاطر پیروزی او کارمهمی از پیش نمی‌بردند و مروان به هر طایفه‌ای فرمان حمله میداد می‌گفتند:

— چرا فلان طایفه را پیش مرگ نمی کنی؟ آنها چشمهایشان سیاهتر از ماست!؟

این نفاق و چندتیرگی سپاهیان مروان در برابر یکپارچگی و از جان گذشتگی سیاه پوشان به زودی نتایج خود را به بار آورد و ناگهان مروان دریافت که جز فرار چاره‌ای ندارد.

او با چند تن از یاران نزدیک خود به قصد فرار به سوی پل رودخانه‌ی زاب رفت اما مردم موصل که دل‌خوشی از او نداشتند، چون قصد او را دریافتند پل را شکستند تا مانع فرار مروان شوند. مروان به ناچار راه دیگری درپیش گرفت و موفق شد به تنهایی از آب بگذرد و جان سالم از معرکه بدر ببرد.

با فرار خلیفه‌ی اموی سرنوشت جنگ روشن شد و سپاهیان درهم ریخته و پراکندهٔ بنی‌امیه پرچم تسلیم بالا بردند...

به این ترتیب ایرانیان غیور نه تنها به حکومت بنی‌امیه در مشرق پایان دادند بلکه پس از یک قرن، انتقام شکست نهاوند را نیز از اعراب گرفتند.

مروان پس از فرار از برابر سیاهپوشان به دمشق و از آنجا به مصر رفت و در آنجا کشته شد.

در این موقع، ابومسلم سراسر خراسان را از وجود اعراب پاک کرده بود و با قدرت تمام بر این سرزمین فرمانروایی می کرد.

آنروز، در بارگاهش، با یاران خود مشغول گفت و شنود بود که پیکی از راه رسید و با شادمانی گفت:

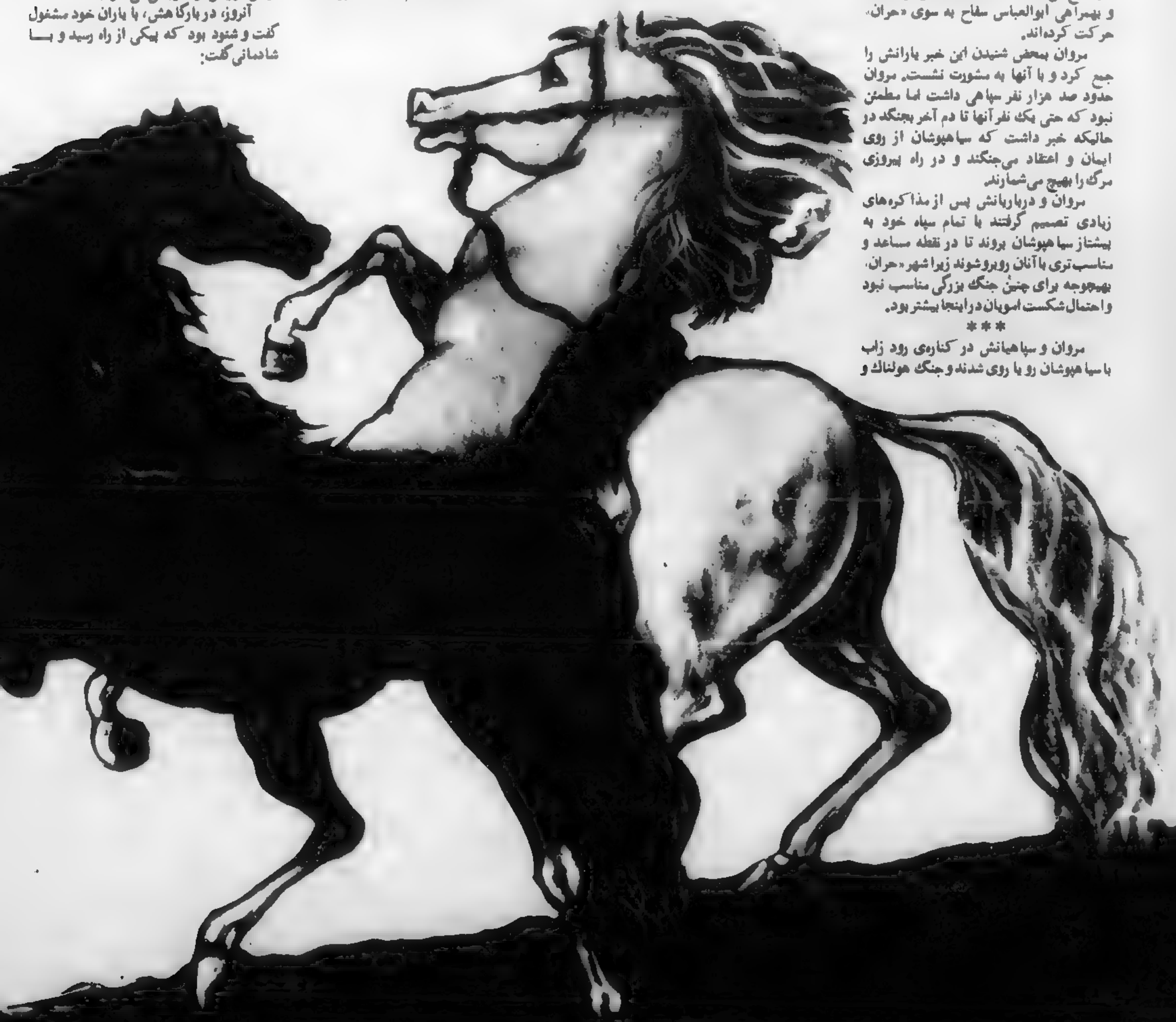

سرداران استقلال ایران

— یا امیر، درود برتو باد، سیاهپوشان برمروان پیروز شدند، مروان فرار کرد و مسلمانان با ابوالعباس سفاح برادر ابراهیم امام برای خلافت بیعت کردند... و اینک فتح نامه حسن پسر قحطبه همراه با درود و تهنیت همه‌ی سیاهپوشان ... آنها آرزو دارند که هرچه زودتر به‌دیدار سرور و رهبر بزرگ خود نایل شوند.

ابومسلم نامه‌ی حسن قحطبه را گرفت و بدست خود باز کرد و مشغول خواندن شد. حسن در این نامه خبر پیروزی خود برمروان، آخرین خلیفه اموی و جریان به‌خلافت نشستن ابوالعباس سفاح را به‌تفصیل نوشته و درپایان افزوده بود:

— اکنون که دست بنی امیه از حکومت کوتاه شده و خلافت به‌خاندان عباسی رسیده، دیگر وظیفه‌ی ما در اینجا بپایان آمده است. ما درانتظار فرمان امیر هستیم که آیا درعراق بمانیم یا به‌خراسان بازگردیم.

ابومسلم زیرلب گفت:

— اما هنوز وظیفه‌ی سیاهپوشان بپایان نیامده است یا درواقع تازه شروع شده است. وظیفه‌ی پاك کردن خاك پاك ایران از لوث وجود عرب ها ! ...

سلیمان‌بن کثیر که کنار ابومسلم نشسته بود، حرفهای او را نشنید و پرسید:

— امیر چیزی فرمودند؟

ابومسلم که همیشه قیافه‌ای جدی داشت و جز در میدان نبرد کسی خنده برلبهای او نمی‌دید، نگاه تندی بسلیمان کرد و گفت:

— چیزی نبود، صلوات می‌فرستادم !

سلیمان‌بن کثیر گفت:

— من فکر می کنم بجا و بموقع است که امیر برای تبریک و تهنیت و ابراز وفاداری و بیعت نزد خلیفه بروند...

ابومسلم لحظه‌ای اندیشید و سپس گفت:

— نه، فعلا صلاح نیست ما از خراسان دور شویم... این کار را بموقت مناسب‌تری می‌گذاریم... من یکی از نزدیکترین کسانم را به کوفه می‌فرستم تا ازسوی من با ابوالعباس سفاح بیعت کند و مراتب اخلاص و وفاداری مرا بعرض ایشان برساند.

ابن کثیر ساکت ماند و ابومسلم یکی از یارانش را که عامر نام داشت و بسیار مورد اعتمادش بود پیش خواند و گفت:

— تو به کوفه میروی، به‌حضور خلیفه میرسی، از سوی من دست خلیفه را به‌نشانه‌ی بیعت می‌بوسی و مراتب وفاداری مرا ابراز میداری. درضمن بعرض خلیفه برسان که من

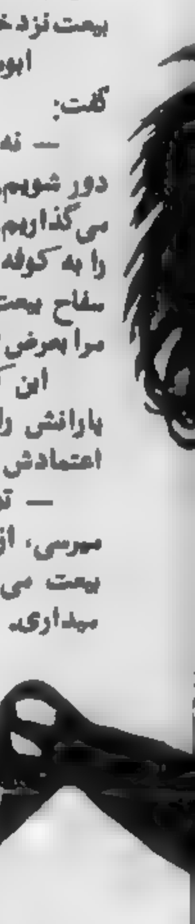

خود در فرصت مناسب برای دست بوسی خدمتشان شرفیاب خواهم شد.

عامر سرفرود آورد و گفت:

— اوامر امیر موبه‌مو اجرا خواهد شد.

ابومسلم گفت:

— بسیار خوب، برو و بی‌درنگ وسایل سفرت را آماده کن و راهی شو. عامر بیرون رفت. ابومسلم رو به‌پیک حسن‌بن قحطبه که همچنان دست بسینه ایستاده بود کرد و گفت:

— تو هم برو استراحت تا من پاسخ نامه‌ی حسن را آماده کنم...

* * *

عامر وقتی به کوفه رسید به‌بارگاه خلیفه‌ی عباسی شتافت. او را به‌اتاقی بردند که در آن چند نفر دور هم نشسته بودند و دو نفر در بالا بودند که در سیمایشان نشانه‌های بزرگی دیده میشد و در کسوت فرزندان رسول‌الله بودند. آن دو، ابوالعباس سفاح و برادرش ابوجعفر منصور بودند. عامر که ابوالعباس سفاح را از نزدیک نمی‌شناخت، برای شناسائی گفت:

— کدامیک ازسرورانم پسرحارثیه است؟

ابوالعباس سفاح خندید و اطرافیان او را به‌عامر نشان دادند و یکی ازآنها گفت:

— ایشان امیرالمومنین و خلیفه‌ی‌مسلمین ابوالعباس سفاح پسرحارثیه هستند.

عامر جلو رفت ، زانوزد و بااحترام دست خلیفه را بوسید و پیغام ابومسلم را رساند.

ابوالعباس سفاح که خود و خلافتش را مدیون ابومسلم‌می‌دانست و او را بسیاردوست می‌داشت ،عامر را مورد محبت‌قرارداد ،ازحال ابومسلم پرسید و ازبیعت و ابرازوفاداری ابومسلم اظهارخوشوقتی وسپاس کرد ، اما ابوجعفرمنصور برخورد زننده‌ی عامر را بحساب بی‌لطفی ابومسلم نسبت بخودش گذاشت و کینه‌ی ابومسلم را به دل گرفت.

لابد می‌پرسید : مگر از عامر چه‌رفتاربدی نسبت به‌ابوجعفرمنصورسرزده بود ؟

الان به‌شمامی‌گویم : ابوالعباس سفاح و ابوجعفرمنصور دوبرادر بودند منتها ابوالعباس پسرحارثیه ازیك‌زن اصیل عربی بود درحالیکه ابوجعفر از یك کنیز بنام «سلامه» زاده شده بود و بهمین‌دلیل هم باآنکه ابوجعفر منصوربرادر بزرگترو از نظرسنی برای خلیفه‌شدن‌شایسته‌تر بود ، ابراهیم برادر کوچکتر را که اصیل‌زاده بود به‌جانشین خود برگزیده بود.

وقتی پیک و فرستاده‌ی ابومسلم فریاد زد: «کدامیک از شما پسر حارثیه‌اید »، ابوجعفر آنرا اشاره‌ی مستقیم به کنیززاده‌بودن خودتلقی کرد و تصور نمود که عامر این کاررا بدستور ابومسلم و برای تحقیراو انجام داده است...و این نخستین سبب برای دشمنی ابوجعفرمنصور با ابومسلم بود.

باری ، ابوالعباس سفاح دستورداد وسایل آسایش فرستاده‌ی ابومسلم را فراهم کنند و بعد هم اورا باخلعت و انعام فراوان روانه‌ی‌خراسان کرد.

* * *

سفاح چند صباحی مشغول‌سروسامان‌دادن امور خلافت و خواباندن سروصداها و نواهای مخالفی بود که کم‌وبیش دراطراف‌شنیده‌می‌شد و چون از این کارها فراغت یافت ، چون‌هنوز ابومسلم به‌دیدار او نیامده و به همان‌بیامگزاری اکتفا کرده بود ، ابوالعباس سفاح به‌این‌فکر افتاد که برادرش ابوجعفرمنصور را به‌خراسان بفرستد تاهم بیعت‌محکم و مطمئن از ابومسلم و خراسانیان بگیرد و هم از اوضاع واحوال‌خراسان وسیاهپوشان آگاه‌شود.

وقتی این‌فکر را باابوجعفر درمیان‌گذاشت، ابوجعفر که کینه‌ی ابومسلم را بدل گرفته بود ازآن‌استقبال کرد و گفت:

— بله برادر، شمابابد دوستان و دشمنان خود را به‌خوبی بشناسید تاپایه های‌خلافتتان محکم باشد. من‌با کمال‌میل این‌وظیفه را به عهده‌می‌گیرم.

وهمانروز به‌تدارك سفرپرداخت و دوروز بعد باپیامی‌محبت‌آمیز از جانب خلیفه‌راهی خراسان‌شد.

* * *

ابوجعفرمنصور روزهاو شبها راه پیمود ، کوهها و دشتها را پشت‌سرگذاشت ، گرماوسرما را تحمل کرد تا به خراسان برود و سرازکار ابومسلم درآورد زیرا قدرت و پیروزی ابومسلم و سیاهپوشان — باآنکه بنفع برادرش و او بود و خلافت رابه خاندان آنها منتقل کرد — برای او چون‌افسانه‌و معما جلوه‌می کرد.

منصور — که بعداز رسیدن به‌خلافت‌به «منصور دوانیقی» مشهور شد — در تمام‌طول راه در زمینه‌ی پیشبازسیاهپوشان و مردم‌خراسان از خودش‌خیالبافی می کرد و انتظار داشت که ابومسلم و سیاهپوشان از او — که‌فرستاده ، برادرو جانشین خلیفه بود — استقبال‌شاهانه‌ای بعمل‌آورند. اما با رسیدن به دروازه‌ی مروتمام این خواب‌و خیالها نقش برآب شد زیراابومسلم هیچ تدراکی برای پذیرایی از او ندیده بودو تنها چندتن از یارانش را تادم دروازه‌ی شهربه پیشبازمنصورفرستاده بود.

ابومسلم درباری به سبك شاهان‌ساسانی برای خودآراسته بودومنصورازدیدن‌جاه‌وجلال بارگاه ابومسلم احساس کوچکی کردو این احساس همراه بابی‌اعتنایی ابومسلم نسبت به‌شخص‌وی، کینه‌ی‌منصورراصدچندان کرد.

ابومسلم درعین کم‌توجهی به‌منصور، بروفاداری وارادت خود نسبت به‌ابوالعباس سفاح بشدت تأکیدمی کردو بااحترام‌تمام‌از خلیفه نام‌می‌برد...و این برمنصورگران‌می‌آمد تاآنجاکه اینگونه رفتارمبالغه‌آمیز نسبت‌به سفاح را نوعی تظاهرو فریبکاری تلقی‌می کرد در حالیکه چنین نبودو ابومسلم واقعاً به ابوالعباس سفاح‌ارادت می‌ورزید همانگونه که سفاح‌نیزاو را دوست می‌داشت و تاپایان عمر ابومسلم را گرامی می‌شمردو جلودشمنی‌های برادرش ابوجعفررا بااومی گرفت.

* * *

ابوجعفر منصور چندروزی در خراسان‌بود و در این‌مدت به‌خوبی دریافت که ابومسلم چه نفوذی برسیاهپوشان داردو مردم‌خراسان چنان ابومسلم را دوست دارند که خویشتن خویش را در برابر او به‌هیچ‌می‌شمارندو ازبذل جان‌ومال درراه او دریغ ندارند.

دراین‌میان حادثه‌ای رخ داد که ابوجعفر را بیش‌از پیش دچاروحشت و نگرانی از قدرت ابومسلم کردو کینه‌ودشمنی او را نسبت‌به ابومسلم به‌حدغایت رسانید.

ماجرا از این‌قرار بود که سلیمان‌بن کثیر که بزرگترین داعی عباسیان در خراسان‌بودو درشمار یاران صمیمی‌و نزدیك ابومسلم‌بحساب می‌آمد ، بعداز پیروزی سیاهپوشان و به‌قدرت رسیدن ابومسلم‌در خراسان‌دچاررشك‌وحسد شده‌بود بااین‌اندیشه که‌اگرابومسلم‌جوان‌ازراه نرسیده بود این جاه‌ومقام و قدرت اکنون از آن او بود غافل ازاینکه اگر سیاهپوشان به قدرت رسیده بودند در سایه نبوغ و قدرت و رهبری هوشمندانه‌ی ابومسلم بود وگرنه خود او وداعیان دیگر آل‌عباس سالها در خراسان گشته بودند بدون اینکه بتوانند کار مهمی انجام دهند و جز تعدادی انگشت‌شمار طرفدار برای عباسیان گیر نیاورده بودند .

ابن کثیر در گیرودار این حسادت کوته‌بینانه به صرافت افتاده بود که راهش را ازعباسیان و ابومسلم جدا کند و چون‌ابومسلم و یارانش درآغاز کار، دعوت به‌رضا نسبت به بنی هاشم می کردند ، شروع به دعوت مردم به بیعت آل‌ابوطالب بکند و به موفقیت خودنیز امید بسته بود با این اطمینان که مردم ایران نسبت به حضرت علی (ع) و فرزندان او بیش‌از عباس عم پیغمبر وفرزندان او ارادت می‌ورزیدند.

ابومسلم که مردی هوشیار و بسیار دقیق و بیدار دل بود ، خیلی زود متوجه نقشه‌ی نفاق‌افکنانه‌ی ابن کثیر شد و چندتن از یاران مورد اعتماد خود را به مراقبت اعمال ورفتار او گماشت .

ابومسلم مخالفتی با آل‌ابوطالب نداشت و درنظر او عباسیان و طالبیان یکی بودند و همانطور که قبلا نیز گفتم ، هدف او بالاتر از جانشین کردن یك قوم عرب به جای قوم دیگر بود . او به فکر آزادی و استقلال ایران وتجدید شکوه و عظمت میهنش بود و برای رسیدن به‌این هدف و اندیشه ، به یکپارچگی و همبستی‌مردم ایران نیاز داشت .

سلیمان‌ابن کثیر با کارهای خود به‌این اتحاد و یکپارچگی لطمه می‌زد و میخواست برادران خراسانی را به خاطر هوسهای جاه‌طلبانه‌ی خود بجان هم اندازد و این ، چیزی نبود که ابومسلم بتواند تحمل کند . بنابراین خیلی جدی و سریع شروع به اقدام کرد و چون براو محقق و ثابت شد که سلیمان‌ابن کثیر به آرمانهای سیاه‌پوشان خیانت می کند دستور دستگیری او را داد .

ابومسلم همانروز جلسه‌ای از یارانش و بزرگان سیاهپوشان ترتیب داد و در آنجا شخصاً ابن کثیر را محاکمه کرد .

ابوجعفر منصور نیز در این مجلس حضور داشت و چون‌ابومسلم بدون‌اینکه از خلیفه اجازه بگیرد و یا با منصور مشورت کند ، سلیمان‌ابن کثیر را — که از داعیان بزرگ عباس بود — محکوم به مرگ کرد و در همان مجلس فرمان قتل او را صادر نمود و فرمان نیز بلافاصله اجرا شد ، منصور نتوانست تحمل کند و با خشم ازجا برخاست و باقهر مجلس ابومسلم را ترك کرد و بی‌درنگ راهی عراق شد .

یاران ابومسلم از این رفتار ابوجعفر متعجب و نگران شدند و خواستند بدنبالش بروند و او را برگردانند ، ابومسلم با خونسردی گفت:

— بگذارید برود !...این مردك خیروشر خاندان خود را تشخیص نمی‌دهد !

و بعد ازسکوت کوتاهی افزود :

— خوشبختانه خلیفه مرد هشیاری است و میداند که من کاری به زیان او نمی کنم ... جسد این خائن احمق را ببرید دفن کنید .

* * *

ابوجعفر منصور درحالیکه ازخشم دندان بهم می‌فشرد برپشت اسب خود نشست و با یارانش به سوی کوفه راه‌افتاد . او باسرعت‌تمام شب و روز راه می‌سپرد درحالیکه دردلش نقشه های شومی برای ابومسلم می کشید و مطمئن بود که خلیفه با شنیدن حرفهای او بلافاصله فرمان‌قتل ابومسلم را صادر خواهد کرد.

او در تمام راه سعی می کرد کلمات و جملاتی برای گفتن به سفاح درمغزش ردیف کند که شنیدن آنها خلیفه را بی‌نهایت خشمگین و مشوش کند بحدی که همان‌لحظه تصمیم به قتل ابومسلم بگیرد .

ادامه دارد

باپودر
آسانِ آسان و
پاکِ پاک میشوئید
پودر شستشو
با جایزه
کیمیا

کارگاه خنده

زیر نظر: علی طواف‌زاده

*بدون‌شرح

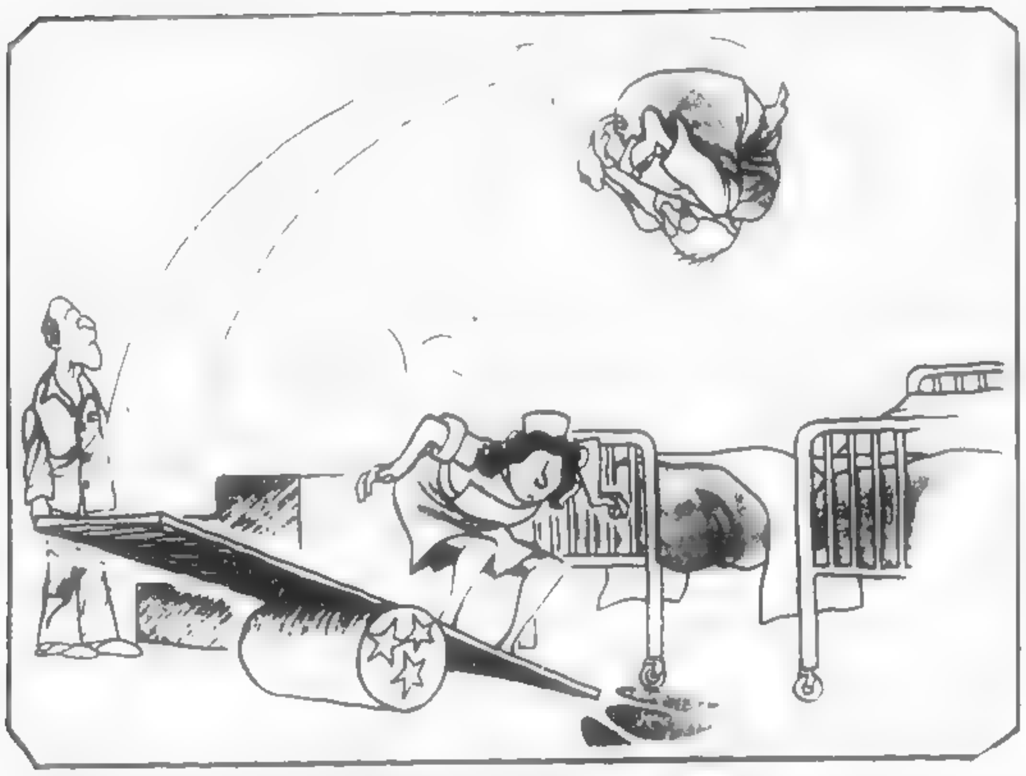

فکری برای بی‌خوابی

مردی در نیمه‌های شب به دکتر تلفن زد:
— آقای دکتر دستم به دامنت، به راهی نشونم بده تا الان سه ساعته که می‌خواهم بخوابم ولی خوابم نمی‌بره!
دکتر با عصبانیت جواب داد: اگه راهی پیدا کردی منم خبر کن چون با این تلفن نصف‌شبی تومنم خوابم نمی‌بره!

خودآموزشنا

مردی که در کنار رودخانه مشغول خواندن «خودآموزشنا» بود از رهگذاری پرسید:
آقا گودی این رودخونه چقدره:
— میخواهی چیکار؟
— می‌خواهم خودکشی کنم!
رهگذر متحیرانه پرسید: پس اون کتاب دیگه چیه؟
— آخه من شنا بلد نیستم!!

*بدون‌شرح

فهم بالا

معلم: اینا چیه توورقه‌ات نوشتی پسر. آخه مگه انگلستان پایتخت سوئیسه؟!
شاگرد: نه‌آقا بخدا، خودمون می‌دونستیم، مخصوصاً نوشتیم ببینیم شما با دقت میخونین یا نه؟!

بدبختی ها

مرد افسرده‌ای به‌روانپزشک مراجعه کرد و شرح مفصلی در اطراف حال غمزده و کسل خود داد. روانپزشک گفت:
— کار آسانی است، از همین امشب بروید بخانه، رو در روی بدبختی‌های خود بایستید و بآنها خنده کنید!
مرد جواب داد:
— نمیشود آقای دکتر، چون زن و مادرزن من اصلا اهل خنده نیستند!

*از بالا به پائین، بدون‌شرح

چاخان ها

دو نفر داشتند از وفور ماهی در رودخانه شهرشان حرف میزدند.
اولی گفت:
— روزی هزار تن ماهی از رودخانه شهرما میگیرند!
دومی گفت:
— این که چیزی نیست، تو شهر ما وقتی بخواهند یک سطل آب از رودخانه پر کنند، باید ماهی‌ها را با هزار زحمت کنار بزنند!

نوش جان!

دعای مستجاب

نیمه‌های شب بود که زنگ خانه بشدت بصدا درآمد. خانم خواب آلود در را باز کرد... چند تن از دوستان هم پیاله شوهرش بودند... خیلی آشفته گفتند:
— خانم شوهرشما...
— لابد دوباره مست کرده؟
— بله.
— وقمارهم کرده؟
— بله.
— ...و هرچه داشته باخته؟
— بله
— خدا بکشدش.
— همین کار را هم کرده!

رانندگی خانمها

پشت فرمان اتومبیل ناگهان شروع کرد به غرغر کردن:
— واقعاً این پیاده‌های از خود راضی خیال میکنند خیابان را خریده‌اند، نگاه کن. جای راه رفتن دیگر نمانده.
شوهرش در حالیکه رنگش پریده بود گفت:
— عزیزم تو داری در پیاده‌رو ماشین میرانی. محض رضای خدا برو توی خیابان!

این چراغ شگفت انگیز آسمان!

زمین ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ گرمای خورشید را دریافت میکند

زمین دربرابر خورشید مانند یک نخود کوچک دربرابر یک هندوانه بزرگ است.
*منظرهٔ جالبی ازقسمتی ازتاج خورشید
*لکه ها وبرآمدگی های خورشید
* وقتی کسوف اتفاق می افتد ، تاج خورشید چنین منظره‌یی دارد.
*دورنمایی ازیک کسوف کامل

خورشید، این چراغ شگفت‌انگیز آسمانی، حیات انسان و جانوران و گیاهان را در سیارهٔ ما (زمین) ممکن ساخته است.

اگر خورشید ناگهان خاموش شود، انسان تا چند سال یا چند دههٔ دیگر زندگی خواهد کرد و بتدریج حیات در زمین از میان خواهد رفت.

اما خورشید میلیون‌ها سال یا شاید میلیاردها سال است که‌وجود دارد ومیلیاردها سال‌دیگر هم وجود خواهد داشت. خورشید، درتمامی منظومه شمسی، نیرومندترین و نابودنشدنی‌ترین دستگاه تولید انرژی است و سیارهٔ ما تنها یک هزار میلیونم گرمایی را که خورشید منتشر می کند، دریافت می کند و این به‌سود زمین است، زیرا اگر همهٔ گرمای خورشید ناگهان به‌زمین می‌رسید، کرهٔ ما به‌سرعت بخارمی‌شدوناپدیدمی گردید.

اندازه‌ها

بزرگی خورشید نسبت به‌زمین، مانند بزرگی یک هندوانهٔ بزرگ نسبت به یک نخود کوچک است. قطر این جسم نیز ۱۰۰ برابر قطر زمین است. زمین اندکی بیش از ۱۲۰۰۰ کیلومتر قطر دارد، پس قطر خورشید حدود ۱,۴۰۰,۰۰۰ کیلومتر است. حجم خورشید، تقریباً به ۱,۳۰۰,۰۰۰ برابر حجم زمین می‌رسد و این به‌آن معنی است که می‌توان با خورشید ۱,۳۰۰,۰۰۰ کره به‌اندازهٔ کرهٔ زمین ساخت. با این همه خورشید تنها ۳۳۰,۰۰۰ بار از زمین سنگین‌تر است، زیرا تراکم موادی که این کره را می‌سازد، تنها یک چهارم تراکم موادی است که زمین را به‌وجود آورده‌است.

درجه حرارت

گرمای سطح خورشید، به ۶۰۰۰ درجهٔ سانتی گراد می‌رسد. در این جا، نباید فراموش کرد که سخت‌ترین و دیرگدازترین موادی که در زمین وجود دارد، درگرمای ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ درجهٔ سانتی گراد ذوب می‌شود.

«تنگستن»، فلزی که سیم‌های داخل لامپ‌های برق را از آن می‌سازند، در ۳۴۰۰ درجهٔ سانتی گراد ذوب می‌شود.

هرچند سطح خورشید بسیار گرم است، اما داخل آن گرم‌تر است. ستاره شناسان محاسبه کرده‌اند که گرمای درونی خورشید، به ۲۰ میلیون درجهٔ سانتی گراد می‌رسد.

اگر برفرض محال ذره‌یی از ماده خورشید با حرارت ۲۰ میلیون درجهٔ سانتی گراد به زمین بیفتد، این ذره همهٔ اشیائی را که در اطراف آن قرار دارد، تاشعاع صدها کیلومترخواهدسوزاندو خاکستر خواهد کرد.

لکه های خورشیدی

در زمان های قدیم، مردم گمان می کردند خورشید کامل‌ترین جسم سماوی است که وجود دارد و دانشمندان هم ادعا می کردند که خورشید نقصی ندارد.

اما «گالیله» دانشمند معروف ایتالیائی، تلسکوپ خودرا به طرف خورشید گرفت و لکه های تیره‌یی را روی این کره دید که باچشم غیرمسلح دیده‌نمی‌شد. «گالیله» این کشف مهم خودرا اعلام کرد، اما کسی گفته اورا باورنکرد، لیکن بعدها همه ناگزیر شدند بپذیرند که لکه هایی درسطح خورشید وجود دارد.

دربارهٔ منشأ لکه های خورشید، هنوز اطلاعات دقیق در دست نیست و پاره‌یی از دانشمندان عقیده دارند که این لکه‌ها حلقه های گازی هستند که درسطح خورشید تشکیل می‌شوند. اما هنوز معلوم نشده است که گازها ازکجا منشأ می گیرند.

گرمای لکه های خورشید، از گرمای نقاط اطراف آن کمتر است و باین جهت لکه ها ظاهر تیره تری دارند. نباید گمان کرد که می‌توان ازگرمای خورشید به لکه ها پناه برد، زیرا گرمای آن نقاط ۴۸۰۰ درجهٔ سانتی‌گراد است، یعنی تنها ۱۲۰۰ درجه کمتر ازفضای اطراف.

لکه های خورشید بسیاروسیع است و درازا و پهنای بعضی از آن‌ها به صدها هزار کیلومتر می رسد. اگر یک کره جامد به اندازه کره زمین را دریکی از این لکه ها بیندازند، کره جامد مانند یک چوب‌پنبه درشعلهٔ آن ناپدید خواهد شد.

بعضی از لکه های خورشید اندکی پس از ظهورمحومی‌شوند، حال آنکه لکه های دیگر تا چند هفته وحتی تا چندماه دوام می‌یابند.

حرکت بدورخود

همان گونه که «جیو دانوبرونو» ستاره شناس پیش بینی کرده بود، معلوم شد که خورشید دورمحورخود گردش می کند. این به آن معنی است که خورشید دوقطب و یک‌استوا دارد، اما نباید گمان برد که قطب های خورشید سردتر ازاستوای آن است.

خورشید به شیوهٔ زمین دور محور خود گردش نمی کند وچون یک کرهٔ گازی است، باین جهت نقاط مختلف آن با سرعت‌های مختلف گردش می کنند. سرعت منطقه استوا ازهمه بیشتر است، حال آن که سرعت درحوالی دوقطب کاهش می‌یابد. منطقهٔ استوایی، در هر ۲۵ شبانه روز زمینی، یک بار دورمحور خورشید می‌گردد، اما مناطقی که به دوقطب نزدیک است، درهر ۳۰ روز یک بار دور محور خود گردش می کنند.

*لکه های ادواری

ستاره شناسان، بامشاهدهٔ طولانی لکه های خورشید، به این نتیجه رسیده‌اند که عده لکه ها به طور دایم تغییر می کند. ستاره شناسان هم چنین متوجه شده‌اند که لکه ها ادواری هستند ودرفواصل زمانی تقریباً ۱۱ سال ظاهرمی‌شوند.

تردیدنیست که شما چیزهایی در باره روشنایی های شمالی شنیده‌اید. مدت‌ها بود که دانشمندان نمی‌توانستند به طبیعت روشنایی‌های شمالی پی ببرند.

روشنایی های شمالی، در روزهایی که عده لکه های خورشید به بیشترین مقدار خود می رسند، بیشترو درخشان ترمیشوند این لکه‌ها جریان‌های عظیمی از ذرات الکتریکی به‌فضا پرتاب‌می کنند بطوریکه برخی ازاین ذرات‌حتی به زمین می‌رسند و درطبقات فوقانی جو زمین با ذرات هوا برخورد می کنند و به این ترتیب، هوا نورانی‌می‌شود.

*بیقراری قطب نما ها

منشاء توفان‌های مغناطیسی زمین هم، جریان های نیرومند الکتریکی است که ازخورشید می‌آید. این نوع توفان‌ها، به هیچ وجه مانند توفان های عادی نیست. آسمان ممکن است کاملاً صاف باشد و لکه‌ابری درآن دیده نشود، وحتی نسیمی‌نوزد، اما عقربهٔ قطب‌نما، با بیقراری، از یک طرف به طرف دیگر حرکت می کندو نمی‌تواند درمحل خاص خود بایستد.

همچنین وقتی توفان‌های مغناطیسی روی می‌دهد، رادیوهایی که باموج کوتاه کار می کنند، درسراسرجهان ازکارمی‌افتند.

لکه های خورشید، برآب وهوای زمین هم اثرمیگذارندباین‌ترتیب که‌لکه‌ها هرچه بیشتر باشند، توفان های زمین بیشتر خواهند بود علاوه براینها ادواری بودن سال های بارانی وسال های خشک‌هم ممکن است با ادواری بودن لکه‌ها ارتباط داشته باشد. البته این مساله، مسألهٔ

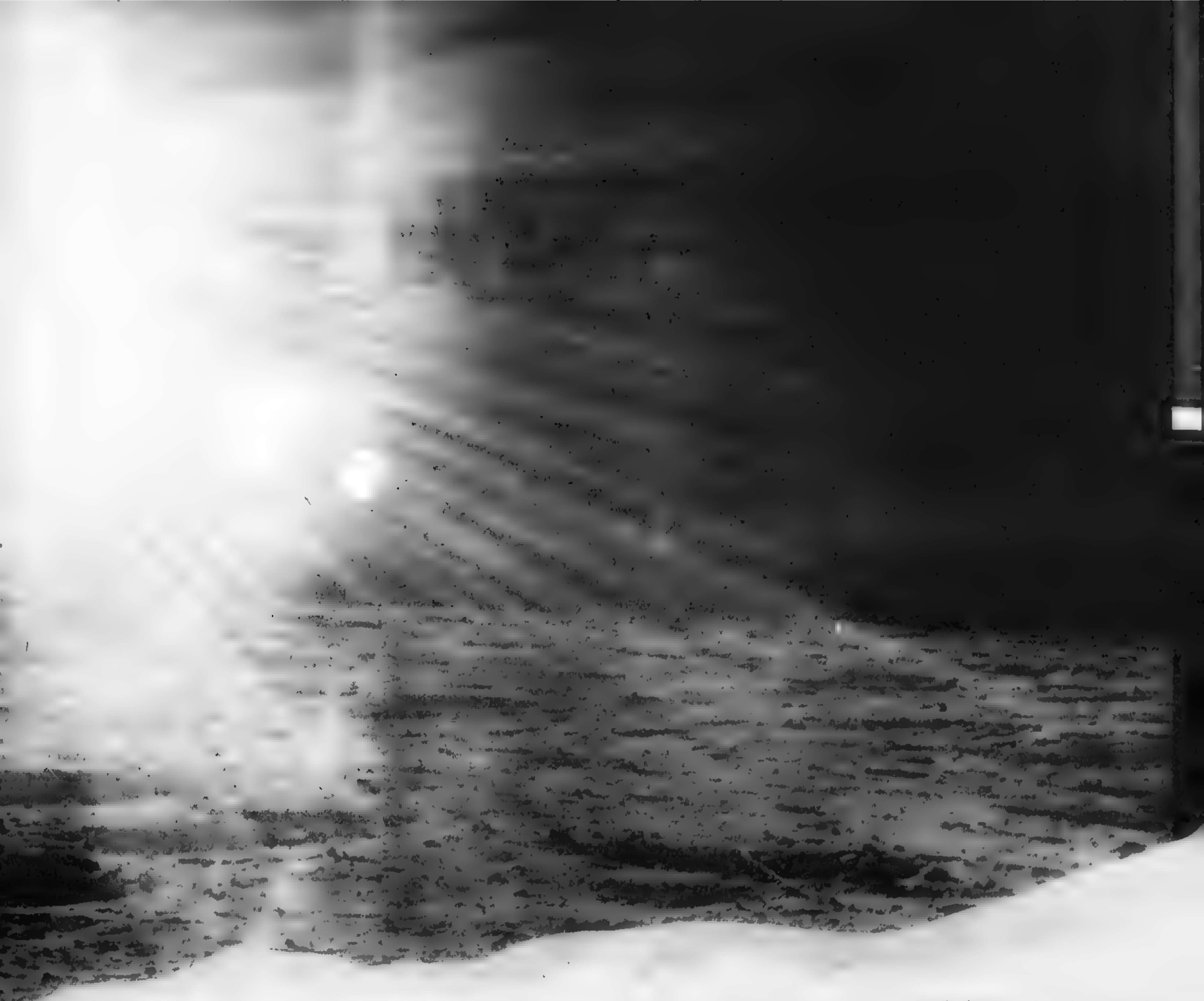

بسیار پیچیده‌یی است که هنوز به‌طور کامل بررسی نشده است.

* کسوف یا خورشید گرفتگی

کسوف یا خورشید گرفتگی درقدیم بمراتب بیش از خسوف یا ماه گرفتگی مردم آن روزگاران را به وحشت می انداخت و علت آن بود که مردم می‌دانستند، اگر خورشید برای همیشه ازآسمان ناپدید شود، همه آن‌ها نابود خواهند شد.

وقتی کسوف اتفاق می‌افتد، حتی جانوران هم دچار هیجان میشوند. گاوها نعره میکشند. گوسفندها بع بع می کنند وسگ‌ها ناله غم‌انگیزی سرمی‌دهند. پرندگان شب، به‌شکار می‌روند و پرندگان روز، به آشیانه های خود پناه می‌برند تا بخوابند.

کسوف وقتی اتفاق می‌افتد که ماه بین زمین و خورشید قرار بگیرد. سایه‌ماه روی زمین می افتد وچون زمین، خورشید و ماه درفضا حرکت می کنند، سایهٔ ماه با سرعت زیاد روی زمین می دود.

بی شک از خود خواهید پرسید که ماه بسیار کوچک، چگونه می‌تواند روی خورشید بسیار بزرگ را بپوشاند؟ پاسخش اینست: قطر خورشید، چهارصد برابر قطر ماه است، اما فاصله ما ازماه، چهارصد برابر کمتر ازفاصله خورشید از ماست.

به همین دلیل، به نظر می‌رسد که ماه و خورشید تقریباً یک اندازه هستند وگاهی اوقات خورشید بزرگ تر جلوه می کند و گاهی اوقات نیزماه بزرگ‌تر به نظرمی‌آید.

* کامل وناقص

کسوف ممکن است کامل یا ناقص باشد. وقتی مرکزهای زمین، ماه و خورشید در یک خط مستقیم قرار بگیرند، کسوف کامل اتفاق می افتد، مشروط براین که ماه بزرگتر ازخورشید به نظر برسد.

اما کسوف ناقص موقعی اتفاق می‌افتد که ماه از یک طرف خط مستقیم بین مرکزهای زمین وخورشید عبور کند.

کسوف ناقص مردم را زیاد به وحشت نمی‌اندازد، زیرا در این نوع کسوف، آفتاب تنها مقداری از نیروی خود را ازدست می‌دهد.

* تاج خورشید

روزگاری بود که مردم خورشید را پادشاه ستارگان می‌خواندند و میگفتند: پادشاهان تاج بر سر می‌گذارند و خورشید هم تاج دارد.

ستاره‌شناسان، اولین بار، تاج خورشید را در جریان کسوف‌های کامل مشاهده کردند. درخشندگی تاج خورشید، بسیار کمتر از درخشندگی خود خورشید است. تاج، تنها وقتی دیده می‌شود که ماه قرص خورشید را بپوشاند. تاج در واقع طبقه فوقانی جو خورشیدی است.

ستاره شناسان، در جریان کسوف‌ها، برجستگی هایی را هم دور خورشید مشاهده کرده‌اند. بعضی از این برجستگی‌ها، شبیه ابر است وبرخی دیگر شبیه چشم است. برجستگی ها را «برآمدگی» می خوانند. پاره‌یی از برآمدگی ها، درواقع توده های آتشین ابرند که درجوخورشید شناورند. برآمدگی های دیگر، زبانه ها وچشمه های بزرگی ازیک ماده مشتعل وسفید هستند که ازخورشید به یک فاصله صدها هزار کیلومتری پرتاب شده‌اند.

* گوی آهنی

از زمان اختراع دوربین های نجومی تا امروز، بشرآگاهی های بسیاری در باره خورشید به دست آورده است. درقدیم عقیده داشتند که خورشید یک کرهٔ درخشان وچیزی شبیه به یک گوی آهنی عظیم است که حرارت، آن را داغ وسفید کرده است. اما هیچ جسمی قادرنیست که درگرمای بسیار زیاد به‌شکل جامد باقی بماند. خورشید، ماده‌یی گازی است وحتی گاز نمی‌تواند درگرمای بسیار زیاد بی‌حرکت باقی بماند. گاز دایماً درحرکت است و نیروی حرکت آن، از نیروی حرکت نیرومندترین بادهای زمینی بسیاربیشتراست.

خورشید از هزاران میلیون‌سال پیش‌وجود داشته است و در این زمان بسیار طولانی، حتی یک لحظه ازحرکت بازنایستاده است.

نیروی توفان‌های دایمی خورشیدی چنان زیاد است که سخت‌ترین توفان‌های زمینی در مقابل آن ها مانند تنفس یک نوزاد انسان است.

نیروی خورشیدی وبحران انرژی

دراین عصر بحران انرژی، که منابع اصلی انرژی مانند نفت و ذغال سنگ به سرعت رو به پایان است، دانشمندان بفکرچاره‌جویی افتاده‌اند: آن ها، درآینده نزدیک، استفاده‌ازنیروی خورشید را عادی خواهند کرد و آن را منبع اصلی انرژی قرارخواهند داد.

این کارگر در صحنهٔ تئاتر هم

ساعتی در میان خانواده جلال آهنیان، کارگر هنرمند

جلال آهنیان می‌گوید: همسرم میترسد منهم مثل بعضی از هنرپیشه ها، وقتی در کار هنری موفق شدم از او جدا شوم!

جلال آهنیان، در کنار مادر، همسر و فرزندش، زندگی خوشبختی دارد.

جلال آهنیان سی‌ودوساله، کارگر گروه صنعتی بهشهر، یازده سال است که کار میکند و ماهانه دوهزار تومان حقوق میگیرد. پنج سال است که ازدواج کرده و حاصل ازدواجش یک پسر بنام علی است. خانه کوچکی دارد که با همت و شراکت خود و برادرش خریده است. جلال آهنیان هنر را با کار در کارخانه آمیخته تا آنجا که اخیراً نقش مهمی در یکی از نمایشنامه های تلویزیونی بنام «مارامس کنیه» بازی کرده است و «معدنچیان» نمایشنامه جدیدی است که در آن هم شرکت دارد و قرار است در آینده از تلویزیون پخش شود.

با جلال آهنیان و خانواده‌اش گفتگو میکنیم تا بیشتر چهره یک کارگر هنرمند را به شما بشناسانیم.

***

بایکی دوساعت تاخیر به خانه جلال آهنیان میرسیم، چرا که خیابانهای پائین شهر بسیار شلوغ است و آدرس هم کمی گمراه کننده.....

جلال سر کوچه به انتظار ایستاده است و تا چشمش به ما میافتد، میگوید:

— میدانم آدرس را بد داده‌ام.

و بعداز عذرخواهی نصف کوچه را شتابان میدود تا خبر آمدن ما را به خانواده‌اش بدهد.

خانم آهنیان یک زن بسیار جوان است که با چادر خود را پوشانده و با لبخند از ما استقبال میکند. پسربچه سه — چهارساله‌ای هم با حجب خودش را در آغوش من رها میکند و خیلی صمیمانه گونه‌ام را میبوسد و سلام میگوید. به اتاق ساده و با کیزه‌ای راهنمائی میشویم و بعداز آن راه‌پیمائی خسته کننده، با تکیه دادن به پشتی‌های قشنگی که درگوشه و کنار اتاق گذاشته شده، خستگی را از تن بدر میکنیم.

علی از همان لحظه ورود به اتاق با کنجکاوی خاص بچه های کوچک، میخواهد به دوربین عکاسی و ضبط صوت ور برود، ولی پدرش مانع میشود و او را روی زانوی خود می‌نشاند. در همین موقع متوجه میشویم که خانم مسنی از میان دولنگه در بما نگاه میکند. از آهنیان میپرسیم که با مادرش زندگی میکند، میگوید: «بله» و او را صدا میزند. لحظاتی بعد مادر جلال و عروسش با سینی چای وظرف میوه به جمع ما می‌پیوندند و ما نیز گفتگوی خود را با مادر آهنیان که بزرگ جمع است، بدین گونه آغاز می کنیم:

دو روزه عمر

— مادر، چگونه توانسته اید که روابط صمیمانه‌ای با عروس خود داشته باشید؟

— اول اینکه عروسم سید است و در ثانی من وظیفه خود می‌دانم که در کارهای خانه به او کمک کنم و علاوه بر اینها، عروسم دختر مظلومی است و خیلی هم خانه دار و صبور.

از روزیکه زیر یک سقف زندگی کرده‌ایم، هیچ اختلافی بین ما بوجود نیامده و همیشه احترام متقابل حفظ شده است. اصلا این دو روزه عمر ارزش ناراحتی و اوقات تلخی را ندارد.

مراحل کاری آهنیان

ازجلال سؤال می کنم: ازچه موقع به کار پرداختید و چگونه مراحل ترقی را طی کردید؟

— درحدود یازده ساله که کار می کنم. وقتی به کار پرداختم، روزانه هفت تومان حقوق می گرفتم که حالا رویهم به دوهزار تومان درماه افزایش یافته. در این مدت همیشه با دلگرمی و پشتکار فعالیت کرده‌ام و هیچگاه از مشکلات نترسیده‌ام و تا آنجا که توانسته‌ام، برای پیشرفتم کوشیده‌ام.

عشق و ازدواج

صحبت از عشق و ازدواج می‌شود. خانم آهنیان چادرش را روی سرش جابجا می کند. گویا از پدرشوهرش خجالت می‌کشد و به همین جهت لحظه‌ای بعد به بهانه آوردن چای اطاق را ترک می کند. درنتیجه ازجلال در این مورد سؤال می کنم:

— چه شد که تصمیم به ازدواج گرفتی و چگونه با همسر فعلی خود آشنا شدی؟

— درحدود پنج سال قبل بود. در محل دیگری زندگی می کردیم و در آنجا همسایه‌ئی داشتیم که گهگاه با ما رفت و آمد می کرد. مرد بسیار خوب و فهمیده‌ای بود و مرا نیز خیلی دوست می‌داشت. همین دوستی سبب شد بین خانواده‌های ما وصلتی انجام شود. او یکی از دخترهای فامیلش را به ما معرفی کرد و به خواستگاری رفتیم. خوشبختانه هر دو همدیگر را پسندیدیم و وصلت سرگرفت. مهریه زنم پانزده هزار تومان است که دینی است برگردنم و هرگاه آن را بخواهد می‌پردازم.

چگونه صاحب خانه شدی

(وقتی گفتگوی ما راجع به ازدواج پایان گرفت خانم آهنیان مجدداً با یک سینی چای به اطاق بازگشت).

— چطور شد که به فکر خریدن خانه افتادید و چگونه پول آنرا فراهم کردید؟

— تصور می کنم که داشتن یک چهار دیواری آرزوی هر خانواده‌ایست. چند سال قبل من و برادرم پس اندازهایمان را روی هم گذاشتیم، هر چند که مبلغ کمی (هفت هزار تومان) بود، ولی من معتقدم اگر آدم تصمیم به انجام کاری بگیرد، حتماً موفق میشود. به هر جهت همان موقع مبلغی هم از بانک رفاه کارگران وام گرفتیم و خانه‌ای خریدیم، ولی بعد از یک سال به علت اینکه آن خانه بسیار کوچک بود، مجبور به فروش آن شدیم و درعوض این خانه را به مبلغ ۶۰ هزار تومان معامله کردیم، که درحال حاضر قیمت آن تا دویست هزار تومان افزایش پیدا کرده است.

تاتر و کار در کارخانه

از تاتر صحبت میکنیم که با پیش کشیدن آن شوقی وصف ناپذیر در چشمهای این کارگر جوان موج میزند. او در پاسخ این سئوال که چه شد تا به هنر تاتر روی آوردی و چگونه کار هنری را با کار در کارخانه در هم آمیخته‌ای، میگوید:

— من از کودکی به هنر تاتر بسیار علاقه داشتم، ولی متأسفانه هیچ نوع امکانی وجود نداشت که بازیگری را شروع کنم، تا اینکه وزارت کار یک مرکز آموزش هنری دایر کرد و من که راهی گشوده پیش پایم میدیدم بلافاصله در کلاس تاتر آن نام‌نویسی کردم و پنج سال است که آموزش می‌بینم. از کارهای موفقی که داشته‌ام یکی نمایشنامه «مارامس کنیه» بود که ازتلویزیون پخش شد و دیگری معدنچیان است که آنهم درآتیه پخش میشود.

— چگونه دراین دو زمینه مختلف (کار در کارخانه و هنربازیگری) توانسته‌ای فعالیت کنی؟

— من همیشه معتقد بوده‌ام که به زندگی نبایدتنها به چشم مادی نگاه کرد و وظیفه‌ای که هرآدم درقبال خود دارد، اینست که به احساسات درونیش هم برسد. زندگی تنها غذاخوردن و بچه‌درست کردن و خوابیدن نیست. روی همین اصل حق مسلم خود میدانم به کاری که اینهمه به آن عشق میورزم بپردازم. خوشبختانه آدمی هستم که زندگیم را روی برنامه صحیحی تنظیم میکنم. اینست که هیچگاه دچار مشکل نمی‌شوم.

— بصورت آماتور کار میکنید یا حرفه‌ای؟

— آماتور، چون چشم داشتی به پول تاتر ندارم، ولی برای این دو برنامه دستمزدی نه‌چندان قابل توجه بهمه بازیگنان از جمله من دادند.

ازخانم آهنیان در مورد کار تاتری شوهرش میپرسم که او موافق است یا نه، جواب می‌دهد:

— من ازبچگی طوری تربیت شده‌ام که برای مرد خانواده خیلی احترام قائل هستم. اگر شوهرم این کار را دوست دارد، باید انجام دهد. فقط چیزی که کمی ناراحتم میکند اینست که دیگر وقت زیادی برایش باقی نمی‌ماند تا به خانواده‌اش برسد.

خرج و دخل خانواده

صحبت ازمخارج زندگی پیش می‌آید و دراین باره ازخانم آهنیان سئوالهائی میکنم:

— چگونه خرج و دخل را جور می کنید؟

— خرج خانه ما روزانه بیست، الی سی تومان است و این پول را شوهرم ماهانه در اختیارم میگذارد.

— خرید خانه را خودتان انجام میدهید؟

— بله، همانطور که گفتم، شوهرم وقت زیادی ندارد.

اختلافات زن و شوهر

بین زن وشوهرها معمولا اختلافاتی پیش می‌آید که بعضی ها معتقدند این اختلافات نمک زندگی است. ازجلال آهنیان در این باره واصولا رفع اختلافات زناشوئی می‌پرسم چه نظری دارید؟ جلال میگوید:

— اختلاف عمده‌ای نداریم. فقط ترس زنم از کار هنری من باعث میشود که گهگاه با او درگیری پیدا کنم. مثلا چون میبیند فلان هنرپیشه بعداز اینکه موفق شد و کارش بالا گرفت زنش را طلاق داده است، نگران می‌شود که نکند در آینده چنین وضعی برای خانواده ما پیش بیاید. البته حق هم دارد، چون در محیطی پرورش یافته که نمیتواند خودش را صددرصد با کار من تطبیق دهد، من هم موقعیتش را درک میکنم و سعی میکنم قانعش کنم که چنین چیزی در خانواده ما بوجود نمی آید و خوشبختانه تا حدود زیادی هم موفق شده‌ام.

انقلاب شاه و ملت

صحبت درباره تاتر و هنر بازیگری را کنار

نسرین نادرشاهی

برای پیشرفت تلاش می کند

میکداریم و به مستاجر خانه مان هم می رسیم:
بنظر شما وضع شما ... و امروز چه
تفاوتهائی کرده است؟

خوشبختانه من در سالهای زندگی که به
درد به جسم نخ ترده نکرده ... کارگر
بوده ، و دوران سکوت شدن انقلاب شاه وملت
فرارسیده بود که من افتخار پیدا کردم بیک
کارگر ایرانی ساخته شوم ولی درواقع
بزرگترین خوشبختی من است ، چرا که در
سایه این انقلاب دگرگونیهای فراوانی در
زندگی طبقات کشور ما ... و ... جامعه
کارگری ایران بوجود آمد و کارگر در اجتماع ما
بحق حقهای خود را استعمال کرد وراه ترقی و
فعالیت برایش هموار گردید بطوریکه هم اکنون
کارگران سازی از جوامع دیگر نسبت به وضع
کارگران ما غبطه میخوردند.

مجله رستاخیز کارگران

درباره مجله « رستاخیز کارگران » چه نظری دارید؟

بنظر من مجله بسیار خوبی است ، خصوصا
که برای کارگران وجود یک نشریه مستقل
لازم بود و آنچه که من ... ، استقبال
بی نظیری از این مجله شده . راستش قبل از
انتشار مجله رستاخیز کارگران من مجله دیگری
را مطالعه میکردم ، ولی حالا به جمع خوانندگان
رستاخیز کارگران پیوسته ام . از نظر قیمت هم
بسیار مناسب است ، چون پرداخت ماهی دو
تومان هیچ زحمتی به کارگر نیست.

تفریح وگردش

تفریحات خانواده شما چیست؟

راستش تفریحات خانواده ما خیلی
محدود است ولی دو دلیل دارد . اول اینکه
من کرده ام ودوم اینکه زن من از سینما وتئاتر
بدش می برد . گاهی به تماشای تلویزیون
می نشینیم وبرنامه « تلخ وشیرین » را از جهت
اینکه راه ورسم درست زندگی کردن را
می آموزد ، دوست دارد . من هم از مسرتیان
پروپا قرص برنامه های تئاتر هستم واز
سریالهای خارجی به خارجو ... علاقه
دارم واز سریالهای ایرانی بعضی از آنها را
می بینم . مثلا سلطان صاحبقران وآتش بدون
دود را تماشا می کردم.

تنظیم خانواده

یادم نماند که از مهمترین مسئله ای که
میبایست حرف میزدیم ، سخنی بمیان نیامده
است . بهمین خاطر دراین باره سئوال میکنم:

- شمادربارمسئله تنظیم خانوادمچه نظری دارید؟

خوشبختانه خانم من دراین مورد بسیار
روشنفکرانه و با نظر موافق عمل کرده است ،
باین ترتیب که از روزاول ازدواج بنارا براین
پایه گذاشت که فقط یک بچه داشته باشیم.

ازخانم آهنیان میپرسم:

- چرا بفکر افتادید که برای یک خانواده وجود یک بچه کافی است؟

چون بچه زیادی برای هر خانواده ای
دست وپاگیر است ، هم از جهت مالی و هم از
جهت تربیت کردن آنها. البته مادرشوهرم
راهنمای خوبی دراین مورد بوده است. در همان
سال اول ازدواجم بمن گفت: دخترجان بیخودی
بچه درست نکنید. من چهارتا بچه دارم که
هر کدامشان در یک گوشه ای از ایران زندگی
میکنند و من باید به چهارجا فکر کنم وهمیشه
دراین فکرباشم که برآنها چه میگذرد، درحالیکه
اگر یک اولاد داشتم فقط به یکجا فکر میکردم
و طبعاً بیشتر و بهتر میتوانستم برایش مؤثر
واقع شوم.

رابطه خانواده آهنیان بامستاجر

با مستاجر خود چگونه رفتار میکنید؟

من آنها را مستاجر نمیدانم ، زن وشوهر
بسیار خوبی هستند که مثل خواهر وبرادر باهم
زندگی میکنیم و به یکدیگر علاقه داریم. ... به
... به خودشان است ، خصوصا روزهای که
... و وجود ... همسایه ... که
هردو تنهائی ... .

آرزو های خانواده

... آرزو ... صحبت ... .

بزرگترین آرزوی من فراهم کردن وسایل
رفاه و آسایش مادر و زن و فرزندم است و بعد هم
موفقیت در کارم.

به خانم آهنیان نگاه میکنم و او که میبیند
منتظرم ، میگوید:

- دلم میخواهد به زندگی بهتری دست یابم
البته منظورم این نیست که فعلا خوشبخت
نیستم ، بلکه دلم میخواهد ازاین که هستم
خوشبخت تر باشم و بتوانم پسرم را خوب تربیت
کنم و دیگر اینکه شوهرم وقت بیشتری را به
خانواده اش اختصاص دهد.

یکساعت از ... گذشته است . میخواهم
... خانواده ... صمیمانه
... را با آنها باشیم. با
تشکروعذرخواهی از کمی وقت ازجا بلند میشویم
و با آرزوی موفقیت برای خانواده خوشبخت
آهنیان ، خانه شان را ترک می کنیم.

*نوشته: «شاخه‌نبات»

پندارهای شیرین عشق

هر روز دو ساعت به‌ظهر مانده کوچه باریک و طویلی که یکسرش به کوچه‌های دیگر منتهی میشد و یکسرش به‌خیابان عریض و شلوغی متصل بود از صدای آن فریاد های مداوم پر میشد.

صدا که اول از دور میآمد به‌آوازی مانند بود که با حرکت و زبان بیگانه‌ای خوانده شود ولی رفته رفته همان طور که نزدیک‌تر میشد شکل واقعی خود را پیدا میکرد:

«لبوئیه ... آی لبو داریم ..... لبوی تنوری .... بیا ببر جیگر رو حال میاره ... لبویی... لبوی داغه..»

و در امتداد آن صدا در خانه‌ها باز و بسته میشد. دست‌ها به‌سوی بساط او دراز میشدند چند کلامی رد و بدل میشد .... اما یک‌روز پس از باز شدن در یکی از خانه‌ها و بلند شدن صدای پای ظریفی که در یک جفت دم‌پایی سرخ رنگ زندانی بود حادثه‌ای اتفاق افتاد که زندگی لبو فروش جوان را در مسیر دیگری انداخت و پرنده آرامش را از زندان قلب او به‌جایی دور دست پرواز داد. هوای اول اسفند نیمه سرد و نیمه گرم بود و از درختان بارگرفته بویی شبیه به‌بوی تولد بلند میشد.... گلدان‌هایی که در پشت پنجره‌ها گل داده بودند به‌زندگی عطری دیگر میدادند و آسمان بالای شهر که آبستن بهار بود رنگی سبز گونه یافته بود. لبو فروش جوان که بساطش را در کمرکش کوچه گذاشته بود با شنیدن صدای پائی سرش را بلند کرد اما قبل از آن که کلامی بشنود چشم‌هایش روی یک جفت چشم سیاه براق که به‌روی او گشاده شده بود خیره ماند. مادر بزرگش که چند سال پیش از دنیا رفته بود هر وقت میخواست از زیبایی دختری حرف بزند میگفت «توی چشم‌هایش سگ بسته‌اند..»

چه توصیف جالبی ... چون بمحض اینکه چشم‌های کارگر جوان به‌روی آن یک جفت چشم خیره ماند ناگهان دو سگ قوی وحشی از میان آن چشم‌ها به‌طرف او حمله کردند و قلبش را در میان دندان‌هایشان گرفتند. همه چیز در یک آن و در سکوت اتفاق افتاد زیرا بلافاصله در چشم‌ها بسته شد نگاه‌ها از روی لبو فروش جوان به‌روی لبوهای قرمز که بخار از رویشان بلند میشد دوخته شد و جرمی که پنهانی انجام گرفته بود در خلوت نیز پایان یافت. اگر چه قلب او هنوز میسوخت و آن چنان میسوخت که گویی دیگر هرگز از آن سوزش گریزی نبود. صاحب آن چشم‌های متجاوز خیلی جوان بود. شاید شانزده و شاید هجده سال داشت اما بدون شک از بیست سال یک روز هم بیشتر نداشت و به‌گل تازه شکفته مانند بود که برشاخه استواری نشسته و از باد و باران و آفتاب و هوا برای زندگی نیرو گرفته باشد.

با صدای لطیفی نیم کیلو لبو خواست. با عشوه دلپذیری لبوها را که لبو فروش در تکه کاغذی گذاشته بود برداشت و با عشوه چشم‌گیری پول لبوها را داد و دو باره چشم‌هایش را به‌روی لبو فروش باز کرد و باز سگ‌های وحشی را بطرف او دواند و هنگامیکه آن قلب مشتاق را در چنگال سگ‌ها اسیر دید سرش را از او برگرداند و با قدم‌های ظریفی که حالت رقص مانندی داشت در میان در نیمه باز خانه فرو رفت و در یک لحظه گذرا بسان خوابی شیرین از چشمان لبوفروش پرید و ناپدید شد.

آن شب جعفر در اطاق کوچکی که پس از آمدن از ده در محله جواد به اجاره کرده بود حالت غریبه‌ای داشت. یعنی با آن جعفری که شب‌های قبل در آن اتاق خوابیده بود سخت احساس بیگانگی میکرد و هرچه تلاش میکرد نمیتوانست بین خود و او رابطه‌ای برقرار کند.

جعفر از کودکی هنگامی که در میان مزارع پنبه میدوید و هوای لطیف شمال را بالا میکشید به‌شهر و عجایبی که در شهر نهفته بود میاندیشید و به‌همان گونه که کودکی در رویای دست‌یابی به‌اسباب‌بازیهای یک مغازه اسباب بازی فروشی است او نیز در رویای رسیدن به‌شهرهای بزرگ و فرو رفتن در آن بود.

در ده همه چیز زیبا، اصیل، و سرشار مینمود اما در شهر جادویی وجود داشت که مغز خیال پرداز جعفر را از رنگ‌های مختلف آکنده میکرد و هرروز از آن تابلوی تازه‌تری تصویر میکرد تا به‌جایی که سرانجام تصمیم گرفت با زندگی روستایی وداع کند و به‌شهر روی بیاورد. حرف‌های پدر و مادر، نصایح بزرگترها و کوچک‌ترها در او کوچکترین تاثیری نداشت. حتی اشک‌های ماه‌پری دختر عمو و نامزدش هم در سنگ قلب او رخنه‌ای نکرد. اگرچه ماه‌پری مهربان و دوست‌داشتنی بود و میتوانست با حالتی که در چشم‌های عسلی‌رنگش موج میزد هر نیرویی را در برابر خود خرد کند. اما با این همه چمدان جعفر ازهم باز نشد و پس از یک خداحافظی راهی شهر رویاهایش شد. در مورد آینده هیچ تصمیمی نداشت. نمیدانست میخواهد در شهر چه کند برای کار آینده‌اش هم هیچ نقشه‌ای نکشیده بود. پس‌انداز کمی داشت و بر آن بود تا زندگی آینده‌اش را با کمک آن پایه‌ریزی کند و همین کار راهم کرده بود منتهی با سرمایه کمی که داشت جز پناه‌بردن به بساط لبوئی راه دیگری رابرای خود نیافته بود اکنون سه‌ماه تمام بود که در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر جادویی فریاد میکشید و بافروش لبوی تنوری زندگی شهری را که رفته رفته رنگ و لعابش را در خیال او از دست میداد تجربه میکرد. صحنه‌ای که آنروز اتفاق افتاده و مانند عکسی بر صفحه ذهنی او نشسته بود نیز تجربه‌ای از آن تجربیات بود. اگر چه هنوز نمیتوانست نامی به روی آن بگذارد اما مانند شکاری که بوی خطر را شنیده باشد صدای تپش های قلبش را می‌شنید وخود را درجریانی شناور میدید که بخاری مطبوع ازآن برمیخاست واو را به سرزمین های خیال‌آوری میکشاند. صبح روز بعد به محض نزدیک شدن به‌آن کوچه طپش قلبش بیشتر شد آن چنان که صدایش صافی هرروزی را نداشت وکلماتی که از گلویش بیرون میامد گره‌دار ومرتعش مینمود. شاید انتظاری داشت وشاید رویای روز گذشته در برابر چشمانش ظاهر شده وجان گرفته بود بیشتر از همیشه فریاد میکشید آنچنان که گویی با التماس چیزی یا کسی را طلب میکرد و هرچه به‌میانه کوچه نزدیک‌تر میشد، دل درسینه‌اش بیتابی می کرد وطپش های قلبش افزون‌تر میشد. در گذشته باآن که بازیباترین دختر ده خود نامزد بود هرگز از قلبش ندائی نشنیده ودر دستانش لرزش ندیده بود ولی اکنون که خود را به خانه آن پری رویایی نزدیک میدید مانند مرغی که در اشتیاق پرواز از قفس، بال وپر بزند بیتاب و ناآرام بود.

کوچه دراز وخاکستری مثل همیشه خلوت بود ومشتریهای هرروزه باهمان روش همیشگی به سوی او می‌آمدند و لبوهای سرخ بخارآلود را به خانه‌های خود میبردند. جعفر برخلاف همیشه که باسرعت از کوچه‌ای به کوچه‌ای دیگر میرفت سعی میکرد قدم هایش را کندتر از همیشه بردارد اما تلاشش بی‌حاصل بود چون دری که درخیال او حکم در بهشت را داشت آن‌چنان بسته به‌نظر میامد که گویی هرگز از هم بازنشده بود. سرانجام از جلوی در گذشت. گلویش بی‌جهت فشرده میشد وچشمانش میسوخت اما هنوز به‌انتهای کوچه نرسیده بود که ناگهان جریانی مانند جریان برق سراپایش را لرزاند زیرا در یک آن خود را در برابر همان دختر سیاه چشم دید دختر که اندام بلند ولاغرش را درچادرنماز سرمه‌ای گلداری پوشانیده بود از روبرو میامد ونگاهش را به او دوخته بود. صدا یکدفعه در گلوی جعفر خاموش شد و دهانش کمی ازهم بازشد. حالت کسی را داشت که درشبی تاریک ودربیابانی دورناگهان خود را با پری افسونگری روبرو دیده باشد. دختر با همان حالت از کنار او گذشت ورفت. صدای قدم هایش مدتی کوتاه درگوش های جعفر پاشیده شد وبه‌دنبال آن صدای باز وبسته شدن دری شنیده شد وسکوتی همانند سکوت مرگ همه کوچه رافرا گرفت.

حالا دیگر جعفر که از پاهای خود که جثه‌اش را پیش میبرد خبری نداشت توان فریاد کشیدن را هم از دست داده بود وهمراه با ریتم حرکت چرخ دستی به آوائی که قلبش راانباشته بود گوش میداد. این آوا را بارها با ساده‌ترین و شرم‌آلوده‌ترین کلمات از زبان ماه پری نامزدش شنیده بود اما هرگز از بازشنیدنش آن‌احساس را درخود بیدار ندیده بود اما حالا باآن آوا خود را درحال فرورفتن درخوابی جادوئی میدید گویی فصلی اززندگی او به پایان رسیده وفصل دیگری درآن آغاز میشد. کوچه در زیر پاهایش کوتاه میشد وخیابان با سروصداها وجنجال های همیشگی او را به سوی خود میخواند. یاد ده و آسمان آبی ودشت‌های پاک وساکت آن بخیر... کاش دردنیاجز او وپرنده‌های کوچک خاکستری که از شورعشق بال‌بال میزدند در تمامی پهنه جهان کسی وجود نداشت و میتوانست همراه با آن پرنده ها به‌اوج آسمان پرواز کند وازحسی که درقلبش بیدارشده‌بود آواز بخواند. اما حالا فقط میتوانست گاه‌گاه باصدای خسته و ناتوانش فریاد بکشد «لبویی. آی لبوی داغ و تنوری داریم ... بیا ببر. آی لبویی.. لبویی..».

* * *

صدای زمان را در گذر میدانند ودسته‌ای براین عقیده‌اند که زمان ثابت است و این ما هستیم که از خطر زمان میگذریم. هرچه باشد به هرحال لحظات و روزها میگذشتند و میگذشتند و نطفه‌ای که در اندیشه کارگر جوان بسته‌شده بود روزبه‌روز بزرگ و بزرگتر میشد. ازوقتی که زمستان بابرف و سرمایش رفته و بهار باگل ها وسبزه‌هایش از راه رسیده بود جعفر هم بساط لبویی را با بساط نعنا وترخون عوض کرده بود و هر روز همان مسیر همیشگی را میپیمود و درآغاز آن کوچه طویل حالی دیگر مییافت و باطنین دیگر فریاد می کشید. دیدار دختر برایش یک تفال نیک بود هرروز که او را باآن چشم‌های سیاه هوس‌انگیز وموهای بلند پریشان میدید تا شب لبخند میزد و هرروز که او را نمیدید تا پایان شب صدای گریه تلخی را در اعماق وجودش می‌شنید و سردی ابرهای زمستان را در خود بازمییافت. حالا دیگر درماهیت آنچه دروجودش متولد شده‌بود کوچک‌ترین شکی نداشت آن‌چه اورا به انسان تغییر داده بود عشق نام داشت.

همان عشقی که بوجود آورنده تمام افسانه‌ها و شعرهای دنیاست. و ازهرزبان که شنیده میشود شکلی دگرگونه تر و وسوسه‌انگیزتر دارد. حالا دیگر به خوبی با دردماه‌پری دختر‌عموی ساکت و غمگینش که انگشتری نامزدی او را در دست داشت ولی هرگز درقلبش جایی نیافته بود آشنایی یافته بود و گاه‌گاه که چشمان اشک‌آلود او را در لحظه خداحافظی به یاد می‌آورد قلبش از اندوهی تلخ فشرده میشد: «قول میدی که زود برگردی. یادت باشه که منتظرتم درتموم دنیا جز تو هیچکس نمیخوام..» وحالا این جعفر بود که دمبدم این کلام را درون خود تکرار میکرد و همان طور که چشمان وسوسه‌گر آن دختر شهری را دربرابر خود مجسم میکرد زمزمه کنان به‌خود میگفت «کاش‌میدونستی چقدر دوستت دارم .... کاش یک جوری می‌فهمیدی که جزتو توی این دنیا هیچ‌چیزی نمیخوام»

هرگاه دختر را در کمرکش کوچه یا در آستانه در خانه او میدید هرگز جرأت به زبان آوردن آن اعتراف را در خود نمییافت و جزبا زبان نگاه با زبان دیگری با او حرف نمی‌زد. چرا؟ شاید بین خود واو فاصله‌ای زیاد میدید. اگرچه ازخانه وسرولباس دختر به‌خوبی آشکار بود که از مال دنیا بهره‌ای ندارد و با طعم و بوی محرومیت از نزدیک آشنایی دارد. شاید هم منتظر دیدن علامتی از دختر بود. اگرچه چشم‌های زنده و شیطان‌دختر پیوسته از پیغامی بشارت‌آمیز آکنده بود و با هرنگاه کارگر جوان را به بهشتی رویایی بازمیخواند. شاید هم جعفر به علت تربیت دهاتی و شرم ذاتی قدرت خراب کردن دیوار نامرئی بین خود ودخترا نداشت و رنج بردن در سکوت رابه آن گستاخی و سدشکنی ترجیح میداد. روزهای سبزونارنجی و آبی بهار بی‌درپی میگذشتند و از هر روز و هر لحظه که باعشق میگذشت جای پایی در قلب باعشق جعفر باقی میماند. کم‌کم دیگر پنجره‌خانه‌ها ازهم بازمیشد. غنچه ها ازهم بازمیشدند وگرمای مطبوع بهاری به‌تندی وحرارت‌تابستان تبدیل میشد. مدتی بود که جعفرهم باساط نعناو ترخون وداع گفته بودو حالا دیگرچرخ دستی خود راهرروز از میوه‌های رنگارنگ پر میکردو به‌بهانه‌فروش میوه به کوی‌محبوب میامد اما باآن همه تغییر زبانش همچنان بسته مانده بودو سرعشق جزدرنگاهش نمی‌جوشید. اگرچه تحمل آن سکوت رفته‌رفته آن‌چنان‌فشاری به او وارد میاورد که تحمل آن ازقدرت یک‌فرد بشری خارج بود. حالا دیگر تمام روزها و شب‌هایش را در رویایی اندوه‌آلودوشکنجه‌ای وصف‌ناپذیر میگذراند.

گاه شب‌ها قلب جوانش را میان دست‌هایش میگرفت وآن را چنان میفشرد که گوئی می‌خواست حرکت آن را باآخرین قدرت

بقیه درصفحه ۸۳

سرگرمی
جدول مسابقات

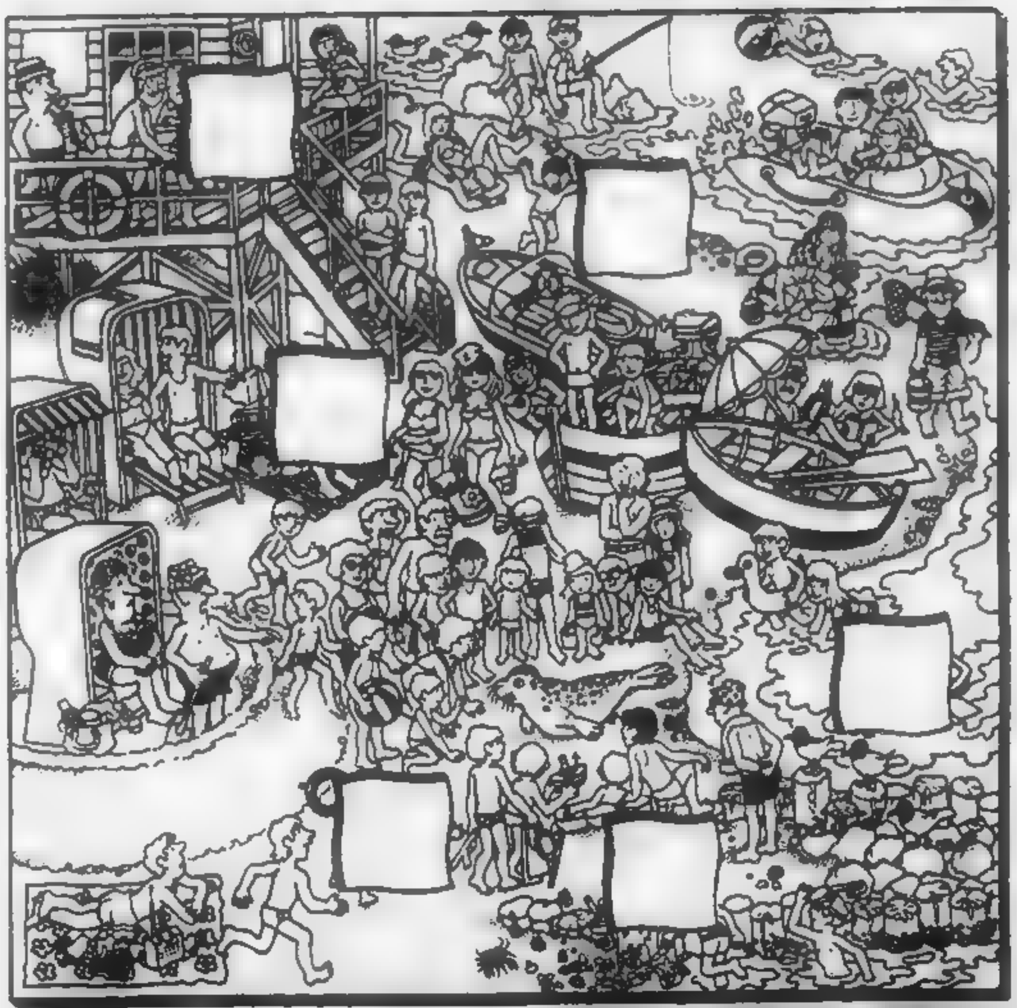

سرگرمی باجایزه

شش قسمت ازشکل بزرگ بالا جداشده و درپائین آن قرارگرفته است. ما ازشما میخواهیم هرقسمت را در جای خود قرار دهید. چنانچه موفق شدید پاسخ را به «دایره جدول، سرگرمی و مسابقه» بفرستید تا نام شما را در قرعه کشی شرکت دهیم شاید شانس شما را یاری کند و جایزه‌ای نصیبتان گردد.

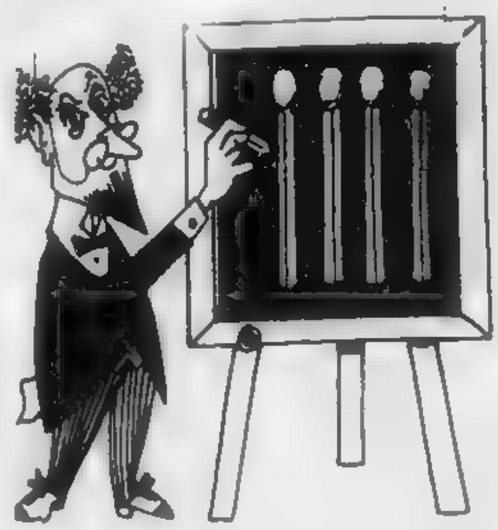

چهارچوب کبریت ودو مثلث

آیا میتوانید با چهار چوب کبریت دو مثلث بسازید، اگر موفق شدید پاسخ را به «دایره جدول، سرگرمی و مسابقه» بفرستید و جایزه بگیرید.

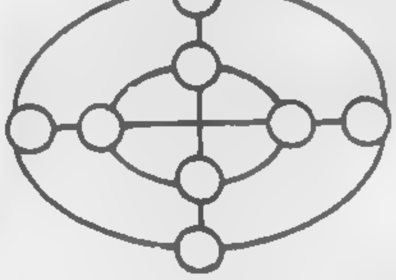

بازی با اعداد!

آیا میتوانید اعداد یک الی هشت را طوری در دوایر این شکل قرار دهید که مجموع ارقام، هرستون برابر با هجده گردد؟

اعداد مرموز!

در این شکل هر دایره نقش عددی را بازی میکند و شما این اعداد را از روی علائمی که در اطراف آنها مشاهده میشود میتوانید پیدا کنید!

جدول کلمات متقاطع

از: جهانگیر پارساخو

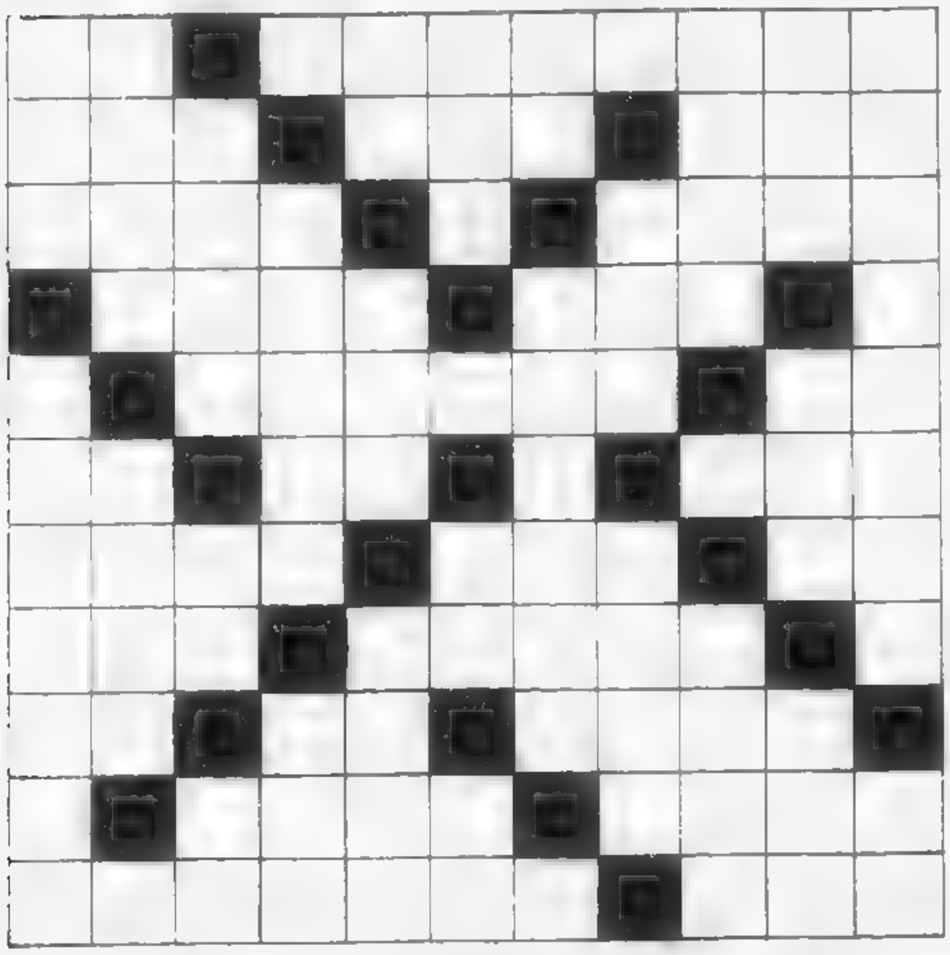

افقی:

۱ — قسمت استخدام — سازچوپان ۲ — پاسخ مثبت — مطبخ — حیوان گریزپا ۳ — روح جاری! — همه ٤ — جسد حیوان — مژده ۵ — جنس لطیف — ارمغان ٦ — مادرباران — بوی رطوبت — تکرار یکحرف در آشپزخانه! ۷ — زمانی خرابه هایش نزدیک تهران بود — گازی است — گیاه شیرین! ۸ — ستارگان — حیله و تزویر ۹ — گردن زن معروف — خاک کوزه گری — چهره ۱۰ — نامی برای دخترخانمها — دشمن سابقه‌دار پنیر ۱۱ — جشن باستانی — وسیله.

عمودی:

۱ — بنگاه واسطه کار — فلزی است ۲ — نوعی بقه — پیامبر — سعی و کوشش ۳ — واحد پولی است — عضوی درداخل بدن ٤ — آتش — ابتداء ۵ — فلز قیمتی — قصه گوی معروف ٦ — گلی معطر — تنها — اگر در این خانه هست یکحرف بس است ۷ — رطوبت — یکحرف و سه حرف — ورقه بانکی ۸ — پهلوانان — خانه ۹ — میگویند بشر بآن زنده است — میوه — عدد ورزشی ۱۰ — سرشت — دیگر ۱۱ — روزعربی — حزب ملت ایران.

تفاوت اصل با بدل

این دو نقاشی که یکی اصل و دیگری بدل آنست در ده مورد با یکدیگر اختلاف دارند و کافی است شما پنج مورد اختلاف آندو را برای ما بنویسید تا در قرعه کشی و بهره گیری از جوائز مسابقه آن شرکت داده شوید.

برندگان مسابقات شماره سوم رستاخیز کارگران

۱- بانو زهرا حکیمی (ساعت) ۲- آقای سیدعلی محمودزاده (رادیوترانزیستوری) ۳- آقای ناصر تقوی (قلم خودنویس).

جایزه‌ها زیاد شد

از این شماره بعلت توجه بیش از حد خوانندگان عزیز به صفحه جدول، سرگرمی و مسابقه بر تعداد جوائز افزوده گردید ومسابقات هرشماره بجای سه جایزه، چهار جایزه خواهد داشت. بدین ترتیب:

۱- یک سکه یک پهلوی طلا.
۲- یکساعت مچی.
۳- یک رادیو ترانزیستوری.
۴- یک قلم خود نویس.

این جوائز بحکم قرعه بچهار تن از شرکت کنندگان درمسابقات که پاسخ صحیح داده‌اند تعلق میگیرد. دقت فرمائید که نام، نام‌خانوادگی تاریخ تولد، شغل وآدرس دقیق خود را در زیر پاسخ ونام مسابقه و شماره مجله را در بالای پاسخ وروی پاکت قید نمائید.

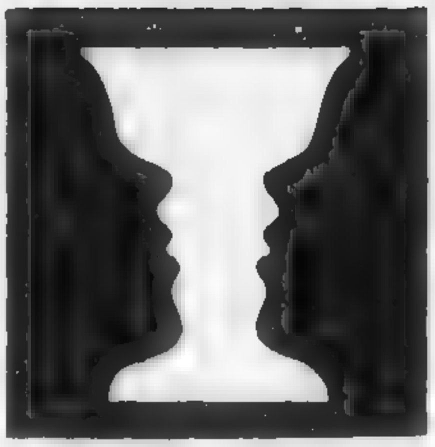

بنویسید وجایزه بگیرید

مدل نقاشی که این تصویر را کشیده است چه بوده، پاسخ را بما بنویسید وجایزه بگیرید. درمورد این مسابقه بخاطر داشته باشید که دوپاسخ دارد!

کاریکاتورشناسی

این کاریکاتور یکی از خوانندگان معروف ایرانی است که چند سال پیش بمناسبت مسافرتی که برای اجرای کنسرتی به اروپا کرد، از او در هفته نامه معروف «انرروانور» چاپ شد، او کیست؟

خوانندگان گلدار!

دو خواننده معروف ایرانی را نام ببرید که نام آنها «گل» دارد، نظیر «گلنراقی».

یک مسابقه برای آنها که اهل مطالعه هستند

«اسرالله» و «کازیمودو» قهرمانان کدام کتاب هستند و نویسنده آن کیست؟

فال

فروردین

زندگی عشقی شما پراز تنوع خواهد شد و برای اینکه نتیجه رضایت بخشی داشته باشد لازم است مدتی صبر کنید. کارهائی را که در دست دارید بپایان برسانید ولی عجله بخرج ندهید. برای خودتان اوقات فراغت در نظر بگیرید تا بتوانید به برنامه‌های خصوصیتان رسیدگی کنید.

اردیبهشت

وقت بیشتری به شخص مورد علاقه‌تان اختصاص دهید. متولد مرداد از شما حمایت میکند. اگر عاشق هستید شک وتردید را ازقلب خود خارج کنید تا پیوند شما مستحکم‌تر شود، کسانی را که ممکن است برایتان مفید واقع شوند از خود نرنجانید.

خرداد

مسائل خانوادگی را با دقت بیشتری تجزیه وتحلیل کنید. باین ترتیب حل کردنشان سهل‌تر خواهد شد. مجردها با تنوع دلپذیری مواجه میشوند. گاهی به دامن طبیعت پناه ببرید تا ازسلامت کامل برخوردارشوید. بر سر انجام کاری با یک نفر بتوافق خواهد رسید.

تیر

برنامه دقیقی برای خود طرح کنید تا برنامه‌هایتان مشوش نشود و وقت گرانبهایتان تلف نگردد. بی‌جهت عصبی و ناراحت هستید زیرا شانس در کنارشما است. برای مسائل جزئی و کم اهمیت با شخص مورد علاقه‌تان بگو مگو نکنید.

مرداد

براضطراب خود فائق شوید و خودتان را با انجام کارهای بیشمار خسته نکنید. بیشتر روی دوستان‌خوب‌خود حساب کنید و اختلافهای جزئی را نادیده بگیرید. با متولد اردیبهشت ماه همفکری خواهید داشت. بیشتر استراحت کنید، گذشت زمان کارها را به نفع شما تمام میکند

شهریور

بدبینی و بی‌اعتمادی به اطرافیان شما را عذاب میدهد، بدون نگرانی تصمیم بگیرید. مثل همیشه براوضاع مسلط خواهید بود. در هر موقعیتی عکس‌العملهای خود را کنترل کنید، با متولد دی ماه تفاهم خواهید داشت.
ولخرجی نکنید. افراد خانواده ازشما انتظار بدخلقی ندارند،

مهر

در معاشرت با دوستانتان منطقی باشید، منافع شخصی خود را بخاطر دیگران رها نکنید. کارها بنظرتان ساده خواهد آمد و در نتیجه دست بکارطرحهای جدیدی خواهید شد. با اشخاص با نفوذ و روسا رفتار توأم با سیاستی داشته باشید.

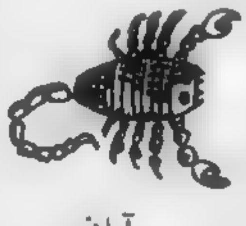

آبان

نقشه های عالی درسر دارید و به احتمال زیاد تصمیم مهمی خواهید گرفت که درسرنوشت عده‌ای مؤثر خواهد بود. چند خبر جالب و غیر منتظره دریافت میکنید، ملاقاتی که انجام آن مدتها بتعویق افتاده، بزودی صورت خواهد گرفت

آذر

نقطه ضعف‌های اطرافیانتان را ندیده بگیرید و بر سر مسائل جزئی با آنها جدال و بگومگو نکنید. در کنار شخص مورد علاقه‌تان‌مسائل‌وگرفتاریهای خصوصی خود را بدست فراموشی مسپارید. بیشتر با کسانی معاشرت کنید که با شما توافق عقیده داشته باشند.

دی

مسائل شغلی خود را هرچه زودتر حل کنید تا برای بهره برداری ازموقعیت‌های مناسب جدید آمادگی کامل داشته باشید. بی‌جهت خودرا در بحثی که مربوط به‌شما نیست دخالت ندهید و وقتی با مسئله‌ای کاملا آشنانیستید بهیچوجه اظهارنظر نکنید، حتی اگر نظرشما را جویاشوند.

بهمن

اسرارخود را بدیگران‌نسپارید و اگر نزد شما از دیگران بدگوئی کردند نشنیده‌بگیرید و بدگوئیها را باور نکنید. در زندگی خانوادگی صبور باشید. سست و بی‌حوصله نباشیدو کارهایتان را باانرژی و پشتکار انجام دهید. بیشتر مراقب تغذیه خود باشید.

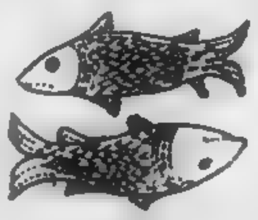

اسفند

با اینکه نسبت به کار خود توجهی ندارید ولی در آینده کارجدیدی که درآمدبیشتری دارد به شما پیشنهاد می‌شود و‌باین‌خاطر لازم است هرچه زودتر بخود بیائید و خودی نشان‌بدهید تا وقتی شانس به شما نزدیک میشود بی‌توجه از بالای سرتان نگذرد

حرف های دلم را گوش کنید

این ماجری را زنی که بجرم قتل فرزند شوهر سابقش محکوم شده و اکنون در زندان بسر میبرد، فرستاده است که ما آنرا تنظیم کرده‌ایم، اما نسبت به صحت و سقم آن هیچگونه اطلاع و نظری نداریم.

برای کسی که شب‌وروزش را پشت میله های زندان گذرانده باشد، چهار سال یک عمر است. از این رو من متعجبم که چطور اینهمه روز ها را در این چهار دیواری محقر گذرانده و هنوز هم زنده هستم. شاید شبکه های این دیوار آهنین بمن نوید آزادی را می‌دهد که هر وقت در برابرش قرار می‌گیرم به آرامش مطلوبی دست می‌یابم. ضمناً که گاه باعث میشود تا برای صدمین بار به‌خاطر آورم که متجاوز از ده سال قبل باچه شور وشوقی به خانه شوهر رفتم و چگونه براثر بازی سرنوشت دستخوش سیه روزی و نابسامانی ابدی شدم. نزدیک به دو سال از زندگی گرم و صمیمانه من وشوهرم گذشته بود که یک روز برادر کوچکترش به خانهٔ ما آمد و با چهره‌یی غم‌گرفته و در هم در گوشه‌یی نشست. من که بارها اورا اندوهگین و پریشان خاطر دیده بودم، آن روز نیز به حال و وضع اش پی‌بردم. از این رو باژستی که می کوشیدم رفتارم را ازش پنهان دارم با اشاره‌یی سریع وزود گذر شوهرم را متوجه وی کردم. او بی اعتنا به رفتارساختگی من، تک‌سرفه‌یی زد و گفت:

— مثل اینکه باز یکی از کشتی های ماشاءالله غرق شده است!

من بقصد اینکه زهر عبارت کنایه آمیز شوهرم را بگیرم، خندیدم و خطاب به برادر شوهرم گفتم:

— آقا ماشاءالله، هیچوقت از حرفهای حسن آقا دلگیر نشو. داداشت فقط روی علاقه باتو شوخی میکنه!

پیش ازآنکه ماشاءالله به سخن آید، شوهرم بالحنی تلخ وزننده وگفت:

— نه بابا، واسه‌چی شوخی کنم؟ من هرچه میگویم جدی است وآنقدرمی گویم تا بفهمم که این بچه‌چه مرگی داره؟

من که بارها مورد خطاب و درد دل ماشاءالله قرار گرفته بودم، رو به شوهرم کردم وگفتم:

— ببین حسن‌آقا، این آقاماشاءاله‌نمی‌تواند بازن پدرت زندگی کند. من می‌دانم که زن‌آقا چقدر اذیتش می کند. آقا هم که ماشاءالله هزار ماشاءالله سربزی زده رو دست مجنون و فرهاد! راستی حسن آقا، حالا که آقا ماشاءالله دیپلمش را گرفته و از آب وگل در آمده، چرا دستش راجائی بند نمی کنی؟

شوهرم جواب داد:

— برای اینکه، این بچه استعداد درس خواندن را دارد ومنهم مایلم تحصیلاتش را ادامه دهد. منتها می‌خواهم ترتیبی بدهم تا آقاجان را راضی کنم که او را بفرستد به خارج.

ماشاءالله بدنبال آهی کوتاه، سرش را تکان داد وخاموش نشست. اما من بلافاصله روبه‌شوهرم کردم وگفتم:

— حسن آقا، اگر به این خیال نشسته‌ای قیدش را بزن، آقا ازاین......

ماشاءالله حرف مرابرید و در نهایت دستپاچگی بالحنی کودکانه خطاب به‌شوهرم گفت:

— اگر شما فقط پول گذرنامه و کرایهٔ هواپیما را بدهید، بقیه‌اش را خودم در آنجا درست می کنم. این پیشنهاد پاپی‌گیری و وسوسه های من مورد قبول شوهرم واقع شد و سرانجام پس از دوماه ماشاءالله به خارج رفت. پس از رفتن وی زندگی مادرکنار دخترک شیرین ربـــا ســـمان بـــا آرامش دلپذیری ادامه یافت. پیشرفت سریع کشور و رونق یافتن کارشوهرم باعث شد که ما علاوه‌بر خرید و تهیهٔ کمبودهای زندگی، خانهٔ محقرو جمع وجوری نیز دست‌وپا کنیم. حتی این توفیق هم دست می‌داد که هرچندوقت یکبار هدیه‌یی برای ماشاءالله بفرستیم و بدین ترتیب مانع از ایجاد فاصله و شکاف میان او و خود شویم. شوهرم مانند پدری دلسوز نگران آیندهٔ برادرش بودوطی هر نامه‌ای که برای وی می‌فرستاد تأ کید می کرد که ازازدواج با دختران خارجی خودداری کند. ماشاءالله که حقاً و انصافاً جوان حقشناسی بود، با صمیمیت تمام نصایح برادرش را به‌جان‌ودل می‌خرید.

زمان به گردش منظم خود همچنان ادامه میداد و مدت اقامت او در خارج سال به سال فزونی می‌یافت با اینکه در تمامی نامه هایش اعتراف می کرد که مشتاقانه آرزوی دیدن مارا دارد، معهذا می کوشید با اقامت دایم درآنجا، زودتر به نتیجه مطلوب خویش برسد. سرانجام ماشاءالله پس از هفت سال سکونت در امریکا با مدارک مهندسی ماشین مراجعت کرد. روزی که من و شوهرم به اتفاق گروهی از اعضای فامیل به استقبالش رفتیم، من سومین فرزندم را که دختری بسیارملوس و دوست‌داشتنی بود به وی معرفی کردم. همچنان که انتظار میرفت قیافه و سرو وضع ماشاءالله کاملا تغییر کرده بود. تا بدانحد که من بهیچ ترتیب نمی توانستم قامت رنجور و چهرهٔ رنگ پریده پیش ازسفر او را بیاد بیاورم. هرچه بود ماشاءالله امروز، جوانی برازنده و برومند مینمود. الامدت ششماه درمنزل ما بسر برد تا اینکه توانست در یکی از واحدهای بزرگ صنعتی کشورسرگرم کارشود.

حقوق اولیه‌اش آنچنان کافی بود که به آسانی می‌توانست تشکیل خانواده دهد و سروسامانی مطلوب بگیرد. از این رو من که او را بمنزلهٔ برادر خود می‌دانستم آماده شدم که دست بالا کنم و برایش زن بگیرم. خوشبختانه دختری بسیار زیبا و با کمال راسراغ داشتم. دختری از خانواده‌ای نجیب و شرافتمند که سالها همسایهٔ مامانم بودند. در این میان تنها اشکال موجود، نظر ماشاءالله بود که می‌بایست از آن آگاهی یابم. شبی که قصدم را با شوهرم درمیان نهادم و ازش اجازه خواستم تا قدم پیش گذارم، او نگاه نافذش را برویم دوخت وگفت:

— وای از شما زنها که همیشه برای سر بی‌درد، دنبال دستمال می‌گردید.

باژستی نازآلود بطرفش رفتم و درحینی که آرنجم را روی شانه‌اش می‌فشردم، خندیدم و گفتم:

— آقا پسر! هیچ میدانی که سالهاست در آرزوی کدبانویی و خانم بزرگی می‌سوزم؟ آیا میدانی دلم لک زده است که منقل و اسپند جلو روی‌عروس و داماد بگیرم؟!

دراین موقع به دنبال یک خنده‌یی صدادار خودم را کنار کشیدم و درحالی که مانند پروانه‌های سبکبال پاپی به پیکرم می‌دادم و دورخود می‌گشتم، افزودم:

— از همه مهمتر، یک شکم سیر بزنم و برقصم.

او با وقار ذاتی خود که ازخصایص مردان طبقه‌ماست، پوزخندی زد وگفت:

— پس پای نفـــــرین کور به گوری و پدرنیامرزیش هم بنشین.

قصدم را با اراده‌یی خلل ناپذیرآغاز کردم و بدنبال جلب موافقت برادر شوهرم ترتیب مذاکره با خانوادهٔ عروس را دادم. عنوان و مقام‌ماشاءالله درحدی بود که دختروبستگانش کوچکترین تردیدی به دل راه ندهند. ازاین رو پس از یکماه مراسم عروسی برپا شد و سرانجام ماشاءالله نیز آنچنان که همه میخواستند سر و سامان گرفت و به سعادت رسید. ماهها گذشت و ظاهراً همه چیز بر وفق مراد مینمود. اما من گه‌گاه احساس می کردم که رفتارشوهرم تغییر کرده است. همواره دراضطراب و بی‌حوصلگی بسر می‌برد. با اینکه هیچگاه قصد نداشتم در امورخصوصی او دخالت کنم، اما نمی دانم یک روزچه انگیزه‌یی باعث‌شد که علت‌این پریشانی خاطر را ازش بپرسم. توقع داشتم دردی را که تا آنروز از من پنهان کرده بود، آشکارسازد و صمیمانه ازمن بخواهد که بیاریش بشتابم. لیکن وی برخلاف انتظارم واکنش وحشتناکی نشان داد و با فریادی که پنداشتی تاروپود وجودم راازهم گسست گفت:

— این فضولی‌ها بتو نیامده است. من هر دردی دارم بخودم مربوط است!

در اینجا مکثی کرد و آنگاه با لحنی قاطع افزود:

— گوش کن، اگر یکدفعه دیگر در کارمن فضولی کنی؛ هر چه دیدی از چشم خودت دیده‌یی!

منکه برای نخستین بار چنین رفتاری از او می‌دیدم، یکباره طاقت از دست دادم و درحینی که ناخودآگاه می‌لرزیدم، فریادی کشیدم و با شتاب از اتاق خارج شدم. بی‌اختیار چادرم را که روی نردهٔ پله‌ها افتاده بود بسر کشیدم و به خانه پدرم دویدم. تا یک هفته انتظار داشتم که شوهرم بسراغم بیاید و بدنبـــــال عذرخواهی های لازم، تمامی این غم جانگداز را ازوجودم بزداید. لیکن برخلاف تصورم، هرگز چنین واقعه‌یی رخ نداد و مردی که وجودش را از مهـــربانی سرشته بودند، به بیگانه‌یی مبدل شد. درطول این مدت چندین‌بار به دیدن ماشاءالله رفتم و او را به گفت‌وگـــو کشیدم. اما بدبختانه نه تنها عکس العمل مطلوبی ندیدم، بلکه چنین فهمیدم که او نیز دردی ناگفتنی دارد که مطلقاً مایل نیست با کسی چیزی بگوید. بیست روز پس از این جدایی، شوهرم بدون مقدمه و خبر قبلی به دیدنم آمد و بدنبال اتمام حجتی نالازم مرا به خانه برد. مجدداً زندگی گذشته را ازسر گرفتیم، درحالی که همچنان رفتار غیر عادی او برقرار بود. در کنار این گذران نه چندان رضایتبخش نکته‌یی توجهم را بخود معطوف می‌داشت و آشکارا می‌دیدم که ماه به ماه فاصله دفعات مراجعهٔ ماشاءالله به خانهٔ ما کم می‌شود. تا اینکه بعد ازشش ماه مراوده‌اش بکلی با ما قطع شد. روزی که برای آخرین باردلیل این سردی بی‌سابقهٔ او را از شوهرم پرسیدم وی بـــا بی حوصلگی سری تکان داد و با لحنی تمسخر آمیز گفت:

— عروس خانم خیال می کند که آقا ماشاءالله جواهری است بی‌نظیر وغارت کردنی، بهمین علت قدغن کرده است که با هیچیک از بستگان‌وآشنایان‌معاشرت کند.

من با اینکه برای چنین رفتاری دلیلی نمی‌دیدم، اما چون مشابه این کار را بارها از سوی دوستان و آشنایانم دیده بودم، بی هیچ تردیدی گفتهٔ شوهرم را باور کردم، درحالی که ازحق ناشناسی ماشاءالله عمیقاً درشگفت بودم. نزدیک به یکسال از این وضع گذشت. تا اینکه بار دیگر بهانه گیریها و نق زدنهای حسن شروع شد، تا بدانجا که کوچکترین رفتار مرا مورد انتقاد و خرده‌گیری قرارمی‌داد. ماهها کوشیدم که دربرابر کرداروعمال بی‌دلیل وی خونسرد بمانم. اما بدبختانه او کاررا بجایی رساند که دیگر نمی‌توانستم بدخلقی هایش را تحمل کنم بهمین علت روزی که پیشنهاد طلاق داد، بی آنکه بخواهم دلیل این جدایی خرد کننده را بدانم، پیشنهادش را پذیرفتم وآمادهٔ مراجعه به دادگاه شدم. از آنجا که کوچکترین اختلاف نظری بین ما نبود، مراسم طلاق بسیار زود انجام گرفت وما بدنبال کسب توافق کامل درمورد تقسیم اموال و بچه ها از یکدیگر جدا شدیم. زندگی من در خانهٔ پدرم هرچند موافق میل و ایده‌آل نبود، اما آنچنان زمینه‌یی فراهم ساخت که کم کم گذشته‌ام را با تمامی تلخی وشیرینی‌هایش فراموش کنم. از اقامت من در خانه پدرم نزدیک به شش ماه گذشته بود که یک روز خبری ناگهانی تمامی اعصابم را در هم شکست. ازشنیدن این واقعه آنچنان یکه خوردم که تا یک هفته گیج ومبهوت بودم. آخر برای من باور کردنی نبود که ماشاءالله بی هیچ مقدمه و دلیلی زن محبوبش را طلاق گوید و بلافاصله با ترک کردن ایران ساکن دایمی امریکا شود. با اینکه مراوده‌ام با خانوادهٔ شوهرم از لحظه وقوع طلاق کاملا قطع شده بود، معهذا بی‌میل نبودم که سری به خانهٔ آنها

بزنم و ماوقع را دریابم. وقتی که قصدم را با مادرم درمیان نهادم، اوشدیداً مخالفت کرد و مرا واداشت که با یکدنیا وسوسه و کنجکاوی در بهت و حیرت کامل بمانم. مدتها از این واقعه گذشت و من این حادثـــــــه را نیز به فراموشخانهٔ دلم سپرده بودم که یک روز با خبر دیگری، بی نهایت کشنده و دردآور روبروشدم. خبری که یکباره تمامی ابهامات گذشته را از میان برداشت. خبر این بود که شوهر سابقم با زن ماشاءالله ازدواج کرده است. این خبر رنج‌آور آنچنان گیج کننده و آزاردهنده بود که من بی هیچ درنگی عازم محل کارحسن شدم. هنگامی که رودررویش قرار گرفتم بی توجه به حضور همکارانش فریاد زدم:

— ای خائن نامرد، حالا دیگر همه چیز را فهمیدم. حالا می‌دانم که دلیل بهانه گیریهای بی‌سبب تو و بالاخره جدایی بی‌سبب تر ما چه بود. تو و زن داداش بیچاره‌ات با هم رابطه داشتید و کار را بجایـــــی رساندید که باعث بدبختی من و ماشاءالله شدید؟

حسن بی‌آنکه گفته های مرا رد کند، مذبوحانه به پایم افتاد و ازم خواست که دست از هوچیگری بردارم. من دقیقاً نمی دانم که چه کردم و چه مطالبی را بر زبان راندم. لیکن همینقدر می‌دانم که دم آخر به تلخی گریستم و ذلیلانه سر بر سینه یکی از همکاران او گذاشتم. هنگامی که آرام گرفتم دریافتم که حسن ازاداره خارج شده است. خانم کارمندی که خواهرانه به دلداریم نشسته بود، تمامی ماجرا را همچنان که خودم استنباط کرده بودم برایم شرح داد. ضمناً افزود که همسر من هفت ماهه باردار است. ازشنیدن این حرف درمیان چشمان حیرت زده همکارانش فریاد کشیدم که بخدا داغ این بچه را به دلشان می‌گذارم! آن زن مهربان مرا به خانه‌ام رساند و به مادرم تأکید کرد که برای مدتی کاملا مواظب من باشد. متجاوز از شش‌ماه غرق بهت و حیرت بودم و هر چند بارها گریه بی تلخ و جانسوزغم سنگین دلم را سبک می کردم، تا اینکه براثر گذشت زمان به آرامشی نسبی دست یافتم. در این گیر و دار مرد میان‌سالی که از زن سابقش پسری ده ساله داشت به خواستگاریم آمد. من با اینکه پس از جدایی از شوهرم عهد کرده بودم که هرگز ازدواج نکنم، اما حالا بدم نمی‌آمد که با رفتن به خانهٔ این مرد از گذشتهٔ سیاه واندوهبارم جدا شوم. مذاکرات ما با مرد مورد بحث بمرز توافق می‌رسید که یک روز درمنزلمان به صدا درآمد. پس از دقایقی مادرم آسیمه سر بداخل اتاق دوید و گفت:

— اکرم، ازکلانتری دنبال توآمده‌اند.

هرگز نمی‌توانم حالم را پس‌از شنیدن این‌خبر تشریح کنم. اما هرچند مأمور کلانتری راضی به گفتن دلیل این‌مراجعه نشد امامن ناگزیر از رفتن به‌آنجاشدم. درکلانتری شنیدم که شب قبل جنازهٔ فرزندپنج ماههٔحسن راکنار در خانه‌اش یافته‌اند وشوهرسابقم با تکیه‌به‌گفته‌ی در حضورهمکارانش، مرا متهم به‌این قتل کرده است. لزومی ندارد بگویم که‌دادرسی ومحکومیت من چه‌مدت بطول انجامید لیکن هرچه بود من نتوانستم ثابت کنم که در قتل آن کودک معصوم نقشی نداشته‌ام. باوجود این،دادگاه مرابسبب جوانی ونداشتن سابقه مورد ارفاق قرارداد.

اکنون دقیقا چهارسال ویازده روز از پانزدهسال محکومیتم راگذرانده‌ام. اماخدا می‌داند که‌آیا بازهم گرمی کانون‌خانوادگی و آسمانی نیلگون‌خانه‌ام را خواهم دید، یا نه

تنظیم از: شمع

برادرکشی

به روایت: ن. ه. مغانی

فریدون وقتی برتخت شاهی نشست، کوشید تمام خرابی های ناشی از ستم و بیداد ضحاك و همدستان اورا ازمیان ببرد و در همه‌جا آبادانی ، نعمت وآسایش برای مردم فراهم آورد.

مردم باردیگر توانستند روی راحت وخوشیرا ببینند ، فرزندان جوان وبرومندشان را — که از ترس آدمکشان ضحاك درغارها وکوه‌ها پنهان کرده بودند — در کنار خود داشته باشند و بدون بیم و هراس روزها وشبهای خوشی را در سایه‌ی داد وعدل‌شاه بگذرانند.

فرانک ، مادر رنج دیده وستم کشیده‌ی فریدون چون از پادشاهی فرزند آگاه شد، شتابان خود را نزد او رساند و فریدون که بابی‌قراری انتظار اورا میکشید ، مادرش را درآغوش فشرد وگفت:

—مادرعزیزم ، زحمت های شبانه روزی‌تو به نتیجه رسید و من خوشحالم که توانستم انتقام پدرم و همه‌ی جوانان‌ناکام را از آن اهریمن ماردوش تازی بگیرم . مادر، من هرچه دارم از تست و نمیدانم با چه زبانی وچگونه میتوانم تلاشهای خستگی ناپذیر تراسپاس بگویم وتلافی کنم .

فرانک‌پسرش را بوسیدوگفت:

— پسرم ، من اینک به هرچه میخواستم رسیده‌ام و تنها انتظارم از تو اینست که پادشاهی مهربان ودادگر برای مردم باشي و جز به آسایش مردم و آبادانی گیتی اندیشه‌ی دیگری درسرنداشته باشي ... آرزوی من اینست که درعصر پادشاهی تو حتی یک نیازمند در سراسر گیتی پیدا نشود و همه‌ی مردمان در سایه‌ی مهرومحبت شاه دادگستر خود زندگی مرفه وآسوده‌ای داشته باشند.

فریدون دستهای مادرش را بدست‌گرفت و بامهربانی گفت:

—مادر، سوگند میخورم که ترا به همه‌ی آرروهایت برسانم......

***

فریدون ، پس از آنکه وضع کشورش را سروسامان داد ، با شهرناز وارنواز ، دختران جمشید شاه عروسی کرد تا مادرش را یکی‌دیگر ازآرزوهایش که داشتن نوه های خوشگل بود برساند وخود نیز لذت پدربودن را درك کند.

شهرناز دو پسر و ارنواز نیز یک پسر برای فریدون آوردند . پسران شهرناز بزرگتر بودند وپسر ارنواز کوچکترین بود.

فریدون پسر بزرگش را «سلم» ،دومی را «تور» وپسر کوچکتررا «ایرج» نام گذاشت.

پسران فریدون در محیطی پراز شادی و خوشی بزرگ می‌شدند و هرسه‌زیرسایه‌ی محبت‌های پدر همه‌ی دانش‌ها و فنون رزم وبزم را فرا می‌گرفتند بطوریکه بزودی هرکدام پهلوانی کامل بشمار آمدند که در اسب سواری، نیزه بازی و تیراندازی سرآمد همسالان خود بودند ومیان پهلوانان کسی حریف آنان‌نمی‌شد.

یک روز فریدون ، «جندل» را که از مشاوران مورد اعتمادش بود پیش خود خواند وبه‌اوگفت:

— جندل ، پسرانم هرسه بزرگ شده‌اند و هنگام آن رسیده که هرکدام زنی انتخاب کنند وخانواده‌ای تشکیل دهند.

جندل‌سرفرود آورد وگفت:

—حق باشماست‌شاهنشاها.

فریدون خندیدوگفت:

— ومن مأموریتی برای تو درنظر گرفته‌ام که شاید‌چندان آسان‌نباشد.

—تن و جانم فدای شاهنشاه و شاهزادگان باد ،فرمان شاه را به‌جان ودل پذیرایم وامیدوارم دربرابرشاهنشاه روسفید باشم.

فریدون گفت:

—من درشایستگی توتردید ندارم وبهمین دلیل هم این مأموریت مهم را به عهده تو می‌گذارم ... ببین جندل ، تو باید درسراسرگیتی بگردی وسه دخترجوان، زیبا وشایسته که هرسه از یک پدرومادرباشند برای پسرانم پیدا کنی... دخترانی که از هرجهت برای همسری شاهان آینده‌ی دنیا آمادگی ولیاقت داشته باشند.

جندل‌سرفرود آورد وگفت:

—من هم‌اکنون راهی می‌شوم وامیدوارم به یاری اقبال بلندشاهزادگان توفیق رفیقم‌باشد.

* * *

جندل ، همان روزوسایل سفر را فراهم کرد وبا چند همراه ومقدارزیادی باروبنه‌به راه‌افتاد.

او درهرجا که دختران جوانی را سراغ می‌کردبه‌پرس‌وجو درباره‌ی‌آنها می‌پرداخت تا ببیند شایستگی همسری شاهزادگان ایران را دارند یا نه ... او درواقع درجست وجوی سه

خواهرجوان بود که به همه‌ی زیباییهای زنانه‌و هنرهای کدبانویی آراسته باشند. و خود نیز می‌دانست که یافتن چنین گوهران نایابی آسان نیست.

او همه‌ی سرزمین ها را بیهوده گشت تا سرانجام به سرزمین یمن رسید و درآنجا بود که در نهایت نومیدی مژده‌ی خوشحال کننده‌ای به او دادند:

— سرو، شاه یمن، سه دختر زیبا و برازنده دارد که هنوزآفتاب رخسارشان را ندیده است... سه گوهر بیمثال که ازسراپایشان ذوق و هنر می‌بارد و در زیبایی، فلک نظیرشان را ندیده است.

جندل با شادمانی به تحقیق و پرس وجو پرداخت و هرچه بیشتر پرسید و بیشتر شنید، خوشحال‌تر و امیدوارتر شد... دختران شاه یمن درست همانهایی بودند که شاهنشاه ایران برای همسری فرزندانش می‌خواست.

جندل وقتی از شایستگی دختران سرو اطمینان یافت، با هدایایی که همراه آورده بود به درکاخ شاه یمن رفت و به شاه پیغام داد:

— فرستاده‌ای ازسوی فریدون، شاهنشاه ایران، بارمیخواهد تا دیده به دیدارشاه روشن کند و هدایا و پیام شاهنشاه را تقدیم دارد.

سرو، بدون درنگ، جندل را پذیرفت و جندل پس ازآنکه هدیه های گرانبهای خود را تقدیم شاه کرد، گفت:

— به یقین پادشاه بزرگوار یمن آگاهی دارند که شاهنشاه ایران سه شاهزاده‌ی برومند دارند که بزودی هرکدام به گوشه‌ای ازگیتی فرمانروایی خواهند کرد... فریدون شاه میخواهد سه همسرشایسته وبرازنده برای پسران خود برگزیند و چون خبر یافت که شاه یمن سه شاهدخت زیبا و جوان دارد به من مأموریت داد که دختران شاه را برای پسران شاهنشاه خواستگاری کنم...

سرو که دختران خود را بی‌اندازه دوست داشت و نمیخواست آنها را ازخود دور کند، از شنیدن سخنان جندل مبهوت ماند و مدتی سکوت کرد، چون نمی‌دانست چه پاسخی به فرستاده‌ی فریدون‌شاه بدهد. اومی دانست که دادن‌پاسخ منفی، بعنوان دشمنی با شاهنشاه ایران تلقی می شود ودرخود یارای مقابله با فریدون‌شاه را نمی دید... دادن پاسخ مثبت هم درواقع بمعنی ازدست دادن دخترانش بود و سرو که پسری نداشت، تحمل دوری دخترانش را ازعهده‌ی خود بیرون‌میدید.

جندل که درانتظار پاسخ سرو بود، چون سکوت اوطولانی‌شد، به آرامی گفت:

— قربان، برای پیام شاهنشاه چه پاسخی دارید؟

سرو خود را جمع و جورکرد و با آشفتگی گفت:

— راستش، شما مرا غافلگیر کردید... اجازه بدهید اندکی بیندیشم. شما امروز را میهمان من باشید، فردا دراین باره گفت وگو خواهیم کرد.

جندل با احترام سرفرود آورد وگفت:

...رمانتان را اطاعت می کنم...

سرو دستور داد جندل و همراهانش را در کاخ او جا بدهند و از آنها به بهترین وجه پذیرائی کنند... و چون جندل از بارگاه او بیرون رفت، بزرگان کشورش را پیش خود خواند تا با آنها به مشورت بنشیند.

بزرگان یمن وقتی از پیام فریدون آگاه شدند، همه یکصدا به سرو پیشنهاد کردند که خواست شاه ایران را بی هیچ تردیدی بپذیرد و با دادن دخترانش به پسران فریدون پشتیبان بزرگی برای کشور و پادشاهی خود فراهم کند.

* * *

جندل روز دیگر دو باره نزد شاه یمن رفت درحالیکه تمام شب را دراین تشویش و نگرانی به سر برده بود که مبادا «سرو» به خواستگاری وی پاسخ منفی بدهد. اما سرو، برخلاف تصور جندل، با خوشرویی و محبت او را پذیرفت و بدون اینکه منتظر شود تا جندل باردیگر تقاضایش را پیش بکشد گفت:

— من با کمال افتخارفرمان شاهنشاه‌ایران را می‌پذیرم و برای دختران من سعادتی بالاتر ازاین نیست که به همسری شاهزادگان ایران درآیند اما خواهشی از پیشگاه‌شاهنشاه ایران دارم.

— چه خواهشی قربان؟

— خواهش من اینست که فریدون‌شاه اجازه دهند شاهزادگان گرامی به سرزمین یمن بیایند و چند روزی را میهمان من باشند تا هم بیشتر با هم آشنا شویم و هم شاهزادگان بتوانند از نزدیک دختران مرا ببینند تا اگر مورد پسند شان قرار گرفتند آیین عروسی را برگذار کنم.

جندل با اشتیاق گفت:

— اندیشه‌ی شاهانه‌ی بسیار خوب و بجایی است. من همین امروز به ایران برمی‌گردم تا خواهش شما را به عرض فریدون شاه برسانم. به یقین شاهنشاه با این خواست موافقت خواهند کرد و بزودی شاهزادگان گرامی ما بدیدارشما خواهند شتافت.

— من با شوقی وافر در انتظار ایشان خواهم بود.

ادامه دارد

گلنار

گرد استخوان گوساله

این بیماریها در اثر ویروسهای مختلف پیدا میشود.

بعدها پی خواهند برد که تنها تغذیه طبیعی میتواند تعادل املاح مصرفی لازم را برای سلامت و تندرستی گیاهان، حیوانات و انسانها داشته باشد. پس راه‌حل این کار اینست که منتظر باشیم غذاهای ما در زمین های سالم از کودی که طبیعی باشد به عمل آید تا بتواند نیازمندیهای ما را برطرف کند.

مهمترین و کاملترین چیزی که میتواند از این جهت منظور ما را تأمین کند، آرد استخوان است که زمانی طولانی است با آن تجارب کلینیکی و درمانی بدست آورده‌اند، و به همین علت است که توصیه کرده‌اند گرد استخوان را که از بهترین نوع آن انتخاب شده است، مصرف کنیم تا دچار سستی و کندی اعمال دستگاه بدن که علت آن کمبود املاح معدنی در بدن است نشویم. مصرف گرد استخوان کاملا برای هرکس اطمینان بخش است و کسی را از مصرف آن منع نمی کنند، زیرا دارای هیچگونه عوارض مضر بعدی نیست. حتی بچه های خیلی کوچک هم اگر بخواهند از سلامتی کامل و آرامش و نشاط برخوردار شوند، باید آنرا مصرف کنند. مسلم است برای اینکه از سلامتی کامل برخوردار شویم، تنها مصرف گرد استخوان کافی نیست و باید از غذاهای طبیعی دیگر استفاده کنیم، از پرخوری و افراط در مصرف شیرینی، قهوه، چای، نوشابه های گازدار، قوطی های کنسرو خودداری کنیم. به قوانین و اصول طبیعت احترام بگذاریم. برای اینکه املاح معدنی ممتازی به دست آوریم همچنین خوبست که سوپ استخوان که از مقدار زیادی استخوان تهیه شده باشد، مصرف کنیم و همچنین استخوانهای پرندگان را اگر در غذا بود با دندان بجویم، ولی البته چنانکه می‌دانید این مقدار املاح معدنی کافی برای ما نیست و باید از منابع دیگر غذائی کمک بگیریم.

با تحقیق به ثبوت پیوسته است که حیوانات دندانهای خوبی دارند، زیرا غذای آنها از لحاظ املاح معدنی معتدل و کمتر از غذای انسان مسموم است و حیوانات گوشتخوار، استخوان طعمه های خود را هم می‌خورند و با خوردن آن کمبود املاح معدنی بدن خود را جبران و ذخیره می کنند. حتی از غذاهای حیوانات اهلی مقدار کافی گرد استخوان وجود دارد و به همین علت است که می‌توان گفت آنها بهتر از صاحبان خود تغذیه می کنند!

و این درسی است که به ما می‌آموزد چگونه دندانهای خود را در مقابل مرض عمومی کرمخوردگی حفظ کنیم.

متأسفانه کسانی که حقیقت را نمیپذیرند زیادند و همه آنها دندانهای مصنوعی دارند و روز به روز بر شماره آنان افزوده میشود، حال آنکه چاره این کار خیلی آسان است و انجام آن در دسترس همه می‌باشد. آزمایشهای بیشماری در آزمایشگاهها و بیمارستانها، در کشورهای گوناگون جهان، این طریقه قاطع و بیچون و چرا را ثابت کرده است که خاصیت و اثر مصرف گرد استخوان در حفظ و استحکام دندانها خارق‌العاده است و از کرمخوردگی دندانها کاملا جلوگیری می کند و هیچ خمیر دندانی بهتر از آرد استخوان، دندانهای سالم و مفید بوجود نمی‌آورد و حفظ نمی کند.

به جای فلوئور که به آب آشامیدنی اضافه می کنند، بهتر است غذاهای طبیعی و آرد استخوان را مصرف کنیم تا از کرمخوردگی دندانها که در زمان حاضر اینقدر زیاد شده است، جلوگیری کنیم. وانگهی آرد استخوان کمک گرانبهائی برای دندانهاست. در حقیقت، دندانها از استخوان هستند و اگر دچار کرمخوردگی شوند تمام سیستم استخوانی ما از آن زیان و آسیب می بینند.

استخوانهای سست، شکننده مخصوصا کمبود کلسیم و املاح معدنی دارند، زیرا این املاح روی آن پوشش حفاظتی به وجود می‌آورند.

مصرف شیر به تنهائی برای تندرستی دندانها کافی نیست و مصرف پنیر هم نزد کسانی که مخصوصاً در مصرف غذاهای ضد کلسیم زیاده روی می کنند، کفایت نمیکند.

شکستگی استخوانها، علامت ناتوانی سیستم استخوانی است. همچنین کسانیکه خمیده شده‌اند، در ستون فقرات خود احساس درد می کنند و یا ورم مفاصل دارند و یا گرفتار روماتیسم شده‌اند نیز از کسانی هستند که دچار کمبود املاح معدنی شده‌اند.

نیز کسانی که دچار سستی استخوانها (راشیتیسم) شده‌اند و یا شانه های آنها خیلی بالا و یا خیلی پائین افتاده و یا دنده ها و پهلوها و یا مفاصل آنها به شکل بدی در آمده است

بقیه از صفحه ۵۶

از کمبود املاح معدنی رنج می‌برند و عوارض آن به چنین شکلی ظاهر میشود.

به علاوه اعتدال املاح معدنی و کلسیم برای تمام دستگاه بدن اثر دارد. گرد استخوان جیره غذائی قابل جذبی برای بدن می‌آورد و به سیستم عصبی کمک می کند تا در مقابل زندگی جدید که با اضطراب و دلهره و مسمومیت توام است، مقاومت و پایداری کند.

اعصاب مخصوصا به کلسیم طبیعی احتیاج دارند تا به طور طبیعی کار کنند و می‌توان گفت بسیاری از اشخاص دچار کمبود کلسیم نیستند، به همین علت است که بر اعصاب خود تسلط دارند. مخصوصا خانمها که در دورهٔ ماهانه خود مقدار زیادی کلسیم را از دست می‌دهند، اگر آنها گرد استخوان را به طور مرتب مصرف کنند، خواهند دید بهبود کاملی در مزاج آنها پیدا شده و بر اعصاب خود مسلط خواهند شد.

گرد استخوان مصرف زیادی دارد از جمله وقتی دچار تشنج در ساقها و عضلات میشویم، در موقع آبستنی، سستی و شکستگی ناخنها که روی آن نقطه های سفیدی پدیدار میشود، ترشی معده، کجی ستون فقرات یا انحراف مهره‌های پشت، درد اعصاب دندانها، ورم مفاصل، درد استخوانها، عصبانیت، کم‌خونی، امراض قلبی، زخم معده، نقاهت، امراض مزمن و امثال آن از عوارض کمبود املاح معدنی است.

پس آرد استخوان برای همه مناسب است و دارای خواص شفابخشی است.

پندارهای شیرین

های خود خاموش کند و خود را از بازشنیدن فریادهای آن رهایی دهد.

بسیار از آن شب ها که در پایان جدال های درونی خود برآن میشد تا به ماجرا خاتمه دهد دیواره‌های شیشه‌ای سکوت را بشکند و آنچه را در دل دارد در حضور دختر بر زبان بیاورد دست او را بگیرد و از او بپرسد: «حاضری زن من بشی و با من زندگی کنی و هیچ وقت منو تنها بگذاری؟»

اما این هم رویایی بیش نبود و او باید واقعیات زندگی را با دست های خود لمس میکرد مانند یک مرد در خانه محبوب خود را میکوفت و به عادت مرسوم از او خواستگاری میکرد. اگرچه ماه‌پری نامزد مجهول و زیبایش در ده انتظار او را میکشید و سرهر نماز بازگشت او را بازاری از خداوند طلب میکرد. اما با این همه قدرت عشق از هر اخلاقی قوی‌تر است و در سن جعفر تسلیم به عشق از هر تسلیم دیگری آسان‌تر مینمود. از همین روی سرانجام یک شب بلند تابستانی تصمیمش را گرفت دیگر جز نزدیک شدن به آن دختر و پیوستن به او چاره‌ای نداشت و می‌بایست زندگیش را با او نصف میکرد و او را شریک راه خود می‌ساخت. شب تا صبح را در رویا گذراند روز بعد را هم برخلاف همیشه که سحر از خواب برمیخاست و با دیدن آفتاب زندگی روزانه‌اش را آغاز میکرد در بستر ماند. آنچه در برابر او قرار داشت مسئله ساده‌ای بود اما حل کردن آن برای او همان قدر سخت مینمود که حل یک مسئله مهم و ریاضی برای یک کودک دبستانی. دل در سینه‌اش می‌طپید و به طرف کوی محبوب پرواز می کرد اما ترجیح می‌داد همچنان به افکار خود ادامه بدهد و از میان تیرگی های ذهنش چراغ روشنی بیابد. روز که مثل همیشه آغاز شده بود سرانجام به ظهر انجامید و ظهر نیز مانند تمامی ظهرهای دیگر به بعد از ظهر و غروب رسید. جعفر، هم چنان در بستر بود هم‌ـ چنان با اندیشه های خود در نبرد بود اما نزدیک غروب از بستر بیرون آمد و با آن که هنوز راه‌حل نخستین را نیافته بود آبی به سروصورتش زد لباسش را پوشید و از خانه بیرون خزید. خودش نمیدانست به کجا میرود اما پاهایش او را بی‌اراده به کوی آن دختر دلفریب میبرد. چرا؟. خودش هم نمیدانست. میخواست چه کار کند؟ بازهم نمیدانست اگر میتوانست از نزدیک چند کلامی با او حرف بزند بدون‌شک کلید حل معما را به دست میاورد و برای خواستگاری از او زمینه مناسب مییافت. همان‌طور که از خیابان‌ها و کوچه ها میگذشت و قدم هایش را با فاصله‌ای که از محبوب داشت اندازه میگرفت با خیال دختر عالمی داشت. عابرینی که از کنار او میگذشتند با حیرت براندازش میکردند و بی آن که از آنچه در درونش میگذشت آگاهی داشته باشند بر سرگشتگی چشمانش تأسف میخوردند از کوچه ها و خیابان های دور گذشت و به کوچه‌ای که در ابتدای کوچه محبوب قرار داشت قدم گذاشت. حالا که چرخ دستیش را کنار گذاشته بود هویت کارگریش را هم از دست داده بود و در تاریکی غروب بیشتر از هرچیز به خودش شباهت داشت تا یک جوان ساده و دلپاک دهاتی با عشقی به وسعت تمامی آسمان ها. کوچه رفته رفته در تاریکی فرو میرفت و عطر تابستان با عطر شب درهم آمیخته میشد.

از خانه ها صدای زندگی به گوش میرسید اما جز تک تک عابرینی که با سرعت میگذشتند کس دیگری به چشم نمیخورد. درمیانه کوچه ناگهان جعفر ایستاد. همان‌طور که شکار وقتی

بقیه از صفحه ۷۵

بوی خطر را میشنود میایستد. در چندمتری او در کنار یک سیمانی برق سایه‌ای به چشم میخورد. سایه یک مرد بلندقد تنومند و یک زن لاغر بلند اندام چادری که پشت به او داشت. زن با مرد به آرامی صحبت میکرد و گاه کلمه ای از کلماتش درگوش جعفر پاشیده میشد.. — «اگه میخوای باید همین حالا بیای. واسه اینکه شب یه مهمان دیگه داریم»

جعفر قدم هایش را تند کرد. زن بلندقد از شنیدن صدای پای او برگشت. ناگهان خشک و بی‌حرکت شد و چادر از روی شانه‌اش لغزید.

جعفر نیز بر جایش خشک شد. چون در یک آن خودش را در برابر دختر رویایش دید. دختری که در آن لحظه قیافه یک زن روسپی را پیدا کرده بود. هاشم در یک آن به طرف مرد تنومند حمله کرد و در آن لحظه دیگر خود را در میان جمعی که از درهای باز خانه ها بیرون ریخته بودند محصور دید. از هرطرف صدایی برمیخاست اما آخرین صدایی که درگوش جعفر باقی ماند صدای پیرزنی بود که میگفت:

— «لعنتم به این دختره هرزه هرروز یک الم‌شنگه‌ای راه میاندازه باید هرجورشده باشه ازاین کوچه بیرونش کنیم».

* * *

روزی که هاشم بالاخره از در بزرگ زندان بیرون آمد یک روز زرد پائیزی بود. با آفتاب بی‌رمق و برگ های نیمه‌مرده .... چندلحظه با قیافه تکیده پشت به در زندان ایستاد. بعد نفسی بلندی کشید و به خودگفت:

— «اینهم از شهر ... همین حالا برمیگردم ده، خودمو روی دست وپای ماه‌پری میاندازم و میگم غلط کردم و بعد از این یک موی تو رو به صدتا حوری وپری شهری نمیفروشم».

پایان

کف بینی یا ... بقیه از صفحه ۵۶

همه غده‌های موجود در بدن من مخصوصه پروستات از سلامت کامل برخوردارند. ولی زن کف‌بین اصرار داشت که:

— ممکن است قبلا این ناراحتی را داشتید و از آن بی‌اطلاع بودید. دستها هرگز دروغ نمیگویند.

البته که دروغ نمیگویند ولی این بستگی دارد باینکه چه کسی آن دست را بخواند!

یک هفته بعد، بسراغ پزشک معالج رفتم که پس ازمعاینه بمن اطمینان داد که دارای پروستات کاملا سالم هستم ولی وقتی ناخنهای مرا برانداز کرد قیافه‌اش درهم فرو رفت و یکی یکی آنها را بدقت نگاه کرد. ازمن پرسید «شما دوباره سیگار میکشید؟» از او پرسیدم «از کجا فهمیدید؟» برروی انگشتان من اثری از لکه توتون سیگار نیست!»

پزشک جواب داد: استعمال دخانیات در نزد کسانیکه افراط میکنند رگها را منقبض میکند و حرارت ناخنها را پائین میاورد و ناخنهای شما مثل یخ است.

درآنموقع فهمیدم که او خیلی دقیقتر بی بناراحتی من برد. پس ازمعاینه کامل از سرتا پا پزشک بمن اطمینان داد که از سلامت کامل برخوردارم ولی یک نکته را اضافه کرد و گفت: «ولی فقط یک چیز هست که نمیتوانم از تو پنهان کنم ....» با وحشت پرسیدم: «آن چیست؟»

گفت «هیچ، فقط سیگار نکشید. شما بحرف من گوش نمیدهید ولی دستهای شما سعی میکنند این مطلب را بشما بگویند، لااقل بحرف آنها گوش بدهید. سرفصح

بامشکل کمبود کارگر مواجه شده ایم

مسائل ومشکلات صنف اتوسرویس وتعمیرگاه درمیزگرد رستاخیز کارگران

لازارلازاری کاراپتیان

محمدعلی مینوئی

در سراسر تهران ۶۰۰ تعمیرگاه وجود دارد که این تعداد جوابگوی نیازهای پایتخت نیست

اعضای اتحادیه صنف اتوسرویس و تعمیرگاه و ... در میزگرد عمومی این صنف هدف ... و بررسی وضع ... و مشکلات مربوط به کارگران این صنف ... که در این زمینه ... وجود دارد ... اطلاعاتی در زمینه ... و سرگردانی مسیریان ... تعمیرات وسائط نقلیه ... و ... هرگونه ... که ... مربوط میشود در اختیار مجله رستاخیز کارگران قرار دهند.»

محمدعلی مینوئی (رئیس هیئت مدیره اتحادیه): «در سراسر تهران جمعا حدود ۶۰۰ تعمیرگاه وجود دارد که با توجه به تعداد اتومبیلهای موجود نمیتواند جوابگوی نیازها باشد. اجازه بدهید تعداد اتومبیلهای تهران را فقط در ۵۰۰۰۰۰ دستگاه محدود کنیم به سبب عجیبی به شکل روز افزون آن و افزایش ... اتومبیلهای داخلی و خارجی هم هیچگونه اشاره‌ای نکنیم. اگر از ۵۰۰۰۰۰ دستگاه اتومبیل روزانه ۱۵ درصد آنها احتیاج به تعمیر داشته باشند. ... درصد ... دستگاه اتومبیل را تشکیل میدهند. حال اگر ۶۰۰ تعمیرگاه هر کدام بدون توجه به جزئی و کلی بودن تعمیرات روزانه ۲۰ دستگاه اتومبیل تعمیر کنند و سر تعمیراتی از نوع تعمیر گیربکس، دیفرانسیل و کارهائی که توقف اتومبیلها را در تعمیرگاهها در برخی از مواقع حتی یک هفته ... کارهای ... در روز رقم ... ۱۲۰۰۰ ... دستگاه دیگر ... خواهند ... تعمیرگاهها ... کارگران ... در این مورد ... خوشبختانه ... که کارگران ... صنف ... مجلس ... در ... و ... دیگر کارگران ... خوشبختانه اقتصاد مملکت ... رفته که از هر جهت کمبود کارگر داریم. این حقیقت را بپذیرند که صنف ما واقعا از نظر کارگر دچار کمبود است.

لازارلازاری کاراپتیان (عضواتحادیه): «یکی دیگر اینکه، سرویس ماشین‌شوئی کلیه تعمیرگاهها کارگر ندارند، با این سکوتی اقتصاد و احتیاج روزافزون دستگاههای مختلف به کارگر و سرایدارهای استخدامی ... در خواهند ... کارگران در محلی که ... بهره ... استخدام خواهند شد. ... هم ... اتومبیل ... و ... با توجه به مشکلاتی که در کشورما بوجود آمده هیچوقت کارگر نمی‌آید مثلا برای ... کار کند.

صندوق کارآموزی وزارت کار وامور اجتماعی هم که عهده‌دار تربیت کارگر فنی است. ... این منظور ... هم ... نتوانسته این کمبود را ... احتیاج ... برطرف سازد.

ناصرحاجی جوادی

نصراله کرملو

نصراله کرملو (نایب رئیس اتحادیه): ... تعداد زیادی ... های صنعت ایران دارد ... این اتومبیلها هم ... به تعمیر دارند ... تعمیرگاه مجاز ... کارخانه ... در هیچ نقطه‌ای از تهران دایر نشده و این امر ... است؛

... کارآموزی ... که بتواند به حرفه تعمیرات اتومبیل آشنائی داشته باشد وجود ندارد.

... محدوده هم داده نشود ... برای ... کارهای اتومبیل ... ایران ... تعمیرگاه مجاز لازم است که باید ... شود. کارخانه ... بتواند از همین تعمیرگاههای موجود که کارهای ... تعهد دارند وآماده هستند باشرایطی سخت — همانقدر که برایشان صرفه داشته باشد ... بعنوان تعمیرگاه مجاز ... به مراجعین سرویس بدهد، هیچ تعمیرگاهی درحال‌حاضر نمیتواند کار ... را قبول کند، بدان‌جهت که آموزش ندیده، وسائل لازم را ندارد و مهمتر اینکه تامین کارگر برایش مقدور نیست.

یکی دیگر از علل سرگردانی مشتریها وجود اتومبیلهای مدل پائین ازقبیل ماشینهای

بقیه درصفحه ۹۰

شکوفه هائی از باغ شعر

«هزار دسته گل»

شکسته شد دل و شاد است جان خسته ما
که بار نیست جدا از دل شکسته ما

نشست آتش دل، چهره برفروز ای شمع
مود که شعله کشد آتش نشسته ما

رمید خواب خوش از چشم ما، کجاست خیال؟
که آرمیده شود چشم خواب خسته ما

گذشت کوکبه صبح وصل و منتظرم
که باز جلوه کند طالع خجسته ما

هزار دسته گل بسته شد به خون جگر
نظر نکرد به گلهای دسته دسته ما

ز خاک و خون «فغانی» هزار لاله دمید
همین بود ز رخت باغ تازه رسته ما

«بابا فغانی شیرازی»

فائز دشتستانی

فائز متولد ۱۲۵۰ متوفی ۱۳۳۰

زائر محمد علی دشتی برد خونی متخلص به «فائز» از شعرای دوبیتی گوی معاصر است. در سال هزار و دویست و پنجاه در قریه برد خون از محال دشتی متولد شد و در دیار خود سواد فارسی را آموخت و شروع به گفتن دوبیتی هائی به لهجه دشتی و عامیانه کرد. ابیاتش دلیل بر سادگی و سوز درون اوست، و بی شباهت به دوبیتی های باباطاهر عریان همدانی نیست. فائز هشتاد سال عمر کرد و در سال هزار و سیصد و سی درگذشت.

چند دوبیتی از «فائز دشتستانی»

اگر خواهی بسوزانی روان را
رخی بنما بخشان کیسوان را

بت «فائز» اشارت کن به ابرو
بکش تیغ و بکش پیر و جوان را

*

تو از من بی‌خبر من از تو بیتاب
نمی‌خواهی ببینی تو مرا خواب

بلین حال دل «فائز» ندانی
لب من تشنه و لعل تو سیراب

نگارا صورت از لبهایت بشوی
گلاب از گوشه چشمانت بشوی

برای توتیای چشم «فائز»
کف دستی ز خاک پات بفرست

*

قیامت قامت و قامت قیامت
قیامت میکند این قد و قامت

مؤذن گر ببیند قامت را
بقد قامت بماند تا قیامت

«میان آمدن و رفتن»

زنی چراغ بدست از سپیده دم آمد
زنی که موی بلندش در آستان طلوع
غبار روشنی سرخ شبگاهان داشت

*

بر آستانه نشست
زلشت مردمکش آفتاب را دیدم
که از درخت فرا تر رفت
ورق گونه‌ی گل رنگ صبح، پنجه کشید

نگاه روشن تو
خراش پنجه خورشید را نشانم داد

*

زنی چراغ بدست از حصار شب می‌رفت
مرا اشاره کنان از قفای خود می‌برد
زنی که موی بلندش در آستان غروب
شکوه روشنی سرخ صبحگاهان داشت
زنی که آینه‌ای در نگاه پنهان داشت

«نادر نادرپور»

«مینای تهی»

به یاد او میدهی چون زلف خود کاشانه ما را
ولی مشکن بسنگ دیگران پیمانه ما را

بیا تا سر بگوش هم گذاریم و چونی نالیم
که باور کس ندارد حسرت و افسانه ما را

به مینای تهی از باده میمانم که بشکستند
حریفان در گلو هم نعرهٔ مستانه ما را

ملولم از نفسهای ملال انگیز یارانها
که برهم میزند هردم سکوت خانه ما را

تو چون گل با کدامانی و من ای شعله میترسم
که بر آتش کشانی دامن پروانه ما را

نه تنها سر توفان است «نوشان» شور بختی بین
پریشان میکند باد صبا هم لانه ما را

مهدی ذکائی «نوشان»

«هزار راز»

با آخرین نگاه تو بدرود میکنم
بدرود با هر آنچه مرا بود میکنم

خاموشم ببین که بیان هزار راز
با پرنیاز چشم غم آلود میکنم

سویم نگاه کن، که تمنای جرعه‌ای
زان باده‌ای که چشم تو پیمود میکنم

بنشین که من حکایت سوز نهان خویش
با دیده‌ای که دوش نیاسود میکنم

ای نازنین من که کنون سروی بناز
با آخرین نگاه تو بدرود میکنم

«دکتر نورانی وصال»

حمیرا و تعطیلات ایام نوروز

همانطور که میدانید عده‌ای از خوانندگان معروف در ایام عید نوروز راهی کشورهای خارج میشوند تا هم استراحتی بکنند و هم پولی در بیاورند ولی امسال رسم عوض شده و بسیاری از خوانندگان در ایران ماندنی میشوند. از جمله «حمیرا» که طبق قراردادی که در تهران و شیراز دارد ناچار است در تهران بماند و همینطور مهستی و هایده نیز طبق قراردادی که با هتل کوروش شیراز دارند در این هتل و در تهران برنامه اجرا خواهند کرد، ضمناً حمیرا دو آهنگ تازه بر روی دو شعر ساخته که در ایام عید نوروز آنها را خواهیم شنید.

گوگوش و یاران سابق.

بر اساس حرف‌هائی که درباره برنامه های جدید گوگوش زده میشود، بزودی گروه «فلشس» که چند سال قبل همراه گوگوش بایران آمدند و مدتی همه جا همراه او و در برنامه اش شرکت داشتند بایران خواهند آمد، این چهار دختر که روزگاری سالن های موسیقی را همراه با گوگوش پر از شور و نشاط می‌ساختند، پس از بازگشت به پاریس همدیگر را رها نکردند و سر و صدائی در محافل هنری برپا کردند، هم اکنون چند صفحه از کار گروه فلشس در پاریس منتشر شده و اکنون که گوگوش باداشتن هفت ترانه تازه که بابت هر کدام حدود نود هزار تومان خرج کرده با آوردن این چهار دختر فرانسوی میخواهد تک خال تازه‌ای را رو کند.

هزار بار مردن!

«سعید راد» بازیگر سینمای ایران فیلم تازه‌اش را با نام «هزار بار مردن» بپایان رساند، کارگردانی این فیلم بعهده جلال مهربان فیلمساز جوان است که چندی قبل فیلم مسافر را از او نمایش دادند در این فیلم مهدی فخیم زاده در کنار سعید راد بازی می کند.

« ریموند بر » یا آیرونساید، محبوب ترین هنرپیشه تلویزیونی ، بدشانس ترین هنرپیشه نیز است، او درحدود سی فیلم بازی کرده که درهیچ کدام رل منفی نداشته است که این خصوصیت باعث شده تا بعنوان یک هنرپیشه برجسته ازطرف تهیه کنندگان سینمائی شناخته شود ، این تلویزیون بود که از او یک سوپر هنرپیشه یا هنرپیشه برترساخت ، چرا که بهترین پرداخت سینمائی ازلحاظ کار فیلم برداری ، انفجارها و حرکات ازطرف تهیه کنندگان تلویزیونی آمریکا دراختیار اوقرار گرفت ، بهمین جهت ریموند بریا آیرون ساید اکنون ازمرزقاره ها پارا فراتر نهاده و بعنوان یک بازیگر بزرگ سینمائی درمیان تماشاگران سراسرجهان شهرت یافته است .

ریموندبر یک کارگر زاده بود ، پدرش از راه کنده کاری های ظریف درسنگ به کارتجارت رسید او پس از پایان تحصیلات مدتی بیکارماند درحالیکه اکنون میلیونها آمریکائی حسرت موفقیت اورا میخورند. درباره موفقیت های خود میگوید :

ـــ من کارم را ازشاگردی یکمغازه شروع کردم ، کارطاقتفرسای روزانه و درآمد بخور و نمیر بعد وارد کارهای دریائی شدم و باشغل کارگری در کشتی های تجارتی درآمد تازه ای پیدا کردم و بدنبال آن درجنگ جهانی دوم باسمت افسر نیروی دریائی درجنگ شرکت کردم ، و بهرحال توانستم ازطوفانهای وحشتناک دوران جنگ سالم بیرون بیایم ، پس ازپایان جنگ با « انت سترلند » که یک هنرپیشه انگلیسی بود ازدواج کردم که متأسفانه پس از تولد بچه مان مایکل در یک سانحه هوائی همراه با لسلی هوارد ازبین رفت ، حادثه براثر این بود که شکاری های آلمان باو حمله کرده اند ولی مرگ او هنوز برای من مرموز است . این اولین ضربه زندگی من بود ، وپس ازدوسال در هالیوود استخدام شدم و درفیلم های مختلف رلهای کوچک را بازی میکردم و در همین اوقات تحصیلاتم را بپایان رسانیدم دراین هنگام با دختری بنام « لورا » ازدواج کردم ، درست سه هفته پس از ازدواج همسر دومم نیز براثر بیماری سرطان زندگی را بدرود گفت این حادثه درسال ۱۹۵۰ اتفاق افتاد و هنوز شوك مرگ دو همسرم تمام نشده بود که ناگهان با یک مصیبت بزرگ روبروشدم پسر کوچکم مایکل که ده ساله بود گرفتار بیماری سرطان خون شد و تمام معالجات و فعالیت ها بی نتیجه ماند و او هم مرد ، شدت تأثر من بحدی بود که بفکر خودکشی افتادم چرا که فکر میکنم هیچ آدمی بد بیاری مرا نداشته است بهرحال توانستم مقاومت کنم موفقیت سینمائی و تلویزیونی من روز بروز بیشتر میشد و براثر کار زیاد مدتها در بستر بیماری افتادم که بعد از خوب شدن چهل کیلو به وزنم اضافه شد ، بهرحال هنوزهم یاد روزهائی هستم که در کشتی باربری میکردم و امروز بعنوان یکی از ثروتمندترین مردان هالیوود شناخته شده هستم ولی من هرگز به ثروت فکر نمیکنم چون هیچ دردی را از من دوا نمی کند و تسکینم نمیدهد ، من عقیده دارم باید یک کاری بکنم ، نمیدانم چه کاری ، ولی آنچه مسلم است در کنار بازی درسریال آیرونساید مرا تسکین بدهد یک کار بزرگ است ، یک خدمت اجتماعی چرا که من هنوز همان کارگر باربر کشتی هستم و بس . »

هاله » وبازگشت مجدد

« هاله » بازیگر فیلم های تبلیغاتی که با تبلیغ یک نوع دستمال کاغذی در کار تصویر و سینما شهرتی پیدا کرد اکنون به عنوان یک بازیگر سینمای فارسی مطرح است . کمبود ستاره های سینمائی و مشکل درست کردن فیلم با هنرپیشگان گمنام باعث شده تا هاله و یا شور انگیز طباطبائی مورد توجه فیلمسازان قرار گیرند ولی نباید فراموش کرد که بازی در سینمای فارسی نیز مشکلات فراوانی را در بر می گیرد و مهمترینش گرفتاری در محیط خانوادگی است ، بهمین جهت میگویند قرار است او دوباره به کار تبلیغات بازگردد و با درآمد کمتر زندگی بهتری را دنبال کند ، حالا باید دید اگر هاله دوباره دستمال بدست در فیلمهای تبلیغاتی ظاهر شود چه اتفاقاتی رخ خواهد داد؟

پودر شستشو
سردا
در آب سرد هم
پاک و درخشان میشوید
اکثر لباسهای امروزی از الیاف مصنوعی، ابریشم و پارچه‌های ظریف تهیه میشود.
شستن این لباسها در آب گرم سبب تغییر حالت اصلی آنها میگردد این نوع لباسها را در آب سرد با پودر سردا بشوئید
چون پودر سردا در آب سرد هم، پاک و درخشان میشوید.
پودر شستشو
سردا
سردا
در آب سرد هم
پاک و درخشان
میشوید

مدت کار در قانون کار

وجود داشته است و آن دولت میباشد. دولت بمنظور جلوگیری از یک‌رشته از نابسامانیها بعنوان عامل ایجاد کننده نظم قوانین ومقرراتی درزمینه کاهش مدت کار تدوین و تصویب کرده است و کارفرمایان‌ملزم به رعایت‌آن میباشند.

اکنون باید دید که چه علل و عواملی سبب دخالت دولت دراین زمینه میگردد.

عوامل دخالت دولت

تا قرن هیجدهم ، دولت تنها عامل ایجاد نظم در داخل کشور و حافظ حدود و ثغور و مرزها بمنظور جلوگیری از نفوذ دشمن تلقی میگردید و هیچگونه دخالتی در امور اجتماعی و تنظیم روابط گروههای اجتماعی و ازجمله کارگران و کارفرمایان نداشت. ولی پیشرفتها و ترقیاتی که در زمینه‌های مختلف بویژه در زمینه های اقتصادی و اجتماعی حاصل گردید ، یک‌رشته مسائلی را در ارتباط با روابط گروههای یادشده مطرح ساخت که دخالت دولت به‌عنوان نظم‌دهنده چنین روابطی ضرورت یافت. بخصوص از هنگامی که مسئله خدمات رفاهی و نیز تامین اجتماعی و بهبود شرائط زندگی گروههای خاصی مانند سالخوردگان، معلولین ، خانواده‌های بی‌سرپرست و غیره مطرح گردید ، نقش دولت بیش ازپیش آشکارتر شد و ازآن هنگام دخالت‌دولت چه ازطریق تنظیم و تدوین قوانین و مقررات و چه‌از طرقی دیگر بیشتر گردید . در زمینه مسائل کارگری نیز دخالت دولت از همان هنگام آغاز پیدایش و توسعه وگسترش حقوق کار ، کاملا آشکار بوده و همواره روبه افزایش نهاده است، چنانکه درزمینه کاهش مدت کار ، همانطورکه بیان‌گردید دولت نقش‌مهمی داشته است.

اکنون‌باید دید که دلائل وعوامل دخالت دولت در تقلیل مدت کارچه بوده است و دولت براساس چه ضابطه یا ضوابطی نسبت‌به تقلیل مدت کاراقدام کرده‌است.

دلائل و عوامل بسیاری موجب دخالت دولت در زمینه تقلیل مدت کار و تنظیم و تصویب قوانینی بدین منظور بوده است . این عوامل عبارتند از:

الف :سلامت کارگران —تردیدنیست که طولانی‌شدن مدت کار روزانه موجب فرسودگی جسمی و روحی کارگر شده و او را آماده پذیرفتن انواع مختلف بیماری مینماید . بدین‌لحاظ ضرورت ایجاب میکند که کارگر در هرشبانه‌روز مدتی وقت استراحت داشته باشد تا بتواندتجدید قوا و تمدد اعصاب نماید و انرژی ازدست‌رفته را بازیابد. از سوی‌دیگر کارفرما نیز برای انجام کار موردنظر خود نیاز به کارگری سالم دارد و لذا ضرورت ایجاب میکند که تدابیری در زمینه‌های مختلف اخذشود که ازاین نقطه نظرزیانی به کارگر وارد نگردد

ب—وضع خانوادگی کارگر— تردیدنیست که هر کارگری حق دارد ، روزانه مدتی را نیز صرف ووقف رسیدگی به امور خانواده خود بنماید و به زن و فرزندان خود ، خواستها و تمنیات آنها پاسخ مثبت دهد و حتی‌الامکان به درس فرزندان خود برسد و اگر مشکلاتی ازاین نقطه نظروجود دارد مرتفع سازد. انجام همه این امور ایجاب می کند که مدت کار کارگر بنحوی تنظیم گردد که کارگرقادر به‌انجام آن باشد و از همین جا بوده‌است که دولت‌ها همواره درصدد کاهش مدت کار برآمده‌اند.

نکته‌ای را که باید مورد بررسی قرار داد

بقیه ازصفحه ۳۷

اینست که این امکان وجود دارد و در گذشته نیز بمیزان زیادی وجود داشته است که کارگران برای بدست آوردن درآمد بیشتر علاقمند به انجام کار بیشتری باشند . ولی دولت‌ها ازطریق قوانین و مقررات و نیز دخالت در قراردادهای منعقده مانع از افراط دراین امر گردیده‌اند و این مساله غالباً با مخالفت لیبرالها مواجه شده است ، زیرا آنان این امر را مخالف‌حق آزادی کاروآزادی اراده‌میدانستند و معتقد بودند که کارگر باید آنچه را که خود به‌انجام آن علاقمند است بتواند انجام دهد ، ولی با توجه به یک رشته ضرورت های اجتماعی این اندیشه را که باید مدت کارازطریق‌قوانین و مقررات تقلیل یابد ، مورد قبول همگان قرار گرفت.

پ— مبارزات سندیکائی —درابتدای این مقاله خاطرنشان ساختیم که یکی از علل و عوامل کاهش مدت کار اقدامات سندیکائی بوده وحتی میتوان گفت که کاهش مدت کار یکی ازمسائلی است که سندیکاهای کارگری بیش از هر مسأله دیگری برای آن اقدام کرده‌اند.

تردید نیست که کوشش های سندیکائی بمنظور نیل بهدفهای معین و مورد نظر ، از یک سوموجب قطع کارو یا ایجاد مشکلاتی دروضع اقتصادی کشور میگردد و ازسوی دیگر ممکن است یک رشته مسائل اجتماعی و سیاسی نیز ببارآورد که نهایت به‌سود کشور نخواهدبود . بدین لحاظ است که دولت‌ها برای جلوگیری از شدت عمل درچنین مواقع وجلوگیری ازحوادث بعدی خود پیشاپیش حوادث ووقایع میروند و باتهیه وتنظیم قوانین ومقرراتی بمنظور کاهش مدت کارمانع ازحوادث مذکورمیشوند.

ت — بیکاری کارگران — پیشرفت‌های تکنولوژی و استفاده از اتوماسیون در صنایع ، بویژه در کشورهای صنعتی و پیشرفته سبب میگردد که تعداد بیکاران روزبروز افزایش یابد . بعبارت دیگر با ورود ماشینهای جدید به کارخانه‌ها گروههای جدیدی از کارگران بیکار میشوند، زیرا تکنولوژی جدید نیاز کمتری به دست انسان دارد . چگونه میتوان جلوی این بیکاری راگرفت و یا آن را تقلیل داد : یا از طریق ایجاد واحدهای صنعتی جدید ، بدینمعنی که کارفرمایان و دولت از طریق سرمایه‌گذاری در واحدهای جدید کوشش بعمل آورند ، ازاین سیل عظیم بیکاری جلوگیری بعمل‌آید ، و یا از طریق کاهش مدت کار کارگران ، بدون کاهش مزد آنها . هم اکنون درسازمان بین‌الملل کار تعدادی مقاوله نامه و توصیه‌نامه به تصویب رسیده است که مدت کار هفتگی را به ۴۰ ساعت تقلیل داده است . البته این مسأله بیشتر برای کشورهای صنعتی و پیشرفته که درآنها اتوماسیون روز بروز رو به گسترش است صدق مینماید و در برخی از کشورها مثلا آمریکا ، انگلیس و آلمان نیز در بعضی ازصنایع مسأله کاهش مدت کارهفتگی از ۴۸ ساعت بپائین عملی گردیده است چنانکه امروز این بحث وجود دارد که در سالهای آینده ، بهنگامی که بتدریج مدت کار هفتگی کارگران کاهش یابد برای ایام فراغت کارگران چه باید کرد و این‌خود مسأله‌است بس‌مهم.

۲—طرق تعیین‌مدت کار

بطوریکه بیان گردید ، دولت کوشش مینماید از طریق تنظیم و تصویب قوانین در زمینه کاهش مدت کار ، نوعی نظم از لحاظ روابط کارگر و کارفرما از این نقطه نظر بوجود آورد.

اکنون این بحث مطرح میگردد که طرق تعیین مدت کار و در نتیجه تقلیل آن چگونه است و از چه راههائی و با چه ابزار و وسائل میتوان مدت کار را تقلیل داد .

الف : قوانین — درسطور قبل خاطر نشان گردید که دولت از نظر جلوگیری از برخی حوادث نیز بمنظور ایجاد نوعی نظم اجتماعی در کشوروحفظ رفاه‌جامعه همواره‌قوانین ومقرراتی بمنظور نیل بهدفهای مذکور تدوین مینماید . درمورد مدت کارنیز همانطور که بیان گردید ، برای اولین باردرفرانسه درسال ۱۸۴۱ قانونی وضع شد و دولت فرانسه مدت کار اطفال و اشتغال بکارآنان را درشب ممنوع داشت وازآن پس نیز در سال های ۱۸۴۸ ، ۱۸۹۲ و ۳۰ مارس ۱۹۰۰ و بالاخره ۱۰ مارس ۱۹۴۸ قوانین مربوط بکارمسائل مربوط به شرائط کارو ازجمله مدت کار را تهیه و تنظیم کرده‌است. درسایر کشورهای جهان نیز قوانین و مقرراتی دراین زمینه تنظیم گردیده است و بویژه پس از ایجادسازمان‌بین‌المللی کاروتصویب‌مقاوله ـ نامه ها و توصیه نامه هائی درمورد مدت کار، قوانین کشورهای مختلف با الهام از مقررات بین‌المللی یاد شده غنی گردیده است. درایران اولین قانونی که درآن راجع بمدت کارمقرراتی وجود دارد، قانون‌سال ۱۳۲۵ میباشد که درآن مدت کار روزانه ۸ ساعت و هفتگی ۴۸ ساعت تعیین گردیده است . در قوانین بعدی ، یعنی قانون کارسال ۱۳۲۸ وقانون کارسال ۱۳۳۷ نیزاین امرپیش بینی گردیده است.

ب : پیمانهای دستجمعی— معمولا قوانین موازین کلی را تعیین مینمایند وحقوقی که در قانون برای گروهی تعیین میگردد ، ممکن است حقوق حداقل باشد و لذا این گروه میتوانند آن حقوق را با پیمان دسته‌جمعی و با قرارداد منعقده بین طرفین افزایش بخشند . بدین لحاظ میتوان گفت پیمانهای دستجمعی که بین کارگران و کارفرمایان منعقد میگردد ، میتواند برای مدت کارموازین تازه‌وبالاتری پیش‌بینی کند ، زیرا بطوریکه درتعریف پیمان دستجمعی آمده است: « پیمانهای دستجمعی بمنظورتعیین شرائط کار بین سندیکای کارگران و کارفرمایان منعقد میگردد و مدت کار یکی ازمسائلی است که جزء شرائط کارمطرح است و باید تعیین مدت کار درچارچوب موازین مربوط به شرائط کار انجام پذیرد.»

بطوریکه بیان گردید پیمانهای دستجمعی میتوانند حقوق ومزایائی بیش ازآنچه که در قانون کار برای کارگران پیش‌بینی گردیده است ، تعیین نمایند ، و هیچگاه ممکن نیست در پیمان‌های مذکور موازینی کمتر از آنچه در قانون کارپیش‌بینی گردیده، معین‌شود.

توسعه و گسترش پیمانهای دستجمعی طی سالهای اخیر در کشورماسبب گردیده است که بسیاری‌ازمشکلات موجوددرروابط کارگران و کارفرمایان که‌ازطریق‌قانون‌حل‌وفصل‌نگردیده است ، حل شود ، زیرا همانطور که یادآورشدیم قوانین نمیتوانند کلیه مسائل مورد نظر را پیش بینی کنند ، بلکه بیشتر به کلیات میپردازند و لذا این پیمانهای دستجمعی هستند که میتوانند وارد جزئیات امر شوند و یک رشته مسائل موجود بین کارگروکارفرما را حل کند. ازجمله این مسائل مدت کاراست که در پیمان دسته‌جمعی می‌تواند بین کارگرو کارفرما تعیین گردد.

پ — قرارداد کار . یکی دیگر ازطرق تعیین مدت کار قرارداد کار می‌باشد . معمولا هنگامی که بین کارگر و کارفرما، بمنظور انجام کاری قرارداد کار منعقد می‌گردد، مسائلی که ممکن است از لحاظ اجرای کار ضروری و لازم باشد، در قرارداد منعکس می‌گردد — این مسائل عبارتند ازمدت کار، موضوع کار، نوع کار، محل کار، دستمزد وغیره وبدین‌ترتیب در قرارداد کار می‌توان مدت کار کارگر را تعیین نمود . البته در قرارداد کار که بین کارگر و کارفرما منعقد می‌گردد، مدت کار برای همان کارگری که قرارداد را منعقد می‌سازد، تعیین می‌شود وحال آنکه درپیمان‌دستجمعی مدت کار برای کلیه کارگران یک کارگاه، بدین‌لحاظ ایجاد نوعی هماهنگی در مدت کار برای همه کارگران کارگاه به کمک‌پیمان دستجمعی امکان بیشتری خواهد داشت.

ت — رویه و یا مراجع حل‌اختلاف — ایجاد رویه قضائی درمورد مسائل مربوط به حقوق کار در دیگر کشورهای جهان سابقه بسیاری دارد ومراجع عالی قضائی رویه هائی در زمینه های مختلف موضوع مورد بحث ایجاد کرده‌اند . یکی از این مسائل نیز مدت کاراست و درصورتی که در زمینه مدت کار فی‌المثل مقرراتی قانونی وجود نداشته باشد و درپیمانهای دستجمعی نیزموازینی بدین منظورپیش بینی نگردیده باشد، درصورت وجود اختلاف، مراجع حل اختلاف می‌توانند رویه‌ای بدین منظورتعیین کنند . ولی درکشورما هنوز رویه‌ای بدین‌منظور تعیین نگردیده است وآنچه وجود دارد قوانین ومقررات موجود و یا پیمان‌های دستجمعی است . نکته‌ای را که در پایان قسمت اول این مقاله باید یادآورگردد نقشی است که سازمان بین‌المللی کار در زمینه تعیین وتقلیل مدت کارداشته است.

زیرا اولین‌مقاوله‌نامه‌ای کـه‌سازمان مذکور درسال ۱۹۱۹ تصویب کردمقاوله‌نامه مربوط به مدت کار بود، بموجب این مقاوله‌نامه مدت کار روزانه ۸ ساعت و هفتگی ۴۸ساعت تعیین گردیده‌است.

این مقاوله‌نامه که سندی است بین‌المللی بعداً در قوانین کلیه کشورهای جهان مندرج گردیدو چون برطبق ضوابط مربوط به الحاق به مقاوله‌نامه ها مقرراتی وجود دارد که کلیه کشورهای عضو باید آنرا درنظرگرفته و به مقاوله‌نامه ملحق شوند لذا می‌توان‌گفت که امروز اکثر کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار به این مقاوله ملحق‌گردیده و مدت کار روزانه ۸ساعت را پذیرفته‌اند.

از آن پس سازمان بین‌المللی کار یک رشته مقاوله‌نامه و توصیه‌نامه های دیگری در زمینه کاهش مدت کار به تصویب‌رسانده است . این مقاوله‌نامه ها عبارتند از مقاوله‌نامه شماره ۱، ۳۰، ۴۳، ۴۷، ۴۶، ۴۹، ۶۱، ۶۷ و ۱۰۶، و توصیه‌نامه های بین‌المللی شماره ۴۴ و ۵۶ کلیه این مقاوله‌نامه ها و توصیه نامه ها در جهت کاهش مدت کار درکارگاههای صنعتی وکشاورزی نیزهست ودربرخی ازآنهامدت کار تا هفته‌ای ۴۰ ساعت نیز تقلیل یافته است . بدیهی است کشورهای بزرگ صنعتی و پیشرفته می‌توانند درچارچوب مقاوله‌نامه های مذکورمدت کارهفتگی خود را کاهش دهند. البته برخی دیگر ازکشورها نیز به این مقاوله‌نامه ها پیوسته‌اند، ولی ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی در این کشورها هنوز این امکان را به آنها نداده است که به تمام و کمال آن را به مرحله اجرا گذارند.

درشماره بعد به مقررات قانون کار در زمینه مدت کارخواهیم پرداخت.

قابل توجه دانش آموزانی که معدل ۱۴ به بالا دارند

دانشکده افسری نیروی زمینی شاهنشاهی کلیه مخارج زندگی ، لباس ، کتاب ، لوازم‌التحریر شما را تا پایان دوره متوسطه پرداخت مینماید و شما میتوانید با آسایش خاطر در هر شهر و در هر دبیرستانی که تحصیل مینمائید به تحصیل ادامه دهید و پس از اخذ دیپلم متوسطه بدون آزمایش ورودی بدانشکده افسری و یا با آزمایش ورودی بیکی از دانشکده‌های غیرنظامی داخل کشور یا خارج که رشته تحصیلی‌آن مورد نیاز ارتش شاهنشاهی میباشد وارد شوید .

برای کسب اطلاعات بیشتر در تهران ، به دانشکده‌افسری (روبروی مجلس‌سنا) قسمت بورسیه و در شهرستانها به آجودانی لشکرها و مراکز نظامی شهر خود مراجعه نمائید .

اکبرآقا به میهمانی دعوت شد

بقیه از صفحه ۶۰

—من نسترن ، خوشحالم که اومدین .

اکبرآقا احساس کرد باد سرد شبانه روی عرق گرمش حالت یخ زدگی بوجود آورده ، بعد با هم براه افتادند. اکبرآقا نگاه کرد. نمیدانست باید بازوی نسترن را بگیرد یا چوب زیر بغلش را. بهمین جهت ترجیح داد مثل یک آقا راه برود و باو کاری نداشته باشد اسمعیل مرتب باو « سقلمه » میزد و میگفت :

— اکبر ، حتماً ننه‌شه پس دختره کو ؟

و اکبرآقا داشت از عصبانیت منفجر میشد . عاقبت رسیدند به سالن بزرگ ، سالن پرازنور ، پراز زن‌های خوشگل ومردای خوش تیپ بود . بعد سه‌نفری رفته وپشت یک میز نشستند . اکبرآقا از خجالت سرش را پائین انداخته بود که نسترن گفت :

—آقای مهندس !

—نه خانوم ، ما مهندس نیستیم !

— اختیار دارین اینجا باید مهندس باشین ، تازه‌شما مهندس واردتری هم هستین .

حالا چی میخورین گارسن بیاره ؟

—والله هرچی باشه ،

نسترن باطراف نگاه کرد ویک گارسن را دید واو را صدا زد .

گارسن بطرف آنها آمد .

—بله نسترن خانم ، فرمایشی داشتین ؟

— دوبطر ویسکی ، یک ظرف خاویار ، خوراک میگو...

اکبرآقا سرش سوت کشید ودر دلش گفت : « وقتی با دوبطر ویسکی شروع بشه عاقبت چی میشه ! »

گارسون رفت واکبرآقا به نسترن گفت :

—شما خود بون مشروب نمی‌خورین ؟

نسترن برو بر باو نگاه کرد وگفت :

— پس ویسکی برای چی سفارش دادم ؟ !

— هان . بله ...

لحظه‌ای بعد گارسون بایک ظرف بزرگ خاویار که روی یخ گذاشته بود ودوبطر ویسکی جلوی آنها سبز شد . خواننده داشت روی‌سن ترانه « مستی‌هم درد منو دیگه دوا نمیکنه » را میخواند ، که نسترن درسه لیوان‌ویسکی ریخت وگفت :

—بسلامتی دوستی وآشنائی .

اسمعیل که دهانش باز مانده بود ، به نسترن نگاه میکرد که او یک لیوان ویسکی را لاجرعه سر کشید وبعد مقداری خاویار ونان و کره را پشتش خورد . چشمهای اکبرآقا گرد شده بود که اسمعیل بازسقلمه‌ای باو زد وگفت :

—چرا مشروب باعدسی میخوره ؟

اکبرآقا با عصبانیت گفت : بابا عدسی نیست ، خاویاره .

—خاویار چیه ؟

— تخم‌ماهی .

— بابا همون اشبل دیگه ، که خودمون کوکو درست میکنیم .

— نه بیسواد ، ماهیش فرق داره ، تخم هر ماهی که نمیشه .

آنها هنوز داشتند حرف میزدند که اکبرآقا دید یک بطری کامل ویسکی تمام شد . چشمان شهلا وخمار نسترن که پرازمستی بود ، باو خیره‌شد .

اکبرآقا خنده‌ای کرد ومقداری نان وخاویار بدهانش گذاشت . بوی تخم‌ماهی زد توی دهانش ، داشت فکر میکرد باتخم ماهی یا خاویار چه کند که احساس کرد دست گرم و لطیف نسترن روی دستش قرار دارد وزیرلب زمزمه می کند :

—ویسکی هم درد منو دیگه دوا نمیکنه .

اکبرآقا در حالیکه تصنعی می‌خندید ، دستش را آرام بیرون کشید وبه خواننده خیره شد . برنامه خواننده تمام شد ، اکبرآقا داشت کف میبرد که همانطور ماند

چون نسترن به‌حالت مستی کامل گارسن را صدا کردو یک‌بطرویسکی دیگر خواست. حال اکبرآقا داشت بهم‌می‌خورد. اصلا این‌آمدن و نشستن برای چه‌بود ، برای‌چه ؟

حالا اگر یک‌آشنا آنها را میدید ، درباره او چه‌فکر میکرد ، با یک‌زن مست‌ویسکی‌خور که‌ویسکی هم دردش را دوا نمی کند ؟ !...در همین لحظه آن اتفاق شوم رخ داد: نسترن که‌سرش نزدیک اسمعیل بود حالش بهم‌خوردواسمعیل بدون اینکه ازجایش تکان بخورد ،زد زیرگریه اکبرآقا خنده‌اش گرفت. هرچه خواست‌خودش را نگه دارد نتوانست. یک دستمال سفره به اسمعیل دادو اسمعیل صورتش را پاک کرد و در حالیکه اسمعیل گریه‌می کردو اکبرآقا غش‌غش می‌خندید، ازجابلندشدند. همه‌بآنها نگاه‌می کردندو اکبرآقا فریاد کشید:

— شب‌خوش ،خوش‌باشین ،برقصین مشروب بخورین ،و دوتائی دوان‌دوان‌آمدند بیرون ، درحالیکه صدای‌ضجه‌مانند نسترن بگوش میرسید که دادمیزد :

—اکبرجان، مهندس‌جان.

درراهروی هتل هردو می‌دویدند.... رسیدند بیرون .باد سردی میوزید.آمدندتوی خیابان. اکبرآقا غش‌غش‌می‌خندیدو نفس عمیق می کشیدو اسمعیل دست ازگریه برداشته بود.

—حالا چرا می‌خندی؟...

—خوب عشق کردیم !

اسمعیل داد زد :

—ای، مرده‌شور ببرن اون عشق کردنتو...

واکبرآقا باز هم خندیدو دوید وسط‌خیابان و اسمعیل هم خنده کنان‌بدنبالش راه افتاد ، صدای خنده‌شان خیابان را پر کرده بودواسمعیل باخنده زد زیرآواز:

«ویسکی هم دردمنو دیگه دوانمیکنه»

وهردو آوازه‌خوان بجلو رفتند. خیابان‌بود وسرماوصدای ترانه‌خوانی اکبرآقاو اسمعیل...

فرزندان ما چه خصوصیاتی را از ما به ارث می‌برند؟

بقیه از صفحه ۳۷

دارد بطوریکه گاهی عامل ارثی قوی است ویا هوشی و کم هوشی را بیشتر ودقیقتر به اولاد منتقل میکند . گاهی این عامل درتکوین قبل از تولد نوزاد نقش مهمی‌بازی نمیکند ولی قضیه بهمین جا خاتمه نمییابد بلکه با بدنیا آمدن‌هر بچه‌ای عوامل محیطی اعم از خانواده ویا محیط های دیگری که نوزاد با رشد سنی پابه آن میگذارد روی کم هوشی وباهوشی بچه اثر میگذارد این عوامل بعضی‌شناخته شده وبعضی دیگرشناخته شده نیست وهنوز با پیچیدگی که مغز دارد ، علم نتوانسته است مشکل گشای این واقعیت ها گردد که آیا برنامه هائیکه هوش را زیاد میکند بسایرمسائل مغزی ازقبیل حافظه—عاطفه وامثال آن لطمه میزند یا نه واصولا عکس العمل اعمال ازدیاد هوش روی دیگر اعمال مغزی چگونه است ؟ قدرمسلم تمام این مسائل که دربالا گفته شد حقیقت پیدا میکند و آنوقت طرح مسئله وجدان دراین میان چگونه خواهد بود یا بعبارت دیگر وجدان که خود ساخته شده از حاصل اعتقادات ناشی از تربیت بتناسب هوش و حافظه است درچه حدی از تعادل قرار خواهد گرفت ؟ سعی خواهیم کرد جواب این سئوالات را در مطالب بعدی که برایتان نوشته خواهدشد ،تشریح کنیم :

با مشکل کمبود کارگر....

بقیه از صفحه ۸۴

۱۹۴۶ ، ۲۷ و ... است . کمپانیهای شورلت ، بیوک ، اپل وازاین نوع بسته‌شده، لوازم یدکی آنها کمیاب وحتی نایاب‌شده‌است. صاحبان این‌قبیل اتوبیلها از جمله مشتریان ناراضی تعمیرگاهها هستند ، چون‌بعللی که‌ذکر شد لوازم یدکی این وسائط ، پیدا نمیشود ، برای جلب رضایت این مشتریان لازم است نمایندگان آنها دعوت شوند ، از آنها نظرخواهی بعمل آید، راه حل خواسته شود وسپس نسبت به ورود لوازم یدکی مورد نیاز اقدام گردد . اینها مشکلاتی است که مراجعین تعمیرگاهها بدان وقوف ندارند،این میز گرد بما فرصت میدهد که درددلهای خود را منعکس کنیم تا مردم بدانند هیچگونه تعمدی در کار نیست .

مساله دیگر موانع قانونی است که درسر راه‌ما قرار دارد واجازه نمیدهد، باتوجه به حدود صنفی وقانون نظام‌صنفی، تعمیرگاههای جدیدی تأسیس شود . تازه وقتی این مشکل حل شود، طبق مقررات شهری ، درمناطق مسکونی اجازه ایجاد تعمیرگاه نمی‌دهند . به‌اعتقاد من خوبست موافقت شود که در خارج از محدودهٔ شهراجازه‌ایجاد تعمیرگاه داده‌شود.

در پاره‌ای از موارد اجازه ایجاد تعمیرگاه دوویاسه‌طبقه با طرحی بسیار مدرن و بمنظور دسترسی به جای بیشتر، نمیدهند .اگر این تعمیرگاهها توسعه پیدا کنند ، بجای حداکثر روزانه ۲۰ دستگاه اتومبیل ، ۴۰ دستگاه تعمیر خواهند کرد .

ناصرحاج‌جوادی(عضو هیات مدیره) :

من خودیک کارگر هستم ،اگردریک‌روز برحسب‌اتفاق در کارگاهم نباشم ۵۰ درصد راندمان کارها پائین می‌آید، کارگری که باید روزی ۸ساعت کار کند اگر نخواست کار کند من چیزی نمی‌توانم باوبگویم، باوجود اینکه سود ویژه دریافت میکنند، مرخصی سالانه دارند و از تمام مزایای قانونی کار بهره میبرند، مع‌الوصف دلگرمی لازم ابراز نمیدارند . یک کارگر بدون هیچگونه آشنائی بکار، وارد کارگاه میشود ابزاز و وسائل در اختیارش قرار میگیرد . پس از مدتی که آموزش دید و به بهای فرسودگی واستهلاک بسیاری ازوسائل کارگاه مهارت پیدا کرد، بلافاصله بکارگاه یا کارخانه دیگری میرود و درآنجا بکارگمارده میشود و یا اصولا درجائی مشغول کار نخواهد شد و با خرید یک اتومبیل و یا وانت‌بار کار می کند من عقیده دارم باید ضوابطی‌تعیین کنند که وظائف این‌قبیل کارگران در قبال کارگاهی که در آن خدمت میکند مشخص شود همچنین کارفرما بداند چه تکلیفی نسبت به کارگر دارد و نیز باید ترتیبی اتخاذ گردد که کارگران شاغل در یک کارگاه نتوانند در کارگاه دیگری استخدام شوند.

***

بعداز پایان‌جلسه ، بلافاصله با تعدادی از کارگران شاغل در تعمیرگاههای اتومبیل بمذاکره پرداختیم و نظر آنها را نیز در زمینه علت عدم استقبالشان از اشتغال در تعمیرگاهها جویاشدیم.

آنچه‌میخوانید حاصل گفتگوی‌ما با کارگران این تعمیرگاهها است:

رضاموسی‌وندگلگیرساز:

یکی از دلائل عدم استقبال کارگران این است که خوشبختانه ، سطح اشتغال‌درکشور خیلی بالا رفته ووحشت بیکاری بهیچوجه وجود ندارد ، بهمین‌دلیل ، کارگران نسبت به کار ، آن‌هم درشرایطی مثل کارما اعتنائی ندارند، بهمین‌دلیل هرکجا دستمزد بهتری به آنها پرداخت شود به آنجا میروند ، بعلاوه کار در تعمیرگاهها مد روز نیست ، مضافاً اینکه در شرکتها حقوق بیشتری میدهند. ممکن‌است بگوئید اگر دریک‌جا ، ثابت بمانیم میتوانیم از مزایای قانون کار و بیمه های اجتماعی هم برخوردارشویم ، ولی درجواب عرض میکنم که بعضی ازکارفرماها هم هستند که نمی‌خواهند کارگرشان را بیمه کنند.

اکبرخدابخش، کارگرتعمیرگاه‌اتوآسیاواقع در خیابان‌خواجه‌نصیرطوسی:

کارگرانی که در مغازه‌های کوچک کار میکنند ، ساعت کار مشخصی ندارند ، و همین عدم‌ضابطه موجب دلسردی کارگر می‌شود. اتحادیه و سندیکائی هم نداریم که بعنوان مرجعی ازما حمایت کند.

عباس حیدری کارگریک‌تعمیرگاه کوچک:

من‌دوماه قبل‌به این جهت‌که یک‌روز ، تقریباً یک ساعت دیرتر سر کارم حاضر شدم ، طوری مورد مواخذه قرارگرفتم که ادامه کار در این مغازه را به مصلحت ندیدم ، آخر مگر ما نباید ساعت کارداشته‌باشیم؟

ابراهیم‌حاج‌اسماعیلی:

یکی ازعلل کمبود کارگر دراین‌رشته، ارتقاء سطح زندگی مردم است ، که مایلند چنانچه کارفنی داشته‌باشند ، پس‌ازگذراندن دوره‌های علمی این رشته های‌فنی ، بکاربپردازند من تصدیق میکنم که در این‌رشته کمبود کارگران محسوس است وگاه پیش میآید که یک کارفرما باید کار یک پادو را بکند، و اما چرا کارگران یک‌جا نمی‌مانند؟ دلیلش روشن است ، هرکسی دنبال درآمد بیشتر است، کارگری که خود میتواند ولو در خارج محدوده با اندک وسائلی به کار تعمیر اتومبیلها بپردازد و هیچ دستگاهی هم با کارش مخالفت نکند، چه دلیلی دارد که برای دیگری کار کند؟

علی ابرمرد ایمان

خلاصه شماره های قبل

علی‌ابن ابیطالب ، این دست‌پرورده پیامبر ، در مقام خلافت بر منبر رسول‌خدا نشست و نخستین خطابه خویش را ایراد فرمود و رجال و بزرگان مدینه از سخنان علی (ع) که سخن حق و حقیقت بود ، به‌حیرت افتادند

علی (ع) ، در نخستین‌ماه خلافت خود عبداله‌ابن عباس را به امیری شام برگزید که این سیاست با سیاست روزگار سازگار نبود ، زیرا معاویه‌بن ابی‌سفیان پس‌از هیجده‌سال حکومت مستبدانه برشام ، سپاهی عظیم فراهم آورده‌بود که برانداختن وی ازحکومت آسان بنظر نمی آمد.

علی (ع) که جز به راه حق وحقیقت راهی نرفت ، سهل بن حنیف را برگزید وسهل ازمدینه رهسپار دمشق شد ، لیکن سپاهیان معاویه در اراضی «تبوک» راه برسهل بستند وسهل بی‌آنکه ازخود مقاومت نشان دهد ، از تبوک به مدینه بازگشت. در این هنگام ، علی (ع) برای فرونشاندن آتش فتنه‌ای عظیم که طلحه و زبیر ، دربصره بپا ساخته بودند ، با هزارتن جنگاور روانه بصره شد و در این هنگام مسلمانان کوفه و هواداران خاندان نبوت که شمار آنان به دوازده هزارتن می‌رسید ، پس از سرکوبی نیروی ابو موسی اشعری امیر کوفه ، به لشکر امام پیوستند و بزرگان قوم با پروردگار خود پیمان بستند که این فتنه وآشوب رافرونشانند.

علی مرتضی چون درهای صلح ودوستی را بسته دید ، در مقابل سپاهیان بصره که شمار آنان به سی‌هزارتن می‌رسید ، صف آراست و یک‌تنه به‌سوی سپاه دشمن شتافت و با زبیر سخن گفت ، زبیر پای از میدان جنگ بر کشید و میان دوسپاه جنگی سخت درگرفت و سپاه کوفه ، در یورشی سهمگین، سپاه بصره را از دم تیغ گذراند. زبیر دوراز نبردگاه ، درخانه مردی بنام «جرموزه» کشته شد.

طلحه‌بن زبیر ، در این نبرد کشته‌شد و در روز بیستم ماه جمادی‌الاولی سال سی‌وششم هجرت ، فتنه جمل پس‌از سه‌روز به پایان رسید و علی (ع) دروازه‌های بصره راگشود و فرمان حکومت بصره را به‌نام عبداله ابن عباس صادر کرد و آنگاه به همراه مجاهدان کوفه ، بصره را به‌عزم کوفه‌ترک‌گفت و چون در این‌شهر فرود آمد ، حکام و فرمانداران‌گزیده خویش را به‌مقر حکومتشان روانه ساخت و آنگاه به عزم شام کوفه را ترک‌گفت‌و معاویه‌بن ابی‌سفیان ، عمروبن‌عاص را از فلسطین به دمشق کشانید وسپاه‌شام را برای‌نبرد صفین آماده‌ساخت.

حسن نکوئی

علی‌مرتضی تدبیر بسیار درکار بست تا صلح را برجنگ چیره سازد ، لیکن آب تدبیر علی مرتضی در کام معاویه‌بن ابی‌سفیان ناگوار بود ، وچون ماه محرم به پایان رسید ، دو سپاه ، درمقابل یکدیگر ، صف آراستند ، سپاه اسلام جنگاورانی تیزتک ، چیره‌دست و شکست‌ناپذیر بودند ، و چون به جنگ خوانده می‌شدند ، بی‌درنگ راه نبردگاه پیش می‌گرفتند و پیش‌ازآنکه زره بر تن پوشند ، قلب‌هاشان را بر زره می‌پوشیدند. سپاه شام که شمارسواران و پیادگانش مرزصدوپنجاه هزار را دربر داشت ، جنگاورانش ازمیان قبایل مشهورشام برخاسته بودند . سپاه‌گران شام ، در مقابل سپاه مجاهد علی‌مرتضی صف‌آراستند.

علی‌بن ابیطالب رهبری سپاه اسلام را برعهده گرفت وجنگ خروشان وخونین صفین ، درماه‌صفر سال سی‌وشش هجرت آغازگشت و این جنگ عظیم و پرخروش هیجده‌ماه دوام یافت و دراین پیکارسخت مبارزانی بزرگ وعالیقدر ، درراه‌حق وحقیقت به خاک‌وخون غلتیدند ، که برترینشان عماربن یاسر بود که در نودسالگی ، چون شیری خشمگین ، با سری پرشورو دلی‌سرشار ازعشق ، عشق به حق وحقیقت ، سپاه زرخرید شام را ازدم تیغ می‌گریزاند.

عماربن یاسر ، درسال سی‌وهفتم هجرت ، درروزگاری که جنگ به پایان می‌رفت ، پیش‌از آنکه به‌سوی نبردگاه بتازد ، به یاران خویش چنین گفت:

«تاجان دربدن وخون دررگ‌های ما جریان دارد ، محال است این قوم گمراه آرزوی شوم خود را دریابند. امروز آخرین روز زندگی من در این دنیاست. من امروز، به‌وصال‌معبود خود خواهم رسید. من امروز پیامبر خدا را دیدار خواهم کرد. امروز، روزوصال یاران است.»

عماربن یاسر ، قلب سپاه دشمن را نشانه گرفت و بسوی میدان تاخت و شهید شد. علی‌مرتضی ، درکنار پیکر به خون آغشته یاسر از اسب فرود آمد . اندوهی گران برقلبش چنگ می‌زد. آرام نشست وچنین فرمود:

«ای‌مرگ! آسوده‌ام کن یارانم را ازمن گرفته‌ای...

رحمت‌خدا بر توباد ای یاسر که تورا همه گاه یارو یاور رسول‌خدا دیده‌ام.»

نبرد سهمگین و خونین صفین گویی پایان نمی‌شناخت. سپاه کفر ، سپاهی که ازجنگ جز زروسیم هدفی نداشت ، درمقابل سپاه اسلام شمشیر می‌زد و به هدف خود نظر داشت و دیگر هیچ.

* * *

امیران سپاه اسلام ، گردهم آمدند و انجمن آراستند ومتفق شدند که دریک یورش همگانی، سپاه شام را یکسره از دم تیغ بگذرانند و بر این جنگ پرخروش سامان دهند.

«مالک‌بن حارث‌نخعی» ، فرماندهی جناحی را به‌عهده گرفت. مالک چون کوه‌استوار وسرفراز بلندپایه بود ، و سپاه دشمن از دام شمشیرش گریزی نبود.

مالک ، آنشب ، چون تیری ازچله کمان گریخت و درسیاهی‌شب یورش عظیم را آغاز کرد وچنان شد که کاربرسپاه شام دشوارآمد و می‌رفت که شیرازه سپاه شام از هم پاشیده شود که دشمن از نبردگاه پای کشید و چون سپیده دمید ، صدها تن ازجنگاوران سپاه دشمن ، بی‌ساز و برگ ، قرآن مجید را بر نیزه‌ها افراشته زدند و درمقابل سپاه اسلام صف آراستند و ناگاه ازقلب سپاه‌صدایی بگوش رسید:

«این‌کلام خداوند است که میان ما وشما حکومت خواهد کرد . خداوند را بیاد آورید وازجنگ دست بشویید.»

اما مالک‌بن حارث‌نخعی ، این فریاد را چنین پاسخ گفت:

«لب فروبندید‌ای ریاکاران سست پیمان که جز راه مرگ وبدنامی ، براهی نمی‌روید. دروغ تا چند ؟ ماپیش از آغازاین نبرد ، راه صلح را برگزیدیم وشمارا ای قوم فریبکار به کلام خدا دعوت کردیم ، زیرا که کلام‌الله ، قلب وزبان علی مرتضی است که در میان ماست.»

سپاه‌اسلام با فرمان اشتر چویان سیلی‌گران بسوی سپاه دشمن جریان یافت . اشتر می‌رفت که جنگ صفین را به سود سپاه اسلام پایان دهد که ناگاه اشعث‌بن قیس کندی امیرمیمنهٔ سواران آهنگ شوم مخالفت را سرداد . اشعث در زمان پیامبر ، اسلام آورد وپس از رحلت رسول خدا ، به گمراهی رفت وبارهابرضد سپاه اسلام شمشیر زد وبدست سپاه اسلام اسیر گشت ودگربار اسلام آورد وباعلی‌مرتضی بیعت کرد ودر جنگ صفین امیرمیمنهٔ سواران شد ، اما چون جلوه سپاه شام را چنین فریبنده یافت ، شمشیررا از کف نهادوگفت:

«این قوم قرآن را به حکومت برگزیده است. من بااین قوم نخواهم جنگید.»

اشعث دراین تصمیم تنها نماند ، گروهی ازجنگاوران شمشیر از کف نهادند واز نبردگاه دور شدند ، اما مالک همچنان می‌تاخت واز کشته پشته‌ها می‌ساخت.

اشعث‌بن‌قیس که میدید مالک می‌رود کار را به پایان رساند ، برخاست وبرضد جنگ خطابه‌ای ایراد کرد ودراین خطابه ، اتفاق واتحاد را ستود وچنین گفت: «من پیرشده‌ام وازمرگ هراس ندارم، من ازشما سخن می‌گویم، از جوانی‌تان ، از زنانی که بیوه می‌شوند و کودکانی که در رنج بی‌پدری می‌سوزند . من ازاینروی‌صلح را برجنگ برتری می‌دهم.»

خطابه اشعث از یک سوی ، وپیام عبدالله بن‌عمروبن‌عاص امیر میمنهٔ سپاه دشمن از سوی دیگر ، آتش سرکش جنگ را فروکشید . اما مالک همچنان می‌جنگید وچنان شمشیر می‌زد که گویی برآن بود کارجنگ را سامان دهد ، وپایان نزدیک بود که تنی چند از امرای سپاه اسلام علی‌مرتضی را هدف خویش قراردادند:

«یاامیرالمومنین ، مالک را از نبردگاه بازخوان . ماطالب صلح هستیم.» علی«ع» مالک را ازمیدان نبرد فراخواند ، وچون مالک میدان نبرد را ترک گفت ، جنگ صفین بسوی آرامش رفت ونام قرآن وحکومت قرآن بمیان آمد.

علی‌مرتضی ، آتش جنگ راکه میرفت سپاه زرخرید دشمن را به خاکستر نشاند ، فرونشاند اشعث ویارانش را که ازجنگ دست شسته بودند ، به حال خود رها کرد ، لیکن معاویه‌بن ابی‌سفیان با عقیل‌بن مالک جنگاور وامیرنام‌آورسپاه‌شام ، چنین رفتارنکرد.

درآن روزها که سپاه شام شتابناک بسوی شکست ره می‌سپرد ، معاویه عقیل‌بن‌مالک را که دور از نبردگاه در اندیشه وتفکر غوطه‌ور بود، گفت:

«یاعقیل ، چرا میدان نبرد را ترک گفته‌ای ؟ چرا بی‌جوش وخروش مانده‌ای ؟»

مالک ،سربرداشت ،لحظاتی چند درچشمان معاویه خیره ماند ، لبخند ملال‌انگیزی برلب راندوگفت:

«ازمن بگذر، براه‌حق میروم.»

معاویه به خشم آمدوفریاد برآورد:

«یاعقیل ، تو پشت وپناه وچشم وچراغ

بقیه درصفحه ۹۲

مراسم شکرگزاری در باشگاه کارخانه خاور

درروز پانزدهم بهمن ماه ۱۳۵۵، بمناسبت رفع خطر از وجود شهریار بزرگ ایران مراسمی در باشگاه ورزشی کارخانه اتومبیل سازی خاور برگزار گردید که در این مراسم مدیران و نمایندگان کارگر و کارکنان کارخانه حضور داشتند.

پس از نیایش و شکرگزاری بمناسبت رفع خطر از وجود مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر، عملیات ورزش باستانی توسط ورزشکاران انجام گردید.

سخنی پیرامون کار و کاریابی

بقیه از صفحه ۴۲

فعالیت می کنند. وزارت کار وامور اجتماعی در نظر دارد تا پایان برنامه پنجم تعداد این مراکز را به ۱۵۰ مرکز افزایش دهد وهمچنین تعداد ۲۰۰ مرکز کاریابی سیار ایجاد نماید تا فعالیت در زمینه امور کاریابی را با پیشرفت های روزافزون مملکتی هماهنگ سازد وبهمین سبب از مدتی پیش تدارک ۳ ترمینال کامپیوتری برای رفع نیاز کارگاهها به کارگران متخصص را فراهم کرده است وبزودی کار آنها آغاز خواهد شد. علاوه بر اینها تمام مراکز مذکور برای اینکه کارشان مؤثرتر باشد، از طریق وسائل ارتباط جمعی جویندگان کار را برای راهنمائی شغلی به مراکز کاریابی واشتغال دعوت میکنند ودر شهرستانها نیز مسئولین مصاحبه و ثبت نام به روستاها مراجعه مینمایند واز افرادکم کار وآنهائی که در جستجوی مشاغل بهتری هستند ثبت نام میکنند ودرصورت پیدایش کار مناسب آنان را، بهزینه دولت به کارگاههای نیاز ... نیروی کار، اعزام میدارند وبکار تمام وقت می گمارند.

خدمات رایگان

نکته قابل توجهی که در زمینه امور کاریابی دیده‌میشود رایگان بودن خدمات اشتغال است. دولت از طریق وزارت کار وامور اجتماعی کلیه هزینه‌های این خدمات را پرداخت میکند وبه هیچ وجه از کارگر ویا کارفرما وجهی دریافت نمی کند وحتی هزینه مسافرت کارگران را ازمحل خویش بمنابع کار هر چند هم دور وطولانی باشد پرداخت می نماید.

مراکز کاریابی درخدمت همگان

مراجعه به مراکز کاریابی برای همه متقاضیان کار درهر سطح ودارای هر نوع تخصص وتحصیلاتی که باشند آزاداست. هر کس که به این مراکز مراجعه کند می‌تواند امیدوارباشد که کارمناسب ومورد نظر خویش را بدست می‌آورد. حتی دانشجویان ایرانی که در خارج تحصیل می کنند می‌توانند بوسیله نامه، ازمراکز کاریابی تقاضای ارجاع شغل نمایند زیرا بسیاری از صاحبان‌مشاغل که تحصیلکرده دانشگاههای خارج هستند از همین طریق کار مورد علاقه خود را بدست آورده‌اند. در مورد اتباع بیگانه مقیم ایران تسهیلاتی فراهم شده که می‌توانند با مراجعه به قسمت کارگماری اتباع خارجی این مراکز، تقاضای ارجاع شغل کنند.

نیاز کشور به نیروی متخصص

برای آگاهی از اینکه متقاضیان کار تمایل بیشتری به قبول چه نوع کاری دارند ومنابع کار به چه نوع تخصص هائی نیازمندند، با یکی از مسئولین مراکز کاریابی تماس میگیریم، او میگوید: — با پیشرفت سریع تکنولوژی مشاغل گوناگون درکشور ما هر روز درتغییر وتبدیل است ازاین رو اداره کل اشتغال با توجه به احتیاجات بازار کار، میزان نیازها وتخصص های هر رشته را تعیین ودراختیارمراکز آموزشی قرارمیدهد تا این مراکز با توجه به نیاز کشور کارگر لازم ومتخصص را تربیت کنند.

علی ابرمرد ایمان

بقیه از صفحه ۹۱

سپاهش، حال اگر او کاربمانی من با کدامین تیر علی بن ابیطالب‌را از پای درافکنم

مالك برخاست و گفت:

« من در آغاز نبرد چنین می‌پنداشتم که علی مرتضی بر باطل است و ما برحق، لیکن از آن روز که عمروبن عاص وعماربن یاسر به استدلال و منطق نشستند، دانستم که علی بر حق است و ما برباطل، آری، برمن آشکار گشت که علی بن ابیطالب جانشین محمد رسول خداست و آنکس که برضد وی برخیزد، برضد پیامبر خدا وقرآن کریم برخاسته است.»

معاویه در سکوت هراس انگیز خود از مالك دور شد و هنوز سیاهی شب بر سپیدی روز چیره نگشته بود که به فرمان معاویه، در یک لحظه بی‌خبری، باران شمشیر بـــر سر عقیل بن مالك فرو ریختند.

این کارگران...

بقیه از صفحه ۸

یک استخر سرپوشیده را با کارفرما در میان گذارده‌ایم که به‌زودی ناظر ساختمان آن خواهیم بود. از نظر بهداشتی یک درمانگاه در محل کارخانه است و درمانگاه بزرگتری در شهر ری که خود و خانوادهمان هر وقت نیاز داشته باشیم، به‌این دودرمانگاه مراجعه می کنیم.

از نظر بازنشستگی هم وضعمان خوب است. تا به حال چند نفر از کارگران قدیمی بازنشسته شده‌اند و راحت زندگی می کنند. طرح طبقه بندی مشاغل نیز از سوی وزارت کار و امور اجتماعی در کارخانه پیاده شده است.

دو اینجا به‌در خروجی کارخانه می‌رسیم، رهبر عکسبرداریش را تمام کرده است ومنتظر من است. از همه خداحافظی می کنیم و به‌طرف اتومبیل می‌رویم که به‌دفتر مجله بازگردیم، محوطه کارخانه را ترك می‌کنیم، رادیو اتومبیل را روشن می کنیم. رادیو ایران خلاصه اخبار ساعت ۲ بعداز ظهر را پخش می‌کند، صدای گوینده در گوشم طنین می‌اندازد: جنگ....

اعتصاب...... پائین‌آمدن ارزش پول در....

و.........»

به رهبر نگاهمیکنم تاچیزی باو بگویم، ولی همه چیز را در چهره‌اش میبینم. اوهم به چیزی می‌اندیشد که‌من می‌اندیشم.

کارخانه‌سیمان تهران که دومین کارخانه سیمان ایران از نظرقدمت است، ۳۲۰۰تن در روز ظرفیت دارد که تولیدش به ۴هزار تن می‌رسد.

این کارخانه چندنوع سیمان‌تولیدمی کند که همهٔ آنها مصارف مختلف دارند. انواع سیمان‌های این کارخانه برای ساختمانها، سدها و پلهاست و نوعی ازسیمان تولید کارخانه نیز برای چاههای نفت جنوب ایران به کار می‌رود و تنها کارخانه‌ایست در ایران که برای چاههای نفت سیمان مخصوص می‌سازد.

نگرشی به تاریخچه سیمان در ایران

در سال ۱۳۱۰ اولین کارخانه سیمان ایران باظرفیت یکصدتن در شهرری نصب‌شد و درسال ۱۳۱۲ محصول خود را بیرون داد. در سال ۱۳۱۵ کارخانه سیمان‌ری‌گسترش پیدا کردو یک کارخانه دویست تنی‌به‌آن افزوده‌شد.

به‌هنگام اجرای برنامه عمرانی دوم، در سال ۱۳۳۴ تنها کارخانه دولتی سیمان‌ری باظرفیت ۳۰۰تن در روزو کارخانه سیمان مشهد باتولیــد ۱۰۰تن از بخش عمومــی و کارخانه های سیمان تهران با ۳۰۰تن ظرفیت وسیمان‌فارس با ۲۰۰تن ازسوی بخش‌خصوصی در کشور سیمان تولیدمی کردندو جمع تولید کارخانه‌ها فقط قسمتی از نیازهای داخلی را که باسرعت درحال افزایش بود، تأمین می کرد به این ترتیب برنامه تکمیل و توسعه کارخانه سیمان ری و افزایش بازده آن تا ۵۰۰تن به‌اجرا گذارده شدو کارخانه‌های سیمان لوشان‌ودرود با ظرفیت ۳۰۰و ۶۰۰ تن احداث شد که ساختمان دوسدبزرگ سفیدرود ومحمدرضاشاه با سیمان تولیدی‌این دو کارخانه به‌انجام‌رسید. توسعــه کارخانه‌های سیمان توسط بخش خصوصی با کمک‌های دولت همراه بودو بدین ترتیب تعداد صنایع سیمان از دوواحد درآغاز برنامه دوم به ۸واحد افزایش پیدا کردوظرفیت تولیدی آنها هم در پایان برنامه سوم به‌یک میلیون‌تن رسید.

به طور کلی می‌شود گفت که مراحل توسعه‌و رشد صنعت سیمان در ایران‌طی‌برنامه‌های دوم‌وسوم عمرانی تحقق پیدا کرد، تاجائی که علاوه برمصرف داخلی، مازاد تولیدسیمان ایران به کشورهای عربستان، عمان، کویت و پاره‌ای از امارات‌ساحل خلیج‌فارس صادرشد.

صدورسیمان به‌خارج از کشور عملا ازسال ۱۳۴۱ آغاز شد. درسال ۱۳۴۱ صادرات سیمان کشور، فقط ۸۱۸تن بود که این رقم‌درسال ۴۸ به ۴۳۵۲ تن رسید، البته در این‌سالها صادرات سیمان کاهش نسبی‌پیدا کردوحتی سیمان نیز به کشور واردشد که این کاهش نسبی نمایانگر توسعه عملیات عمرانــی و برنامه‌های سدسازی وخانه‌سازی است. افزایش مصرف داخلی سیمان درسالهای اول دهه ۵۰ که اکنون درآنیم دولت را برآن داشت که کارخانه‌های دیگری را درکشوربرپا کند، و به‌این ترتیب در سال ۵۲ پروانه احداث۹ کارخانــه در شهرهای گــرگان، همدان، کرمانشاه، بهبهان، زاهدان، بندرعباس، چاه‌بهار، رضائیه وکاشان به‌ظرفیت‌های یک تادوهزار تن صادرشدو علاوه برآن توسعه دیگر کارخانه‌ها آغازشد.

درسال ۵۳وزارت اقتصاد برای ایجادسه کارخانه جدیدسیمان درمازندران،یزدو کاشان پروانه دادو همچنین قرارشد بزرگترین کارخانه سیمان کشور بنام آریامهر دراصفهان به‌ظرفیت روزانه ده‌هزارتن برپاشود باتمام اینها، تو‌سازی کشورمان هرچه تولیدسیمان است می‌بلعدو آنچه که از کارخانه سیمان کشورمان به بازار عرضه میشود، صرف کارهای ساختمانی‌وعمرانی می‌گردد تا جائی که به چشم‌می‌بینیم هرروز ساختمانهای بزرگ‌وتأسیسات عظیم سربه‌آسمان می‌سایند. مامدیونیم، مدیون کارگران‌سخت‌کوش کارخانه‌های سیمان کشور، کارگرانی که در سالهای انقلاب شاه‌و ملت یک‌لحظه درنگ‌نکردندوآنقدر کوشیدند تاسرافراز‌باشند.

تأمین اجتماعی

بقیه‌از صفحه ۹

معالج باید از ادامه کار خود داری و استراحت نماید یا اشتغال بکار دیگری مزد یا حقوق دریافت کرده است.

در هر دو حالت چون شرط پرداخت غرامت دستمزد از طرف سازمان تأمین اجتماعی عدم دریافت مزد یا حقوق میباشد باینگونه بیمه شدگان غرامت دستمزد پرداخت نخواهد شد.

علاوه براینکه در بند ۹ ماده ۲ قانون (مبحث تعاریف) باین نکته یعنی مشروط ساختن استحقاق بیمه شده به دریافت غرامت دستمزد به احراز عدم دریافت حقوق یا مزد تصریح شده است در ماده ۵۰ قانون نیز که شرائط ونحوه پرداخت غرامت دستمزد را معین میکند نیز باین موضوع تاکید گردیده است، باین شرح:

«بیمه‌شدگانی که تحت‌معالجه و یا درمان‌های توان بخشی قرار میگیرند وبنابه تشخیص سازمان تأمین خدمات درمانی موقتاً قادر بکار نیستند به شرط عدم اشتغال بکار وعدم دریافت مزد یا حقوق استحقاق دریافت غرامت دستمزد را با رعایت شرائط زیر خواهند داشت:

الف — بیمه شده براثر حوادث ناشی از کار وغیر ناشی از کار یا بیماریهای حرفه‌ای تحت درمان قرار گرفته باشد.

زمین کوی کارگری رضائیه خریداری شده و بزودی کلنگ ساختمانی آن به زمین زده خواهد شد

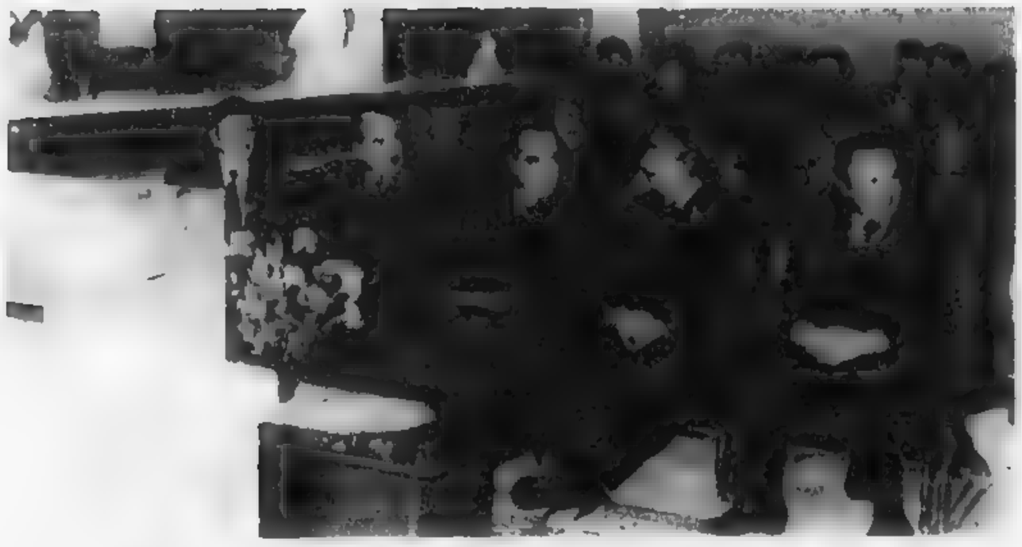

شعبهٔ میاندوآب و محل جدید بانک رفاه کارگران در رضائیه گشایش یافت.

... که برای ترفیع ... کارگری یک روز ... زندگی ... شهرستان میاندوآب و ... شعبه بانک رفاه کارگران ... این مطلب را آقای ... نماینده کارگران میاندوآب روز ... بهمن ماه در مراسم گشایش بانک رفاه کارگران این شهرستان اظهار داشت و افزود: با این وصف ... اگر بگویم امروز برای ما کارگران میاندوآب روزی بزرگ است ... که هم سالروز انقلاب ... را در ... محیط کارگری جشن ... بانک مسکن بزرگ کارگران شهر ... شده است. ... کارگران میاندوآب ... به امر تأمین مسکن اشاره کرد و گفت حال که بانک رفاه کارگران قدم اول را برای ما برداشته است از مسئولان بانک می‌خواهیم که نسبت به امر تأمین مسکن ما نیز اقدامی بکنند.

آقای دکتر محمد مجیدی رئیس کل بانک رفاه کارگران در این مراسم ضمن ... گشایش شعبه بانک ... سالروز انقلاب ... و ملت ... پیرامون فلسفه انقلاب ودست آوردهای صنفی کارگر در عصر انقلاب سخن گفت و در مورد تأمین مسکن کارگران میاندوآب افزود: بانک رفاه کارگران در اجرای اوامر شاهنشاه آریامهر امر تأمین مسکن کارگران را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده است و با آنکه بیش از چهار سال از برنامه خانه سازی بانک برای کارگران نمی‌گذرد ... تاکنون تعداد ۳۴۲۵ واحد مسکونی در نقاط کارگرنشین کشور ساخته است. لازم به یادآوری است که در نه ماهه اخیر ... ۱۷۱ هزار کارگران با استفاده از ... وام مسکن بانک رفاه کارگران ... شده‌اند ... در همین مدت ... میلیون ریال وام ضروری کارگری ... شده است.

دکتر مجیدی ... در مورد تأمین مسکن کارگران میاندوآب ... کارگران ... اولین قدم را باید خود شما بردارید و با تشکیل شرکت تعاونی مسکن کارگری ما را در اجرای برنامه خانه سازی یاری دهید. بعد مسئله زمین مطرح است که باید زمین مناسب و ... احداث کوی کارگری پیدا شود. من قول می‌دهم در صورتی که این دو عامل فراهم باشد بانک رفاه کارگران بلافاصله در مورد ساختمان خانه‌های کارگری اقدام خواهد کرد.

... تاکنون بانک برای کارگران شیراز، اصفهان، کرمانشاه، زاهدان، قزوین، خرمشهر، سربندر خانه سازی کرده، ودر شهرهای تبریز، مشهد شاهی کرمان، بندر عباس، وبوشهر نیز برنامه‌هائی در دست اجرا است در رضائیه هم همانطور که دیروز در مراسم گشایش محل جدید بانک در آن شهرستان گفتم، زمین مورد نظر خریداری شده و امیدواریم بزودی کلنگ احداث کوی کارگری ... به زمین زده شود.

پانصد خانه برای کارگران رضائیه

روز پنجم بهمن ماه نیز محل جدید بانک رفاه کارگران شعبه رضائیه با حضور آقای مهندس عبدالعلی دهستانی استاندار آذربایجان غربی و دکتر محمد مجیدی رئیس کل بانک رفاه کارگران وگروهی از مقامات محلی و نمایندگان کارگران گشایش یافت.

آقای مهندس دهستانی ضمن ابراز خوشوقتی از گشایش محل جدید بانک رفاه کارگران در رضائیه ومیاندوآب اظهار امیدواری کرد که بزودی نقشه احداث شهرک کارگری برای کارگران رضائیه بپایان برسد و عملیات ساختمانی آن شروع شود کوی کارگران رضائیه در زمینی به مساحت شصت هزار متر مربع بنا خواهد شد وپانصد واحد مسکونی همراه با ... ووسایل لازم شهری این شهرک را در بر خواهد گرفت. در مراسم ... استاندار آذربایجان غربی ... شعبه در دو روز ... را نشانه‌ای از توسعه ... روز افزون بانک رفاه کارگران به کارگران کشور دانست.

۶/۷ میلیارد ریال وام مسکن کارگری در نه ماه

بانک رفاه کارگران اعلام کرد در نه ماه سال جاری مبلغ ۲۴۰/۵۱۳/۰۰۰ ریال به کارگران وام ضروری پرداخت کرده است. این مبلغ را ۹۱۰۴ نفر دریافت کرده‌اند.

همچنین در این مدت، از فروردین تا پایان آذر ماه سال جاری، بانک رفاه کارگران به ۱۹۳۹۳ نفر کارگر مبلغ ۶۰/۷۵۱/۹۱۶/۰۰۰ ریال وام مسکن پرداخت کرده است.

بانک رفاه کارگران وفعالیت های خانه سازی برای کارگران

بمناسبت سالروز انقلاب شاه وملت، بانک رفاه کارگران نشریه جالبی پیرامون فعالیت های خانه سازی خود منتشر کرده است.

بانک رفاه کارگران، چنانکه در مقدمه این نشریه می‌خوانیم، از چهار سال پیش رأساً به ساختن خانه‌های کارگری اقدام کرده است و تا کنون بیش از ۳۴۲۵ واحد مسکونی در نقاط کارگر نشین کشور ایجاد کرده‌است.

در این نشریه، که بدون حاشیه پردازی، از زبان آمار و ارقام و عکسهای گویا، فعالیت خانه‌سازی بانک درشیراز، اصفهان، کرمانشاه، زاهدان، قزوین، سربند نشان داده شده است. همچنین به‌طرح‌های بزرگ خانه سازی برای کارگران تبریز، مشهد، شاهی، کرمان، بندرعباس، بوشهرورضائیه اشاره‌شده‌است.

نشریه بانک رفاه کارگران در زمینه فعالیت‌های خانه‌سازی برای کارگران کشور وبرای کسانیکه بنحوی با این مسائل سر و کار دارند، جالب وآموزنده‌است.

ورزش کارگر

قهرمانان کشتی آزاد و فرنگی کارگران تهران انتخاب شدند

در ورزشگاههای بدون استفاده کارگری را بروی جوانان بگشائید!

درگزارش خبرنگار ما، دربازدید از تأسیسات ورزشی باشگاه آزمایش آمده است که براثر بی‌توجهی مسؤولان، زمین فوتبال این باشگاه به انبار کالا تبدیل شده‌است.

درشماره‌گذشته نیز به روایت مدیر کل — تربیت‌بدنی و تفریحات سالم وزارت کار و امور — اجتماعی خوانده‌ایم که در غرب تهران، تأسیسات ورزشی کارگری، صبحها بدون استفاده افتاده است و تلاش ایشان برای جلب شاگردان مدارس آن منطقه به ورزشگاههای خالی بی‌ثمر بوده است. و باز در همان مطلب اضافه شده بود که دانشجویان کرج که نیاز مبرمی به زمینهای ورزشی دارند، حسرت زمینهای ورزشی بدون استفاده کارخانجات ایران‌ناسیونال را می‌خورند و باوجود مراجعه به صاحبان ورزشگاه، دستشان از دسترسی به این ورزشگاه کوتاه‌است.

این خبرها را کنار هم بگذاریم، وزیر ذره‌بین تحلیل قرار بدهیم. ظاهراً مسئله ساده‌ایست که یک راهحل دارد : تأسیسات ورزشی و باشگاههای کارگری اغلب بدون استفاده مانده‌اند، برای اینکه کارگران فرصت ورزش کردن ندارند، اجازه استفاده از این باشگاهها بـه غیـر کارگر داده نمی‌شود. برای اینکه کارفرمای مربوطه چنین می‌خواهد. ازطرف دیگر دهها و صدها محصل و نوجوانی که در محدوده این تأسیسات زندگی می کنند، از وسایل‌ورزشی محرومند، چون وسیله و زمین ندارند، درمدارس آن نواحی نه فضای ورزشی است و نه وسیله و مربی. چرا؟ بدلیل آنکه بودجه نیست، پول نیست، مربی نیست، زمین نیست، وسیله نیست، ...

ظاهراً این دومسئله را می‌توان بدین‌شکل بهم ربط داد که بچه‌هائیکه تشنه زمین ورزش هستند، به ورزشگاهائیکه اغلب مورداستفاده قرار نمی‌گیرد، سرازیر شوند. این راهحلی منطقی نیز هست. اما چطور و چگونه؟ ! و این، همان گره کوری است که هنوزسرپنجه تدبیر هیچیک ازمسؤولان نتوانسته آنرا بگشایند.

حل ایـن مشکل، هماهنگی و تفـاهم می‌خواهد و اینکه اول، کی قدم جلو بگذارد. و برای‌گشودن این‌گره کور دیگران را به کمک بخواهد.

این کار بوجودآوردن این هماهنگی، اگر چـه دشوار است، ولی غیرعملی نیست. این اعتقادماست.

چون در سالهای اخیر، از ناممکن‌هایی ممکن ساختیم که تا پیش از آن، حتی به تصور هم درنمی‌آمد.

پس این مشکل حل‌شدنی است، پیشنهاد ما اینست که وزارت کار و امور اجتماعی، بعنوان‌مرجعی که نسبت به بسیاری از مسائل کارگـری — منجمله ورزش کارگـران بصیرت و مسؤولیت دارد، قدم پیش بگذارد، راه تفاهم را نشان دهد، با کارفرمایان و رؤسای این باشگاهها، و مسؤولان ورزش مدارس و کمیته تربیت‌بدنی حزب رستاخیز به بحث بنشینند، و برای پیداکردن راهحلی منطقی بکوشند.

تکرار می کنیم پیشنهاد ما اینست که در ساعاتی که برادران کارگرما فرصت بهره‌گیری از زمین‌های ورزش و دیگر تأسیسات ورزشی باشگاههای خود را ندارند، برادران و فرزندان آنها که دانشجو و دانش‌آموز هستند، از این امکانات استفاده کنند.

در این میان، مجله « رستاخیز کارگران » یکه وظیفه اصلی برای خود می‌شناسد و آن اینکه میزبانی این نشست وگردهم‌آئی را بعهده بگیرد. سالن کنفرانس مجله برای بحث و چاره‌جوئی جای‌مناسبی است. ما ازهمهٔ‌طرفهای ذینفع، از مسوولان امور اجتماعی و ورزشی وزارت کار، ازکارفرمایان و مسؤولان باشگاههای کارگری، ازمسؤولان ورزشی حزب رستاخیز ملت ایران دعوت می کنیم دعوت ما را به‌پذیرند و در برگزاری این گردهم‌آئی ما را یاری دهند. فشردن دست دوستی که بسوی شما درازکردیم، نشانه اینست که در عصر رستاخیز، برای هر مشکلی اجتماعی می‌توان — وباید — یک راه‌حل منطقی پیدا کرد.

اسماعیل یگانگی

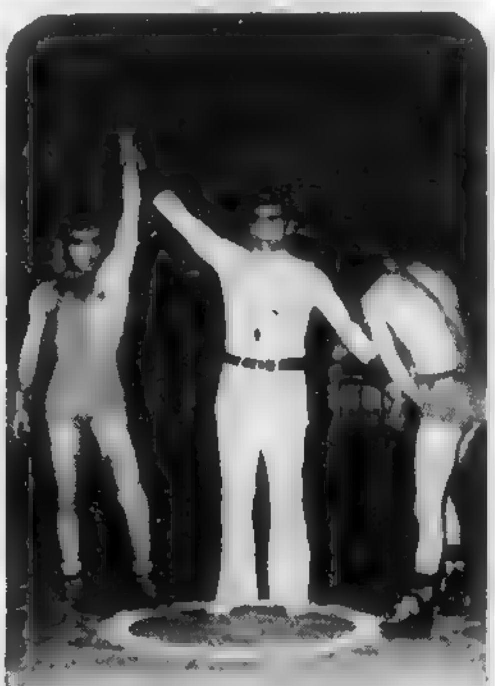

محمد کرمانی نفراول ۵۲ کیلو کشتی آزاد از کارخانه‌خاور

اکبر قربانی ازخاوردر۷۴ کیلو برحریف خود ابوالحسن قصاب ازبرق‌تهران باضربه‌فنی پیروز شد

کشتی های آزاد و فرنگی کارگری تهران، قهرمانان خود راشناخت. دراین مسابقه ها، که هفته پیش برگزار گردید، ۹۰ کشتی‌گیر در رشته آزاد و ۶۵ کشتی‌گیر در فرنگی شرکت کرده بودند. کشتی‌گیران کارگر از ۳۲ واحد تولیدی و کارگری تهران زورآزمائی می کردند، نفرات اول هروزن درمسابقات تیم نهائی کشتی کارگران استان مرکز شرکت کردند. نتایج بدست آمده ازاین قرار است:

۴۸ کیلو — هاشم بیانی (اتوبیل خاور) محمدحسین عزدری (برق‌تهران) حسین تراشنده (مخابرات)

۵۲ کیلو — محمد کرمانی (خاور) محمود اسماعیل پور (سلطان‌چاپ) نوروزامی (واحد)

۵۷ کیلو — غلامحسین گودرز (آتش‌نشانی) اصغر کاکاوند (خاور) — جواد عتماد (برق)

۶۲ کیلو — مرید علی عباسی (شرکت نفت) غلامرضامحمدی (تلویزیون) رفیع لقمان مرشدی (مبل خواب)

۶۸ — جهانشاه کریمی (خاور) علی‌اکبر پارسی (برق) محمد رضا قائم (چیت‌تهران)

۷۴ کیلو — اکبر قربانی (خاور) عادل پورغلام (گودریچ) ابوالحسن قصاب (برق)

۸۲ کیلو — بایرام ایمان‌وردی (کشتارگاه) حسین خرمائی (برق) رمضان الماسی (ایکو)

۹۰ کیلو — محمد زینعلی (خاور) — جبرئیل حیقی (کفش‌بلا) غفار جوادی (ایران ترانسفو)

۱۰۰ کیلو — ابراهیم کریمی (کشتارگاه) قربانعلی کاظمی (شیرپاستوریزه) حسین‌یار محمدی (برق)

۱۰۰ + کیلـو — گل بالا میرزاپور (کشتارگاه) احمدنیکوکار (خاور) صابرداودی (واحد)

در کشتی فرنگی انتخابی کارگران تهران نیز ۶۴ کشتی‌گیر از ۳۱ واحد کارگری شرکت داشتند ومسابقات در پنج دوره وبا انجام ۶۵ کشتی انجام شد

نفرات اول تا سوم هروزن باین شرح معرفی شدند:

۴۸ کیلو — محمدعلی زارع (پارس الکتریک) — کریم آقائی (واحد)

۵۲ کیلو — عباس خان‌احمدلو (بالکان) ضرغام ساویز (خاور) حسن نقی زاده (واحد)

۵۷ کیلو — حسین زندی (ایران‌ترانسفو) حسن فویدل (واحد) غلامرضا اماثیان (ایرانیت)

بقیه درصفحه ۹۸

پیروزی، در کنار کار...

تیم والیبال دختران کارگر گروه‌صنعتی مینو امسال توانست به موفقیت‌چشم‌گیری دست‌یابد و در بین چهارگروه مقام اول را به‌خود اختصاص دهد.

باتوجه به‌اینکه از زمان تشکیل این‌تیم مدت یکسال گذشته‌است و امکانات وسیعی در اختیار نداشته‌اند ، این‌پیروزی بسیار در خور توجه است.

بااعضای تیم که سرحال و با روحیه‌ای بسیار شاد و سالم مشغول تمرین بودند گفتگوئی کردیم که در اینجا می‌خوانید :

توران خبری کاپیتان تیم‌روزانه ۳۱۵ ریال حقوق میگیرد .درکارش سخت جدی و موفق است و توانسته کارخانه‌را با ورزش درهم آمیزد. وقتی که ازشروع کارش درتیم والیبال بعنوان کاپیتان می‌پرسم ، میگوید : تیم ما یک تیم نوپاست. تا یکسال قبل اصلا تیمی در کارنبود ، ولی ازآنجا که روح ورزش در بچه‌ها وجود داشت ، بعد از تشکیل تیم ، همه واقعاً از خودمایه‌گذاشتند . نکته دیگر رسیدگی و تشویق مسئولین کارخانه بود که بما امید میداد تا بیشتر تلاش کنیم ...درحال حاضر هفته‌ای دوبار تمرین می کنیم و خوشبختانه مربی بسیار آگاه و لایقی‌بنام‌خانم پاشائی ما راراهنمائی می کند.

از توران‌خبری که مجرد است ، می‌پرسم که بعد از ازدواج به کار وورزش ادامه میدهد ، میگوید : « مسلماً ادامه میدهم. برای من کارکردن ازواجبات است ، چرا که غرور و عزت‌نفس بدست میآورم . ورزش هم که جای خود دارد ، از بچگی به‌آن علاقمند بودم وفکر میکنم تا زمانی که نفس‌می کشم آنرا دنبال می کنم .

معصومه‌ناصربخت که درتیم سمت پاسور را دارد ، ۱۹ ساله ومجرد است. روزانه ۲۲۵ ریال دستمزد میگیرد . ازطرفداران پروپاقرص‌تساوی حقوق زن‌ومرد است و به گفته سرپرست قسمت و کاپیتان تیم‌بسیار پرجنب‌وجوش‌و فعال است.

مریم خروارشار مجرد و نوزدساله ، روزانه ۲۲۵ ریال حقوق می‌گیرد و بسمت پاسور در تیم انجام وظیفه می کند. وقتی ازاو می‌پرسم ، ورزش در روحیه‌ات چه تاثیری داشته ؟ » می‌گوید : « علاوه‌براینکه به قدرت بدنی خود افزوده‌ام ، از اخلاق و رفتار شایسته‌ای نیز برخوردارشدم. »

میزان علاقه‌اش را به ورزش های مختلف می‌پرسم ،میگوید : « وقتی که تحصیل‌میکردم در تیم والیبال دبیرستان عضو بودم ، ولی متاسفانه ترک تحصیل کردم وبه کارپرداختم. در حالیکه عشق‌به ورزش هنوز درمن بود . خبرتشکیل این تیم را شنیدم و بلافاصله عضو آن شدم . ازورزش ها به بسکتبال و دوچرخه‌سواری بیشتر علاقه‌دارم . »

فاطمه مرادقلی که تا کلاس سوم دبیرستان درس‌خوانده، متاهل است . او که ازدواج کرده ، تصمیم دارد بعد از بچه‌دارشدن دست‌از کار بکشد و اوقاتش را صرف تربیت و نگهداری بچه بکند.

طاهره‌زمانیان که دوسال سابقه کاردارد، ماهانه ۱۰۰ تومان‌حقوق می‌گیرد ،مجرد است. وقتی ازاو می‌خواهم که یک ورزشکارنمونه را تعریف کند ، می‌گوید :

« یک ورزشکار نمونه باید از هر جهت سرمشق مردم باشد ، یعنی صادق ، قوی و با وجدان باشد وتا آنجا که ازدستش برمیاید ، به مردم خدمت کند. »

ظریفه‌قصاص‌فرد نوزدساله ومجرد است. ورزش مورد علاقه‌اش والیبال و بسکتبال است و معتقد است از زمانی که به ورزش پرداخته نیروی بیشتری درمبارزه با مشکلات پیدا کرده است.

پروین صالحی بیست سال دارد و پنج‌سال است که به‌کار درکارخانه‌مشغول شده ، او پرتحرک است و ورزش را لازمهٔ زندگی میداند . از او در بارهٔ وضع کارگرامروزودیروزمی‌پرسم، می‌گوید: « از زمین تا آسمان فرق کرده ، و این همه ازاثرات الطاف شاهنشاه آریامهر است . کارگر امروز این احساس را دارد که عضو مفیدجامعه است. به کارخود افتخار می کند و دیگراباتی ندارد از اینکه وقتی از او می‌پرسند چکاره‌ای، بگوید کارگر. »

در آستانهٔ آغاز چهارمین جام تخت جمشید

ورزش کارگر

زمین فوتبال این باشگاه به انبار کالا تبدیل شده!

درحالیکه هزاران نوجوان کارگر و محصل زمین ورزش ندارند اغلب تأسیسات ورزشی کارگری بی استفاده افتاده است

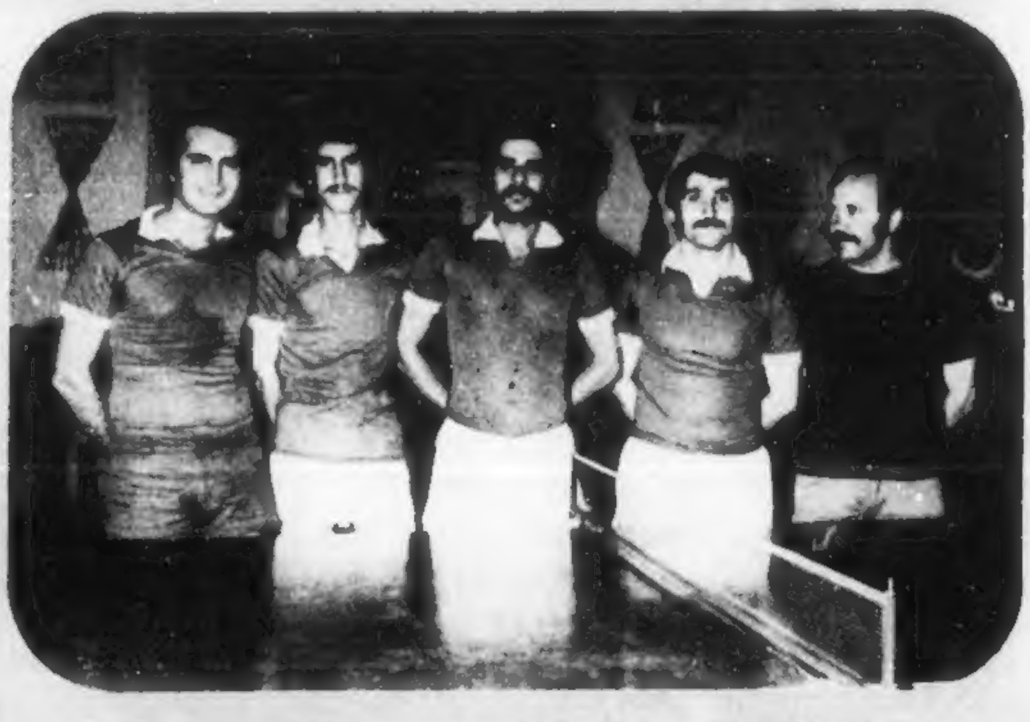

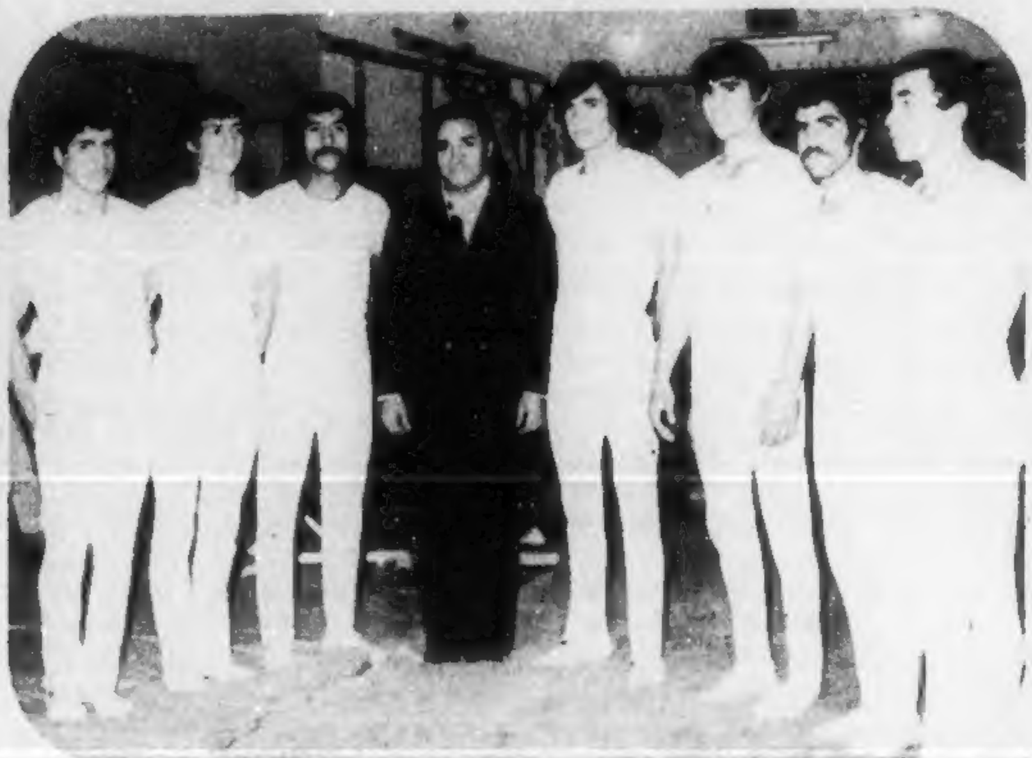

عکس بالا اعضای تیم پینگ‌پنگ کارگران آزمایش که در سال ۳۵۳، در مشهد قهرمان کشور شد. از چپ براست جمال غفوریان — خسرو نخعی — لواسانی — پاکخواه — جلیل زاده. پائین تیم ژیمناستیک آزمایش

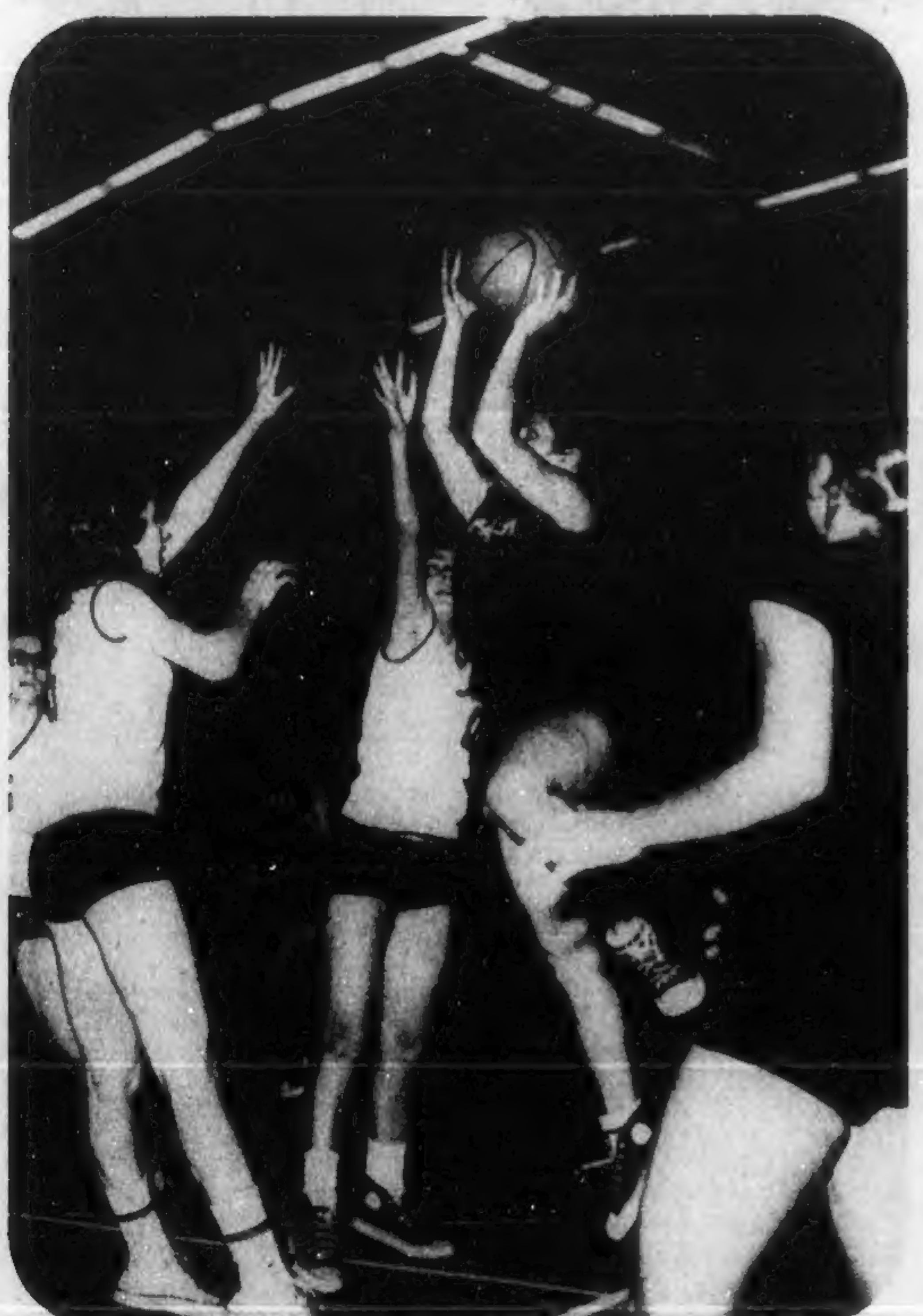

قهرمانان دختر بسکتبال آزمایش در یک مسابقه که در سال ۵۵ در باشگاههای کارگری کشور مقام اول را بدست آورد.

نه سال پیش از این، روزی که هزاران کارگر ورزشدوست برپائی تأسیسات ورزشی خود را جشن می‌گرفتند، هیچکس، حتی بدبین‌ترین شان، تصورش را هم نمی کرد که روزی روزگاری زمین فوتبال این باشگاه به انبار کارخانه تبدیل شود! آنهم در روزهائیکه فوتبال — این ورزش همیشه عزیز — از برکت جام تخت جمشید سر به کهکشان ها می‌ساید.

این مطلب هفته پیش، هنگام بازدید از تأسیسات ورزشی کارخانجات آزمایش دستگیرمان شد.

باشگاه کارگری آزمایش — که از بهترین است — اغلب در مسابقات رشته های مختلف ورزشی باشگاههای تهران عرض اندام می کند، بخصوص در والیبال و بسکتبال دختران که همیشه تیم دختران آزمایش یک پا مدعی است. کما اینکه سال پیش چه در مسابقات کارگری و چه در مسابقات باشگاههای عمومی کارنامه درخشانی بدست آورده‌اند. باشگاه ورزشی آزمایش هم اکنون در چهارده رشته ورزشی فعالیت دارد، که موفقیتشان بخصوص در والیبال، بسکتبال، پینگ پنگ، ژیمناستیک چشم گیر است. وقتی با جعفر سلطانی، دروازه‌بان قدیمی فوتبال تهران، و رئیس باشگاه آزمایش حرف می‌زنیم، از عدم همکاری بین دستگاه و باشگاه سخن ها می گوید و می افزاید که متأسفانه بر اثر بی توجهی، زمین فوتبال باشگاه آزمایش به انبار تبدیل شده است!! زمین فوتبالی که با زحمات شبانه روزی صدها کارگر فوتبال دوست ما صاف شد، چمن شد، با نورافکن های قوی مجهز شد و تاکنون چند فوتبالیست نامی به فوتبال تهران و ایران تحویل داده است.

از سلطانی علتش را می‌پرسیم، می گوید: دستگاههای مسئولی که باید به ورزش کارگران برسند، کوتاهی می کنند. و بعد ساکت می‌شود. انتظار دارد از این اشاره و کنایه تمام مطلب را بفهمیم....

رئیس باشگاه ورزشی آزمایش از افتخارات ورزشی باشگاهش سخن می گوید:

— در این چند سالی که از عمر باشگاه ما می‌گذرد، توانستیم ۱۴۰ کاپ در رشته های مختلف ورزشی بدست بیاوریم.

مواظب این سالن ها باشید.

باشگاه ورزشی آزمایش با چهار هزار متر مربع زیر بنا و هشتصد عضو در ضلع غربی کارخانجات آزمایش — در سه راه آبعلی — قرار

ورزشکاران باستانی باشگاه آزمایش در حال عملیات ورزشی

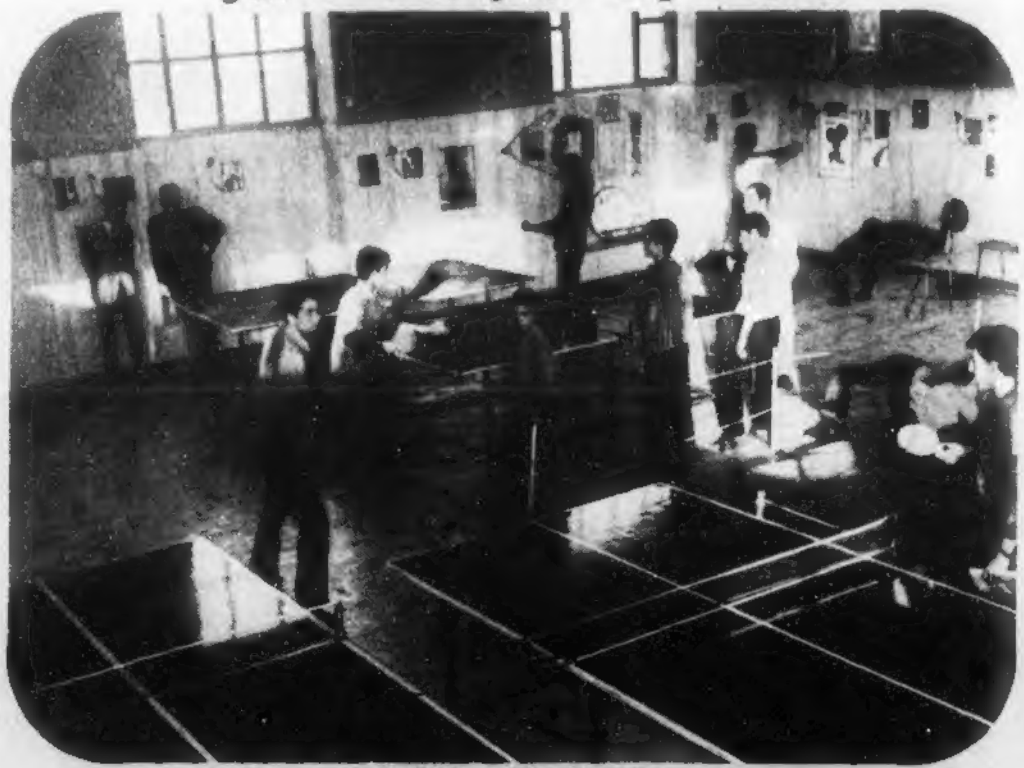

سالن پینگ پنگ باشگاه آزمایش

تیم والیبال دختران کارگر شرکت آزمایش .

دارد . باشگاه شامل زمین فوتبال ، استخر ، سالنهای سرپوشیده است. وقتی ازسالن سرپوشیده دیدن می کردیم ، گروه زیادی ورزشکار سرگرم بازی پینگ پنگ و ژیمناستیک بودند وبشوخی به مدیر باشگاه گفتیم سالن بزرگی است که برای جا دادن محصولات جان می دهد . مواظب باشید که به سرنوشت زمین فوتبال دچار نشود و یک روز از آن ، به عنوان « انبار » کالا استفاده نشود ! !

همراهم توضیح می دهد که از هشتصد عضو باشگاه ، ۲، ۳ نفرشان حرفه ای هستند و در مسابقه های ورزشی کارگری شرکت می کنند و در برابر تعجب من ، تصدیق می کند که این رقم برای کارخانه ای چون آزمایش چندان دلچسب نمی تواند باشد.

تیم پینگ پنگ مردان آزمایش ، هفت سال پیاپی ، عنوان قهرمانی باشگاههای کارگری را بخود اختصاص داده است . و امسال نیز در رشته های والیبال مردان — پینگ پنگ ووالیبال دختران — شطرنج دختران — پینگ پنگ و ژیمناستیک پسران عناوین افتخارآمیزی کسب کردند . سال پیش نیز در هفت رشته ورزشی در تهران و ۶ رشته درمسابقات کارگری کشور صاحب عنوان شده اند.

افتخارات باشگاه آزمایش درسالی که در پایان آن هستیم ، ازاین قراراست :

مقام اول پینگ پنگ پسران تهران.

قهرمان کشور درپینگ پنگ دختران.

قهرمان کشور در ژیمناستیک پسران و صاحب عنوان اولی دراین رشته درتهران.

در رشته ژیمناستیک دختران نیز در تهران اول شدند و درسطح کشور بمقام سوم رسیدند . درشطرنج در کشورسوم شدند.

چهره های سرشناس

اینان چهره های سرشناس باشگاه آزمایش هستند که برخی از آنان ازشهرتی فراوان برخوردارمی باشند.

جمال غفوریان (پینگ پنگ)
اکبرشهمیرزادی (فوتبال)
احمدخاتی (دوومیدانی)
سهراب ملک زاده (کشتی)
زرین تاج افشار (پینگ پنگ)
کبراعقیلی (شطرنج)
محسن سیمین پور (کوهنوردی)
نورالله کیاشمشکی (اسکی)
داود اشتهارد یان (باستانی کار)
محمود کیازال (والیبال)
پروین شیروانی (ژیمناستیک دختران)
حسین تهرانی (وزنه برداری)
خسروحق کشا در رشته دوچرخه سواری.
زینعلی در رشته دوچرخه سواری
حسن فرد " " " "
درودی " " "

تیم وزنه برداری کارگران یزد اول شد

در مسابقات وزنه برداری باشگاههای شهرستان یزد، تیم وزنه برداری کارگران این شهرستان با ۳۰ امتیاز مقام اول را بدست آورد . تیم بسکتبال باشگاه کارگری یزد نیز درمسابقات باشگاههای همین شهر دوم شد.

باشگاه کارگران یزد که از سال پیش شروع بکار کرده، در رشته های مختلف ورزشی فعالیت دارد . این تمامی خبری بود که برای ما رسید، البته همراه با یک قطعه عکس که نه شرح دارد و نه تفصیل ......و تلاش ما برای تکمیل خبر و شناختن قهرمانانی که درعکس دیده میشوند، بجائی نرسید . امید آنکه دوستان ما دراین قبیل موارد در تهیهٔ و تنظیم خبر از تعداد باشگاههای شرکت کننده ، جدول مسابقات ، اسامی تیم های اول تا سوم ذکر بمیان می آورند و نیز پشت عکسها، اسامی صاحبان تصاویر را قلمی بفرمایند که از پیش بابت این همکاری کلی سپاسگزاریم.

دوکارگر،دراردوی تیم ملی مشت زنان

فدراسیون بکس کشور ، پس از یک دوره تشنج و کم کاری، فعالیت جدیدی آغاز کرده است. فدراسیون، اخیراً یک دوره مسابقات مشت زنی بنام جام ششم بهمن ترتیب داد که تیم منتخب این مسابقات بنام تیم تهران در مسابقات قهرمانی کشور نیز شرکت خواهد کرد . از جمع بکس بازان حاضر در مسابقات هفت کارگر مشت زن بودند که دونفر از آنان احمد امیری و سیف اله امانی) مقام سوم را بدست آوردند . ضمناً بهروز فتحعلی و احمد امیری برای آمادگی بیشتر و شروع تمرینات منظم از طرف مسؤلان فدراسیون به آردوی تیم ملی دعوت شدند.

لازم به یادآوری است که از سال پیش در باشگاه کارگران تهران، کلاس بکس تشکیل شده که با استقبال کارگران علاقمند باین ورزش روبروشده است.

ورزش کارگر

سلام آقای برزگر!
در تفلیس خوش گذشت؟!

* سلام آقای برزگر! رسیدن به خیر، تفلیس خوش گذشت؟!

* خیلی ممنون، خوش که نه.......

* چرا نه؟

* چون سه چهار روز تو راه بودیم، سه روز هم کشتی‌ها جریان داشت. بعدش هم برگشتیم....

* با چی رفته بودید که سه چهار روز تو راه بودید؟

* با قطار.........

* وضع بچه ها چطور بود؟

* ای....... بد نبود.

* مثل اینکه زیاد از نتیجه راضی نیستید.

* تقریباً همینطوره . . . بعضی از بچه ها آمادگی نداشتند، مثل خدر که بعد از یکی دو کشتی بدنش افت کرد.

* سفر تو هم سور بود هم تماشا. چون ضمن اینکه جزو نفرات تیم نبـــــودی، روی حریفان آینده مطالعه می کردی. با دست پر برگشتی؟

* حتماً می‌خواهید از حریف آمریکائی «وید شالاس» که آشور علیف قهرمان جهان (در ۷۴ کیلو) را ضربه کرد حرف بزنم.

* اتفاقاً همینطوره، فکر میکنید در مونترال «شالاس» خطری برای مدعیان مدال طلا ۷۴ کیلو نباشد؟

* قهرمان آمریکائی بسیار قدرتمند است، ولی تجربه کافی ندارد، کما اینکه به عبدالمسلم اف کشتی‌گیر دیگر روسها در این وزن باخت. با وجود این «شالاس» که اغلب حریفان خود را ضربه فنی کرده بود، تنها خارجی بود که مدال طلا را از چنگ روسها درآورد.

* فکر میکنید اگر در فرم باشی با «شالاس» چه خواهی کرد؟

* واله نمیدانم. عرض کردم که کشتی گیر خوبی است، ولی تجربه ندارد. آشور علیف بعد از اینکه دو بار خاک شد، به پل رفت، ولی از پل در رفت. حریف با سر و ته یکی ضربه‌اش کرد.

در هر حال من تا کنون با «شالاس» روبرو نشدم.

* خودت چطوری؟ روبراه هستی؟ برای المپیک تمرین میکنی؟

* بد نیستم، ولی بقول شما هنوز روبراه روبراه نیستم . . . . . قرار است تیم کشتی روز پنجم اسفند برای مسابقات جهانی به آمریکا برود که در آنجا وضع ما کم و بیش روشن خواهد شد.

* روبهمرفته وضع قهرمانان سایر کشورها چطور بود؟

* روسها تمام آس هایشان را — جزته با شلویلی — رو کرده بودند و به هیچکس اجازه ندادند به حریم آنها تجاوز کنند.

قابل توجه جویندگان کار

از دارندگان گواهینامه دیپلم کامل متوسطه در رشته های ریاضی، طبیعی، ادبی و فنی که واجد شرایط زیر باشند دعوت می‌نمایند جهت مصاحبه و استخدام در یکی از سازمانهای دولتی با حقوق مکفی به مرکز کاریابی و اشتغال شماره یک تهران واقع در خیابان امیرآباد جنوبی خیابان رهنما، پلاک ۳۲ — مراجعه نمایند.

۱ — حداقل میانگین نمرات گواهینامه دیپلم ۱۴

۲ — انجام خدمت وظیفه

۳ — حداکثر سن ۲۸ سال

اداره کل اشتغال — وزارت کار و امور اجتماعی

قابل توجه جویندگان کار

از جویندگان کار برای مشاغل زیر دعوت میشود جهت مصاحبه و راهنمائی شغلی تا تاریخ ۱۳۵[illegible]/۱۲/۱ به مرکز کاریابی و اشتغال بندرعباس واقع در خیابان شاه‌حسینی و یا به نزدیکترین مرکز کاریابی واشتغال محل سکونت خود مراجعه نمایند. کارگران ماهر و نیمه ماهر که دارای گواهینامه مهارت حرفه‌ای از مراکز آموزش حرفه‌ای ذیصلاح باشند حق تقدم خواهند داشت.

ردیف	عنوان شغل	جنس	تحصیلات	سابقه کار	تعداد مورد نیاز
۱	کارمند امور دفتری	مرد	دیپلم (خدمت کرده یا معافی)	—	۲۱ نفر
۲	ماشین نویس فارسی و لاتین	زن و مرد	سیکل بالا	۶ ماه	۳۵ نفر
۳	متصدی اطلاعات	زن	سیکل بالا و آشنا بزبان انگلیسی	یکسال	۵ نفر
۴	کارآموز ذوب آهن	مرد	۶ ابتدائی بالا (خدمت کرده یا معافی)	—	۱۰۰ نفر
۵	حسابدار	مرد	دیپلم	—	۵ نفر
۶	راننده پایه یک بادفترچه ماشینهای سنگین	مرد	۶ ابتدائی بالا (خدمت کرده یا معافی)	—	۲۵ نفر
۷	کمک بهیار	زن	۶ ابتدائی بالا	—	۱۰ نفر
۸	خدمتگزار	زن	خواندن و نوشتن	—	۲۵ نفر
۹	لباسشوی	زن	خواندن و نوشتن	—	۵ نفر
۱۰	آشپز فرنگی و ایرانی	مرد	۶ ابتدائی بالا	۲ سال	۱۰ نفر
۱۱	پیشخدمت	مرد	۶ ابتدائی بالا (بامعافی یا خدمت کرده)	یکسال	۲۹ نفر
۱۲	مکانیک اتومبیل درجه یک	مرد	۶ ابتدائی بالا (خدمت کرده یا معافی)	۲ سال	۶ نفر
۱۳	جوشکار درجه یک	مرد	۶ ابتدائی بالا (خدمت کرده یا معافی)	۲ سال	۳ نفر
۱۴	باطری‌ساز درجه یک	مرد	۶ ابتدائی بالا (خدمت کرده یا معافی)	۲ سال	۳ نفر
۱۵	متخصص تعمیرات بدنـــه اتومبیل	مرد	۶ ابتدائی	—	۲۵ نفر
۱۶	نقاش اتومبیل	مرد	۶ ابتدائی	—	۵ نفر
۱۷	متخصص کارهای فلزی	مرد	۶ ابتدائی	—	۲۵ نفر
۱۸	لوله کش	مرد	۶ ابتدائی	—	۳ نفر
۱۹	آهنگر	مرد	۶ ابتدائی	—	۳ نفر
۲۰	متخصص برق	مرد	۶ ابتدائی	—	۲۵ نفر
۲۱	متخصص تهویه هوا	مرد	۶ ابتدائی	—	۳ نفر
۲۲	متخصص تعمیرات یخچال و کولر	مرد	۶ ابتدائی	—	۳ نفر
۲۳	متخصص حرارت مرکزی	مرد	۶ ابتدائی	—	۳ نفر
۲۴	متخصص نگهداری ساختمان	مرد	۶ ابتدائی	—	۲۵ نفر
۲۵	متخصص فاضل آب و موتور آب	مرد	۶ ابتدائی	—	۳ نفر
۲۶	متخصص تعمیر وسایل دفتری	مرد	۶ ابتدائی	—	۵ نفر
۲۷	نجار فرنگی‌ساز و ایرانی	مرد	۶ ابتدائی	—	۵ نفر
۲۸	قفل‌ساز و کلیدساز	مرد	۶ ابتدائی	—	۳ نفر

ادارهٔ کل اشتغال — وزارت کار و امور اجتماعی

در ورزشگاههای بدون استفاده کارگری....

بقیه از صفحه ۹۴

۶۲ کیلو — عزیزاله کبیری (ایران— ترانسفو) احمد رضی (پاستوریزه) یونس رسولی (شرکت نفت)

۶۸ کیلو — محمد ولی شیخی (پاستوریزه) ناصر صداقتی (کشتارگاه) داود دامن‌نیا (پارس الکتریک)

۷۴ کیلو — داود خانعلی زاده (خاور) منوچهر نقی زاده (واحد) رضا میش مست (ایران ترانسفو)

۸۲ کیلو — سیدمحمد رضوی (واحد) حسین بابائی (پاستوریزه) کاظم علیزاده (گودریچ)

۹۰ کیلو — علی کرم حسین پور (پاستوریزه) اسماعیل جلالی (واحد) احمد آرونی (برق)

۱۰۰ کیلو — سیاوش عجمی (پاستوریزه) محمد مرعی (کشتارگاه)

۱۰۰ + کیلو — سیدمجتبی هاشمی پور (واحد)

در رده‌بندی تیمی، در کشتی آزاد تیم کشتی آزاد اتومبیل خاور با ۳۸ امتیاز اول، برق تهران با ۲۶ امتیاز دوم و کشتارگاه با ۱۵ امتیاز سوم شدند.

تیم های بی‌اف‌گودریچ — واحد و آتش نشانی — مقام های چهارم تا ششم را بدست آوردند — در کشتی فرنگی تیم کشتی واحد با ۲۱ امتیاز اول، شیر پاستوریزه با ۲۰ امتیاز دوم و تیم ایران ترانسفو با ۱۶ امتیاز سوم شدند. تیم های اتومبیل خاور — گودریچ و بافکار مقامهای بعدی را بدست آوردند.

دانستنی های جهان در کلکسیونهای برف

پودر برف برای خدمتگزاری بیشتر به مصرف کنندگان عزیز خود و بالا بردن سطح دانش کودکان و نو جوانان اقدام به تهیه کارتهای رنگی ازموضوعات مختلف و مورد علاقه آنها مانند ماهیها ، گلها ، انواع اتومبیل ، عجائب هفتگانه ، شخصیتهای ورزشی و دهها موضوع جالب دیگر نموده است .

پشت کارتهای برف ، مطالب مربوط به عکس روی همان کارت چاپ شده است و بدین ترتیب فرزند شما با جمع آوری سریهای مختلف کلکسیونهای برف و نگاهداری آنها در آلبوم پس از چندی دارای مجموعه ای بسیار جالب از دانستنیهای جهان و آنچه در اطراف اوست خواهد شد .

با جمع آوری کارتهای کلکسیونهای برف فرزندان شمابدون زحمت و خرید کتابهای مختلف وصرف هزینه به دانش ومعلومات عمومی خودافزوده و ضمن اینکه این مجموعه سرگرمی بسیار جالبی برای آنهامیباشد پاسخگوی سئوالات آنها نیز خواهد بود .

پودر برف با تهیه کتابهای مختلف و مجموعه های متفاوت ازکشورهای مختلف توانسته است سریهای کلکسیونهای برف را هرچه بیشتر کامل نموده و با کمک متخصصین خود آنها را هرچه بیشترساده و جالب برای کودکان ونوجوانان شما آماده نماید .

شما وقتی پودر برف میخرید کارتهای کلکسیونهای برف را از قوطیهای برف بیرون بیاورید و به فرزندان خود بدهید و طریقه نگهداری و سری بندی کارتها را نیز به آنها بیاموزید تا در این خدمت کوچک با ما همگام شوید .

کارتهای کلکسیونهای برف عبارتند از:

انواع ماهی ، ماهی های تزئینی (آکواریوم) ، پروانه ها ، پرندگان ، گربه ها سگها ، اسب ها ، گل ها ، تابلوهای نقاشی ومینیاتور ، مجسمه ها ، درختها آثارباستانی ، ساختمانهای معروف دنیا ، سمبل کشورها ، عجائب هفتگانه پرچم های دنیا ، نژادها ، سیاستمداران دنیا ، تاریخ دنیا ، نویسندگان وشعراء موسیقیدانان ، کاشفین ومخترعین ، شخصیتهای ورزشی ، فضانوردان ، هنرمندان تاتر و سینما ، اتومبیلها ، هواپیماها ، کشتیها ، موشکها ، داستانهای کارتن ، داستانهای حماسه ای ، داستانهای فلکلوریک ، آلات موسیقی ، لباسهای محلی نجوم وصورفلکی ، لباسهای رزم ، حیوانات ماقبل تاریخ ، ورزشها ، انواع خانه و..

نمونه‌ای از کارتهای کلکسیونهای برف

برف ۱۴۱۴

برف ۱۹۰۱

برف ۲۶۰۱

برف ۱۱۲۰

برف ۱۷۰۷

پشت کارتهای کلکسیونهای برف مطالب مربوط به تصویر روی کارت نوشته شده است

کلکسیون تابلوهای نقاشی برف ۱۷۰۷

نام نقاش: فرانسوا بوشه F. BOUCHER

متولد : ۱۷۰۳ در فرانسه ، وفات ۱۷۷۰ میلادی

نام تابلو : خانم پومپیدور سال ۱۷۵۷

اندازه تابلو : ۱۷×۱۳ اینچ

محل نگاهداری تابلو . ادنبورگ گالری ملی اسکاتلند .

بوشه یکی از موفقترین نقاشان سبک رکوکو بوده است .

کارتهای کلکسیونهای برف در قوطیهای برف